کیهان ۵۳۸
KAYHAN.LONDON
بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۲۳ تا پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهل و دوم ــ شماره ۲۰۰۴

از دستاوردهای جمهوری اسلامی:

آلودگی کشنده و خسارت‌بار هوا

کیهان

بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

*****

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهانِ شما ، کیهانِ لندن
@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

*****

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

*****

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۰۴ (۵۳۸)
۲۳ تا ۲۹ آبان ۱۴۰۴
۱۴ تا ۲۰ نوامبر ۲۰۲۵

خرید کتاب سقوط بهشت

قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

خرید سالنامه مهسا

قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان لندن
KAYHAN LONDON
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:

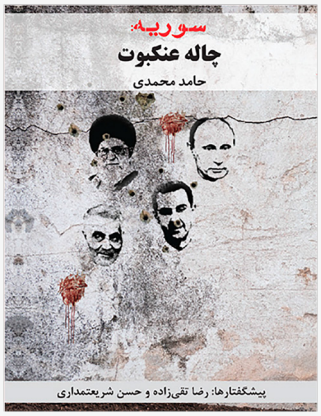

کتاب «سوریه : چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing Email: satrap@btconnect.com wwww.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

نامه ها و عاشقانه ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب " نامه ها و عاشقانه ها " با انتشارات مهرایران
شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمائید.
Web: www.pirnia.com E.mail:pirnia@pirnia.com

کیهان

فهرست مطالب

سرمقاله - ملی گرایی در جمهوری اسلامی؛ ابزاری برای اعتراف به شکست / روشنک آسترکی ۴
تیتر هفته - از دستاوردهای جمهوری اسلامی: آلودگی کشنده و خسارت بارهوا... / ۵-۴

دوران محمدرضا شاهی؛ همه چیز برای همه (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)... / فرید خلیفی ۵
نیویورک تایمز: جنگ مجدد اسرائیل با جمهوری اسلامی اجتناب ناپذیر است... / ۶
آکسیوس: طرح سپاه پاسداران برای ترور سفیر اسرائیل در مکزیک... / ۷
مقام ارشد اسرائیلی: هدف گذاری اسرائیل برای سرنگونی جمهوری اسلامی تا پایان دوره ترامپ... / ۸
سرنوشت مبهم ۴۰۷ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی؛ افزایش احتمال حمله نظامی مجدد به ایران... / ۹-۸
ترامپ در جلسه با رهبران کشورهای آسیای میانه: «ایران از آمریکا پرسیده آیا ممکن است تحریم‌ها... / ۹
آمریکا ۳۲ فرد و نهاد مرتبط با برنامه موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی را تحریم کرد... / ۱۰
آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: جمهوری اسلامی اجازه بازرسی از تأسیسات هسته‌ای کلیدی خود... / ۱۱-۱۰
بازنشر در طلب معجزه... / خیراندیش (احمد احرار) ۱۱
بازنشر جامعه، دولت و جنبش زنان ایران (۱) ... / دکتر مهرانگیز دولتشاهی ۱۳-۱۲
وزیر نفت تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین را تکذیب نکرد... / ۱۴
چگونگی کشف «شبکه جاسوسی هسته‌ای» مرتبط با جمهوری اسلامی و پاکستان... / ۱۵
نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی می‌توانند پارلمان عراق را به گروگان بگیرند... / احمد رأفت ۱۷-۱۶
ترامپ لایحه بازگشایی دولت را امضاء کرد؛ طولانی‌ترین تعطیلی دولت در تاریخ آمریکا پایان یافت... / ۱۷
سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی: احتمالا در جلسه آتی شورای حکام علیه ما اقدام شود... / ۱۸
تحریم سه عضو حزب‌الله به اتهام انتقال میلیون‌ها دلار پول از ایران... / ۱۹
نامه اعتراضی جمهوری اسلامی به سازمان ملل درباره «فرماندهی ترامپ» در جنگ ۱۲ روزه... / ۱۹
روزنامه «تایمز»: امپراتوری پنهان علی انصاری، از سپرده‌های بانکی تا عمارت‌های چندمیلیون پوندی... / ۲۱-۲۰
دوران محمدرضا شاهی؛ جبران عقب افتادگی (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)... / فرید خلیفی ۲۱
انتخابات عراق و جمهوری اسلامی... / بهنام محمدی ۲۱
روزنامه «اورشلیم پست»: آیا اسرائیل و آمریکا پیش از پایان ریاست جمهوری ترامپ موفق به «تغییر رژیم»... / ۲۲
واشنگتن فری بیکن: جمهوری اسلامی قاچاق تسلیحات پیشرفته به کرانه باختری را افزایش داده است... / ۲۳
گفتگو با دکتر روزبه یاسینی فرد، مخترع و کارآفرین ایرانی مشهور به «پدر مودم کابلی»... / محمدرضا حمیدی ۲۶-۲۴
بزرگداشت مهناز افخمی در دانشگاه «جرج تاون»... / ۲۸-۲۷
سازمان ملل: قتل‌های ناموسی در ایران «بامصونیت کامل» انجام می‌شود... / ۲۹
سلسله مرگ‌های مشکوک جوانان؛ مردم باور دارند حکومت «قاتل» است... / اختر قاسمی ۳۰
بازداشت یک شهروند ایرانی - آمریکایی کلیمی در ایران... / ۳۱
افشای عملیات نفوذی دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی در فرانسه... / ۳۳-۳۲
معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا: جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۵ یک میلیارد دلار برای حزب‌الله... / ۳۳
چرا اسرائیل هدفش از «سرنگونی رژیم ایران» را لو داد؟... / کوروش زمانی ۳۵-۳۴
شبه نظامیان حوثی: حمله به اسرائیل و کشتی‌ها در دریای سرخ متوقف شده است... / ۳۶
رافائل گروسی در مصاحبه با «فرانس ۲۴»: جمهوری اسلامی همچنان اورانیوم و ظرفیت کافی برای... / ۳۷-۳۶
بلومبرگ: تحقیقات وزارت دادگستری آمریکا درباره نقش تحریم‌ها توسط حسین شمخانی... / ۳۷
از خوب به عالی؛ رهبران چگونه ماندگار می‌شوند؟... / حنیف حیدرنژاد ۴۰-۳۸
۷۴ پیکر در سد کرج؛ چرا روایت محو شد؟... / س. روزبه ۴۱-۴۰
اسرائیل، دوست بی‌نیاز از توصیف ایران... / بهروز فتحعلی ۴۲
هفته‌نامه اکونومیست: احتمالا در جنگ بعدی اسرائیل برای سرنگونی جمهوری اسلامی اقدام می‌کند... / ۴۳-۴۲
خبرگزاری فارس: دیدار مشکوک نماینده جمهوری اسلامی با مقام اسرائیلی در اجلاس جهانی ایزو... / ۴۳
هشدار ۵۱ نماینده مجلس شورای اسلامی به سران قوا؛ حذف ارز ترجیحی تورم‌زا و تشدید کننده... / ۴۴
یک خودسوزی اعتراضی دیگر؛ اینبار آتش نشان جوان ساکن سنندج... / ۴۵
تأیید احکام سنگین زندان و شلاق علیه دو فعال سیاسی پادشاهی خواه... / ۴۵
در بحران گرانی و سقوط قدرت خرید در ایران، کارگران برای زنده ماندن هم با مشکل روبرو هستند... / ۴۶
بازداشت شماری از شهروندان در اهواز به دلیل انتشار مطالبی درباره خودسوزی احمد بالدی... / ۴۷
ادعای نماینده مجلس شورای اسلامی: «اجرا نشدن قانون حجاب و عفاف باعث کم آبی شده است!»... / ۴۷
برگزاری نشست علنی بررسی عملکرد دولت در اجرای سال نخست برنامه هفتم توسعه... / ۴۸
عباس عراقچی: در حال حاضر هیچ امکانی برای از سرگیری مذاکرات با آمریکا وجود ندارد... / ۴۹
دور جدید اعتصاب و اعتراض پرستاران در مشهد وارد سومین روز شد... / ۵۱-۵۰
همایون ارشادی، بازیگر سینما، درگذشت... / ۵۱
عامل اصلی جان باختن احمد بالدی... / بهنام محمدی ۵۱
زنگ خطر آلودگی هوا در ایران؛ مرگ ده‌ها هزار نفر در سال و خسارت اقتصادی روزانه... / ۵۳-۵۲
نیکولا سارکوزی با رأی دادگاه تجدیدنظر از زندان آزاد شد... / ۵۳
انتقاد عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی از نظارت «نمایشی» بر توزیع دارو... / ۵۵-۵۴
شهرهای بزرگ در تنگنای آبی؛ آبفای کشور: جیره‌بندی آب یعنی تأمین نوبتی آب... / ۵۶-۵۵
هشدار یک اقتصاددان: حذف ارز ترجیحی تورم را به صورت انفجاری افزایش می‌دهد... / ۵۷-۵۶
اصناف دانشجویی دانشگاه‌های تهران و «شریف»: اینترنت طبقاتی که «مصداق تشدید نابرابری و... / ۵۸
ادامه بحران تأمین خوراک در دامپروری‌ها و مرغداری‌ها... / ۵۹
نتایج یک نظرسنجی حکومتی: سطح نارضایتی عمومی در ایران به ۹۲ درصد رسیده است... / ۶۰
به جیب زدن ۴۰ هزار میلیارد تومان از منابع «بانک آینده» در آخرین دقایق پیش از انحلال... / ۶۱
سهم هر خانوار ایرانی از گوشت در ۳۰ سال گذشته ۶۳ کیلوگرم آب رفت!... / ۶۲
رقم سبد معیشت ۵۸ میلیون تومان شد؛ موج ویرانگر فقر در میان خانوارهای ایران... / ۶۳
خبرهای کوتاه... / ۶۵-۶۴
پشت جلد - عکس هفته / ایران برمی‌خیزد... / ۶۶

سرمقاله

ملی‌گرایی در جمهوری اسلامی؛ ابزاری برای اعتراف به شکست

پایتخت ایران هفته گذشته شاهد مراسمی برآمده از اتاق‌فکرهای امنیتی جمهوری اسلامی و در راستای پروژه‌هایی برای «بقای نظام» بود. رونمایی از سنگ‌نگاره «شاپور اول ساسانی» به همراه اجرای سرود ملی «ای ایران» آن هم در «میدان انقلاب»! سنگ‌نگاره‌ای که پادشاه سوار بر اسب ایرانی را در حالیکه والرین امپراطور روم مقابل او زانو زده و برداشتی از پیروزی ایران بر رومیان بود به تصویر می‌کشید.

اتاق فکرهای جمهوری اسلامی مدتهاست که ملی‌گرایی را نه به عنوان یک ایدئولوژی پیش‌برنده برای ایران، بلکه با هدف سوءاستفاده ابزاری برای «بقای نظام» در محور طراحی‌های خود قرار داده‌اند؛ فارغ از آنکه ملی‌گرایی و جمهوری اسلامی جمع اضدادند!

روح‌الله خمینی رهبر انقلاب ۵۷ معتقد بود ملی‌گرایی «کفر» و اساس بدبختی مسلمین است. او ملی‌گرایان را لشکرهای شیاطین و عمال غرب می دانست.

میرحسین موسوی نخست وزیر دوران طلایی رژیم، آذرماه ۱۳۶۱ با کنایه به دوران پهلوی گفته بود «خرابه‌های تخت جمشید را از خاک بیرون کشیدند و تاریخ ساختند تا ملت اجبارا به تاریخ بیگانه از اسلام افتخار کند. می‌گفتند شما داریوش‌ها و کوروش‌ها را دارید تا کشور را اسلام‌زدایی کنند.»

انقلابیون پنجاه‌وهفتیِ حاکم بر ایران، نیم قرن پس از انقلاب‌شان دریافته‌اند که همه ایدئولوژی‌هایی که زمانی برای اداره کشور و به عنوان «آرمان انقلاب» مطرح می کردند سست، تهی و تمام‌شده هستند و در مقابل، آنچه در میان شهروندان ایران روز به روز نیرومندتر می شود و نظریه‌هایی کارگشا برای حل بحران‌های عمیق و انباشته کشور دارد، و ملت ایران را به دیروز و امروز و آینده آگاه می‌کند ملی‌گرایی است.

به همین علت است که در شرایط احتضار و در آستانه فروپاشی جمهوری اسلامی، تئوریسین‌های امنیتی حکومت، به درگاه تاریخ ملت ایران متوسل شده تا شاید فرجی برای «بقا» باشد!

اینهمه در حالیست که در «میدان انقلاب» تهران فقط امپراطور روم نبود که شکست‌خورده، به شاهنشاه ایران تعظیم کرد؛ جمهوری اسلامی نیز به شکستی بزرگ اعتراف و در برابر شکوه ایران زانو زد و تسلیم شد!

نزدیک به نیم قرن پیش انقلابیون با تمام حرارت و هیجان‌شان می گفتند ما علیه «دوران ۲۵۰۰ ساله ستمشاهی» شوریده‌ایم! آنها شورشگرانی علیه تاریخ و گذشته ایران بودند اما اکنون با کارنامه‌ای سیاه و نیم قرن تباهکاری، در «میدان انقلاب» در برابر بزرگی تاریخ ایران و تاریخ شاهنشاهی این سرزمین کهن زانو زدند.

تیتر هفته

از دستاورهای جمهوری اسلامی: آلودگی کشنده و خسارت‌بار هوا

در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۸ هزار و ۹۷۵ مورد مرگ ناشی از آلودگی هوا در کشور ثبت شده است. خسارت اقتصادی ناشی از مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا در سال گذشته خورشیدی حدود ۲/۱۷ میلیارد دلار برآورد شده است. این خسارات معادل ۴۷ میلیون دلار در روز یا حدود یک هزار و ۳۹۴ هزار میلیارد تومان، با احتساب نرخ ارز رسمی است.

از بی‌آبی و خشکسالی تا آلودگی هوا و ریزگردها، از فرونشست زمین تا جنگل‌زدایی، مشکلات محیط زیستی و اقلیمی ساکنان ایران یکی و دو تا نیستند. طبق گزارش وزارت بهداشت جمهوری اسلامی علت مرگ دستکم حدود ۵۹ هزار شهروند در سال ۱۴۰۳ در رابطه با آلودگی هوا بوده است. علیرضا رئیسی، معاون وزارت بهداشت جمهوری اسلامی می‌گوید «برآوردهای انجام‌شده نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۸ هزار و ۹۷۵ مورد مرگ در کشور منتسب به مواجهه با ذرات معلق کمتر از ۵/۲ میکرون بوده است.» این رقم معادل ۱۶۱ مرگ در روز و حدود ۷ مرگ در هر ساعت است. ارقامی که تنها با یک کشور درگیر جنگ قابل مقایسه است.

آلودگی هوا تنها یکی از مهم‌ترین دلایل مرگ و میر در ایران نیست. نمی‌توان بار اقتصادی این فاجعه را نادیده گرفت. به گفته معاون وزارت بهداشت خسارت اقتصادی ناشی از مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا در سال گذشته خورشیدی حدود ۲/۱۷ میلیارد دلار برآورد شده است. این خسارات معادل ۴۷ میلیون دلار در روز یا حدود یک هزار و ۳۹۴ هزار میلیارد تومان، با احتساب نرخ ارز رسمی است. آلودگی هوا در زندگی روزانه مردم نیز تأثیر بسزایی دارد. استانداری تهران فعالیت‌های ورزشی مدارس در ۱۰ شهرستان استان تهران برای ۴۸ ساعت ممنوع اعلام کرده است.

ناکارآمدی دولت و نظام

با وجود مشکلات فزاینده مربوط به آلودگی هوا و عواقب آن بر سلامت و زندگی روزمره شهروندان، نهادهای مختلفی که باید در این زمینه فعال باشند و چاره‌اندیشی کنند، رویکرد موثری نداشته‌اند. قانون «هوای پاک» که در سال ۱۳۹۶ تصویب شد در عمده موارد هنوز روی کاغذ مانده و اجرایی نشده است. البته جلسه پشت جلسه برگزار می‌شود ولی از تدابیری که باید برای جلوگیری از این فاجعه اتخاذ شوند خبری نیست.

در قانون «هوای پاک» نهادهای مختلف اجرایی چون وزارت کشور، وزارت نفت، وزارت نیرو، نیروی انتظامی، شهرداری‌ها و صدا و سیما، هر کدام در حوزه خود مکلف هستند در کنترل آلودگی هوا مشارکت داشته باشند. اما ظاهرا مشارکت چندانی از سوی این سازمان‌ها و مسئولان آنها صورت نگرفته است و آلودگی هوا همچنان در ایران قربانی می‌گیرد و تأثیرات منفی عمیقی بر زندگی مردم می‌گذارد.

علیرضا رئیسی می‌گوید بررسی‌ها نشان می‌دهد ۱۰۰ درصد جمعیت شهری در ایران در معرض غلظتی بالاتر از حدود رهنمود سازمان جهانی بهداشت قرار دارند. همین مقام وزارت بهداشت می‌افزاید ۹۶ درصد جمعیت شهری با غلظتی بیش از استاندارد ملی مواجه است. این اظهارات معاون وزیر بهداشت در حالیست که وضعیت در بعضی از استان‌ها مانند خوزستان «اضطراری» اعلام شده است. محمدرضا موالی زاده، استاندار خوزستان می‌گوید «اکنون شرایط در خوزستان، حساس و فوق‌العاده است و دیگر تاب و تحمل مردم از دست رفته است.»

بهای اقتصادی آلودگی هوا

بانک جهانی نیز به وضعیت ناشی از آلودگی در زمینه اقتصادی اشاره کرده است. بنا بر گزارش این نهاد بین‌المللی آلودگی هوا تنها در شهر تهران سالانه ۶/۲ میلیارد دلار به شهروندان خسارت وارد می‌کند. در این استان خسارات ناشی از آلودگی هوا برای هر شهروند حدود ۳۰۰ ←

دلار در سال است. آلودگی هوا برای یک خانواده چهار نفره ۱۲۰۰ دلار در سال یا ۶۰ میلیون تومان هزینه دارد. علاوه بر این هر روز تعطیلی در پیامد آلودگی هوا در تهران نیز ۱۰۰ میلیارد تومان خسارت بجا می‌گذارد. علاوه بر این خسارات فردی و جمعی، کشاورزی، صنایع غذایی هم خسارت‌های قابل توجهی را باید متحمل شوند.

برخی بررسی‌ها حکایت از این امر دارند که برای حل مسئله آلودگی تنها در ۹ کلان‌شهر ایران دولت باید بودجه‌ای ۲۰۶ هزار میلیارد تومانی اختصاص دهد. البته به این بودجه آنچه بخش تولیدی نیز باید هزینه کند را افزود. البته وضعیت در برخی از استان‌ها چون خوزستان وخیم‌تر است. بنا بر آمار رسمی نهادهای بهداشتی این استان در خوزستان یک فاجعه انسانی تمام عیار در جریان است. آلودگی هوا تنها در این استان هزینه‌ای برابر با ۴۲۷ میلیون دلار بر بخش سلامت تحمیل کرده است. در سال گذشته ۲۵۱ هزار نفر با بیماری‌های ناشی از آلودگی هوا به بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها مراجعه کرده‌اند. ۷۰ درصد از این افراد زیر ۱۴ سال و ۲۰ درصد نیز بالای ۶۰ سال سن داشتند.

اینهمه در حالیست که در درستی آمارهای ارائه شده درباره خسارت آلودگی هوا بر سلامت و جان شهروندان، و همچنین بخش سلامت تردید وجود دارد. به نظر می‌رسد روند سانسور آمار درباره آمار شهروندان متأثر از این موضوع نیز در جریان است. روز گذشته یکی از مقامات دانشکده علوم پزشکی اهواز اعلام کرد استانداری خوزستان، دانشگاه علوم‌پزشکی جندی‌شاپور اهواز را از ارائه آمار بیماران و مراجعان ناشی از آلودگی هوا به مراکز درمانی منع کرده است و خواستار شده هیچ آماری به خبرنگاران رسانه‌ها از روز چهارشنبه، ۲۱ مهرماه، ارائه نشود.

همچنین آلودگی هوا همه را به طور یکسان تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. افرادی که در محلات فقیر و یا در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند بیشتر آسیب‌پذی هستند، و البته کودکان و افراد مسن.

آلودگی کشنده هوا

اگر چه آلودگی هوا یکی از دلایل جدی مرگ در جهان است و تخمین زده می‌شود که سالیانه ۹/۷ میلیون نفر در پنج قاره قربانی هوای ناسالم می‌شوند، ولی در ایران نسبت به میانگین جهانی شمار قربانیان بالاتر است زیرا میزان غلظت سالیانه ذرات معلق در ایران افزون از ۴۰ میکروگرم، یعنی ۹ میکروگرم بیشتر از میانگین جهانی است. در ۱۴۰۳ در کلان‌شهرهایی چون تهران، اصفهان، کرج، مشهد، اهواز، تبریز، اراک کرمانشاه، قم و یزد بین ۱۶۰ تا ۲۵۰ روز در سال هوا آلوده بوده است.

از جمله دلایلی علاوه بر ناکارآمدی سیاست‌های نظام که بر آلودگی هم تأثیرگذار است می‌توان به ناوگان اتومبیل‌های شخصی و عمومی اشاره کرد. در سال ۱۳۹۰ شمار اتومبیل‌های فعال در ایران ۱۲ میلیون بود. امروز این رقم به بیش از ۲۵ میلیون افزایش یافته است. البته نمی‌توان از نظر دور داشت که بخش قابل توجهی از این خودروها فرسوده، پرمصرف و غیر استاندارد هستند. به این مشکل باید کیفیت پایین سوخت و بویژه گازوئیل مصرفی را هم افزود. در بسیاری از نقاط ایران سوخت عرضه شده دارای غلظت بالای گوگرد و دیگر ترکیبات آلاینده است. البته صنایع کشور، به ویژه آنهایی که در اطراف کلان‌شهرها فعال هستند، در این آلودگی گسترده سهم دارند. بسیاری از این صنایع نه تنها از سوخت‌های فسیلی استفاده می‌کنند بلکه فاقد فیلترهای مناسب برای کاهش آلایندگی هم هستند و هیچگونه نظارتی هم از سوی دولت انجام نمی‌گیرد و آنها بدون دغدغه به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

تأثیر خشکسالی بر آلودگی هوا

کاهش ریزش باران هم یکی دیگر از عواملی است که به افزایش آلودگی کمک می‌کند. مرکز ملی اقلیم ارزیابی کرده است که در سال جاری خورشیدی در نیمه شرقی کشور کاهش ریزش باران بین ۳۰ تا ۴۰ درصد نسبت به سال گذشته خواهد بود، در حالیکه در نیمه غربی و شمال تغییری پیش‌بینی نشده است. در برخی مناطق چون سیستان و بلوچستان یا هرمزگان این کاهش حتی به ۹۰ درصد هم خواهد رسید. این کاهش ریزش باران تنها بر آلودگی هوا تأثیر منفی ندارد بلکه خطر «روز صفر آبی» برخی از استان‌ها منجمله تهران را تهدید می‌کند. «روز صفر آبی» به زمانی گفته می‌شود که منابع آبی یک منطقه در حدی کاهش پیدا می‌کند که پاسخگوی تقاضای مصرف نیست. ایران در سال آبی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴ با یکی از خشک‌ترین دوره‌ها در ۵۰ سال اخیر مواجه خواهد بود.

دوران محمدرضا شاهی؛ همه چیز برای همه

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)

محمدرضاشاه پهلوی اردیبهشت ۱۳۳۹ برای دیدارهایی رسمی به چند کشور اروپایی رفت تا جایگاه ایران و ایرانی را در جهان غرب بیش از پیش ارتقا دهد. علاوه بر آن شاه از پیشرفت‌های کشورها برای ساخت ایرانی مدرن الهام می‌گرفت و تکنولوژی و امکانات دنیای پیشرفته را برای ایران و ایرانی می‌خواست.

کیهان

نیویورک‌تایمز: جنگ مجدد اسرائیل با جمهوری اسلامی اجتناب‌ناپذیر است

● طبق گزارشی از نیویورک تایمز، وقوع جنگ مجدد میان اسرائیل و جمهوری اسلامی «اجتناب ناپذیر است» اما «تنها مسئله مربوط به زمان وقوع آن» است. این گزارش می‌گوید ایران همچنان ذخایری از اورانیوم غنی‌شده در اختیار دارد و در حال رقابت برای ساخت هزاران موشک است.

● استیون ارلانگر ستون نویس روزنامه «نیویورک تایمز» در مقاله‌ای که یکشنبه ۹ نوامبر (۱۸ آبان‌ماه) منتشر شد نوشت: «رئیس جمهور ترامپ اصرار دارد که حملات هوایی ایالات متحده، برنامه غنی‌سازی هسته‌ای ایران را در تابستان امسال نابود کرده است، اما مقامات متقاعد نشده و هشدار می‌دهند که وقوع جنگ دوباره به زمان بستگی دارد.»

● نویسنده تأکید کرده نتیجه این وضعیت، بن‌بستی خطرناک است. بدون مذاکره، بدون قطعیت در مورد ذخایر ایران، بدون نظارت مستقل و بسیاری در خلیج فارس معتقدند که با توجه به دیدگاه دیرینه مقامات اسرائیل مبنی بر اینکه برنامه هسته‌ای ایران یک تهدید وجودی است، حمله دیگر اسرائیل به ایران تقریباً اجتناب‌ناپذیر است.

● اچ.اِی.هلیر، پژوهشگر ارشد مرکز پیشرفت آمریکا و موسسه خدمات سلطنتی بریتانیا، نیز می‌گوید: «اسرائیل می‌خواهد مطمئن شود برنامه هسته‌ای ایران مهار شده، و چون از راه مذاکره به آن نمی‌رسد، احتمالاً قصد دارد دوباره حمله کند.» او افزود جمهوری اسلامی در حال بازسازی توان خود است، اما اگر از حدی مشخص فراتر رود، اسرائیل مجددا دست به عملیات نظامی خواهد زد.

طبق گزارشی از نیویورک تایمز، وقوع جنگ مجدد میان اسرائیل و جمهوری اسلامی «اجتناب ناپذیر است» اما «تنها مسئله مربوط به زمان وقوع آن» است. این گزارش می‌گوید ایران همچنان ذخایری از اورانیوم غنی‌شده در اختیار دارد و در حال رقابت برای ساخت هزاران موشک است.

استیون ارلانگر ستون نویس روزنامه «نیویورک تایمز» در مقاله‌ای که یکشنبه ۹ نوامبر (۱۸ آبان‌ماه) منتشر شد نوشت: «رئیس جمهور ترامپ اصرار دارد که حملات هوایی ایالات متحده، برنامه غنی‌سازی هسته‌ای ایران را در تابستان امسال نابود کرده است، اما مقامات متقاعد نشده و هشدار می‌دهند که وقوع جنگ دوباره به زمان بستگی دارد.»

در این مقاله آمده توافقنامه اتمی سال ۲۰۱۵ موسوم به «برجام» که قرار بود غنی‌سازی هسته‌ای ایران را محدود کند، ماه گذشته منقضی شد. تحریم‌های شدید علیه ایران از سر گرفته شده است. به نظر می‌رسد مذاکرات در مورد برنامه هسته‌ای این کشور، حداقل فعلاً، متوقف شده است و ذخایر اورانیوم غنی‌شده با خلوص بالای ایران، که برای ساخت ۱۱ سلاح هسته‌ای کافی است.

نویسنده تأکید کرده نتیجه این وضعیت، بن‌بستی خطرناک است. بدون مذاکره، بدون قطعیت در مورد ذخایر ایران، بدون نظارت مستقل و بسیاری در خلیج فارس معتقدند که با توجه به دیدگاه دیرینه مقامات اسرائیل مبنی بر اینکه برنامه هسته‌ای ایران یک تهدید وجودی است، حمله دیگر اسرائیل به ایران تقریباً اجتناب‌ناپذیر است.

علی واعظ مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران که مواضع جمهوری اسلامی را برجسته می‌کند، می‌گوید: «ایران احتمالاً به هر حمله اسرائیل به شیوه‌ای بسیار متفاوت از آنچه در ماه ژوئن انجام داد، پاسخ خواهد داد.»

او گفت، مقامات ایرانی به او گفته‌اند که کارخانه‌های موشک‌سازی ۲۴ ساعته کار می‌کنند و اگر جنگ دیگری رخ دهد، «آنها امیدوارند که دو هزار موشک را به طور همزمان شلیک کنند تا دفاع اسرائیل را در هم بشکنند، نه ۵۰۰موشک را در ۱۲ روز همانطور که در ماه خرداد شلیک کردند.»

در بخش دیگری واعظ می‌گوید: «اسرائیل احساس می‌کند که کار ناتمام است و دلیلی برای از سرگیری درگیری نمی‌بیند، بنابراین ایران آمادگی خود را برای دور بعدی دو برابر می‌کند.»

نیویورک‌تایمز در ادامه گزارش خود نوشت کشورهای عربی منطقه، از جمله عربستان سعودی، مصر و امارات متحده عربی، نفوذ خود بر واشینگتن و شخص دونالد ترامپ، رییس‌جمهوری آمریکا، را افزایش داده‌اند.

صنم وکیلی، مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در «اندیشکده چتم‌هاوس»، گفت کشورهای عربی همچنین می‌کوشند روابط خود با تهران را حفظ کنند.

او افزود کشورهای عربی خواهان جنگی تازه در منطقه نیستند و علی‌رغم تضعیف جمهوری اسلامی، همچنان از توانایی تهران در ایجاد بی‌ثباتی به شکل مستقیم یا از طریق گروه‌های نیابتی‌اش در لبنان، عراق، یمن و سایر مناطق بیم دارند.

سوزان مالونی، مدیر برنامه سیاست خارجی در «موسسه بروکینگز»، در همین رابطه گفت: «ایران در ضعیف‌ترین موقعیت خود از زمان حمله آمریکا به عراق قرار دارد، اما در آن حد ضعیف نیست که بی‌اهمیت تلقی شود.»

به گفته او، ایرانِ تضعیف‌شده برای کشورهای خلیج فارس هدفی آسان‌تر برای تعامل و مهار است، اما همین ضعف می‌تواند آن را در شرایط ناامیدی به بازیگری خطرناک‌تر بدل کند.

اچ.اِی.هلیر، پژوهشگر ارشد مرکز پیشرفت آمریکا و موسسه خدمات سلطنتی بریتانیا، نیز می‌گوید: «اسرائیل می‌خواهد مطمئن شود برنامه هسته‌ای ایران مهار شده، و چون از راه مذاکره به آن نمی‌رسد، احتمالاً قصد دارد دوباره حمله کند.»

او افزود جمهوری اسلامی در حال بازسازی توان خود است، اما اگر از حدی مشخص فراتر رود، اسرائیل مجددا دست به عملیات نظامی خواهد زد.

کشورهای عربی همچنین تمایل دارند با همکاری دولت ترامپ محدودیت‌هایی برای اسرائیل ایجاد کنند، چرا که اسرائیل پس از ویرانی گسترده در غزه و حملاتش علیه حماس، حزب‌الله و حکومت ایران، در پی تثبیت جایگاه خود به‌عنوان قدرت برتر منطقه است.

مقام‌های عربی می‌گویند هرچند حامی از سرگیری مذاکرات هسته‌ای میان جمهوری اسلامی و واشنگتن هستند، اما در حال حاضر امید چندانی به تحقق آن ندارند.

تهران در جنگ ۱۲ روزه

آکسیوس: طرح سپاه پاسداران برای ترور سفیر اسرائیل در مکزیک؛ سفارت جمهوری اسلامی تکذیب کرد

پایگاه خبری «آکسیوس» ۷ نوامبر (۱۶ آبان) به نقل از «منابع آگاه» گزارش داد این طرح توسط همان واحد نیروی قدس سپاه پاسداران موسوم به واحد ۱۱۰۰۰ طراحی شده بود که در ماه‌های اخیر نیز متهم به تلاش برای انجام حملاتی علیه اهداف یهودی و اسرائیلی در استرالیا و اروپا شده است.

یکی از منابع می‌گوید این طرح در اواخر سال ۲۰۲۴ آغاز شد و رهبری آن را یکی از عوامل واحد ۱۱۰۰۰ بر عهده داشت که چندین سال از طریق سفارت جمهوری اسلامی در ونزوئلا مأمور جذب و هدایت نیروهای ایرانی در آمریکای لاتین بود. زمانیکه طرح به مرحله اجرا رسید، این فرد به مقر نیروی قدس در تهران بازگشته بود.

اینات کرانتس نایگر سفیر اسرائیل در مکزیک

مقام‌های آمریکایی و اسرائیلی می‌گویندسپاه پاسداران انقلاب اسلامی قصد داشته اینات کرانتس نایگر سفیر اسرائیل در مکزیک را ترور کند، اما این طرح توسط نیروهای امنیتی مکزیک خنثی شده است. وزرات خارجه جمهوری اسلامی و همچنین سفارت ایران در مکزیک این گزارش را رد کردند.

پایگاه خبری «آکسیوس» ۷ نوامبر (۱۶ آبان) به نقل از «منابع آگاه» گزارش داد این طرح توسط همان واحد نیروی قدس سپاه پاسداران موسوم به واحد ۱۱۰۰۰ طراحی شده بود که در ماه‌های اخیر نیز متهم به تلاش برای انجام حملاتی علیه اهداف یهودی و اسرائیلی در استرالیا و اروپا شده است.

اهمیت موضوع در این است که مقام‌های آمریکایی می‌گویند این ماجرا نشان‌دهنده وجود یک شبکه گسترده برون‌مرزی از سوی جمهوری اسلامی است که علیه اهداف آمریکایی و اسرائیلی از جمله در آمریکای لاتین فعالیت می‌کند.

یکی از منابع می‌گوید این طرح در اواخر سال ۲۰۲۴ آغاز شد و رهبری آن را یکی از عوامل واحد ۱۱۰۰۰ بر عهده داشت که چندین سال از طریق سفارت جمهوری اسلامی در ونزوئلا مأمور جذب و هدایت نیروهای ایرانی در آمریکای لاتین بود. زمانیکه طرح به مرحله اجرا رسید، این فرد به مقر نیروی قدس در تهران بازگشته بود.

در همین حال یک مقام آمریکایی نیز گفت طرح ترور تا نیمه نخست سال ۲۰۲۵ فعال بود اما در تابستان متوقف شد. او اشاره کرد: «این طرح مهار شده و در حال حاضر تهدیدی محسوب نمی‌شود.»

دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل از اظهارنظر در این زمینه خودداری کرده است.

همین مقام آمریکایی مذکور اضافه کرد: «این فقط تازه‌ترین نمونه از سلسله تلاش‌های ترور توسط ایران در سراسر جهان است که دیپلمات‌ها، روزنامه‌نگاران، مخالفان و هر فردی را که با آنها اختلاف‌نظر دارد هدف قرار می‌دهد. این موضوعی است که باید همه کشورهایی را که ایرانیان در آنها حضور دارند، عمیقاً نگران کند.»

در ارتباط با این موضوع اورن مارمورشتاین، سخنگوی وزارت خارجه اسرائیل گفت اسرائیل از نهادهای امنیتی و انتظامی مکزیک برای خنثی‌سازی این طرح تشکر می‌کند.

او می‌افزاید: «جامعه اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل به همکاری کامل با دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی جهان ادامه خواهد داد تا تهدیدهای تروریستی ایران و نیروهای نیابتی آن علیه اهداف اسرائیلی و یهودی در سراسر جهان را خنثی کند.»

کانال ۱۲ اسرائیل درباره طرح سپاه پاسداران برای ترور سفیر اسرائیل در مکزیک به نقل از منابع آگاه نوشت پشت این طرح حسن ایزدی قرار داشت که یکی از اعضای نیروی قدس سپاه است. طبق این گزارش او در گذشته از طریق سفارت ایران در ونزوئلا فعالیت می‌کرد.

این گزارش‌ها در شرایطی منتشر می‌شوند که روابط میان جمهوری اسلامی و اسرائیل از اوایل فروردین ۱۴۰۳ دچار تشدید چشمگیری شده است.

در روز ۱۳ فروردین همان سال، نیروی هوایی اسرائیل کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق را هدف قرار داد و در نتیجه چند فرمانده بلندپایه سپاه پاسداران، از جمله محمدرضا زاهدی و محمدهادی حاج‌رحیمی، کشته شدند. در پی آن حمله تهران با شلیک موشک و پهپاد واکنش نشان داد و اهدافی در خاک اسرائیل مورد اصابت قرار گرفتند.

پیش از این، مقامات اطلاعاتی آمریکا هشدار داده بودند که جمهوری اسلامی شبکه‌هایی در آمریکای لاتین ایجاد کرده تا از آن برای انجام عملیات فرامرزی بهره برد و از ونزوئلا به عنوان یک پایگاه لجستیکی استفاده کند.

منطقه آمریکای لاتین پیشینه‌ای از خشونت‌های مرتبط با منافع جمهوری اسلامی دارد، از جمله انفجار سال ۱۹۹۴ در مرکز یهودیان بوئنوس آیرس که ۸۵ قربانی بر جای گذاشت و دولت‌های آرژانتین و اسرائیل آن را به حزب‌الله لبنان نسبت دادند و مدعی شدند این گروه به دستور تهران عمل کرده است.

ایالات متحده و متحدان آن بارها مدعی شده‌اند که جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابت یوابسته به آن دست به تلاش‌هایی برای انجام حملات خشونت‌آمیز علیه منتقدان و مخالفان تهران زده‌اند.

در تازه‌ترین نمونه، یک دادگاه در نیویورک روز هفتم آبان‌ماه دو عضو مافیای روسیه را به اتهام مشارکت در طرح نافرجام ترور مسیح علی‌نژاد، مخالف ایرانی-آمریکایی، هر یک به ۲۵ سال حبس محکوم کرد.

در همین راستا سازمان‌های امنیتی بریتانیا و سوئد نیز سال گذشته هشدار دادند که تهران از باندهای جنایی برای اجرای حملات خشونت‌آمیز در خاک آنها استفاده می‌کند. مقام‌های لندن اعلام کردند که از سال ۲۰۲۲ تاکنون بیست طرح مرتبط با ایران را شناسایی و خنثی کرده‌اند.

همچنین دست‌کم ۱۲ کشور دیگر اقدام‌هایی را که آن را «افزایش برنامه‌های ترور، آدم‌ربایی و آزار و اذیت از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی [حکومت] ایران» توصیف کرده‌اند، به‌صراحت محکوم نموده‌اند.

واکنش جمهوری اسلامی

در واکنش به این گزارش، سفارت جمهوری اسلامی ایران در مکزیک در بیانیه‌ای ادعا کرد چنین اتهامی «سراسر کذب» است. در این بیانیه آمده «ایران و مکزیک منافع یکسانی دارند و امنیت و آبروی مکزیک، امنیت و آبروی ایران نیز است، می‌افزاید: ما هرگز به اعتمادی که دولت مکزیک به ما کرده است، خیانت نخواهیم کرد.»

کیهان

مقام ارشد اسرائیلی:

هدف‌گذاری اسرائیل برای سرنگونی جمهوری اسلامی تا پایان دوره ترامپ

نتانیاهو و ترامپ در کنست / ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

○ یک مقام ارشد اسرائیلی که نامش فاش نشده گفته است هدف کشورش سرنگونی رژیم ایران تا پایان دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ است.

○ به گفته این مقام، اسرائیل هدف‌گذاری کرده است یا قصد دارد تا قبل از تمام شدن دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، حکومت ایران را «وادار به واکنش یا فروپاشی کند.»

○ همین منبع شرح داد اگر رویارویی جدیدی رخ دهد، «اسرائیل بسیار تهاجمی‌تر» از دوره‌های قبلی جنگ پاسخ خواهد داد و اورشلیم برای درگیری بسیار طولانی‌تر از ۱۲ روز آماده می‌شود.

یک مقام ارشد اسرائیلی که نامش فاش نشده گفته است هدف کشورش سرنگونی رژیم ایران تا پایان دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ است. به گفته این مقام، اسرائیل هدف‌گذاری کرده است یا قصد دارد تا قبل از تمام شدن دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، حکومت ایران را «وادار به واکنش یا فروپاشی کند.»

این مقام ارشد امنیتی دوشنبه ۱۰ نوامبر (۱۹ آبان‌ماه) به «شبکه کان» گفت جمهوری اسلامی در تلاش برای تولید مجدد موشک‌های پیشرفته است و نهادهای امنیتی و نظامی اسرائیل با دقت تحرکات مرتبط را زیر نظر دارند.

طبق این گزارش دو کشور خود را برای رویارویی مسلحانه دیگری آماده می‌کنند.

این مقام افزود که حکومت ایران در حال بازسازی ذخایر موشکی پیشرفته خود است که پس از جنگ ۱۲ روزه بین دو کشور، عمدتاً کاهش یافته بود و اسرائیل با دقت تحولات را زیر نظر دارد.

به گفته این منبع اگر رویارویی جدیدی رخ دهد، «اسرائیل بسیار تهاجمی‌تر» از دوره‌های قبلی جنگ پاسخ خواهد داد و اورشلیم برای درگیری بسیار طولانی‌تر از ۱۲ روز آماده می‌شود.»

این گزارش‌ها یک روز پس از آن منتشر شد که «نیویورک تایمز» گزارش داد تهران تولید موشکی خود را به شدت افزایش داده و منابع ارشد به طور فزاینده‌ای معتقدند که جنگ دیگری بین اسرائیل و ایران «فقط مسئله زمان است».

علی واعظ، مدیر پروژه ایران در گروه بحران بین‌المللی که مواضعی همسو با جمهوری اسلامی دارد، به نیویورک تایمز گفت ایران به طور شبانه‌روزی روی بازسازی سامانه‌های موشکی بالستیک خود کار می‌کند تا بتواند «دو هزار موشک را هم‌زمان شلیک کند تا دفاع اسرائیل را غرق کند، نه ۵۰۰ موشک طی ۱۲ روز».

واعظ افزود: «اسرائیل احساس می‌کند کار ناتمام است و دلیلی برای از سرگیری درگیری نمی‌بیند، بنابراین ایران آماده‌سازی برای دور بعدی را دو برابر کرده است»، اما با این حال هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که جنگی جدید به‌زودی رخ دهد.

سرنوشت مبهم ۴۰۷ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی؛ افزایش احتمال حمله نظامی مجدد به ایران

تصاویر ماهواره‌ای از تردد کامیون‌ها پیش از هدفگیری تأسیسات فردو

○ وضعیت ۴۰۷ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد نامشخص است. پس از بمباران تأسیسات اتمی (فردو، نطنز و اصفهان) یک مقام ارشد ایرانی به «رویترز» گفت، «بخش اعظم اورانیوم با غنای بالا پیش از حمله، به مکانی امن منتقل شده بود» اما عباس عراقچی وزیر خارجه مدعی شد زیر آوار مدفون شده‌اند.

○ محمدمهدی شهریاری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید، آمریکا در مذاکرات اخیر پیشنهاد کرده ایران ابتدا مواد غنی‌شده را تحویل دهد و در ازای آن برای یک سال «اسنپ‌بک» تعلیق شود، اما جمهوری اسلامی ایران شرط گذاشته است که باید «همه تحریم‌ها» همزمان لغو شوند.

○ او همچنین گفت: «کشورهایی مانند مصر، عمان و نروژ در حال میانجی‌گری‌اند، اما شرط‌هایی که آمریکا پیش از مذاکره مطرح می‌کند، روند را از حالت برابر خارج می‌کند و فعلاً فضایی برای گفتگو وجود ندارد.»

○ اکانت منتسب به «موساد» در «ایکس» نوشت ایران یک سایت جدید غنی‌سازی اورانیوم در «کوه کلنگ»، نزدیک نطنز ساخته و همه بازرسی‌های بین‌المللی را مسدود کرده است. در همین حال، گفته می‌شود کارخانه‌های موشکی در ایران تولید موشک‌ها را افزایش دادند و جمهوری اسلامی در صورت حمله مجدد اسرائیل، قصد دارد هزاران موشک را همزمان پرتاب کند.

وضعیت ۴۰۷ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد نامشخص است. پس از بمباران تأسیسات اتمی (فردو، نطنز و اصفهان) یک مقام ارشد ایرانی به «رویترز» گفت، «بخش اعظم اورانیوم با غنای بالا پیش از حمله، به مکانی امن ←

منتقل شده بود» اما عباس عراقچی وزیر خارجه مدعی شد زیر آوار مدفون شده‌اند.

این وضعیت غرب و اسرائیل را نگران کرده است بویژه آنکه مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که علی‌رغم بمباران سایت‌های اتمی در ایران، جمهوری اسلامی همچنان ظرفیت و مواد کافی برای ساخت بمب اتم را در اختیار دارد.

محمدمهدی شهریاری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید، آمریکا در مذاکرات اخیر پیشنهاد کرده ایران ابتدا مواد غنی‌شده را تحویل دهد و در ازای آن برای یک سال «اسنپ‌بک» تعلیق شود، اما جمهوری اسلامی ایران شرط گذاشته است که باید «همه تحریم‌ها» همزمان لغو شوند.

این نماینده عنوان کرد اختلاف موضع میان تهران و واشنگتن روند گفتگوها را متوقف کرده و باعث بن‌بست در مذاکرات شده است.

شهریاری تأکید کرد، ایران به دنبال تضمینی است که در صورت تحویل مواد غنی‌شده، تحریم‌ها به‌طور کامل لغو شود.

او همچنین گفت: «کشورهایی مانند مصر، عمان و نروژ در حال میانجی‌گری‌اند، اما شرط‌هایی که آمریکا پیش از مذاکره مطرح می‌کند، روند را از حالت برابر خارج می‌کند و فعلاً فضایی برای گفتگو وجود ندارد.»

بعد از بمباران تأسیسات اتمی در ایران توسط آمریکا و اسرائیل سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد مشخص نیست. عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ادعا می‌کند این اورانیوم‌ها زیر آوار مدفون‌اند اما برخی منابع گفته‌اند به «مکان امن» منتقل شده است.

غربی‌ها هشدار دادند اگر جمهوری اسلامی همچنان به غنی‌سازی اورانیوم ادامه دهد و با بازرسی آژانس از تأسیسات اتمی کلیدی موافقت نکند امکان حمله نظامی مجدد زیاد است.

در همین ارتباط روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داد ازسرگیری جنگ میان اسرائیل و ایران تقریباً اجتناب‌ناپذیر است و مسئله اکنون فقط طمان حمله است.

اکانت منتسب به «موساد» در «ایکس» نوشت ایران یک سایت جدید غنی‌سازی اورانیوم در «کوه کلنگ»، نزدیک نطنز ساخته و همه بازرسی‌های بین‌المللی را مسدود کرده است.

در همین حال، گفته می‌شود کارخانه‌های موشکی در ایران تولید موشک‌ها را افزایش دادند و جمهوری اسلامی در صورت حمله مجدد اسرائیل، قصد دارد هزاران موشک را همزمان پرتاب کند.

سه کشور اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) ۱۹ شهریورماه در بیانیه‌ای مشترک در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ابراز نگرانی عمیق از وضعیت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، هشدار دادند که تهران همین حالا باید از خود آمادگی دیپماتیک نشان دهد و از دادن وعده بپرهیزد.

این سه کشور تاکید کردند: «ما در مقطع حساسی قرار داریم. بر عهده ایران است که هرچه سریع‌تر گام‌های ملموسی برای نشان دادن جدیت خود در یافتن راه‌حل دیپلماتیک بردارد و به شکلی معنادار با پیشنهاد ما در این مدت تعامل کند. وعده‌های آینده کافی نیست، ما نیازمند شواهدی از امروز هستیم که نشان دهد ایران آماده راه‌حل دیپلماتیک است.»

این کشورها با هشدار نسبت به کاهش شدید سطح نظارت آژانس بر سایت‌های اتمی کلیدی در ایران، اضافه کردند، «در حال حاضر نظارت آژانس بر برنامه هسته‌ای ایران تقریبا به صفر رسیده و هزاران کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده در ایران وجود دارد که آژانس نزدیک سه ماه است نتوانسته آن را راستی‌آزمایی کند.»

ترامپ در جلسه با رهبران کشورهای آسیای میانه:

«ایران از آمریکا پرسیده آیا ممکن است تحریم‌ها لغو شود؟»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، جی‌دی ونس معاونش، مارکو روبیو وزیر خارجه، اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری و سناتور جیم ریش در شام کاری با رهبران کشورهای آسیای مرکزی / رویترز

- **رئیس‌جمهور آمریکا پنجشنبه ۶ نوامبر (۱۵ آبان) در دیدار با رهبران کشورهای آسیای میانه شامل قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان در کاخ سفید از تمایل جمهوری اسلامی ایران برای رفع تحریم‌ها خبر داد.**
- **دونالد ترامپ در این دیدار گفت: «صادقانه بگویم، ایران درخواست کرده است که آیا ممکن است تحریم‌ها برداشته شوند یا نه.»**
- **رئیس جمهور آمریکا در ادامه افزود که آماده است به این موضوع گوش دهد و بله، امکان رفع این تحریم‌ها وجود دارد: «خواهیم دید چه پیش می‌آید، اما در کل با این موضوع مخالفتی ندارم.»**

رئیس‌جمهور آمریکا پنجشنبه ۶ نوامبر (۱۵ آبان) در دیدار با رهبران کشورهای آسیای میانه شامل قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان در کاخ سفید از تمایل جمهوری اسلامی ایران برای رفع تحریم‌ها خبر داد.

دونالد ترامپ در این دیدار با اشاره به اینکه ایران از آمریکا پرسیده، آیا امکان لغو تحریم‌ها وجود دارد پاسخ داد که با این درخواست مخالفتی ندارد.

او گفت: «صادقانه بگویم، ایران درخواست کرده است که آیا ممکن است تحریم‌ها برداشته شوند یا نه.»

رئیس جمهور آمریکا در ادامه افزود که آماده است به این موضوع گوش دهد و بله، امکان رفع این تحریم‌ها وجود دارد: «خواهیم دید چه پیش می‌آید، اما در کل با این موضوع مخالفتی ندارم.»

ترامپ در دیدار خود با رهبران آسیای میانه به اهمیت تاریخی این منطقه نیز اشاره کرد و گفت: «این کشورها زمانی میزبان جاده ابریشم باستانی بودند که شرق و غرب را به هم متصل می‌کردند. متاسفانه روسای‌جمهور پیشین آمریکا این منطقه را کاملا نادیده گرفته بودند.»

دیدار ترامپ با سران آسیای میانه پس از آن انجام شد که او در زمینه تعرفه‌ها و تجارت در برخی موارد با شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین به توافق رسید.

ترامپ در این دیدار ابراز امیدواری کرد که کشورهای بیشتری به «پیمان ابراهیم» بپیوندند؛ توافقی که به گفته او، اکنون با کاهش نفوذ ایران در منطقه، فرصت گسترش بیشتری یافته است.

رئیس‌جمهور آمریکا افزود که ایالات متحده در حال گفتگو با چندین کشور است که مایل به پیوستن به پیمان ابراهیم هستند، اما پیش‌تر به دلیل وضعیت ایران و احتمال دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای نمی‌توانستند این کار را انجام دهند و اکنون ایران چنین امکانی ندارد.

ترامپ چهار روز قبل‌تر از این هم ادعا کرده بود «ایران شدید به دنبال مذاکره است» اما عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفت، «فعلاً برنامه‌ای برای مذاکره ایران و آمریکا وجود ندارد.»

کیهان

آمریکا ۳۲ فرد و نهاد مرتبط با برنامه موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی را تحریم کرد

نمایش پهپادها و موشک‌ها در راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» ۱۴۰۳

○ دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (۳۲ ،OFAC فرد و نهاد مستقر در ایران، امارات متحده عربی، ترکیه، چین، هنگ‌کنگ، هند، آلمان و اوکراین وابسته به شبکه‌ی تأمین قطعات برای پشتیبانی از تولید موشک‌های بالستیک و پهپاد جمهوری اسلامی را تحریم کرد.

○ جان کی. هارلی، معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی در بیانیه‌ای که ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان‌ماه) صادر شد گفت: «رژیم ایران در سراسر جهان از سیستم‌های مالی برای پولشویی، تأمین قطعات برنامه‌های هسته‌ای و تسلیحاتی خود و حمایت از گروه‌های نیابتی تروریستی استفاده می‌کند. به دستور رئیس‌جمهور ترامپ، ما بیشترین فشار ممکن را بر ایران وارد می‌کنیم تا تهدید هسته‌ای خود را پایان دهد .

○ مارکو کلینگه مستقر در امارات و مجید دولت‌خواه و وحید قیومی مستقر در ایران و ترکیه هماهنگ‌کنندگان خرید موادی مانند سدیم کلرات، سدیم پرکلرات و اسید سباسیک برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بودند که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (۳۲ ،OFAC فرد و نهاد مستقر در ایران، امارات متحده عربی، ترکیه، چین، هنگ‌کنگ، هند، آلمان و اوکراین وابسته به شبکه‌ی تأمین قطعات برای پشتیبانی از تولید موشک‌های بالستیک و پهپاد جمهوری اسلامی را تحریم کرد.

جان کی. هارلی، معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی در بیانیه‌ای که ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان‌ماه) صادر شد گفت: «رژیم ایران در سراسر جهان از سیستم‌های مالی برای پولشویی، تأمین قطعات برنامه‌های هسته‌ای و تسلیحاتی خود و حمایت از گروه‌های نیابتی تروریستی استفاده می‌کند. به دستور رئیس‌جمهور ترامپ، ما بیشترین فشار ممکن را بر ایران وارد می‌کنیم تا تهدید هسته‌ای خود را پایان دهد.»

او همچنین تأکید کرد: «ایالات متحده همچنین از جامعهٔ بین‌المللی انتظار دارد تحریم‌های بازگشتی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران را به‌طور کامل اجرا کند تا دسترسی ایران به نظام مالی جهانی قطع شود.»

در بخشی از این بیانیه آمده، این شبکه‌ها تهدیدی برای نیروهای آمریکایی و متحدان در خاورمیانه و همچنین برای کشتیرانی تجاری در دریای سرخ محسوب می‌شوند.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده اعلام کرده است که جمهوری اسلامی بعد از «جنگ ۱۲ روزه» در حال تقویت و بازسازی توانمندی تسلیحاتی خود می‌باشد و آمریکا با مختل کردن زنجیره تأمین قطعات کلیدی از جمله مواد اولیه سوخت موشک و جلوگیری از دسترسی افراد و نهادهای حامی رژیم ایران به نظام مالی ایالات متحده این تلاش‌ها را مختل می‌کند.

مارکو کلینگه مستقر در امارات و مجید دولت‌خواه و وحید قیومی مستقر در ایران و ترکیه هماهنگ‌کنندگان خرید موادی مانند سدیم کلرات، سدیم پرکلرات و اسید سباسیک برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بودند که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد، افراد و شرکت‌های تحریم شده تهدیدی علیه کشتیرانی تجاری در دریای سرخ و نیروهای آمریکایی و متحدانش در خاورمیانه هستند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:

جمهوری اسلامی اجازه بازرسی از تأسیسات هسته‌ای کلیدی خود را نمی‌دهد

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی / رویترز

○ در آستانه برگزاری نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رافائل گروسی مدیرکل این نهاد گزارش داده است که جمهوری اسلامی ایران هنوز اجازه بازرسی از تأسیسات هسته‌ای خود را که پنج ماه پیش هدف بمباران ایالات متحده و اسرائیل قرار گرفتند، صادر نکرده است.

○ این گزارش که روز چهارشنبه ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان‌ماه) در وین منتشر شد، تأکید می‌کند که ارزیابی ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران «مدت‌هاست که به تعویق افتاده» و تداوم این وضعیت باعث از بین رفتن «تداوم دانشی» شده که آژانس در مورد برنامه هسته‌ای ایران در اختیار داشت.

○ بر اساس دستورالعمل‌های داخلی آژانس، ذخایر اورانیوم با غنای بالا، از جمله اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد در ایران، باید به‌صورت ماهانه راستی‌آزمایی شود، زیرا این سطح تنها یک گام کوتاه تا ۹۰ درصدِ لازم برای تولید سلاح هسته‌ای فاصله دارد.

○ در گزارش آمده است: «عدم دسترسی آژانس به این مواد هسته‌ای در ایران طی پنج ماه گذشته به این معناست که راستی‌آزمایی آن مدت‌هاست عقب افتاده است. لازم است آژانس در اسرع وقت موجودی مواد هسته‌ای اعلام‌شده در ایران را بررسی کند تا نگرانی‌ها درباره احتمال انحراف از مصارف صلح‌آمیز برطرف شود.»

در آستانه برگزاری نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رافائل گروسی مدیرکل این نهاد گزارش داده است که جمهوری اسلامی ایران هنوز اجازه بازرسی از تأسیسات هسته‌ای خود را که پنج ماه پیش هدف بمباران ایالات متحده و اسرائیل قرار گرفتند، صادر نکرده است.

این گزارش که روز چهارشنبه ۱۲ نوامبر (۲۱ ←

آبان‌ماه) در وین منتشر شد، تأکید می‌کند که ارزیابی ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران «مدت‌هاست که به تعویق افتاده» و تداوم این وضعیت باعث از بین رفتن «تداوم دانشی» شده که آژانس در مورد برنامه هسته‌ای ایران در اختیار داشت.

بر اساس دستورالعمل‌های داخلی آژانس، ذخایر اورانیوم با غنای بالا، از جمله اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد در ایران، باید به‌صورت ماهانه راستی‌آزمایی شود، زیرا این سطح تنها یک گام کوتاه تا ۹۰ درصدِ لازم برای تولید سلاح هسته‌ای فاصله دارد.

در گزارش آمده است: «عدم دسترسی آژانس به این مواد هسته‌ای در ایران طی پنج ماه گذشته به این معناست که راستی‌آزمایی آن مدت‌هاست عقب افتاده است. لازم است آژانس در اسرع وقت موجودی مواد هسته‌ای اعلام‌شده در ایران را بررسی کند تا نگرانی‌ها درباره احتمال انحراف از مصارف صلح‌آمیز برطرف شود.»

توقف اجرای توافق قاهره و نگرانی از انحراف مواد هسته‌ای در ماه سپتامبر، ایران و آژانس در قاهره توافقی برای ازسرگیری کامل بازرسی‌ها امضا کردند، اما آژانس اکنون می‌گوید تهران این توافق را «لغو شده» می‌داند و هیچ پیشرفتی در اجرای آن حاصل نشده است.

این گزارش می‌افزاید: «مقدار اورانیوم با غنای بالا که ایران تولید و ذخیره کرده، موضوع نگرانی جدی است. آژانس پیوستگی اطلاعات خود درباره این ذخایر را از دست داده و بازسازی کامل تصویر دقیق از وضعیت آن دشوار خواهد بود.»

آژانس تاکنون تنها توانسته بخشی از ۱۳ تأسیسات هسته‌ای غیرآسیب‌دیده را بازرسی کند و هنوز به هفت سایتی که در بمباران‌ها هدف قرار گرفتند دسترسی نیافته است.

ذخایری معادل ظرفیت ۱۰ بمب هسته‌ای

به گفته آژانس، پیش از حملات نظامی، ایران ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد در اختیار داشت — میزانی که در صورت غنی‌سازی بیشتر، برای تولید حدود ۱۰ بمب هسته‌ای کافی است. اسرائیل و ایالات متحده در زمان حمله، دلیل اقدام خود را «نزدیکی ایران به توان تولید سلاح هسته‌ای» عنوان کردند.

کشورهای غربی بارها گفته‌اند هیچ توجیه غیرنظامی برای غنی‌سازی در این سطح وجود ندارد، اما تهران همچنان تأکید دارد که برنامه هسته‌ای‌اش صرفاً اهداف صلح‌آمیز را دنبال می‌کند. آژانس نیز در گزارش خود اذعان کرده است که «هیچ نشانه معتبری از وجود برنامه هماهنگ‌شده تسلیحاتی در ایران در دست نیست».

وضعیت نامشخص تأسیسات جدید اصفهان

گزارش همچنین به ابهام در مورد تأسیسات تازه احداث‌شده غنی‌سازی در اصفهان اشاره کرده و گفته است آژانس از محل دقیق، وضعیت حفاظتی و میزان آسیب احتمالی آن بی‌اطلاع است. بنا بر گزارش، ایران اندکی پیش از حملات، احداث این مرکز را اطلاع داده بود اما پس از آن بازرسان را به آن‌جا راه نداده است.

یک دیپلمات آگاه گفته است که بخش زیادی از اورانیوم غنی‌شده احتمالاً در این تأسیسات زیرزمینی ذخیره شده بود و هرچند ورودی تونل‌های آن آسیب دیده، هسته مرکزی تأسیسات همچنان دست‌نخورده باقی مانده است.

با وجود نبود پیشرفت در مذاکرات هسته‌ای میان تهران و واشنگتن، هر دو طرف اعلام کرده‌اند که همچنان به امکان توافقی جدید «گشوده» هستند. اما گزارش تازه آژانس می‌تواند بار دیگر تنش میان ایران و غرب را افزایش دهد و زمینه‌ساز فشارهای سیاسی و اقتصادی تازه بر تهران شود.

بازنشر

در طلب معجزه

(کیهان لندن شماره ۱۱۷۱) شهریور ۱۳۸۶

خیراندیش (احمد احرار)

اشتباه کرده‌اید هر گاه تصور می‌فرمایید تنها در میهن اسلامی ما است که مردم نومید از معجزات انسانی به امید معجزه آسمانی متوسل به این یا آن بقعه می‌شوند و از دور و نزدیک به زیارت چاه جمکران می‌روند و نذر می‌کنند و نیاز می‌طلبند.

در فرانسه، خاستگاه عصر روشنگری (رنسانس) هر سال در این فصل، شهر کوچکی به نام لورد (Lourdes) واقع در ارتفاعات سلسله جبال «پیرنه» پذیرای انبوهی از زائران است که به آن نقطه روی می‌آورند تا از باکره مقدس برای درمان درد و حل مشکلات لاینحلشان استمداد کنند.

برای رسیدن به نقطه‌ای که مریم مقدس اولین بار در سال ۱۸۵۸ ظاهر شد و بیماری را شفا داد، باید از یک کوره راه کوهستانی بالا رفت و در این حال، خزیدن بیماران بر روی تخته سنگها و ریاضتی که معلولان متحمل می‌شوند تا خود را به زیارتگاه برسانند منظره ایست بس رقت‌آور، در عین حال دیدنی و باور نکردنی.

امسال، تنها از پاریس و حومه آن نزدیک به پانصد زائر علیل و بیمار عازم «لورد» شدند. یک پزشک و پنج پرستار نیز آنان را در این سفر شش روزه همراهی می‌کردند.

طبق معمول، هزینه سفر و تدارک موجبات آن به عهده تشکیلاتی است موسوم به نوتردام دوسالو(Association Notre-Dame-du-Salut) بانوی رهانندهٔ ما.

مسافرت با یک ترن ویژه صورت می‌گیرد که «ترن سفید» نام دارد و مشتمل است بر ده واگن. تعدادی از واگن‌های این ترن سریع‌السیر را به صورت واگن بیمارستانی، با تختخواب تجهیز می‌کنند. و بیماران یا معلولانی که قادر به حرکت نباشند، در این قسمت جای داده می‌شوند.

سفر، در هر حال یک سفر زیارتی است و رنج و مرارتش را امید به شفا گرفتن بر زائران آسان می‌سازد. تنها اشکال کار در این است که تدریجاً از تعداد معجزات ثبت شدهٔ این مکان مقدس کاسته می‌شود به طوری که این اواخر فقط ده سال یک بار معجزه‌ای رخ داده و بیماری شفا گرفته است.

بر متولیان «نوتردام دوسالو» است که گروهی کار آموز به شهر مقدس قم اعزام کنند تا علم تکثیر معجزه را از کارشناسان آن دیار بیاموزند.

پاریس، گارمونپارناس: یکی از زائران در آستانه سوارشدن به «ترن سفید» و عزیمت به «لورد»

کیهان

تصویری از زندگی یك خانواده بالای شهری در تهران قدیم

مهرانگیز دولتشاهی نخستین زن ایرانی بود که از پشت تریبون مجلس شورای ملی سخن گفت

بازنشر

(تاریخ نشر در کیهان لندن: آذر و دی ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۳۸ - ۹۳۵)

خاطرات خانم دکتر مهرانگیز دولتشاهی با عنوان «جامعه، دولت و جنبش زنان ایران» از طرف بنیاد مطالعات ایران «واشنگتن» انتشار یافته است.

این خاطرات از نوار مصاحبه مفصل شیرین سمیعی با مهرانگیز دولتشاهی (در سال ۱۹۸۴) استخراج و به وسیله غلامرضا افخمی ویراستاری شده است.

خانم مهرانگیز دولتشاهی که اینك در پاریس به سر می برد، در سال ۱۲۹۶ هجری شمسی (۱۹۱۷ میلادی) تولد یافت. پدرش محمد علی میرزا مشکوه‌الدوله دوم از نوادگان محمد علی میرزا دولتشاهی فرزند فتحعلیشاه قاجار بود و مادرش اخترالملوك از خاندان هدایت.

وی پس از خاتمه دوره متوسطه، به آلمان رفت و در رشته روزنامه‌نگاری و وسایل ارتباط جمعی ادامه تحصیل داد.

در برلن با ناصر مسعود انصاری ازدواج کرد و زن و شوهر جوان در آلمان جنگ زده دوران سختی را گذراندند.

در سال ۱۳۲۵ آن دو به ایران بازگشتند و پس از چهار سال، بار دیگر راهی آلمان شدند و مهرانگیز از دانشگاه هایدلبرگ در رشته جامعه شناسی سیاسی دکترا گرفت.

خانم دولتشاهی از سال ۱۳۳۴ فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود را با هدف دفاع از حقوق زن در ایران آغاز کرد. در همین سال «جمعیت راه نو» را بنیان گذارد. در سال ۱۳۳۸ در بنیانگذاری شورای عالی جمعیتهای زنان ایران مشارکت داشت. در سال ۱۳۳۹ به نمایندگی «شورای عالی زنان ایران» به عضویت شورای بین‌المللی زنان درآمد. در سال ۱۳۴۲، در اولین دور مشارکت زنان در انتخابات، از کرمانشاه به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۴ سه دوره متوالی در مجلس بود. در ۱۳۵۴ به عنوان نخستین سفیر زن ایران به دانمارك رفت و تاسال ۱۳۵۷ (انقلاب اسلامی) این سمت را حفظ کرد.در دوران بعد از انقلاب، خانم دولتشاهی فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی خود را از جمله بنیانگذاری انجمن فرهنگ ایران، در پاریس دنبال گرفت.

جامعه،دولت و جنبش زنان ایران (۱)

دکتر مهرانگیز دولتشاهی

بخشی از خاطرات دکتر مهرانگیز دولتشاهی را که به دوران کودکی و نوجوانی وی مربوط می‌شود برای مطالعه شما بر گزیده‌ایم که در چند شماره خواهید خواند.این خاطرات برای نسلی که آن دوران را دیده خاطره‌انگیز است و برای جوانترها شنیدنی و آموختنی، زیرا تصویری از زندگی ایرانیان را در نیمه اول قرن بیستم نشان می‌دهد.تصویری متفاوت با آنچه آنان در ایران دهه‌های آخر قرن دیده‌اند.

ما تمول زیادی نداشتیم ولی دستمان به دهنمان می‌رسید. می‌توانستیم یك زندگی عادی بکنیم. پدرم آدم صرفه‌جوئی نبود ولی ولخرج هم نبود. چون همه برادرهایش ولخرج بودند، مباهاتش این بود که چیزی که از پدر و مادر به او رسیده تا آخر نگهداشته، نفله نکرده، ولی زیاد هم نکرده بود. با حقوق دولتی که می‌گرفت ما یك زندگی نسبتا مرفهی داشتیم. آن وقتها لوکس و تجمل نبود. زندگیها ساده بود. خوراکی‌هائی که از خارج وارد بشود، نبود. اتومبیل و بیا و برو این چیزها نبود و معاشرتهای خیلی ساده و سلامتی در خانواده‌ها بود. پدر من هم اهل تجمل نبود. مثلا من هر چه فکر می‌کنم در خانه ما هیچ چیز فوق‌العاده وجود نداشت. خوب، عادی است، چهار تکه فرش در خانه پهن بود، یا تك و توك چیزهائی بود که مال پدر بزرگ بود. مادر پدر بزرگ خیلی متمول بوده، ولی خیلی از آنها را در زندگی هدر داده بود، اما، خوب، یك مستغلاتی، یك چیزهائی، داشته، یعنی در بازار مستغلات داشتند که به بچه‌هایش رسیده بود.

پدرم خودش هیچ وقت سختی و بی‌پولی نکشیده بود ولی خیلی به این فکر بود که ما بد عادت نشویم. یادم می‌آید که برای عید، مادرم برای ما کفش گران قیمتی خریده بود. زمان رضا شاه، کفش خارجی قدغن بود، همه‌اش کفشهای ایرانی بود، مثلا جفتی یه تومان، چهار تومان، فوقش شش تومان. مغازه ابراهیمیان نزدیك عید کفشهای فرنگی خوب آورده بود، مادرم رفته بود برای خودش بگیرد برای من و خواهرم مهین هم خریده بود. آن زمان کفشهای فرنگی چهارده پانزده تومان بودند. وقتی که آوردند خانه، پدرم گفت برای خودت می‌گیری، خیلی خوب، برای اینها چرا می‌گیری. اینها اگر از حالا کفش پانزده تومانی بپوشند دو روز دیگر خانه هیچکس بند نمی‌شوند. جلوی خودمان هم می‌گفت. مقصودش هم واقعا این نبود که کفش را ببرند پس بدهند. ولی جلوی ما می‌گفت که این توی گوش ما برود. این حرفها در زندگیم تاثیر گذاشت و کراراً در خانه شوهرم با این عمل کردم.

پدر شما یك زن داشت؟

بله، از اول تا آخر یك زن داشت و خیلی هم مخالف این بود که مرد چند زن بگیرد. گاهی شوخی می‌کرد با مادرم که من نه صیغه‌ای گرفتم نه هیچ کاری کردم و مادرم هم شوخی می‌کرد و می گفت خوب کاری ندارد. هنوز هم می‌توانی بگیری. اما در فامیل این ضرب‌المثل بود که پدرم به زنش علاقمند است و فقط یك زن دارد...

ما مدرسه‌مان را می‌رفتیم و می‌آمدیم وعصرها کار مدرسه‌مان را می کردیم و یك مقدار بازی می‌کردیم. زمستانها یك اتاق بود که کرسی داشت. اتاقهای دیگر بخاری داشت. آن وقتها حرارت مرکزی نبود، بخاریهای ذغال سنگی بود. روز که مدرسه بودیم بخاری را روشن نمی‌کردند. عصر موقعی که ما می‌آمدیم بخاری را یك خرده روشن می‌کردند و یك خرده اتاق هوا می‌گرفت و بعد آخر شب هم طبعا خاموش می‌شد تا صبح. صبح یك خرده روشن می‌کردند تا ما لباسمان را بپوشیم ولی یکی از اتاقها کرسی داشت که شبها مادرم و ما دور کرسی جمع می شدیم. زمانی مادرم چشم درد سختی گرفته بود و مدتی او را معالجه می‌کردند. خودش نمی‌توانست بخواند . برای آنکه سرش گرم بشود قرار بود که برایش کتاب بخوانیم . بچه‌ها جمع می‌شدند دور کرسی و من کتاب می‌خواندم. یادم است دو کتاب خیلی بزرگ را در یك زمستان یا دو زمستان خواندم، یکی «امیر ارسلان» بوده یکی «بوسه عذرا». آن وقتها کتاب زیاد نبود و کتابهای زیاد هم هنوز ترجمه نشده بود. ما که دور کرسی می‌نشستیم خواهرم که کوچکتر بود و برادرم که از او هم کوچکتر بود حوصله‌شان سر می‌رفت بنشینند و کتاب گوش بکنند و بلند می‌شدند به شیطانی کردن و بازی کردن و گاهی دعوایشان می‌کردیم و آنها را می نشاندیم و بالاخره کتابها را می‌خواندیم.

آن وقتها خیلی سرگرمی‌های خارج از منزل وجود نداشت. سینما نبود، تآتر نبود. گاهی نمایشی در «گراند هتل» می‌دادند و مادرم مرا برای تماشا می‌برد. ولی خیلی کم بود. اصلا تاتر رفتن را بد می‌دانستند. شاید مادرم وقتی تآتر می‌رفت از خیلی از قوم و خویشها پنهان می‌کرد، برای اینکه اگر می‌شنیدند او تاتر رفته صورت خوبی نداشت. بیشتر و شاید تمام سرگرمی‌ها در داخل خانه بود. معاشرتهای مادر و پدر من، غیر از معاشرتهای خانوادگی که مثلا یك روز جمعه همه فامیل را دعوت می‌کردند، طبیعتا جدا جدا بود. یعنی مرد جدا و زن جدا بود. مردهائی که در کارهای سیاسی بودند غالبا اول شب در بیرونی میهمان داشتند.

من در این زمان دوازده سیزده ساله بودم. بزرگتر از سنم بودم و پدرم مرا نزدیك به خودش می‌گرفت. غالبا در دفترش دور و بر بودم و کاغذهایش را مرتب می‌کردم. دوستان پدرم که تلفن می‌زدند، اگر پدرم نبود پیغام به من می‌دادند برای اینکه می‌دانستند مرتب پیغامها را می‌رسانم.

بعضی از آن پیغامها را که آنها فکر می‌کردند من چون بچه هستم نمی‌فهمم، می‌توانستم بهم ارتباط بدهم مخصوصا ارتباطهای سیاسی‌اش را می‌فهمیدم ولی به روی خودم نمی‌آوردم که من اینها را می‌فهمم.

خانه ما محیط آرامی بود. پدر و مادر من با هم مهربان بودند. هیچوقت ما ندیدیم که با همدیگر دعوا بکنند. در خانه ما پیر زنی بود که از منزل مادر بزرگم به ما ارث رسیده بود. معلوم نبود سمتش چه بود. پرستار بچه ها نبود ولی به بچه‌ها می‌رسید.گیس سفید بود و سنی داشت. حتی در زمان بچگی پدرم در منزل مادر بزرگ پدریم بود و به دلیل قدمت حضورش برای خودش یك موقعیتی قائل بود. دستور می‌داد، انتقاد می‌کرد. در دوران بچگی من و خواهرم، مخصوصا تا وقتی که برادرم هنوز نبود یا شیرخواره بود، او بیشتر به من و خواهرم رسیدگی می‌کرد. باید بگویم که خیلی از نکات اخلاقی و زندگی را آدم از همین ها یاد می‌گیرد.

اینها هستندکه به آدم می گویند چکار بکن چکار نکن، این جوری بکن، چه جوری غذا بخور، جلوی کی چه جوری بنشین، چه جوری حرف بزن. این مطالب را بیشتر اینها به آدم می‌گویند و من بعدها که فکر می‌کردم، دیدم این زن عجیب استعدادی در تربیت بچه داشت، مثل یك روانشناس، فقط روی تجربه، و احتمالا در خانه مادر بزرگم هم همین سیستم را تجربه کرده بود. وقتی که برادرم کوچك بود و ما یك خرده بزرگتر شده بودیم و مدرسه می‌رفتیم درست مثل یك متخصص (Kingdergarten) این بچه را پیش از اینکه به کودکستان برود و بعد از اینکه ازکودکستان برمی‌گشت سرگرم می‌کرد.

یك گوشه باغچه یك باغ برای برادرم درست کرده

←

بود اسم باغ را گذاشته بود باغ«پازهر». یك درخت مو كاشته بودند. بعد ها درخت مو بزرگ شد ما انگورش را خوردیم . لوبیا می‌كاشتند. گل كاشته بودند، بعضی گیاهها و سبزی و تربچه كاشته بودند و این بچه با این كارها آشنا می شد. خوب این كاری است كه در كودكستان هم آن را مفید می‌دانستند. یادم است كه بچه بودیم، به مادرمان كه اسمش اخترالملوك است، اختر جون می‌گفتیم. بعد كه دیگر یك خرده بزرگتر شدیم گفتند جلوی دوستهای بابا و دیگران نگوئید اختر جون، خوب نیست اسم خانم را سایرین بدانند و قرار شد بگوئیم مامان.

نقش دایه در خانواده

می‌دانید كه توی این خانواده‌ها دایه هم نقش مهمی دارد. دایه من یك زن اصفهانی بود كه دو سال مرا شیر داد. بعد روانه‌اش كردند رفت. بعد ها، چهارده پانزده ساله بودم یك دفعه آمد كه برود مشهد، من در تهران دیدمش و دیگر ندیدمش. دایه خواهرم را هم زود مرخصش كرده بودند برای اینكه ناخوش شده بود و بعد هم او را با شیر گاو بزرگ كرده بودند. ولی دایه برادرم شخصیتی بود. زن لایقی بود و با عرضه و كمی هم سواد داشت و همانطوری كه در بسیاری خانواده‌ها مرسوم بود شیر دادنش هم كه تمام شد منزل ما ماند. یك قدری رقابت بین او بود و آن زنی كه گفتم، آن پیرزن. ضمناً این پیرزن اسمش «ام‌لیلا» بود ولی من كه بچه بودم نتوانسته بودم بگویم «ام‌لیلا» گفتم «اومیلو» و دیگر اسم او شده بود «اومیلو».

تمام خانواده به او می‌گفتند «اومیلو». بهرحال دایه بهمن، دایه آقا، با اومیلو رقابت داشتند چون او می‌خواست خودش را بچسباند به این بچه، این بالاخره دایه بود ودلش می‌خواست. منتهی دایه چون شوهر داشت هر وقت با او قهر می‌كرد می‌آمد خانه ما و هر وقت آشتی می‌كرد می‌رفت پیش شوهرش، همیشه منزل ما نبود. این بود كه «اومیلو» وضعیتش محكم‌تر بود.

از شخصیتهای خانه ما، یكی هم علی آقا است كه از جوانیش با پدرم بود و هر سفری كه پدرم رفته بود با او رفته بود. پدرم زمانی در وزارت دارائی بود و خیلی ماموریت می‌رفت. علی آقا شخصیتی بود در خانواده. خودش را صاحب آب و گل می‌دانست. همه دوستش داشتند و به او احترام می‌گذاشتند. علی آقا همه كار بلد بود. هركاری توی خانه لنگ می‌شد می‌گفتند علی آقا بیاید. اگر لازم می‌شد آشپزی هم بلد بود، ولی آشپزی نمی‌كرد. اگر یك جا كار نجاری لازم بود می‌كرد، یك جا یك پیچ مهره‌ای لازم بود درست كند درست می‌كرد. ضمنا چون طرف اعتماد بود ما را مدرسه می‌برد. یكی دیگر غیر از علی آقا، نه‌نه حبیب بود. نه‌نه حبیب آشپز ما بود. نسبتا هم سنی داشت ولی زنی قوی بود. دیگهای بزرگ را بلند می‌كرد و می‌گذاشت. البته كمك داشت. آشپز خوبی بود و چندسالی هم كه آنجا بود یاد گرفته بود كه مطابق سلیقه خانواده ما آشپزی بكند.

این افراد سالها می‌ماندند و لازم بود كه به آنها رسیدگی بشود. از جمله علی آقا دو دختر داشت. یكیش همسال من بود یكیش قدری از من بزرگتر و اینها همبازی ما بودند. دختر بزرگ استعداد درس خواندن داشت. اینها شش كلاس كه درس می‌خواندند، چون مدرسه ابتدایی در ایران آن موقع دولتی و مجانی بود و بعد از آن باید مردم شهریه می پرداختند، دیگر پدرشان اینها را نمی‌فرستاد مدرسه. دختر بزرگ كه اسمش بتول بود خوب درس می‌خواند، پدرم گفت كه باید برود مدرسه زردشتی و گفت كه شهریه‌اش را روی مال ما بدهند. بتول آمد مدرسه زردشتی، یك كلاس از من پائین‌تر بود و در نتیجه كتابهای من به او می‌رسید. او درس خواند و دیپلم گرفت و بعدهم گویا به تحصیل ادامه داد و لیسانس گرفت. دو سه نفر هم بودند كه می‌آمدند و می‌رفتند و ممكن بود عوض بشوند. بعضی هایشان بودند كه سالها . یعنی سی سال چهل سال، در خانواده ما ماندند. می‌آمدند مثلا برای رختشوئی و كارهای معمولی و این جور چیزها . مثلا باغبان بود كه ممكن بود عوض بشود یا یك وقتی عمویم كه فوت كرد پسرعمویم با لـله‌اش منتقل شد به خانه ما. چون پدرم قیم او بود، پسر عمویم هم یك سال از برادرم بزرگتر بود با همدیگر همبازی می‌شدند و آن لـله هم تقریبا به هر دوی اینها می‌رسید.

گفتم كه زندگی ما بیرونی و اندرونی بود. با وجودی كه خیلی پدرم مقید نبود ولی نمی‌شد كه به كلی همه سنتها را شكست. مثلا پدرم نمی‌توانست كه همه پذیرائی‌های مردها را توی خانه بكند. یك اتاق در همین ساختمان اصلی خانه مان بود كه دفتر پدرم بود و خیلی وقتها میهمان هایش را آنجا داشت. بعد كه ما بزرگتر شدیم و لازم شد كه به ما اتاق برای خودمان بدهند، یك ساختمان كوچكی طرف كوچه كردند كه طبقه بالایش یك اتاق بزرگتر و یكی كوچكتر بود كه دفتر و كتابخانه پدرم بود. از آن ببعد پدرم آنجا پذیرائی می‌كرد. طبقه پائین هم، یك گلخانه كوچك بود. چون پدرم گلباز بود، و زیرش هم یكی دو اتاق بود، یكیش مال آن باغبانی بود كه شب ها آنجا می‌خوابید و یكیش هم مال آن مردهائی كه روزها هر كدام یك كاره‌ای بودند، ولی می‌بایست یك جا داشته باشند كه بنشینند و ناهار بخورند.

مهرانگیز دولتشاهی در پشت تریبون مجلس شورای ملی

همانطور كه گفتم علی آقا ما را به مدرسه می‌برد، یعنی صبح ها ما را می برد، ظهر برایمان ناهار می‌آورد و عصر می‌آمد عقبمان و ما را به خانه بر می‌گرداند. پدرم مقید بود كه ما حتما پیاده برویم مدرسه. آن زمان زیاد اتومبیل شخصی نبود. درشكه هم دیگر كسی نگه نمی‌داشت و اگر آدم می‌خواست كه سواره برود مدرسه، درشكه كرایه‌ای بود و ما روزهائی ك فقط باد و باران شدید بود اجازه داشتیم با درشكه برویم. درشكه كرایه می‌گرفتند ما را می‌بردند مدرسه یا با درشكه می‌آمدند و میاوردمان خانه. قیمت یك كورس درشكه آن موقع دو قران بود. آن موقع هنوز ریال نبود قران بود. بعد ها هم اگر اتومبیلی مثلا در اختیار پدرم بود به مناسبت سمتش ، مثل زمانی كه وزیر پست و تلگراف بود، ما اجازه نداشتیم با آن اتومبیل رفت و آمد بكنیم.

پدرم دلش می‌خواست ما به زندگی تجملی عادت نكنیم. كرارا به مادرم می گفت این چیز را نخر. آن چیز را نخر، اینها عادت می‌كنند و بعد اگر یك روزی اینها نباشد برایشان سخت می‌گذرد. اتفاقا این حسی كه خودم را به سختی عادت بدهم در من هم بود و یا شاید به تبعیت از افكار پدرم بود. گفتم كه بخاری اتاقها راتازه شب روشن می‌كردند و ما اول شب دور كرسی بودیم، پس در نتیجه اتاقی كه من و خواهرم می‌خوابیدیم سرد بود. تابستان خیلی وقت ها می شد كه فقط یك شمد پهن می كردم و می‌خوابیدم، مقید نبودم، نمی‌خواستم كه زیاد به راحتی عادت بكنم.

تابستانها می‌رفتیم جعفر آباد برای ییلاق، همانطور كه می‌دانید خیلی‌ها می‌رفتند. تهران خیلی گرم بود، بعدهم آن وقتها سرگرمی برای بچه ها نبود. وقتی كه مدرسه تعطیل بود واقعا بچه‌ها را چكارشان بكنند؟ بهرحال، اتومبیل نبود و نمی‌رفت. مسافرها با درشكه می‌رفتند. وقتی اثاثیه خانه را می‌خواستند بفرستند گاری می‌گرفتند و بعضی از اثاثیه را با گاری می فرستادند. بعضی از چیزها هم كه شكستنی بود با طبق كش می فرستادند. گاری و طبق كش صبح زودتر می‌رفتند، خودمان هم دیرتر می رفتیم. تابستان در شمیران خیلی خوب بود، آدم در باغ ولو بود و می‌دوید و بازی می‌كرد. سالهای بالاتر، سالهای متوسطه. گاهی پدرم می‌گفت از كارهائی كه در مدرسه یاد گرفتید بكنید. دلش می‌خواست بعضی از كارهای خانه را ما بكنیم، كه این حس را نداشته باشیم كه ما نباید كار بكنیم. مثلاً می‌پرسید مهری اتو بلد است یا نه؟ بله. لباسهای خودم را اتو می‌كنم. خوب، یك شلوار هم برای من اتو كن، ببینم چكار می‌كنی. یا اینكه در مدرسه آشپزی چه یاد گرفتید، یك دفعه درست بكنید. یادم است یك وقتی خواهرم یك ژله انار درست كرد. یخچال آن موقع نبود. ژله را در یك ظرفی در آب قنات گذاشت. این ژله ماند و ماند اما نمی‌گرفت هر كسی می‌آمد و می‌رفت می‌پرسید این چه هست؟ می‌گفتن مهین خانم ژله پخته. گفتند بابا این ژله پس كی می‌گیرد؟ بالاخره نگرفت. ولی خوب، گاهی هم یك نمونه‌هائی درست می‌كردیم از كارهائی كه در مدرسه یاد می‌گرفتیم و اینها می‌خواستند تشویقمان بكنند.

پشت منزل ما مزرعه بود، گندم می‌كاشتند، مال روستائی‌ها بود. اینها وقتی كه گندم را خرمن می‌كردند، یك كسی را می‌نشاندند روی خرمنكوب. من و خواهرم می‌رفتیم آنجا و خوشحال بودیم كه اینها به ما اجازه می‌دادند بنشینیم روی خرمنكوب و مدتها می‌چرخیدیم و تفریح می‌كردیم. در اطراف تهران مار هست، در باغ ما هم مار مكرر دیده شده بود، ولی ما نمی ترسیدیم. من و خواهرم هم می‌رفتیم تمشك بچینیم و بخوریم . باغبان داد می‌زد نروید مار دارد، ما گوش نمی‌كردیم. یك دفعه باغ را بیل زده بودند، مثل اینكه به لانه مار دست خورده بود و بچه مارها ولو شده بودند.

شبها قالیچه پهن می‌كردند و همه روی زمین می‌نشستدو چراغهای نفتی را روشن می‌كردند. در این شب چراغ كه روشن شد بچه مارها آمدند. یكی نشسته بود حس كرد یك چیزی دارد از پایش می‌رود بالا، نگاه كرد دید بچه مار است. خوب، اول خیلی ترسید اما بعد همه خندیدند. یادم می‌آید كه یك مار بزرگتر بود كه پیش از ظهر كشتند و ما شنیده بودیم كه مار را هر موقع روز بكشند تا آفتاب غروب نكند نمی‌میرد. من و خواهرم می خواستیم برایمان ثابت بشود كه این جور هست یا نیست. نشستیم بالای سر این مار از پیش از ظهر. ظهر شد و صدا كردند بیائید ناهار بخورید. ما دویدیم و رفتیم و ناهار را تند خوردیم و برگشتیم كه ببینیم این مار مرده یا نه، هنوز تكان نمی‌خورد. بالاخره مدتی ماندیم و آمدند بردنمان، نمی‌دانم كجا باید می‌رفتیم، اما نتوانستیم تا آخر، تا موقع غروب، بنشینیم و ببینیم كه مار زودتر مرد یا كشید به غروب آفتاب. ادامه دارد

کیهان

وزیر نفت تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین را تکذیب نکرد؛
معاون دفتر پزشکیان افزایش قیمت بنزین را «دروغ» خواند!

● محسن پاکنژاد وزیر نفت دولت پزشکیان با اشاره به خبرهایی درباره طرح دولت برای افزایش بنزین اعلام کرد «شایعات بنزینی را تکذیب نمی‌کنم و همه پیشنهادها در دست بررسی است.»

● محمدمهدی طباطبایی معاون ارتباطات دفتر مسعود پزشکیان در پیامی به موضوع تغییر قیمت بنزین واکنش داد و گفت «دروغ نگویید»!

● مسعود دانشمند عضو اتاق بازرگانی گفته مواردی مانند افزایش قیمت بنزین «با نیت اصلاحات اقتصادی مطرح می‌شوند اما در عمل، نه تنها منجر به بهبود شرایط اقتصادی نمی‌شوند، بلکه به شکل مستقیم یا غیرمستقیم باعث افزایش تورم، کاهش قدرت خرید و تضعیف اعتماد عمومی به سیاست‌گذار می‌شوند.»

● امیرحسین ثابتی، نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «طبق قانون بودجه امسال دولت نباید بنزین را گران کند اما رفتند در جلسه هیئت دولت [تصمیم گرفتند] که سه نرخی بکنند و با چند صد درصد افزایش؛ آقای پزشکیان اگر می‌خواهید گران کنید بیایید علنی بگویید در زمان انتخابات دروغ گفته‌ام.»

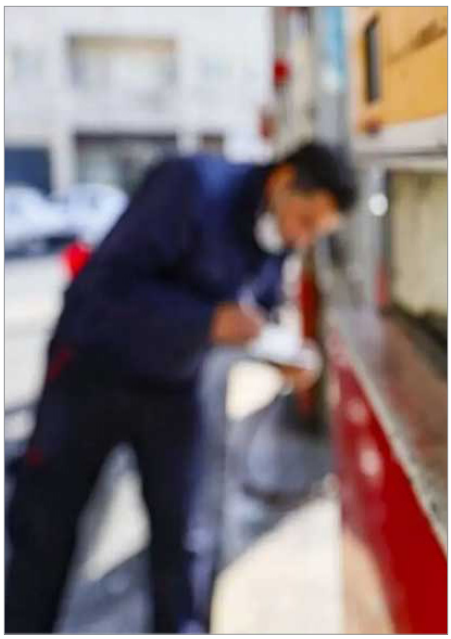

در حالیکه روز گذشته وزیر نفت جمهوری اسلامی اعلام کرد «شایعات بنزینی را تکذیب نمی‌کنم و همه پیشنهادها در دست بررسی است» همچنان برخی مقامات دولت هر گونه برنامه برای افزایش قیمت بنزین را «تکذیب» می‌کنند. مسعود دانشمند عضو اتاق بازرگانی ایران معتقد است مسئولان درباره قیمت بنزین درگیر «سفسطه» شده‌اند.

محسن پاکنژاد وزیر نفت دولت پزشکیان روز گذشته طی سخنانی با اشاره به خبرهایی درباره طرح دولت برای افزایش بنزین اعلام کرد «شایعات بنزینی را تکذیب نمی‌کنم و همه پیشنهادها در دست بررسی است.»

محسن پاکنژاد همچنین ادعا کرده که «فعلا برنامه‌ای برای تغییر میزان سهمیه‌ها و قیمت بنزین سهمیه‌ای وجود ندارد اما در مورد سایر بخش‌ها موضوع در دست بررسی است. گروه‌های کارشناسی درحال بررسی موضوع هستند و نظرات خبرگان فن را می‌گیرند.»

وزیر نفت دولت پزشکیان همچنین گفته «تغییر قیمت حامل‌های انرژی و میزان سهمیه‌ها در حوزه تصمیم‌گیری وزارت نفت نیست و موضوع باید در سطح دولت بررسی، تصویب و ابلاغ شود.»

محسن پاکنژاد در حالی گفته «شایعات بنزینی» را تکذیب نمی‌کند که ساعاتی بعد محمدمهدی طباطبایی معاون ارتباطات دفتر مسعود پزشکیان در پیامی به شایعات درباره تغییر قیمت بنزین واکنش داد و گفت «دروغ نگویید»!

معاون ارتباطات دفتر رئیس‌جمهور در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، نوشت: «دروغ نگوئید. هیچ برنامه‌ای برای افزایش چندصددرصدی قیمت بنزین در دستور کار دولت نبوده، حتی در طرح‌های پیشنهادی هم تأکید بر حفظ قیمت فعلی بنزین با سهمیه‌های موجود بوده است.»

محمدمهدی طباطبایی افزود که «ضمن آنکه توجه ویژه رئیس جمهور پرهیز از هرگونه تصمیم‌گیری بدون مهیا ساختن زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی است.»

موضوع افزایش قیمت بنزین از ابتدای تشکیل دولت مسعود پزشکیان مورد بحث بود اما در هفته‌های گذشته و در پی افزایش کسری بودجه و کاهش شدید منابع درآمدی حکومت، موضوع افزایش قیمت بنزین جدی شده است.

بر اساس آخرین خبرهایی که هنوز از سوی مقامات دولت تکذیب نشده، دولت به دنبال تعیین سه نرخ برای بنزین است.

رضا سپهوند دبیر کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی از طرح دولت برای افزایش قیمت بنزین تحت عنوان «نرخ سوم» خبر داده و گفته «طبق برنامه‌ای که در دولت مطرح است، ضمن حفظ سهمیه‌های ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ تومانی، نرخ سومی برای مصرف مازاد بنزین ایجاد می‌شود که رقم آن ۷۵۰۰ تومان خواهد بود.»

به گفته سپهوند، دولت طرحی سه‌مرحله‌ای برای اصلاح مصرف حامل‌های انرژی در دست بررسی دارد. در این طرح، برای هر خانوار یا مصرف‌کننده یک بازه استاندارد تعیین می‌شود و در صورتی‌که مصرف از آن حد فراتر رود، مازاد مصرف باید به قیمت آزاد یا نزدیک به نرخ بازار جهانی محاسبه شود.این سیاست در صورت اجرا، شامل برق، گاز، بنزین و سایر حامل‌ها خواهد شد.

شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز افزایش قیمت بنزین را به ابزاری برای انتقاد از دولت پزشکیان تبدیل کرده‌اند.امیرحسین ثابتی، نماینده مجلس شورای اسلامی در اینباره گفته «طبق قانون بودجه امسال دولت نباید بنزین را گران کند اما رفتند در جلسه هیئت دولت [تصمیم گرفتند] که سه نرخی بکنند و با چند صد درصد افزایش؛ آقای پزشکیان اگر می‌خواهید گران کنید بیایید علنی بگویید در زمان انتخابات دروغ گفته‌ام.»

مهدی فلاح دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی هم معتقد است که «فرمول گران‌سازی راه‌حل مدیریت منابع نیست .شرکت‌های واسطه در پرداخت حقوق کارکنان شرکتی حذف شود.»

حمید رسایی نماینده اصولگرا و منتقد دولت پزشکیان نیز درباره افزایش قیمت بنزین گفته است: «دولت مصوب کرده نرخ سوخت کارت جایگاه‌ها افزایش پیدا کند، یعنی بنزین گران شود. من به دولت می‌گویم و صبح هم رئیس محترم مجلس تذکر دادند؛ به جای این کار، به اصلاح سیاست‌های غلط بروید.»

اظهارنظر برخی از اصلاح‌طلبان درباره افزایش قیمت بنزین نشان می‌دهد افزایش قیمت بنزین واقعا از سوی دولت پزشکیان در دست بررسی است. برای نمونه عباس عبدی، تحلیلگر اصلاح‌طلب خطاب به پزشکیان نوشته است: «اصلاح قیمت‌های انرژی یک مسأله اقتصادی و فنی نیست، بلکه یک تصمیم راهبردی سیاسی است که نیازمند اصلاحات جدی است. اجازه ندهید مردم در مواجهه با شما بگویند «خودتان می‌دانید و مملکتتان»!

در حالیکه حامیان دولت پزشکیان مدام بر ارزان بودن بنزین و مصرف بالای آن به علت ارزانی تأکید دارند که کارشناسان با این ادعا مخالف هستند.

مسعود دانشمند عضو اتاق بازرگانی و تحلیلگر اقتصادی در اینباره گفته «مسئولان درگیر یک سفسطه شده اند که می‌گویند در ایران، بنزین از آب ارزان‌تر است. اتفاقا اصلا اینگونه نیست. در اروپا و ایالات متحده نیز نسبت حداقل دستمزد و نرخ بنزین مثل کشور ما نیست. اتفاقا برق، آب و گاز و بنزین کشور ما گران‌تر از بسیاری دیگر از کشورها است. بنابراین ما باید شاخص داشته باشیم و مشخص کنیم بر چه مبنایی می‌سنجیم. گران‌تر کردن قیمت بنزین در ایران اصلا فرایند ساده‌ای نخواهد بود و ممکن است ایجاد مشکلاتی جدی در جامعه کند.»

مسعود دانشمند توضیح داده که «من اصلا موافق تصمیم‌گیری‌هایی که به جای کاهش بار فشار بر مردم است، خود ایجاد مشکل می‌کند نیستم. این نوع تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد تورم هم می‌کند و نتیجه‌ای به جز فروپاشی اقتصادی ندارد.»

عضو اتاق بازرگانی افزوده «متعجبم که چطور مقامات متوجه نیستند این نوع تصمیم‌ها باید مرحله‌ای و پلکانی گرفته شوند نه ناگهانی و با فشار بر مردم. این نوع تصمیم‌ها معمولاً با نیت اصلاحات اقتصادی مطرح می‌شوند اما در عمل، نه تنها منجر به بهبود شرایط اقتصادی نمی‌شوند، بلکه به شکل مستقیم یا غیرمستقیم باعث افزایش تورم، کاهش قدرت خرید و تضعیف اعتماد عمومی به سیاست‌گذار می‌شوند.»

این تحلیلگر اقتصادی افزوده «سیاست اصلاحی، به ویژه در حوزه‌هایی مانند حذف یارانه‌ها، اصلاح قیمت انرژی یا تغییر نرخ ارز، نیازمند اجرای مرحله‌ای و همراه با سیاست‌های جبرانی است. تجربه نشان می‌دهد که هیچ اصلاح اقتصادی پایداری با شوک درمانی به نتیجه نرسیده است.»

او همچنین هشدار داده که «از نظر علم اقتصاد، رفتار مردم و فعالان اقتصادی به‌شدت وابسته به انتظارات است. وقتی دولت تصمیم‌گیری های اینچنینی می‌کند، انتظارات تورمی فوراً افزایش می‌یابد و بازارها پیش‌دستانه به استقبال تورم می‌روند. اصلاحات ساختاری واقعی باید با شفافیت، اطلاع‌رسانی دقیق و درک توان اقتصادی جامعه صورت گیرد. در غیر این صورت، هر تصمیمی که بدون پیوستگی کارشناسی و اجتماعی انجام شود، به‌جای اصلاح، به فروپاشی بیشتر بنیان‌های اقتصادی خواهد رسید.»

چگونگی کشف «شبکه جاسوسی هسته‌ای» مرتبط با جمهوری اسلامی و پاکستان

منابع هندی روز ۲۹ اکتبر (۷ آبان‌ماه) به نقل از واحد ضد تروریسم پلیس دهلی گزارش دادند مردی مظنون به تلاش برای برقراری ارتباط با یکی از کارمندان سازمان تحقیقات اتمی هند به نیابت از سازمان اطلاعات ارتش پاکستان بازداشت شده است.

مظنون عادل حسینی ۵۹ ساله بود. او پیش از این هم متهم است که «برخی طرح‌ها و اسناد مرتبط با فناوری هسته‌ای را که از یک دانشمند روس تبار به دست آورده بوده، به یکی از عوامل سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران فروخته است.»

سخنگوی پلیس دهلی اعلام کرد: «این دو برادر اطلاعات حساسی را در اختیار کشورهای خارجی قرار داده‌اند. پرونده تشکیل شده و تحقیقات در جریان است.» اما پرمود کوشواها، معاون کمیسر واحد ویژه پلیس دهلی، از اظهارنظر درباره جزئیات پرونده خودداری کرده است.

پلیس در جریان بازرسی‌ها دو کارت شناسایی جعلی متعلق به مرکز تحقیقات اتمی بهابا به نام‌های الکساندر پالمر و علیرضا حسین کشف کرده است. این دو برادر پیش از این در شرکت‌های نفتی امارات متحده عربی مشغول به کار بوده‌اند و بنا بر اظهارات منابع تحقیق، به مشتریان احتمالی خود ادعا می‌کرده‌اند که به اسناد و اطلاعات محرمانه دسترسی دارند.

تصویر: روزنامه تایمز هندوستان

منابع هندی روز ۲۹ اکتبر (۷ آبان‌ماه) به نقل از واحد ضد تروریسم پلیس دهلی گزارش دادند مردی مظنون به تلاش برای برقراری ارتباط با یکی از کارمندان سازمان تحقیقات اتمی هند به نیابت از سازمان اطلاعات ارتش پاکستان بازداشت شده است.

بنا بر گفته منابع مطلع، این بازداشت موجب آغاز تحقیقات گسترده‌تری از سوی نهادهای مرکزی هندوستان شده است. چرا که مقامات احتمال می‌دهند ماجرا بخشی از یک «شبکه گسترده جاسوسی هسته‌ای» باشد. به گفته این منابع، فرد دستگیرشده با اشخاصی در ارتباط بوده که با زیرساخت های هسته‌ای ایران و روسیه پیوند داشته اند.

مظنون عادل حسینی ۵۹ ساله بود. او پیش از این هم متهم است که «برخی طرح‌ها و اسناد مرتبط با فناوری هسته‌ای را که از یک دانشمند روس تبار به دست آورده بوده، به یکی از عوامل سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران فروخته است.»

حسینی پس از آنکه ارتباطاتش با ماموران رابط خود در سازمان اطلاعات ارتش پاکستان فاش شد، در دهلی بازداشت گردید. در همین ارتباط، یک پرونده قضایی در دهلی به ثبت رسیده است.

اختر حسینی، برادرِعادل نیز اخیراً در بمبئی بازداشت شده است. این دو برادر ظاهراً خود را به‌عنوان دانشمندانی وابسته به مرکز تحقیقات اتمی بهابا، جا زده و کارت‌های شناسایی جعلی تهیه کرده بودند.

سخنگوی پلیس دهلی اعلام کرد: «این دو برادر اطلاعات حساسی را در اختیار کشورهای خارجی قرار داده‌اند. پرونده تشکیل شده و تحقیقات در جریان است.» اما پرمود کوشواها، معاون کمیسر واحد ویژه پلیس دهلی، از اظهارنظر درباره جزئیات پرونده خودداری کرده است.

به گفته یکی از مسئولان تحقیق این پرونده، حسینی طی سال‌های گذشته در دبی و چند کشور خارجی دیگر اقامت داشته و بخشی از پولی را که این دو برادر از معامله با جاسوس ایرانی به دست آورده بودند، با خرید ملک در دبی سرمایه گذاری کرده اند. حسینی اهل جمشید پور و خانواده او حدود دو دهه پیش به منطقه سیماپوری در شمال شرق دهلی نقل مکان کرده‌اند. پلیس همچنین چندین سند مسافرتی جعلی از آنان کشف و ضبط کرده است.

در بیانیه‌ای که پلیس دهلی منتشر کرده، آمده است: «فرد بازداشت شده با نام عادل حسینی شناسایی شده که با اسامی مستعار سید عادل حسین، محمد عادل حسینی و نسیم‌الدین نیز فعالیت داشته است. او و برادرش، اختر حسینی، اطلاعات حساس را در اختیار کشورهای خارجی قرار داده‌اند. این دو همچنین در تهیه چندین گذرنامهٔ هندی با استفاده از مدارک جعلی دست داشته‌اند.»

به گفته پلیس، «یک گذرنامه اصلی و دو نسخه گذرنامه جعلی نیز از متهم کشف شده است.» او به دادگاه معرفی شده و با دستور قاضی برای مدت هفت روز در بازداشت پلیس قرار گرفته است. تحقیقات اولیه نشان می دهد که حسینی با استفاده از همین اسناد جعلی، بارها به پاکستان و چند کشور دیگر سفر کرده است.

به گفته منابع آگاه؛ پلیس بمبئی پس از دریافت گزارشی از یکی از نهادهای اطلاعاتی مرکزی، اختر حسینی، برادر عادل، را نیز بازداشت کرده است. ظن آن می‌رود که اختر با استفاده از مدارک جعلی، بارها به کشورهای حوزه خلیج فارس سفر کرده باشد.

همچنین گزارش شده است که او سه کارت شناسایی مجزا متعلق به یک مرکز محرمانه دولتی در اختیار داشته است. موضوعی که احتمال دسترسی وی به اطلاعات حساس را تقویت می‌کند.

پلیس در جریان بازرسی‌ها دو کارت شناسایی جعلی متعلق به مرکز تحقیقات اتمی بهابا به نام‌های الکساندر پالمر و علیرضا حسین کشف کرده است. این دو برادر پیش از این در شرکت‌های نفتی امارات متحده عربی مشغول به کار بوده‌اند و بنا بر اظهارات منابع تحقیق، به مشتریان احتمالی خود ادعا می‌کرده‌اند که به اسناد و اطلاعات محرمانه دسترسی دارند.

نقشه‌ها و اسناد دیگری که ماهیت مجرمانه داشت نیز از آنان ضبط شده است. علاوه بر این دو برادر، یک فرد دیگر که اداره کننده یک کافه بوده نیز بازداشت گشته است. مقامات اکنون در حال بررسی این موضوع هستند که این شبکه برای چند نفر گذرنامه جعلی تهیه کرده و چه نوع اطلاعات حساسی در جریان فعالیت آن‌ها افشا یا منتقل شده است.

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی می‌توانند پارلمان عراق را به گروگان بگیرند

عراق ۲۰ آبان ششمین انتخابات پارلمانی خود پس از یقوط رژیم صدام حسین در آوریل ۲۰۰۳ میلادی را برگزار کرد. هنوز آمار نهائی این انتخابات اعلام نشده‌اند، ولی بر پایه آنچه برخی از مسئولین کمیسیون انتخاباتی اعلام کرده‌اند احزاب و ائتلاف‌های شیعی توانسته‌اند ۱۹۷ کرسی از پارلمان ۳۲۹ نفری را بدست آورند.

سه گروه سیاسی - نظامی نزدیک به جمهوری اسلامی نیز حضور پر رنگی در پارلمان آینده خواهند داشت. گروه «بدر» به رهبری هادی العامری ۲۱ کرسی، «عصائب اهل حق» به ریاست قیس خزعلی ۲۶ کرسی و «حزب‌الله عراق» هم ۶ کرسی را در پارلمان جدید اشغال خواهند کرد.

عمده کسانی که در این انتخابات شرکت نکردند جوانان بودند. بیش از ۴۰ درصد از جمعیت عراق را جوانان زیر ۴۰ سال تشکیل می‌دهند. جوانانی که اکتبر ۶ سال پیش در اعتراض به فساد گسترده و ناکارائی دولت به خیابان آمده بودند و سرخورده با خانه‌هایشان باز گشتند.

دولت آینده عرق چند چالش بزرگ در مقابل دارد، که مهم‌ترین آن حفظ توازن در روابط با تهران و واشنگتن است. محمد شیاع السودانی تا حدی توانسته بود این توازن را حفظ کند، ولی با حضور نیروهای شبه‌نظامی وابسته با جمهوری اسلامی در پارلمان آینده که می‌توانند دولت را به گروگان بگیرند، حفظ این توازن مشکل‌تر خواهد بود.

احمد رأفت – عراق ۲۰ آبان ششمین انتخابات پارلمانی خود پس از سقوط رژیم صدام حسین در آوریل ۲۰۰۳ میلادی را برگزار کرد. هنوز آمار نهایی این انتخابات اعلام نشده، ولی بر پایه آنچه برخی از مسئولین کمیسیون انتخاباتی اعلام کرده‌اند احزاب و ائتلاف‌های شیعی توانسته‌اند ۱۹۷ کرسی از پارلمان ۳۲۹ نفری را بدست آورند. سنی‌های عراقی ۶۷ کرسی، کردها ۵۶ کرسی و دیگر اقلیت‌ها ۹ کرسی را در ششمین پارلمان عراق اشغال خواهند کرد. حزب «بازسازی و توسعه» نخست وزیر کنونی محمد شیاع السودانی بالاترین آرا را بدست آورده است، ولی برای تشکیل کابینه جدید احتیاج به تشکیل ائتلافی پارلمانی دارد.

حضور گروه‌های شبه‌نظامی در پارلمان آینده

سه گروه سیاسی – نظامی نزدیک به جمهوری اسلامی نیز حضور پر رنگی در پارلمان آینده خواهند داشت. گروه «بدر» به رهبری هادی العامری ۲۱ کرسی، «عصائب اهل حق» به ریاست قیس خزعلی ۲۶ کرسی و «حزب‌الله عراق» هم شش کرسی را در پارلمان جدید اشغال خواهند کرد. ائتلاف انتخاباتی «حکومت قانون» که رهبری آن با نخست وزیر سابق نوری المالکی است، پس از حزب نخست وزیر محمد شیاع السودانی و حزب سنی «تقدم» به ریاست محمد الحلبوسی، سخنگوی کنونی پارلمان، در رده سوم قرار گرفته است. از آنجاییکه برای تشکیل دولت آینده باید ائتلافی از احزاب تشکیل شود، هنوز مشخص نیست که آیا محمد شیاع السودانی خواهد توانست ریاست دولت آینده را نیز بدست آورد، یا اینکه احزاب نزدیک به جمهوری اسلامی موفق خواهند شد نوری المالکی، رقیب او در این انتخابات و نزدیک‌ترین رهبر سیاسی عراق به جمهوری اسلامی، را به ریاست دولت باز گردانند.

یکی از مهم‌ترین گروه‌های شیعی به رهبری مقتدی صدر است که در انتخابات سال ۲۰۲۱ بیشترین آرا را بدست آورده بود ولی در جریان مذاکرات برای تشکیل دولت نمایندگانش در اعتراض به دخالت‌های جمهوری اسلامی استعفا دادند، حزب مقتدی صدر انتخابات ۲۰ آبان امسال را تحریم کرده بود. کمیسیون انتخابات عراق میزان شرکت‌کنندگان در انتخابات امسال را ۵۶/۱۱ درصد اعلام کرده است. این رقم البته واقعی نیست. این درصد بر مبنای کسانی که کارت بیومتریک شرکت در انتخابات را گرفته بودند اعلام شده است، در حالیکه بیش از ۷ میلیون از عراقی‌های بالای ۱۸ سال و واجد شرایط شرکت در انتخابات هرگز این کارت را دریافت نکردند. با احتساب این ۷ میلیون نفر کمی بیش از ۴۰ درصد از کسانیکه حق رأی دارند، آرای خود را به صندوق ریختند. در انتخابات سال ۲۰۲۲ اندکی بیش از ۴۲ درصد ارای خود را به صندوق ریخته بودند.

قطع امید جوانان از انتخابات

عمده کسانی که در این انتخابات شرکت نکردند جوانان بودند. بیش از ۴۰ درصد از جمعیت عراق را جوانان زیر ۴۰ سال تشکیل می‌دهند. جوانانی که اکتبر شش سال پیش در اعتراض به فساد گسترده و ناکارایی دولت به خیابان آمده بودند و سرخورده با خانه‌هایشان باز گشتند. احمد رشید، یک دانشجوی هنرهای زیبا در بغداد به «کیهان لندن» می‌گوید «ما پس از آخرین انتخابات به این نتیجه رسیدیم که در شرایط کنونی و با فساد رو به افزایش و نفوذ قدرت‌های خارجی و بویژه جمهوری اسلامی، نمی‌توان با استفاده از صندوق رای تغییری محسوس ایجاد کرد و انتخابات در عراق تنها وسیله‌ای برای زورآزمایی و تقسیم پول و قدرت بین احزاب سیاسی است. در این وضعیت پای صندوق رأی رفتن، بازی در زمین این گروه‌ها و احزاب است.»

در انتخابات ۲۰ آبان ۷۷۴۰ نفر که بیش از یک سوم آنها زن بودند خود را نامزد کرده بودند. در عراق،

طبق قانون، دستکم ۲۵ درصد از نمایندگانی که به پارلمان راه پیدا می‌کنند باید زن باشند. پس از اعلام نهایی نتایج انتخابات، بنا بر آنچه در قانون اساسی عراق آمده است، پارلمان جدید باید در فاصله ۱۵ روز تشکیل شده و رئیس انتخاب کند. در عراف نخست‌وزیر باید شیعه، رئیس پارلمان سنی و رئیس جمهور کرد باشد. پارلمان جدید ۳۰ روز فرصت دارد تا با دو سوم آرا رئیس‌جمهور جدیدی را انتخاب کند. رئیس‌جمهور به نوبه خود در حداکثر ۱۵ روز باید نامزد حزب یا ائتلافی را که بیشترین آرا را بدست آورده است مأمور تشکیل دولت جدید کند. در سال ۲۰۲۱ تشکیل دولت یک سال بطول انجامید، زیر هیچکدام از کاندیداها نتوانستند آرای لازم برای حمایت پارلمانی را بدست آورند. اینبار نیز شرایط زیاد متفاوت نیست و احتمالا تشکیل دولت جدید اگر نه ماه‌ها، هفته‌ها بطول خواهد انجامید.

جاش‌های دولت آینده عراق

دولت آینده عرق چند چالش بزرگ در مقابل دارد، که مهم‌ترین آن حفظ توازن در روابط با تهران و واشنگتن است. محمد شیاع السودانی تا حدی توانسته بود این توازن را حفظ کند، ولی با حضور نیروهای شبه‌نظامی وابسته با جمهوری اسلامی در پارلمان آینده که می‌توانند دولت را به گروگان بگیرند، حفظ این توازن مشکل‌تر خواهد بود. یکی دیگر از چالش‌های پیش روی دولت آینده تصویب لایحه‌ای است که دولت محمد شیاع السودانی به پارلمان فرستاده بود و با فشار آمریکا پس گرفته شد. بر مبنای این طرح قرار است «حشدالشعبی» (نیروهای بسیج مردمی) که در سال ۲۰۱۴ برای مقابله با داعش تشکیل شده بود و از سال ۲۰۱۶ بعنوان بخشی از نیروهای مسلح رسمیت یافت، به ساختاری موازی ارتش و با استقلال کامل تبدیل شود. محمد شیاع السودانی این طرح را بخشی از برنامه گسترده اصلاحات نظامی و امنیتی اعلام کرده بود.

رشید عرفان، روزنامه‌نگار عراقی در بغداد به «کیهان لندن» می‌گوید «در حقیقت شیاع السودانی به درخواست برخی از رهبران گروه‌های شبه‌نظامی که تحت نظر جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند، خواستار ایجاد نهادی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که اگر چه بخشی از نیروهای نظامی خواهد ماند ولی از استقلال کامل ساختاری، مالی و حتی سیاسی برخوردار خواهند شد.»

این روزنامه‌نگار می‌افزاید «اگر این طرح در پارلمان آینده به تصویب برسد این شبه‌نظامیان حتی قرار است یک آکادمی نظامی و یک دانشگاه نیز به راه بیاندازند و از هم اکنون که این طرح هنوز به تصویب نرسیده ساختار اقتصادی خود را راه اندازی کرده‌اند که بسیاری از مناقصات دولتی به آنها واگذار می‌شود.» اشاره رشید عرفان به گروه اقتصادی «خدمات المهندس» است که از «قرارگاه خاتم النبیا» الهام گرفته است. ساختاری که در کمتر از دو سال ارزش آن چند صد میلیون دلار تخمین زده می‌شود.

«حشد الشعبی» برپایه برخی گمانه‌زنی‌ها بیش از ۲۰۰ هزار فرد مسلح در اختیار دارد که حقوق آنها رسما توسط دولت عراق از راه فروش نفت تأمین می‌شود. بیش از نیکی از اعضای «حشد الشعبی» که ۱۴ گروه را در بر می‌گیرد، در نهادهای تحت کنترل نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار دارند. بنوعی می‌توان گفت که در حال حاضر مهم‌ترین شاخه «محور مقاومت» جمهوری اسلامی را شبه‌نظامیان عراقی تشکیل می‌دهند، که برخلاف «حماس»، «جهاد اسلامی» در غزه و کرانه باختری، «حزب‌الله» در لبنان و «انصارالله» در یمن در دو سال گذشته زیر حملات اسرائیل قرار نداشتند و دست نخورده ماندند.

ترامپ لایحه بازگشایی دولت را امضاء کرد؛ طولانی‌ترین تعطیلی دولت در تاریخ آمریکا پایان یافت

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا روز چهارشنبه ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان‌ماه) لایحه مصوب کنگره برای پایان دادن به طولانی‌ترین تعطیلی دولت در تاریخ آمریکا را امضا کرد. او تأکید کرد: «این نشان می‌دهد که ما هرگز تسلیم باج‌خواهی [دمکرات‌ها] نمی‌شویم.»

به این ترتیب دولت آمریکا پس از ۴۳ روز بازگشایی می‌شود. مقامات دولت ترامپ، دمکرات‌ها را متهم کرده‌اند که عامدانه دولت را به تعطیلی کشاندند تا دولت را برای دریافت بودجه به‌منظور راضی‌نگهداشتن پایگاه رای خود و کمک به مهاجران غیرقانونی گروگان بگیرند.

امضاء طرح بازگشایی دولت توسط ترامپ در کاخ سفید

در پی تعطیلی دولت فدرال بسیاری از خدمات دولتی از ماه اکتبر به حالت تعلیق درآمده است و حدود ۱/۴ میلیون کارمند فدرال در مرخصی بدون حقوق هستند یا بدون دریافت حقوق کار می‌کنند. کمک‌های غذایی نیز در بلاتکلیفی قرار گرفت و سفرهای هوایی در سراسر کشور مختل شد. بسیاری از برنامه‌ها، سازمان‌ها و ادارات دولتی نیز به دلیل نبود بودجه متوقف شده بودند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا روز چهارشنبه ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان‌ماه) لایحه مصوب کنگره برای پایان دادن به طولانی‌ترین تعطیلی دولت در تاریخ آمریکا را امضا کرد. او تأکید کرد: «این نشان می‌دهد که ما هرگز تسلیم باج‌خواهی [دمکرات‌ها] نمی‌شویم.»

به این ترتیب دولت آمریکا پس از ۴۳ روز بازگشایی می‌شود. مقامات دولت ترامپ، دمکرات‌ها را متهم کرده‌اند که عامدانه دولت را به تعطیلی کشاندند تا دولت را برای دریافت بودجه به‌منظور راضی‌نگهداشتن پایگاه رای خود و کمک به مهاجران غیرقانونی گروگان بگیرند.

تعطیلی‌های طولانی دولت در تاریخ آمریکا سابقه‌دار است و این تاریخچه نشان می‌دهد که تعطیلی دولت‌ها معمولا ناشی از اختلافات سیاسی بر سر بودجه، سیاست‌های درمانی و پروژه‌های کلان است و طولانی‌ترین آنها اغلب نیازمند مداخله کوتاه‌مدت یا مصالحه برای بازگشایی دولت شده است.

مجلس نمایندگان آمریکا لایحه بودجه موقت دولت را با ۲۲۲ رأی موافق در برابر ۲۰۹ رأی مخالف به تصویب رساند.

در پی تعطیلی دولت فدرال بسیاری از خدمات دولتی از ماه اکتبر به حالت تعلیق درآمده است و حدود ۱/۴ میلیون کارمند فدرال در مرخصی بدون حقوق هستند یا بدون دریافت حقوق کار می‌کنند. کمک‌های غذایی نیز در بلاتکلیفی قرار گرفت و سفرهای هوایی در سراسر کشور مختل شد. بسیاری از برنامه‌ها، سازمان‌ها و ادارات دولتی نیز به دلیل نبود بودجه متوقف شده بودند.

ترامپ هنگام امضاء این لایحه عنوان کرد: «امروز پیامی روشن می‌فرستیم که هرگز در برابر باج‌خواهی تسلیم نخواهیم شد، چون همین چیزی بود که اتفاق افتاد.»

بن‌بست میان جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها از اختلاف‌نظر درباره برخی مفاد مرتبط با خدمات درمانی در لایحه احتمالی تامین مالی آغاز شد. ترامپ و جمهوری‌خواهان می‌گفتند موکرات‌ها می‌خواهند برای مهاجران غیرقانونی خدمات درمانی فراهم کنند، و به بندی اشاره کردند که بخشی از لایحه مالیاتی و سیاست داخلی ترامپ را که او آن را «لایحه بزرگ و زیبا» می‌نامید لغو می‌کرد. آن بند موجب کاهش واجد شرایط بودن غیرشهروندان برای دریافت «مدیکید» می‌شد.

دموکرات‌ها با این برداشت مخالفت کردند و گفتند قصد دارند برخی یارانه‌های قانون مراقبت مقرون‌به‌صرفه (Oba-macare) را که قرار است در پایان سال ۲۰۲۵ منقضی شوند، به‌طور دائمی تمدید کنند.

به گزارش فاکس‌نیوز، لایحه هزینه‌های موقتی که ترامپ امضا کرد، این یارانه‌ها را تا پایان سال تمدید نمی‌کند، اما رهبر اکثریت سنا، جان تون (جمهوری‌خواه از داکوتای جنوبی)، با برگزاری رای‌گیری در ماه دسامبر درباره لایحه‌ای برای تمدید این اعتبارات موافقت کرده است.

کیهان

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی:

احتمالاً در جلسه آتی شورای حکام علیه ما اقدام شود

دیدار عباس عراقچی و هیات ایرانی با نمایندگان اروپایی در حاشیه نشست سازمان ملل

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه در نشست خبری هفتگی در پاسخ به پرسشی درباره نشست آتی شورای حکام و پرونده جمهوری اسلامی و همچنین پیام فرانسه برای مذاکره گفت: «اظهار علاقه‌مندی کفایت نمی‌کند و باید جدیت خودشان را نشان دهند.»

اسماعیل بقائی با اشاره به سخنان وزیر خارجه فرانسه در رابطه با علاقمندی برای مذاکره با ایران گفت: «اظهار علاقه‌مندی به تنهایی کافی نیست و باید اقدامات عملی و جدی نشان داده شود، که متأسفانه ما با فقدان چنین اقدامی مواجه هستیم. نشست شورای حکام معمولاً به مجموعه‌ای از موضوعات فنی در حوزه هسته‌ای می‌پردازد و یکی از این موضوعات، مسئله هسته‌ای ایران خواهد بود؛ این امر موضوعی عجیب نیست.»

او افزود: «با توجه به اقداماتی که سه کشور اروپایی و آمریکا در سطح شورای امنیت سازمان ملل برای بازگرداندن قطعنامه‌های لغو شده، انجام دادند، احتمال دارد که در این نشست نیز تلاش شود اقدامی مشابه در انطباق با آن اقدام انجام دهند».

بقائی هشدار داده است که «کماکان این مطالبه را [از گروسی] داریم که از اظهارات سیاسی پرهیز کند.»

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه در نشست خبری هفتگی در پاسخ به پرسشی درباره نشست آتی شورای حکام و پرونده جمهوری اسلامی و همچنین پیام فرانسه برای مذاکره گفت: «اظهار علاقه‌مندی کفایت نمی‌کند و باید جدیت خودشان را نشان دهند.»

اسماعیل بقائی با اشاره به سخنان وزیر خارجه فرانسه در رابطه با علاقمندی برای مذاکره با ایران گفت: «اظهار علاقه‌مندی به تنهایی کافی نیست و باید اقدامات عملی و جدی نشان داده شود، که متأسفانه ما با فقدان چنین اقدامی مواجه هستیم. نشست شورای حکام معمولاً به مجموعه‌ای از موضوعات فنی در حوزه هسته‌ای می‌پردازد و یکی از این موضوعات، مسئله هسته‌ای ایران خواهد بود؛ این امر موضوعی عجیب نیست.»

او افزود: «با توجه به اقداماتی که سه کشور اروپایی و آمریکا در سطح شورای امنیت سازمان ملل برای بازگرداندن قطعنامه‌های لغو شده، انجام دادند، احتمال دارد که در این نشست نیز تلاش شود اقدامی مشابه در انطباق با آن اقدام انجام دهند. همکاران ما در نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در وین با کشورهای عضو شورای حکام در ارتباط هستند و تلاش می‌کنیم که منافع کشورمان را در نشست آتی به بهترین وجه صیانت کنند. ان‌شاءالله.»

بخشی از صحبت‌های بقایی درباره مصاحبه‌ها و مواضع رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. او طی هفته‌های اخیر بارها هشدار داد که جمهوری اسلامی حتا بعد از بمباران تأسیسات اتمی فردو، نطنز و اصفهان همچنان ظرفیت و مواد کافی برای ساخت بمب اتم را در اختیار دارد.

بقائی هشدار داده است که «کماکان این مطالبه را [از گروسی] داریم که از اظهارات سیاسی پرهیز کند.»

جمهوری اسلامی همچنان به بازرسان آژانس اجازه بازدید از تأسیسات تخریب شده در بمباران آمریکا و اسرائیل را نداده است.

اواخر مهرماه لارنس نورمن خبرنگار وال‌استریت ژورنال در «ایکس» نوشت: «اگر تهران همکاری نکند، احتمال دارد سه کشور اروپایی پرونده [رژیم] ایران را در ماه نوامبر (نهم آذرماه) به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهند. [جمهوری اسلامی] ایران می‌تواند وانمود کند که موضوع پایان یافته، اما چنین نیست.»

او افزود: «سه کشور اروپایی تا ۱۲ ماه فرصت دارند قطعنامه مربوط به عدم پایبندی [جمهوری اسلامی] ایران را به شورای امنیت ارسال کنند.»

پیش‌تر سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان در بیانیه‌ای مشترک در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ابراز نگرانی عمیق از وضعیت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، هشدار دادند که تهران همین حالا باید از خود آمادگی دیپلماتیک نشان دهد و از دادن وعده بپرهیزد.

این سه کشور در بیانیه‌ای که چهارشنبه ۱۹ شهریور منتشر شد، تاکید کردند: «ما در مقطع حساسی قرار داریم. بر عهده ایران است که هرچه سریع‌تر گام‌های ملموسی برای نشان دادن جدیت خود در یافتن راه‌حل دیپلماتیک بردارد و به شکلی معنادار با پیشنهاد ما در این مدت تعامل کند. وعده‌های آینده کافی نیست، ما نیازمند شواهدی از امروز هستیم که نشان دهد ایران آماده راه‌حل دیپلماتیک است.»

این کشورها با هشدار نسبت به کاهش شدید سطح نظارت آژانس، اضافه کردند، «در حال حاضر نظارت آژانس بر برنامه هسته‌ای ایران تقریبا به صفر رسیده و هزاران کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده در ایران وجود دارد که آژانس نزدیک سه ماه است نتوانسته آن را راستی‌آزمایی کند.»

تحریم سه عضو حزب‌الله به اتهام انتقال میلیون‌ها دلار پول از ایران

وزارت خزانه‌داری آمریکا

براساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا که ششم نوامبر (۱۵ آبان‌ماه) منتشر شد این افراد با بازرگانان و صرافی‌ها همکاری می‌کنند تا میلیون‌ها دلار پول از ایران به حزب‌الله را انجام دهند و با معاملات پنهانی فعالیت‌های تروریستی حزب‌الله را تأمین مالی می‌کنند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا، سه عضو حزب‌الله را که در انتقال ده‌ها میلیون دلار از ایران به لبنان نقش داشته‌اند تحریم کرد.

براساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا که ششم نوامبر (۱۵ آبان‌ماه) منتشر شد این افراد با بازرگانان و صرافی‌ها همکاری می‌کنند تا میلیون‌ها دلار پول از ایران به حزب‌الله را انجام دهند و با معاملات پنهانی فعالیت‌های تروریستی حزب‌الله را تأمین مالی می‌کنند.وزارت خزانه‌داری جمعه شب در بیانیه‌ای اعلام کرد که هرلی به اسرائیل، امارات، ترکیه و لبنان سفر می‌کند و سفر وی بر «همکاری با شماری از شرکای کلیدی به منظور اجرای کارزار فشار حداکثری دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا علیه [رژیم] ایران و افزایش اقدامات حفاظتی برای ایجاد محدودیت بیشتر بر دسترسی گروه‌های تروریستی به نظام مالی جهانی متمرکز است.»

این افراد در سال ۲۰۲۵ ده‌ها میلیون دلار از ایران به حزب‌الله منتقل کرده‌اند. این افراد با بهره‌برداری از ساختار نقدی اقتصاد لبنان و استفاده از صرافی‌ها، اقدام به پولشویی کرده‌اند.

روش‌های به‌کار گرفته شده شامل فروش نفت و کالاهای ایرانی و انتقال وجوه از طریق صرافی‌های مجاز و غیرمجاز به لبنان بوده است. وزارت خزانه‌داری هشدار داده است که صرافی‌هایی که نظارت کافی بر مشتریان خود اعمال نمی‌کنند، زمینه پولشویی حزب‌الله را در اقتصاد نقدی لبنان فراهم می‌آورند. افراد تحریم‌شده عبارتند از: محمد جعفر محمد قصیر، سامر کسبار و اسامه جابر، که در جمع‌آوری و تبدیل وجوه برای حزب‌الله نقش کلیدی داشته و در بازه سپتامبر ۲۰۲۴ تا فوریه ۲۰۲۵، ده‌ها میلیون دلار را از طریق چندین صرافی مرتبط با حزب‌الله جابه‌جا کرده است.

جان کی. هرلی معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی، اظهار داشت: «لبنان می‌تواند آزاد، امن و آباد باشد، اما تنها در صورتی که حزب‌الله به‌طور کامل خلع‌سلاح شده و از منابع مالی ایران جدا گردد.»

نامه اعتراضی جمهوری اسلامی به سازمان ملل درباره «فرماندهی ترامپ» در جنگ ۱۲ روزه

امیرسعید ایروانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل

جمهوری اسلامی با ارسال نامه‌ای رسمی به دبیرکل و رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد، اظهارات اخیر رئیس جمهوری آمریکا، را اثبات «مشارکت مستقیم ایالات متحده در تجاوز نظامی غیرقانونی اسرائیل به ایران» دانست.

دونالد ترامپ پنجشنبه ۱۵ آبان‌ماه در مصاحبه‌ای گفت: «حمله اول را اسرائیل انجام داد. حمله خیلی خیلی قدرتمندی بود و شخصاً فرماندهی‌اش را بر عهده داشتم.»

در واکنش به این اظهارات امیرسعید ایروانی، نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل، روز شنبه ۱۷ آبان عنوان کرد، این اظهارات «دلیلی آشکار و انکارناپذیر» از نقش مستقیم و راهبری ایالات متحده در طراحی، هدایت و اجرای حملات ۱۲روزه اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران است.

او این حملات را «نقض فاحش منشور ملل متحد» و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل خواند. ایروانی افزود که این اقدامات منجر به «تلفات متعدد غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی و خسارات سنگین به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران» شده است.

جمهوری اسلامی با ارسال نامه‌ای رسمی به دبیرکل و رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد، اظهارات اخیر رئیس جمهوری آمریکا، را اثبات «مشارکت مستقیم ایالات متحده در تجاوز نظامی غیرقانونی اسرائیل به ایران» دانست.

دونالد ترامپ پنجشنبه ۱۵ آبان‌ماه در مصاحبه‌ای گفت: «حمله اول را اسرائیل انجام داد. حمله خیلی خیلی قدرتمندی بود و شخصاً فرماندهی‌اش را بر عهده داشتم.»

در واکنش به این اظهارات امیرسعید ایروانی، نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل، روز شنبه ۱۷ آبان عنوان کرد، این اظهارات «دلیلی آشکار و انکارناپذیر» از نقش مستقیم و راهبری ایالات متحده در طراحی، هدایت و اجرای حملات ۱۲روزه اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران است.

او این حملات را «نقض فاحش منشور ملل متحد» و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل خواند. ایروانی افزود که این اقدامات منجر به «تلفات متعدد غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی و خسارات سنگین به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران» شده است.

ایروانی صحبت‌های ترامپ را «اعتراف» در همکاری با اسرائیل برای حمله به ایران خواند و اظهارات پیشین رئیس جمهوری آمریکا را که گفته بود آمریکا در حملات دخالتی نداشته و اولویت اصلی‌اش حفظ امنیت نیروهای خود در منطقه است، «دغل‌کارانه» خواند.

ایروانی تأکید کرد که اظهارات جدید رئیس جمهوری آمریکا، بار حقوقی سنگینی برای ایالات متحده دارد و نشان می‌دهد که آمریکا و اسرائیل به‌طور کامل و مشترک مسئول پیامدهای حملات، از جمله «کشتار غیرنظامیان، تخریب گسترده اموال عمومی و هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان ایران» هستند.

او در پایان این بیانیه افزود، جمهوری اسلامی حق خود در «پیگیری تمامی مجاری حقوقی بین‌المللی» و مطالبه جبران کامل خسارات از جمله «پرداخت غرامت» را برای خود محفوظ می‌داند و از دبیرکل می‌خواهد نامه تهران به عنوان سند رسمی سازمان ملل ثبت و در میان اعضای شورای امنیت توزیع شود.

ترامپ طی یک نشست مطبوعاتی در کاخ سفید گفت، هنگام حمله اسرائیل به ایران، «کنترل کامل» را در دست داشته و آن حمله را «بسیار قدرتمند» خواند.

او افزود: «خسارتی که در حمله اول وارد شد، بیش از تمام حملات بعدی بود.»

در واکنش به سخنان ترامپ، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، نیز «اعتراف» ترامپ را سندی غیرقابل انکار از «دخالت مستقیم و همدستی فعال» آمریکا در حمله اسرائیل به ایران توصیف کرد و خواستار بازخواست و پاسخگویی واشنگتن شد.

روزنامه «تایمز»: امپراتوری پنهان علی انصاری، از سپرده‌های بانکی تا عمارت‌های چند میلیون پوندی در لندن

روزنامه بریتانیایی «تایمز» گزارش داده است، علی انصاری مالک «ایران مال» و «بانک آینده» که از سوی بریتانیا به اتهام تأمین مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران تحریم شده است، مجموعه‌ای از املاک به ارزش ۱۴۲ میلیون پوند در معتبرترین و گرانبهاترین مناطق لندن خریداری کرده است.

براساس این گزارش انصاری ۵۶ ساله، در سال ۲۰۱۳ از طریق یک شرکت صوری که در جزیره «آیل آف مَن» در بریتانیا به ثبت رسیده، ۱۲ ملک و قطعه زمین به ارزش ۷۳ میلیون پوند در خیابان معروف «بیشاپز آونیو» و اطراف آن در منطقه زیبا و با صفایی در شمال غرب لندن که به «اقامتگاه میلیاردرها» شهرت دارد، خریداری کرده است.

انصاری نخستین واحد را در مارس ۲۰۱۴ به بهای ۱۶/۷۵ میلیون پوند خریداری کرد و حدود ۱۸ ماه بعد، دومین واحد را به قیمت ۱۹ میلیون پوند به تملک خود درآورد. هر دو ملک دارای آپارتمان‌های مجزا در طبقه همکف برای اقامت کارکنان هستند.

املاکی که او در «خیابان میلیاردرها» و اطراف آن، در منطقه‌ای که زمانی محل اقامت سلطان برونای و شاه کنسانتین دوم یونان بود، خریداری کرده بود، یا خالی از سکنه بودند یا در شرایط فرسودگی و ویرانی قرار داشتند.

روزنامه بریتانیایی «تایمز» گزارش داده است، علی انصاری

علی انصاری

مالک «ایران مال» و «بانک آینده» که از سوی بریتانیا به اتهام تأمین مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران تحریم شده است، مجموعه‌ای از املاک به ارزش ۱۴۲ میلیون پوند در معتبرترین و گرانبهاترین مناطق لندن خریداری کرده است.

بر اساس این گزارش، انصاری ۵۶ ساله، در سال ۲۰۱۳ از طریق یک شرکت صوری که در جزیره «آیل آف مَن» در بریتانیا به ثبت رسیده، ۱۲ ملک و قطعه زمین به ارزش ۷۳ میلیون پوند در خیابان معروف «بیشاپز آونیو» و اطراف آن در منطقه زیبا و با صفایی در شمال غرب لندن که به «اقامتگاه میلیاردرها» شهرت دارد، خریداری کرده است.

او بعدها عمارتی نیز به ارزش ۳۳/۷ میلیون پوند در همان خیابان خریداری کرد و همچنین دو واحد آپارتمان مجلل، در نزدیکی کاخ کنزینگتون، به بهای نزدیک به ۳۶ میلیون پوند را به تملک خود درآورد. هر یک از این املاک دارای اقامتگاه‌های جداگانه مخصوص خدمتکاران نیز هستند.

تمام این املاک اکنون مصادره خواهند شد و هرگونه فروش یا توسعه آتی آن‌ها با محدودیت مواجه شده است. انصاری که گفته می‌شود روابط نزدیکی با خانواده علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دارد، بر اساس تحریم‌ها همچنین با ممنوعیت سفر به بریتانیا روبروست.

در حالیکه تنش‌ها با تهران در بالاترین حد خود قرار دارد، سِر کِن مک‌کالوم رئیس سازمان اطلاعات داخلی بریتانیا، اخیرا فاش کرده است که این نهاد امنیتی تنها در ۱۲ ماه گذشته، بیش از بیست طرح ترور و عملیات مرگبارِ مورد حمایت جمهوری اسلامی را در خاک بریتانیا شناسایی و تحت نظر داشته است.

بنا بر گزارش‌ها، برخی از این طرح‌ها که روزنامه‌نگاران مستقل و مخالفان ایرانی را هدف قرار داده بودند، توسط نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که شاخه و مسئول عملیات برون مرزی است، سازماندهی شده‌اند.

انصاری ۳۰ اکتبر تحت تحریم‌های بریتانیا قرار گرفت. تنها چند روز پس از آن که «بانک آینده»، موسسه‌ای خصوصی که خانواده‌اش بیش از یک دهه پیش در ایران بنیان گذاشته بودند، با بدهی‌هایی چند میلیارد پوندی فرو پاشید.

همیش فالکنر، نماینده مجلس اعیان بریتانیا در اعلام این تحریم، علی انصاری را «بانکدار و تاجر فاسد ایرانی» خواند که در «تامین مالی فعالیت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» نقش داشته است.

در فهرست تحریم‌های دولت بریتانیا آمده: «انصاری در تسهیل و حمایت از فعالیت‌های خصمانه حکومت ایران نقش داشته است. از جمله در تأمین منابع اقتصادی برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و افرادی که اقداماتی با هدف بی‌ثبات سازی بریتانیا یا هر کشور دیگری انجام داده‌اند.»

گفته می‌شود انصاری هرگونه تخلف را رد کرده است. این در حالی است که در فهرست تحریم‌ها، نشانی محل اقامت اصلی او در منطقه مجلل «امارات هیلز» دُبی ذکر شده است و همچنین قید شده که او دارای تابعیت قبرس بوده و علاوه بر گذرنامه ایرانی، گذرنامه کشور «سنت کیتس و نویس» در کارائیب را نیز در اختیار دارد.

با این حال، بررسی امپراتوری ملکی او در لندن نشان می دهد که وی سفرها و دیدارهای مکرری به بریتانیا داشته است.

اسناد اداره ثبت اراضی بریتانیا نشان می‌دهد که او در اکتبر ۲۰۱۳ دوازده ملک و قطعه زمین را در خیابان «بیشاپز آونیو» و اطراف آن، در معامله‌ای به ارزش ۷۳ میلیون پوند خریداری کرده است.

این املاک از سوی شرکت «برچ ونچرز لیمیتد» که در جزیره (آیل آف مَن) به ثبت رسیده خریداری شده اند و علی انصاری به عنوان تنها مالک ذی نفع آن شناخته می‌شود.

این معامله در زمان خود توجه چندانی جلب نکرد، تا حدی، به این دلیل که ملیت علی انصاری سازمان ثبت اسناد شرکت ها در بریتانیا، در ارتباط با شرکت «برچ ونچرز» قبرسی قید شده بود نه ایرانی.

املاکی که او در «خیابان میلیاردرها» و اطراف آن، در منطقه‌ای که زمانی محل اقامت سلطان برونای و شاه کنسانتین دوم یونان بود، خریداری کرده بود، یا خالی از سکنه بودند یا در شرایط فرسودگی و ویرانی قرار داشتند.

عکس: OCCRP

این مجموعه شامل ملک شماره ۵۳، موسوم به «تاورز» نیز می‌شود. خانه‌ای که روزگاری محل اقامت «دِیم گریسی فیلدز»، بازیگر و خواننده نامدار بریتانیایی بود. این عمارت در سال ۲۰۲۳ بر اثر آتشی که گمان می‌رود توسط خرابکاران افروخته شده باشد، تا حدی ویران شد.

شرکت «برچ ونچرز» از شورای شهرداری منطقه «بارنت» مجوز تخریب عمارت «تاورز» و ساخت دریافت کرده تا در محل آن ۶۵ واحد آپارتمان لوکس احداث کند.

همچنین برای سه قطعه زمین مجاور، جایی که پیش از این عمارت‌های «جورجیَنز»، «رِدکرافت» و «ایلکلی

هاوس» قرار داشتند و اکنون تخریب شده‌اند، نیز مجوز تبدیل به واحدهای مسکونی صادر شده است.

پنج عمارت دیگر در نزدیکی «آردن کورت گاردنز» همچنان خالی از سکنه هستند.

یکی از نگهبانان عمارت‌ها هفته گذشته در گفتگویی اظهار داشت: «در هفت سالی که من اینجا کار می‌کنم، هیچ کس در این خانه‌ها زندگی نکرده است.»

نگهبان می‌گوید: «صاحب این خانه‌ها سالی یکی دو بار سر می‌زند و بعد ناپدید می‌شود. پیشتر بچه‌ها و افراد بی خانمان سعی می‌کردند وارد این املاک شوند، اما از وقتی سگ‌های نگهبان آورده‌ایم، دیگر خبری از آن‌ها نیست.»

یکی دیگر از عمارت‌های متعلق به شرکت «برچ ونچرز»، واقع در شماره ۶ خیابان «وایت لاج کلوز»، با تخته بسته شده و زمین‌های پشت آن نیز پوشیده از علف‌های هرز و بدون رسیدگی مانده است.

اسناد رسمی نشان می‌دهد که انصاری در دسامبر ۲۰۱۴ عمارتی دیگر را در خیابان «بیشاپز آونیو» به بهای ۳۳/۷ میلیون پوند خریداری کرده است. افشای این خرید برای نخستین بار، هفته گذشته توسط «پروژه گزارش دهی جرایم سازمان یافته و فساد» صورت گرفت.

جک تیلور نیز در «ساندی تایمز» نوشته است: «این عمارت مدرن که دارای استخر سرپوشیده، سالن سینما و هشت اتاق خواب هر یک با حمام اختصاصی است، ظاهرا برای استفاده شخصی انصاری و خانواده‌اش در نظر گرفته شده و در اسناد اداره ثبت اراضی به نام خود او ثبت گشته است.»

اخیراً مردی که خود را «سرپرست خانه» انصاری معرفی کرد، گفت که « آقا در منزل نیستند.» اما او پذیرفت پیغامی را به «شرکت او در لندن» منتقل کند.

نام علی انصاری به عنوان مدیر در هیچ شرکت فعالی در بریتانیا ثبت نشده است و بر اساس مفاد تحریم‌ها، او از تصدی چنین سمتی منع گشته است.

با این حال، او هنوز از خدمات یک دستیار شخصی که ظاهراً مسئول نگهداری از دو آپارتمان دوبلکس او که در یک مجتمع مجلل مسکونی، در نزدیکی «کاخ کنزینگتون» قرار دارد، برخوردار است.

انصاری نخستین واحد را در مارس ۲۰۱۴ به بهای ۱۶/۷۵ میلیون پوند خریداری کرد و حدود ۱۸ ماه بعد، دومین واحد را به قیمت ۱۹ میلیون پوند به تملک خود درآورد. هر دو ملک دارای آپارتمان‌های مجزا در طبقه همکف برای اقامت کارکنان هستند.

به نظر می‌رسد موج خریدهای گسترده علی انصاری در لندن، اندکی پس از تأسیس «بانک آینده»، موسسه‌ای که در سال ۲۰۱۲ به دست خانواده او در ایران بنیان نهاده شد، آغاز شده باشد.

این بانک که در آغاز با وعده سودهای کلان و بهره‌هایی بالاتر از نرخ سایر مؤسسات مالی، سپرده‌های عظیمی جذب کرده بود، به تدریج در گرداب زیان‌های فزاینده و بدهی‌های سنگین فرو رفت.

سرانجام، در پایان ماه گذشته، «بانک آینده» به طور رسمی منحل شد و تمامی زیان‌ها و بدهی‌های آن به «بانک ملی ایران» یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های دولتی کشور منتقل شد.

آتش‌سوزی‌ها، املاک متروک و ردی از میلیون‌ها پوند سرمایه، تنها بخشی کوچکی از شبکه‌ای است که به نظر می‌رسد از تهران تا لندن گسترده شده است شبکه‌ای که اکنون، پس از سال‌ها فعالیت در سایه، زیر ذره‌بین تحریم‌ها و افشاگری‌های رسانه‌ای قرار گرفته است.

دوران محمدرضا شاهی؛ جبران عقب‌افتادگی

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)

فروردین ۱۳۳۹ موافقت‌نامه اجرایی ساخت راه‌های فرعی کشور در سازمان برنامه میان دو کشور ایران و امریکا به امضا رسید و همچنین تحویل نخستین دسته از هواپیماهای جت اف-۸۶ به نیروی هوایی شاهنشاهی در فرودگاه مهرآباد به وسیله ژنرال لیندکوییست رییس گروه مستشاری نظامی امریکا در ایران انجام گرفت.

انتخابات عراق و جمهوری اسلامی

انتخابات عراق و اهداف جمهوری اسلامی از اعمال نفوذ و دخالت در آن از طریق نیروهای نیابتی‌اش

© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

روزنامه «اورشلیم‌پست»: آیا اسرائیل و آمریکا پیش از پایان ریاست‌جمهوری ترامپ موفق به «تغییر رژیم» در ایران خواهند شد؟

یوحان گرمی باب تحلیلگر ارشد نظامی و امنیتی در مقاله‌ای که ۱۱ نوامبر (۲۰ آبان‌ماه) در «اورشلیم پست» منتشر شد می‌نویسد: «در شرایطی که اسرائیل باید از همه‌ی گزینه‌ها برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای و نیز از ساخت موشک‌های بالستیک توسط رژیم استفاده کند، ضروری است که راهبردهای واقع‌بینانه به کار بگیرد، صریح‌تر بگوییم، احتمال اینکه اسرائیل و آمریکا بتوانند تا سال ۲۰۲۹ باعث یا عامل تغییر رژیم در ایران شوند، بسیار مبهم است».

نویسنده پیش‌بینی کرده است «اگر علی خامنه‌ای بمیرد و میان جناح‌های مختلف بر سر جانشینی او کشمکش طولانی شکل گیرد، شاید اسرائیل، آمریکا و غرب بتوانند با مهارت، ظرافت و اندکی شانس از چنین فرصتی برای سرعت‌بخشیدن تغییر رژیم استفاده کنند».

«اسرائیل می‌تواند هم‌زمان بر دو هدف تمرکز کند: ۱) مقابله با تهدیدهای کوتاه‌مدت ایران در زمینه‌ی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی؛ ۲) دنبال‌کردن هدف بلندمدت بازگشت به نوعی رابطه‌ی غیرخصمانه با [رژیم] ایران شبیه دوران همکاری پیش از ۱۹۷۹ یا دست‌کم رسیدن به مرحله‌ای که تهدید دائمی از میان برود».

یوحان گرمی باب تحلیلگر ارشد نظامی و امنیتی در مقاله‌ای که ۱۱ نوامبر (۲۰ آبان‌ماه) در «اورشلیم پست» منتشر شد پیش‌بینی کرده است، مرگ علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی می‌تواند به شکاف درون حکومت بر سر جانشینی دامن بزند.

در این مقاله به رهبران آمریکا و اسرائیل توصیه شده است با ادامه‌ی پیشرفت‌های هسته‌ای رژیم ایران، اسرائیل و آمریکا باید میان تهدیدهای کوتاه‌مدت و هدف بلندمدت‌تر یعنی «تغییر رژیم» تعادل برقرار کنند.

در مقدمه این نوشتار آمده، بعضی از مقامات اسرائیلی در ماه‌های اخیر بارها از طریق رسانه‌های بین‌المللی و داخلی به‌صورت ناشناس تهدیدهایی متوجه جمهوری اسلامی ایران کرده‌اند تا مانع از تلاش تهران برای بازسازی برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای و موشکی شوند. یکی از آخرین این اظهارات این بود که اسرائیل همراه با آمریکا تا پیش از پایان ریاست جمهوری دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۹ برای «تغییر رژیم» در ایران هدف‌گذاری کرده‌اند.

نویسنده تأکید می‌کند، در شرایطی که اسرائیل باید از همه‌ی گزینه‌ها برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای و نیز از ساخت موشک‌های بالستیک توسط رژیم استفاده کند، ضروری است که راهبردهای واقع‌بینانه به کار بگیرد: «صریح‌تر بگوییم، احتمال اینکه اسرائیل و آمریکا بتوانند تا سال ۲۰۲۹ باعث یا عامل تغییر رژیم در ایران شوند، بسیار مبهم است.»

البته فرصت‌هایی درونی می‌تواند چنین احتمالی را افزایش دهد؛ علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۸۶ سال دارد و در سال‌های اخیر چندین بار بیمار شده است.

اگر و زمانی که او بمیرد و میان جناح‌های مختلف بر سر جانشینی او کشمکش طولانی شکل گیرد، شاید اسرائیل، آمریکا و غرب بتوانند با مهارت، ظرافت و اندکی شانس از چنین فرصتی برای سرعت‌بخشیدن «تغییر رژیم» استفاده کنند.

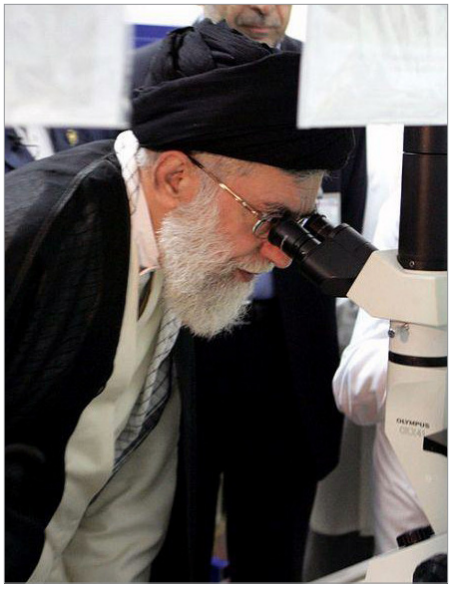

بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه فناوری / امرداد ۱۳۸۷

توان محدود اسرائیل و غرب برای تأثیرگذاری بر تغییر در ایران

اما اسرائیل، آمریکا و حتی کل غرب، به‌تنهایی، توان محدودی برای رقم‌زدن چنین تغییری دارند. دلایل متعددی برای این امر وجود دارد. نخست آنکه، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، رهبران ایران دریافتند که نمی‌توانند روی ارتش حرفه‌ای کشور برای سرکوب معترضان داخلی حساب کنند.

جرمی باب در ادامه می‌نویسد: سربازان حرفه‌ای تمایل دارند فقط علیه دشمنان خارجی بجنگند، نه مردم خودشان. بنابراین، حکومت برای مقابله با شورش‌های داخلی، نیرویی جداگانه و وفادار ایجاد کرد: سازمان شبه نظامیان دو میلیون نفری «بسیج» که مأموریتش سرکوب بی‌رحمانه‌ی اعتراضات مردمی است.

او همچنین اشاره می‌کند که حکومت ایران با مشاهده‌ی انقلاب‌های رنگی در شرق که با کمک اینترنت و شبکه‌های اجتماعی سازمان یافتند، یاد گرفت چگونه اینترنت را کنترل یا قطع کند. با تکیه بر بسیج و کنترل فضای مجازی، رژیم توانست اعتراضات گسترده در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۶، ۲۰۱۹، از سپتامبر ۲۰۲۲ تا بهار ۲۰۲۳، و نیز برخی اعتراضات سال ۲۰۲۵ را سرکوب کند.

این در حالی بود که در برخی از این اعتراضات، نه فقط اقلیت‌های قومی مخالف نظام، بلکه حتی بخشی از اکثریت شیعه‌ی کشور نیز حضور داشتند.

سومین نکته این است که رژیم کنونی ایران صرفاً متشکل از چند روحانی محافظت‌شده توسط پلیس مخفی نیست. در طی دهه‌ها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وابستگانش بیش از یک‌سوم اقتصاد و بسیاری از مناصب سیاسی کشور را در اختیار گرفته‌اند.

حذف خامنه‌ای به‌تنهایی پایان رژیم نیست

نویسنده معتقد است «کشتن، بازداشت یا کنار گذاشتن خامنه‌ای (یا جانشینش) به‌خودی‌خود منجر به سقوط رژیم نخواهد شد و حتی ممکن است نتیجه‌ی معکوس بدهد.» به باور او «در صورت ترور، احتمال دارد مردم ایران زیر یک پرچم متحد شوند؛ در حالی‌که اگر خامنه‌ای به مرگ طبیعی از دنیا برود، آشفتگی و رقابت طبیعی میان جناح‌ها ممکن است به‌خودی‌خود فرصت‌هایی ایجاد کند.»

او مثال زده «در جریان جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل، اسرائیل مقرهای اصلی سپاه و بسیج را بمباران کرد و بیش از ۳۰ نفر از فرماندهان ارشد نظامی و اطلاعاتی کشته شدند و خامنه‌ای نیز در خفا بود. با این‌حال، هیچ نشانه‌ای از جنبش داخلی برای سرنگونی رژیم دیده نشد» زیر به اعتقاد او «اثر اتحاد ملی در بحران» مانع آن شد.

بر اساس اطلاعات «اورشلیم پست»، رئیس ستاد ارتش اسرائیل، ژنرال ایال زمیر، و فرماندهان ارشد ارتش صراحتاً با ترور خامنه‌ای مخالف بودند و حتی این گزینه را جدی بررسی نکردند، چون می‌خواستند جنگ را زودتر از نقطه‌ی ۱۲ روز پایان دهند.

در شرایطی که رژیم از ابزارهایی چون بسیج، کنترل اینترنت، و نفوذ عمیق سپاه در تمام عرصه‌های قدرت سیاسی و اقتصادی برخوردار است، سقوط آن بدون وجود جنبش اعتراضی فراگیر و دست‌کم حمایت یکی از فرماندهان بلندپایه‌ی ارتش که نیروهایش را به سمت معترضان و علیه بسیج سوق دهد، بعید به نظر می‌رسد.

این به معنی انفعال نیست

با این حال، به‌گفته‌ی نویسنده، این بدان معنا نیست که اسرائیل و آمریکا باید بیکار بمانند.

او توضیح می‌دهد در دوران نخست‌وزیری نفتالی بنت، دولت، ارتش و موساد برنامه‌ای چندوجهی را آغاز کردند که غیررسمی به آن «مرگ با هزار زخم» (Death by a Thou-sand Cuts) گفته می‌شد راهبردی بلندمدت برای تضعیف تدریجی ایران در زمینه‌های مختلف، مشابه همان روشی که آمریکا برای فرسایش اتحاد شوروی به‌کار برد.

طرح بنت چشم‌اندازی درازمدت داشت که شامل حوزه‌های غیرنظامی و اجتماعی نیز می‌شد. برای دستیابی به تغییر واقعی، نه‌تنها خامنه‌ای، بلکه سپاه پاسداران در تمامی سطوحش باید تضعیف و جایگزین نیروهای بومی و طبیعی ایرانی شود تا رژیمی شکل گیرد که دیگر به‌شدت ضداسرائیلی و ضدغربی نباشد.

چنین فرآیندی به احتمال زیاد بسیار بیشتر از سال ۲۰۲۹ زمان می‌برد.

بسیاری گمان می‌کردند که پس از مرگ حافظ اسد در سال ۲۰۰۰ و جانشینی پسرش بشار، رژیم سوریه فوراً سقوط می‌کند. اما بشار تا سال ۲۰۲۴ دوام آورد. وقتی سرانجام در ۲۰۲۴ سقوط کرد، رژیم او پیشاپیش دچار «مرگ با هزار زخم» شده بود و توان مقاومت چندانی نداشت.

جرمی باب در پایان می‌نویسد، اسرائیل می‌تواند هم‌زمان بر دو هدف تمرکز کند:

۱) مقابله با تهدیدهای کوتاه‌مدت ایران در زمینه‌ی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی؛

۲) در عین حال، دنبال‌کردن هدف بلندمدت بازگشت به نوعی رابطه‌ی غیرخصمانه با [رژیم] ایران شبیه دوران همکاری پیش از ۱۹۷۹ یا دست‌کم رسیدن به مرحله‌ای که تهدید دائمی از میان برود.

واشنگتن فری‌بیکن: جمهوری اسلامی قاچاق تسلیحات پیشرفته به کرانه باختری را افزایش داده است

شبه نظامیان فلسطینی در کرانه باختری / عکس: رویترز

پایگاه خبری «واشنگتن فری‌بیکن» ۲۰ آبان با استناد به داده‌های مراکز اطلاعاتی گزارش داد از آغاز آتش‌بس میان اسرائیل و حماس در یک ماه گذشته، جمهوری اسلامی تلاش‌های خود را برای قاچاق تسلیحات پیشرفته به گروه‌های مسلح در کرانه باختری تشدید کرده است.

بر اساس داده‌های بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)، در مجموع ۲۸ گروه در کرانه باختری شناسایی شده که شاخه‌هایی از «گردان‌های الاقصی»، جبهه مردمی آزادی فلسطین و سلول‌های وابسته به حماس را نیز شامل می‌شود.

شاباک گزارش داد، این محموله مانند دو محموله دیگر که مارس و نوامبر ۲۰۲۴ کشف شده بود، حاوی ۲۹ مین انفجاری نوع کلیمور، چهار پهپاد (از جمله دو پهپاد انفجاری)، ۱۵ راکت ضدتانک، یک پرتابگر و سه گلوله آرپی‌جی، ۲۰ نارنجک دستی، ۵۳ کلت کمری، هفت سلاح تهاجمی، ۹ تیربار و ۷۵۰ گلوله بود.

امیر آویوی، افسر ارشد پیشین ارتش اسرائیل و مشاور دولت، به واشنگتن فری‌بیکن گفت، رژیم ایران، کرانه باختری را بهترین فرصت خود برای تشدید جنگ نیابتی علیه اسرائیل می‌داند، به‌ویژه پس از ضربه‌هایی که جمهوری اسلامی، حزب‌الله و حماس طی سال گذشته متحمل شده‌اند.

بر اساس گزارش مراکز اطلاعاتی اسرائیلی و تحلیلگران منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران در چند ماه گذشته به‌صورت مخفیانه در حال قاچاق تسلیحات پیشرفته به شمار فزاینده‌ای از گروه‌های نیابتی تروریستی در کرانه باختری بوده است. این اقدام بخشی از تلاش‌های فزاینده تهران برای تبدیل این منطقه به مرکزی شبه‌غزه‌ای برای فعالیت‌های شبه‌نظامی است تا بتواند حملات تروریستی مشابه حملات «هفت اکتبر» حماس را تکرار کند؛ این روند از زمان آغاز آتش‌بس میان اسرائیل و حماس که یک ماه پیش برقرار شد، شدت گرفته است.

پایگاه خبری «واشنگتن فری‌بیکن» ۲۰ آبان با استناد به داده‌های مراکز اطلاعاتی گزارش داد از آغاز آتش‌بس میان اسرائیل و حماس در یک ماه گذشته، جمهوری اسلامی تلاش‌های خود را برای قاچاق تسلیحات پیشرفته به گروه‌های مسلح در کرانه باختری تشدید کرده است.

در این گزارش به نقل از منابع آگاه آمده است که گروه «جهاد اسلامی» فلسطین مرکز عملیات خود علیه اسرائیل را از نوار غزه به کرانه باختری منتقل کرده است.

بر اساس داده‌های بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)، در مجموع ۲۸ گروه در کرانه باختری شناسایی شده که شاخه‌هایی از «گردان‌های الاقصی»، جبهه مردمی آزادی فلسطین و سلول‌های وابسته به حماس را نیز شامل می‌شود.

برخی از این گروه‌ها که به‌تازگی فعال شده‌اند، تسلیحاتی شامل موشک‌های پیشرفته، پهپادهای انفجاری، موشک‌های ضدتانک و نارنجک‌اندازهای راکتی دریافت کرده‌اند؛ تسلیحاتی که پیش‌تر از سوی نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در کرانه باختری به کار نرفته بود.

سازمان امنیت داخلی اسرائیل (شاباک) پیش‌تر اعلام کرد که تلاش جمهوری اسلامی برای قاچاق مقادیر زیادی سلاح پیشرفته به عوامل مسلح در کرانه باختری را خنثی کرده است. این سلاح‌ها قرار بود برای حمله به اهداف اسرائیلی استفاده شوند.

بر اساس گزارش شاباک، این محموله مانند دو محموله دیگر که مارس و نوامبر ۲۰۲۴ کشف شده بود، حاوی ۲۹ مین انفجاری نوع کلیمور، چهار پهپاد (از جمله دو پهپاد انفجاری)، ۱۵ راکت ضدتانک، یک پرتابگر و سه گلوله آرپی‌جی، ۲۰ نارنجک دستی، ۵۳ کلت کمری، هفت سلاح تهاجمی، ۹ تیربار و ۷۵۰ گلوله بود.

کیفیت و کمیت سلاح‌های ارسال‌شده از سوی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد تهران برای تبدیل نواحی اطراف اورشلیم به «سکوی پرتاب» برای حمله‌ای دیگر به اسرائیل برنامه‌ریزی می‌کند.

مرکز اطلاعات و تروریسم مئیر عامیت گزارش داده است که پس از آغاز آتش‌بس، حماس اعلام کرد کرانه باختری «همچنان صحنه اصلی مقاومت» باقی خواهد ماند.

امیر آویوی، افسر ارشد پیشین ارتش اسرائیل و مشاور دولت، به واشنگتن فری‌بیکن گفت، رژیم ایران، کرانه باختری را بهترین فرصت خود برای تشدید جنگ نیابتی علیه اسرائیل می‌داند، به‌ویژه پس از ضربه‌هایی که جمهوری اسلامی، حزب‌الله و حماس طی سال گذشته متحمل شده‌اند.

او افزود: «ایران به شدت بر ایجاد یک جبهه جدید تمرکز کرده است. این روند تنها پس از جنگ ۱۲ روزه آغاز نشده، اما آنها احساس می‌کنند این منطقه باید محور تمرکزشان باشد، زیرا در لبنان و غزه موفقیت کمتری دارند.»

اگرچه تلاش حکومت ایران برای تبدیل کرانه باختری به پایگاه تروریسم در رسانه‌های غربی چندان بازتاب نیافته، مقامات اسرائیلی در آماده‌باش کامل قرار دارند. دنی دنون، سفیر اسرائیل در سازمان ملل، در سپتامبر گذشته به شورای امنیت هشدار داد که تهدید ناشی از کرانه باختری «واقعی و قریب‌الوقوع» است.

ارتش اسرائیل نیز به‌طور مداوم برای جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی اقدام کرده و عملیات‌هایی علیه انبارهای تسلیحات انجام داده است، انبارهایی که تشکیلات خودگردان فلسطین یا قادر به جلوگیری از تأسیس آنها نبوده یا تمایلی به آن نداشته است.

در بخشی از این گزارش آمده اقدامات جمهوری اسلامی در رسانه‌های غربی بازتاب گسترده‌ای نیافته، اما مقام‌های اسرائیلی در سطح هشدار بالا قرار دارند و ارتش اسرائیل به‌طور مستمر برای جلوگیری از گسترش انبارها و شبکه‌های تسلیحاتی نیابتی اقدام کرده است.

گفتگو با دکتر روزبه یاسینی‌فرد، مخترع و کارآفرین ایرانی مشهور به «پدر مودم کابلی»

روزبه یاسینی‌فَرد، چهره‌ای آرمان‌خواه، متواضع و فارغ التحصیل از دانشگاه «وست ویرجینیا» و دارای دو دکترای افتخاری در رشته علوم و علوم فناوری از دو دانشگاه معتبر در ایالات متحده آمریکاست که به «پدر مودم کابلی» شهرت دارد، او همچنین اولین ایرانی برنده جایزه Emmy Award (امی) و بنیانگذار بنیاد «یاس» است.

او برای نخستین بار موفق شد سرعت انتقال اینترنت را افزایش داده و از مرز دایال‌آپ (شماره گیری) عبور دهد. کیهان لندن با توجه به اثر مثبت این فناوری برای جهانیان با این مخترع موفق ایرانی مصاحبه‌ای انجام داده است.

او در این مصاحبه می‌گوید «برای اینکه به سرمایه‌داران و شرکت‌های تولید مودم کابلی ثابت کنم که به اختراع مودم کابلی ایمان دارم و همزمان بتوانم توسعه آن را ادامه دهم، چاره‌ای جز گرو گذاشتن سند خانه‌ام نداشتم».

«سرمایه‌گذاران نمی‌توانستند تصور کنند که یک شرکت از صنایع کابلی، توانایی، لیاقت و کفایت فنی لازم را برای انتقال داده‌ها (Data) و رساندن آن به خانه‌ها داشته باشد. در واقع، این ایده از نظرشان آن قدر ارزشمند و قابل اعتماد نبود که بخواهند روی آن سرمایه‌گذاری کنند».

محمدرضا حمیدی- کارآفرین ایرانی در سال ۱۹۸۷ میلادی این پرسش را در ذهن خود می‌پروراند که «اگر مردم عادی بتوانند با اینترنت، ارتباطی پایدار و پرسرعت داشته باشند، زندگیشان چه دگرگونی‌ای خواهد یافت؟»

روزبه یاسینی‌فَرد، چهره‌ای آرمان‌خواه، متواضع و فارغ التحصیل از دانشگاه «وست ویرجینیا» و دارای دو دکترای افتخاری در رشته علوم و علوم فناوری از دو دانشگاه معتبر در ایالات متحده آمریکا که به «پدر مودم کابلی» شهرت دارد، اولین ایرانی برنده جایزه Emmy Award (اِمی) و بنیانگذار بنیاد «یاس» است.

او در کتابی به عنوان «شبکه تصادفی» نشان می‌دهد چگونه همزمان شدن چند رویداد، اوج‌گیری تلویزیون کابلی، آغاز عصر رایانه‌های شخصی، بیداری جهانی نسبت به نقش اینترنت در اطلاعات و بازرگانی، و ظهور مودم کابلی، طوفانی کامل را رقم زد. طوفانی که به پیدایش عصر نوین Broadband «باند گسترده» یا ارتباطات گسترده انجامید.

هر چند او نخستین کسی نبود که جهانی متصل را در خیال می‌دید، اما در صف پیشگامان قرار گرفت. زیرا با ابداع «کِیبل مودم» خانگی، دسترسی به اینترنت را از قیدِ اتصالات کُند و آزاردهنده رها ساخت و آن‌را به ابزاری پر سرعت و اتصال دائم و شگفت‌انگیزی بدل نمود، آنهم با بهره‌گیری از همان زیرساخت موجود شبکه کابل خانگی.

کتاب «شبکه تصادفی» روایت ناشناخته ابداع مودم کابلی به دست شرکت کوچک و در آستانهٔ فروپاشی «لن سیتی» در اوایل دهه ۱۹۹۰ است. داستانی که نشان می‌دهد دکتر یاسینی چگونه بر سلسله‌ای از دشواری‌های فنی، بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران و موانع هولناک بازرگانی چیره شد تا تکنولوژی‌ای را بنیاد نهد که امروزه شیوه زندگی و تجارت میلیاردها انسان را دگرگون ساخته است.

مودم کابلی، انقلابی در «باند گسترده» ایجاد کرد و سرعت‌هایی میان ۱۰ مگابایت تا ۱۰ گیگابایت در ثانیه را برای جهانیان به ارمغان آورد. جهشی عظیم از دوران «شماره گیری» که تنها ۵۶ کیلوبایت در ثانیه توان داشت.

این فناوری همراه با پذیرش استاندارد بین‌المللی «داکسیس» (مشخصات رابط خدمات داده شده از طریق کابل)، بنیان نوینی در دسترسی به اینترنت پرسرعت را پایه‌ریزی کرد.

یاسینی فَرد و یارانش، که از سوی سرمایه‌داران طرد شده و با بودجه‌ای ناچیز روزگار می‌گذراندند، تا آنجا پیش رفتند که حتی او سند مالکیت خانه شخصی خود را در گرو گذاشت تا رویای مودم کابلی و پذیرش جهانی آن را زنده نگه دارند.

کتاب «شبکه تصادفی» در عین آنکه تاریخی ارزشمند از نوآوری فناورانه است، روایتی خواندنی از دنیای تجارت در شتابی سرسام آور نیز به شمار می‌رود. این کتاب، مسیر یاسینی فَرد را از مهندسی برق تا کارآفرینی روایت می‌کند که می‌بایست همزمان یک شریک فناوری بیابد، بازاری کاملاً تازه بیافریند و مدیران صنعت کابل را متقاعد کند که آینده‌ای مؤثر و مفید در اینترنت سریع به خانه‌ها نهفته است. آنهم در روزگاری که هنوز بسیاری نسبت به گستره کاربرد رایانه‌های شخصی تردید داشتند.

کیهان لندن با توجه به اثر مثبت این فناوری برای جهانیان با این مخترع موفق ایرانی مصاحبه‌ای انجام داده است که در زیر می‌خوانید:

آقای دکتر یاسینی فَرد، سپاس از اینکه دعوت ما را برای گفتگو پذیرفتید. شما با ابداع مودم کابلی و بنیانگذاری شرکت «لن سیتی» فصل تازه ای در تاریخ اینترنت رقم زدید. لطفا برای اطلاع خوانندگان و به ویژه هم میهنان ایرانی مختصری از تحصیلات و زندگی شخصی تان بگوئید.

دکتر یاسینی: من در دی‌ماه ۱۳۳۷ (دسامبر ۱۹۵۸ میلادی) در خیابان شهباز، بین میدان خراسان و ژاله، در خانواده‌ای زحمتکش و در خانه‌ای اجاره‌ای به دنیا آمدم. پدرم مردی پرتلاش بود که در دو محل کار می‌کرد و مادرم با فداکاری، چهار فرزند را بزرگ می‌کرد. دوران کودکی‌ام بیشتر در خیابان دوم نیروی هوایی سپری شد.

تحصیلات دبیرستانی‌ام را در دو بخش، ابتدا در مؤسسه دارالفنون و سپس در دبیرستان خوارزمی به پایان رساندم. در کنکور سراسری سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۶ میلادی) موفق به کسب رتبه قبولی در دانشگاه شیراز شدم و در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷ میلادی) برای ادامه تحصیل به آمریکا مهاجرت کردم. در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱ میلادی) مدرک مهندسی برق را از دانشگاه ویرجینیای غربی (West Virginia University) دریافت کردم.

پرسش: در سال ۱۹۸۷ این سوال در ذهنتان غوطه ور بود که «اگر مردم عادی به اینترنت پرسرعت دسترسی داشته باشند، زندگی چگونه تغییر می‌کند؟» چه چیزی باعث شد چنین آینده‌ای را تصور کنید؟

-در آن زمان اینترنت پرسرعت تنها در مراکز خاص یا دانشگاه‌های بزرگ وجود داشت. من تصور کردم اگر بتوان از زمان رفت‌وآمدهای طولانی کاست و از خانه با سرعت بالا به محل کار، بیمارستان، و تجارت الکترونیکی متصل شد، زندگی بسیار ساده‌تر می‌شود. از سال ۱۹۹۴ که اینترنت همگانی شد، این تصور به واقعیت پیوست و زمینه برای دورکاری و کار از خانه فراهم شد.

در آن دوران، اینترنت هنوز یک پدیده محدود بود. چه عاملی باعث شد باور داشته باشید که روزی هر خانه به اینترنت نیاز خواهد داشت؟

-در آن دوران اینترنت هنوز پدیده‌ای محدود بود. اما من همان قابلیتی را که در دفتر کار وجود داشت، می‌خواستم به خانه‌ها منتقل کنم. وجود دو عامل، یکی تلویزیون کابلی و دیگری کامپیوتر، این امکان را فراهم می‌کرد تا بتوان محیط دفتر کار را در خانه شبیه سازی کرد و از این طریق بهره‌وری را افزایش داده و در زمان صرفه‌جویی نمود. اختراع مودم کابلی نیز عاملی بود که نه تنها پل ارتباطی میان دنیای درون خانه و جهان بیرون برقرار کرد، بلکه این ارتباط را با سرعت بالای ۱۰ مگابایت ممکن ساخت.

آیا لحظه‌ای خاص یا تجربه‌ای شخصی وجود داشت که الهام‌بخش شما برای خلق مسیر مودم کابلی شده باشد؟

-شغل اول من در شرکت «جنرال الکتریک» به من آموخت که سیستم تلویزیون کابلی چگونه کار می‌کند و چه مزایایی دارد. شغل دومم نیز به من یاد داد که چگونه کامپیوترها می‌توانند از طریق شبکه محلی (Local Area Networking) به هم متصل شوند. ترکیب این دو تجربه الهام‌بخش این ایده شد که اگر کامپیوترها در خانه بتوانند از طریق مودم کابلی به شبکه و اینترنت متصل شوند، خانه و محل کار می‌توانند به یکدیگر و به دنیای آنلاین وصل شده و دنیای جدیدی از ارتباط و کار از خانه ایجاد شود.

بزرگترین چالش فنی در ساخت اولین مودم کابلی چه بود؟

-از مرحله ایده اولیه تا تولید انبوه مودم کابلی، مسیر دشواری طی شد. این چالش نه تنها یکی، بلکه حدود ۵۰۰ چالش مختلف بود که در طول هشت سال بر آن‌ها غلبه کردیم. قیمت نخستین نمونه مودم کابلی حدود ۱۸ هزار دلار بود و اندازه‌ای نزدیک به نصف یک یخچال داشت، اما توانستیم آن را به مدلی با قیمت ۲۹۵ دلار و وزن تنها ۲.۵ کیلوگرم برسانیم.

این چالش‌ها شامل جنبه‌های فنی (مانند تولید سیلیکون در ابعاد بزرگ و مقیاس بالا)، اقتصادی، بازاریابی، مکانیکی و تولیدی بودند. نتیجه این تلاش‌ها کاهش چشمگیر در اندازه، وزن و هزینه و دستیابی به محصولی عملی و قابل استفاده برای عموم مردم بود و همچنین گامی مهم برای آنکه در آینده مودم‌های کابلی با سرعت‌های بسیار بالاتر تولید کنیم.

چه احساسی داشتید وقتی برای نخستین بار موفق شدید سرعت انتقال اینترنت را افزایش داده و از مرز دایال‌آپ (شماره گیری) عبور دهید؟

-حسی که به من دست داد این بود که این پدیده، آزادی کامل و بی‌قید و شرطی برای دسترسی به اطلاعات در سراسر جهان در اختیار بشریت قرار داد و به همه مردم در سراسر دنیا امکان دسترسی همزمان و برقراری ارتباط در هر لحظه را بخشید. از جمله تماس تصویری همزمان در اقصی نقاط جهان را ممکن ساخت و در حقیقت فاصله میان خانه، محل کار، مراکز درمانی و حتی کشورها را ناچیز و بی‌معنی کرد.

شما حتی سند خانه تان را برای ادامه پروژه در گرو گذاشتید. چه عاملی به شما این اندازه اطمینان می‌داد؟

-برای اینکه به سرمایه‌داران و شرکت‌های تولید مودم کابلی ثابت کنم که به اختراع مودم کابلی ایمان دارم همزمان بتوانم توسعه آن را ادامه دهم، چاره‌ای جز گرو گذاشتن سند خانه‌ام نداشتم.

چرا سرمایه‌گذاران در ابتدا به این فناوری اعتماد نمی‌کردند؟ و قانع کردن مدیران صنعت کابل برای پذیرش یک بازار کاملاً جدید چطور انجام شد؟

-سرمایه‌گذاران نمی‌توانستند تصور کنند که یک شرکت از صنایع کابلی، توانایی، لیاقت و کفایت فنی لازم را برای انتقال داده‌ها (Data) و رساندن آن به خانه‌ها داشته باشد. در واقع، این ایده از نظرشان آن قدر ارزشمند و قابل اعتماد نبود که بخواهند روی آن سرمایه‌گذاری کنند.

مفهومی که برایشان قابل درک و هضم شدنی به نظر نمی‌رسید. اما در طی هشت سال (۱۹۸۷ تا ۱۹۹۵)، گام‌به‌گام و با انجام تست‌های متعدد و بازاریابی‌های گوناگون، خودِ مودم کابلی ارزش و کارایی‌اش را به مدیران ارشد صنعت کابل نشان داد. همین روند باعث شد تا در نهایت اعتماد آن‌ها جلب شود و دریابند که این فناوری نه تنها شدنی است، بلکه می‌تواند سودآور و آینده‌دار نیز باشد. در همین

زمان، اینترنت به یک پدیده کامل و نوین برای مشتریانشان تبدیل شد.

اگر آن زمان شکست می‌خوردید، چه آینده‌ای برای خودتان تصور می‌کردید؟

-در واقع قوانین فیزیک، ریاضیات و الکترونیک از نظر منطقی و علمی ثابت کرده بودند که این کار شدنی است. همین قوانین، پشتوانه ایدئولوژی مودم کابلی بودند و از نظر من هیچ دلیلی برای شکست وجود نداشت. جز کم‌کاری یا تنبلی، که هیچ‌کدام از این دو هرگز جزو صفات کاری من و تیمم نبودند. در حقیقت، یکی از ویژگی‌های شخصیتی یک فرد کارآفرین و مخترع این است که شکست برای او معنایی ندارد و قابل پذیرش نیست.

لحظه‌ای که فهمیدید این فناوری قبول شده و دنیا در حال تغییر است چه احساسی داشتید؟

-این در واقع یک «لحظه هشت ساله» بود که از سال ۱۹۸۸ با یک مودم کابلی آغاز شد و تا سال ۱۹۹۶ که ۹۰ درصد بازار جهانی را در اختیار گرفت، ادامه داشت. در طول این هشت سال، هر ماه با موفقیت‌های بیشتر و گام‌های پی‌درپی، جایگاه خود را در بازار جهانی تثبیت کرد تا در نهایت در سال ۱۹۹۶ به عنوان یک استاندارد جهانی انتخاب شد. این لحظه، پراحساس‌ترین و پرافتخارترین زمان برای تیم مودم کابلی ما بود، چون نتیجه سال‌ها تلاش و باورمان را در سطح جهانی به ثمر رساندیم.

امروز میلیاردها نفر از فناوری‌ای که شما آفریدید، استفاده می‌کنند. بزرگ‌ترین دستاورد این تحول را چه می‌دانید؟

-هدف اصلی من، متصل کردن میلیاردها نفر در سراسر جهان از خانه‌هایشان به دنیای ارتباطات از طریق صنعت مودم کابلی با سرعت بالا بود. انگیزه ما فراتر از منافع مالی بود. در واقع، الهام‌گرفته از آرزوی کمک به پیشرفت بشریت.

امروز وقتی می‌بینم نیمی از مردم جهان از طریق ارتباطات گسترده (Broadband) به هم متصل شده‌اند، عمیق‌ترین حس رضایت درونی را تجربه می‌کنم. در حقیقت، مودم کابلی آغازگر دنیای ارتباطات گسترده (Broadband) بود و پایه و اساس شکل‌گیری ارتباطات موبایلی را بنا نهاد.

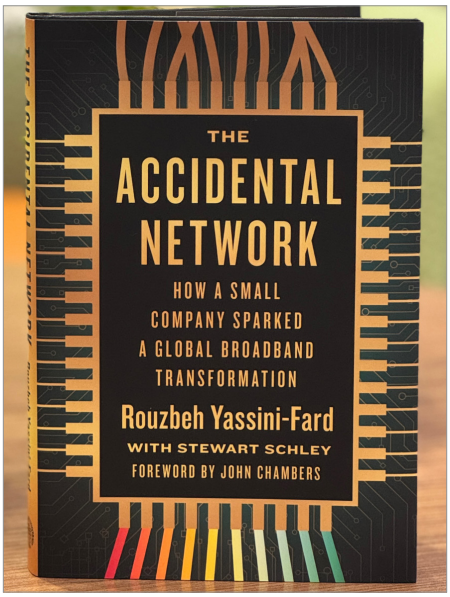

وقتی می‌بینید نسل‌های جوان نمی‌دانند زمانی اینترنت فقط بوسیله دایال‌آپ (شماره‌گیری) وجود داشته، چه احساسی دارید؟

-مهم نیست که نسل جوان نمی‌داند اینترنت روزی از طریق دایال‌آپ برقرار می‌شده، مهم این است که دنیای مودم کابلی و ارتباطات گسترده، پایه‌گذار ارتباطات موبایلی در جهان شد. ارتباطاتی که به نسل‌های امروز این امکان را داده تا در هر لحظه و هر مکان، تماس جهانی، ارتباط شخصی و فعالیت‌های خانوادگی و تجاری خود را داشته باشند. این دنیای موبایلی، نسل جوان را با بزرگترین گسترش انسانی تاریخ بشریت آشنا کرده و همه چیز را برای آنان «در لحظه» و «درخواست محور» (On-demand) کرده است. دنیایی که پیش از مودم کابلی وجود نداشت.

نسل زد (Z) نسلی است همراه با تحرک و پیوستگی که در جهانی زاده و در فضایی رشد کرده‌اند که اتصال، بخشی طبیعی از زندگی است و از جهانی که پیش از آن وجود داشت، تنها روایت‌هایی شنیده‌اند. اکنون، این نسل ازهمان ابزارهای همراه که با آن‌ها بزرگ شده، به هوش مصنوعی دست یافته اند. ارتباطات گسترده (Broadband) جرقه و تحولی بود که سیمای جهان را در کمتر از چهار دهه دگرگون ساخت.

آیا تصور می‌کردید مودم کابلی، راه را برای استریم، ویدیو کنفرانس، هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال باز کند؟

-مودم کابلی در سال ۱۹۸۸ با هدف ایجاد بستر برای ویدیو کنفرانس (Video Conference)، استریم محتوا (Streaming)، اقتصاد دیجیتالی و حدود ۸۰ نوع سرویس دیگر اختراع شد. در حقیقت، نخستین استریمینگی که من انجام دادم در سال ۱۹۹۳ بود؛ زمانیکه هیچکس برای استریمینگ اهمیتی یا سودی قائل نبود. همان‌طور که مودم کابلی از طریق ارتباطات گسترده (Broadband) آغازگر دنیای ارتباطات موبایلی شد، اکنون در سال ۲۰۲۵ همین فناوری، به دلیل سرعت انتقال داده‌های بسیار بالا،

زمینه‌ساز گسترش بی‌پایان هوش مصنوعی خواهد بود.

● این مسیر برای شما بیشتر یک ماجراجویی فنی بود یا یک انگیزه انسانی؟

-این تحول دو بُعد داشت؛ هم انسانی و هم فنی. از جنبه‌ی انسانی، باعث کاهش مصرف نفت و بنزین شد و در نتیجه به کُند شدن روند گسترش آلودگی هوا کمک کرد واز جنبه فنی، توانست مردم سراسر جهان را به طور همزمان و بی‌سابقه‌ای به یکدیگر متصل کند.

● چه کسانی در این مسیر بیشترین حمایت را از شما کردند، در زمانی که همه چیز شاید برایشان نامطمئن به نظر می‌رسید؟

-سه گروه بیشترین نقش را در حمایت از ایده اختراع من داشتند:

۱- گروه بیست نفره‌ای از مهندسان که به من اعتماد کردند و در فرآیند اختراع مودم کابلی همراه و پشتیبانم بودند.

۲- گروه دوم، نخستین مشتریانی بودند که با استقبال از مودم کابلی، زمینه ساز رشد سریع و گسترش آن شدند.

۳- گروه سوم، عزیزانم از جمله مادرم و خواهرم پیمانه بودند که با عشق، صبر و ایمانشان الهام‌بخش و تکیه‌گاه همیشگی من شدند.

● پرسش: اگر بخواهید پیامی به جوانان ایرانی که امروز در آستانه نوآوری هستند، بدهید چه می‌گویید؟

-نه تنها به جوانان ایرانی بلکه به تمام مخترعین دنیا، می‌گویم:

بزرگ فکر کنید. یک چشم‌انداز اصلی برای حل یک مشکل واقعی که بشریت با آن روبرو هست را در نظر بگیرید. هرچند ممکن است در نگاه دیگران غیرعادی یا جسورانه به نظر برسد، اما برای شما همانند ستاره راهنمایی خواهد بود برای دستیابی به غیرممکن ها.

اثری منحصر بفرد بسازید. تمرکز خود را بر محصولتان و اینکه چگونه می‌تواند نیازهای مشتری را برطرف کند بگذارید. از گرفتار شدن در دام سخنرانی‌های بازاریابی و ارائه‌های پر زرق و برق پاورپوینتی بپرهیزید. اجازه دهید خودِ محصول داستانش را بازگو کند.

به مشتریان خود گوش دهید. با کنجکاوی واقعی خواسته‌ها و نیازهای مشتری را بررسی کنید. هنگامی که اهداف بلندپروازانه به نظر غیرممکن می‌رسند، مقاومت نکنید. چیزهایی که مشتریان می‌خواهند موتور موفقیت شما خواهند بود.

با شکست دوست شوید. در طول مسیر، بارها و بارها با پیامدهای غیرمنتظره روبرو می‌شوید. شکست‌ها و موانع، آموزگاران شما هستند. یادگیری از شکست ها شما را بسیار فراتر از رقابتیان پیش خواهد برد.

در نهایت، با ایمان راسخ چشم‌انداز خود را دنبال کنید. موفقیت مالی را هدف اصلی قرار ندهید. هدف را در تحقق چشم‌انداز خود ببینید، موفقیت‌های مالی خود به خود خواهند آمد. این این مسیر برعکس کار نمی‌کند. هدف من این بود که زندگی یک میلیارد انسان را بهتر کنم، نه اینکه یک میلیارد دلار بسازم.

● کتاب‌تان را «شبکه تصادفی» نامگذاری کرده‌اید. چه چیزی در این مسیر تصادفی بود و چه عاملی اجتناب ناپذیر؟

-عنوان کتاب «شبکه تصادفی» (The Accidental Network)، معنا و اهمیت ویژه‌ای دارد. واژه‌ی «تصادفی» اشاره دارد به هممزمانی شگفت‌انگیز و غیرمنتظره رویدادها و پیشرفت‌هایی که راه را برای دگرگونی در ارتباطات کابلی هموار کرد. در حالی که من و تیم‌ام شب‌ها تا دیروقت روی حل مسائل پیچیده مربوط به انتقال داده (Data) با سرعت بالا در فواصل طولانی کار می‌کردیم، پیشرفت‌های مهم دیگری نیز در جاهای دیگر در حال وقوع بود. مانند ظهور رایانه‌ی شخصی، آغاز خدمات آنلاین، اختراع شبکه جهانی وب (World Wide Web) و پیشرفت‌هایی در حوزه‌ی استانداردهای شبکه داده ها که همه با هم نوعی «طوفان کاملِ فعالیت» را ایجاد کردند. به عقیده من همه این پدیده‌ها تصادفی بودند، زیرا هیچ‌کس برنامه ریزی نکرده بود که در طول ۹ سال نوآوری من، چنین همزمان رخ دهد.

● امیدوارید خواننده پس از خواندن کتاب شما چه درک و احساسی داشته باشد؟

-در پاسخ به این سوال، امیدوارم این کتاب به‌عنوان نقشه زنده‌ای عمل کند که الهام‌بخش و راهنمای نسل جدیدی از کارآفرینان باشد. مشابه به تجربه شخصی من، امروزه نیز «اتفاقات» مثبت و پیش‌بینی نشده‌ای در حال وقوع‌اند که جعبه ابزار جدید و نیرومندی از فرصت‌ها را برای کسانی که مایل‌اند دست به نوآوری‌های جسورانه بزنند و تحول‌آفرین تغییرات بنیادین باشند را فراهم می‌کنند. کلید ماجرا این است که بتوانیم طرح‌های محوِ فرصت‌هایی را ببینیم که دیگران ممکن است نادیده بگیرند. نسل جدید کارآفرینان، احتمالاً چیزی خارق‌العاده در هم‌گرایی میان هوش مصنوعی، عصر ارتباطات، توانایی بی‌سابقه انسان در ابداع، نوآوری و قدرت زیرساخت‌های جدید ارتباطات گسترده اینترنت پرسرعت کشف خواهند کرد. بذرهایی که می‌توانند نوآوری‌های چشمگیری را به ثمر برسانند. من تضمین می‌کنم چنین امکاناتی وجود دارند و مشتاقم ببینم چه کسانی آن‌ها را کشف خواهند کرد.

به‌عنوان نویسنده، امیدوارم خوانندگان از این کتاب الهام بگیرند و آن را به دوستان و خانواده‌شان هدیه دهند.

● با وجود فیبر نوری، 5G و اینترنت ماهواره ای، آینده مودم کابلی و استاندارد بین‌المللی داکسیس، را چطور می بینید؟

-تمام مردم جهان امروزه از شش روش مختلف می‌توانند به اینترنت متصل شوند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها مودم کابلی است که بر اساس استاندارد بین‌المللی داکسیس (DOCSIS) تا سال ۲۰۳۰ میلادی به سرعت ۱۰ گیگابیت در ثانیه خواهد رسید. تا زمانی که صنعت کابل در جهان فعال است، استاندارد داکسیس نیز به‌عنوان ستون اصلی این فناوری ادامه خواهد داشت و نقش بنیادی در اتصال و ارتباط میان رایانه‌های هوش مصنوعی ایفا خواهد کرد.

از آنجا که مودم کابلی بر پایه صنعت کابل بنا شده است، پیش‌بینی می‌شود در بازه زمانی بین سال‌های ۲۰۴۰ تا ۲۰۵۰، این سیستم به‌تدریج با پنج فناوری دیگر از جمله فیبر نوری، ماهواره‌ای، سلولی (۶G/۵G) بی‌سیم (Fixed Wireless) و شبکه‌های نوری محلی (Optical LAN) جایگزین شود. فناوری‌هایی که مجموعه آن‌ها بخش اصلی زیرساخت دسترسی جهانی به اینترنت را تشکیل می‌دهند و شامل می‌شوند.

● اگر امروز دوباره ۳۰ ساله بودید، روی چه حوزه‌ای از فناوری سرمایه‌گذاری می‌کردید؟

-من یک سرمایه‌گذار نیستم، بلکه یک مخترع فناوری هستم. سه فناوری که امروز جهان را در حال دگرگونی و تحول قرار داده‌اند از این قرارند:

۱. رایانش کوانتومی (Quantum Computing)

۲. فناوری حسگرها (Sensor Technology)

۳. هوش مصنوعی (Artificial Intelligence)

ادغام این سه فناوری، زمینه ساز بزرگترین تحولات در صنایع مختلف از جمله کشاورزی، هوافضا (Aerospace)، فناوری‌های پزشکی و جراحی (Medical and Surgical Technologies) و توسعه اختراعات نوین خواهد بود. تحولاتی در مقیاسی که تاکنون سابقه نداشته است. به عنوان نمونه، فرآیندی که پیش‌تر ممکن بود چهار سال زمان ببرد، با این ترکیب می‌تواند در عرض سه ماه انجام شود، یا بررسی و تحلیلی که پیش از این به یک سال زمان نیاز داشت، اکنون در یک ساعت قابل انجام خواهد بود.

● در زمان دریافت جایزه «امی» به عنوان یک ایرانی تبار چه احساسی داشتید؟

-جایزه اِمی (Emmy Award) توسط آکادمی ملی علوم و هنرهای تلویزیون (National Academy of Television Arts & Sciences) اهدا می‌شود. من به عنوان اولین ایرانی که موفق به دریافت چنین جایزه‌ای شدم، آن را افتخاری جهانی برای مردم کشورم می‌دانم، نه فقط برای خودم. با این حال، بزرگترین افتخار زندگی من این است که صنعت مودم کابلی باعث شد میلیاردها نفر در سراسر جهان بتوانند با یکدیگر در تماس باشند.

● آیا در فکر پروژه یا رؤیای ناتمام دیگری هستید که جهان هنوز از آن خبر ندارد؟

-تشخیص زودهنگام سرطان نقش بسیار مهمی در افزایش طول عمر انسان دارد. به همین دلیل، هدف شخصی من در حال حاضر توسعه سامانه‌هایی بر پایه هوش مصنوعی (Artificial Intelligence) و فناوری حسگرها (Sensor Technology) است که در مسیر کشف و تشخیص زودهنگام سرطان گام برمی‌دارند.

● آیا سخن دیگری برای خوانندگان کیهان لندن دارید؟

-در پایان این مصاحبه، مایلم از کیهان لندن صمیمانه تشکر کنم و این داستان کوچک اما شگفت انگیز سی و هشت ساله مودم کابلی را نیز برای شما بازگو نمایم.

انقلاب باند گسترده (Broadband): در طی سی و هشت سال گذشته، سرعت اینترنت پرسرعت بیش از ۱۰۰۰ برابر افزایش یافته، در حالی که قیمت مودم‌های کابلی تا ۹۵ درصد کاهش پیدا کرده است. در همین زمان، تأثیر اقتصادی ارتباطات گسترده پدیده‌ای شگرف بوده است. بر اساس مطالعه‌ای از مؤسسه مک‌کینزی (McKinsey)، در میان ۱۳ اقتصاد بزرگ جهان که در مجموع ۷۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) جهانی را تشکیل می‌دهند، اکوسیستم اینترنت پرسرعت سهمی بیش از بخش‌های حیاتی دیگر مانند انرژی و کشاورزی در تولید ناخالص داخلی دارد. در ایالات متحده، اینترنت پرسرعت به عنوان نیروی زیربنایی اقتصاد دیجیتال مدرن شناخته می‌شود و بنا بر گزارش اداره تحلیل اقتصادی آمریکا (U.S. Bureau of Economic Analysis)، بیش از ۱۰ درصد از کل تولید ناخالص داخلی آمریکا. یعنی بیش از ۶/۲ تریلیون دلار را نمایندگی می کند.

● کیهان لندن: یک بار دیگر از اینکه با ما به گفتگو نشستید، از شما سپاسگزاریم.

بزرگداشت مهناز افخمی در دانشگاه «جرج تاون»؛
«هرچه زنان بیشتر دیده شوند، رژیم بیشتر ناپیدا می‌شود»

تالار کاپلی در دانشگاه جرج تاون با همکاری کتابخانه‌های دانشگاه جرج تاون و «موسسه جرج تاون برای زنان، صلح و امنیت» عصر سه‌شنبه چهارم نوامبر (۱۳ آبان) برای مهناز افخمی فعالان اجتماعی، کنشگر برجسته حقوق زنان و نویسنده مراسم بزرگداشت برگزار کرد.

افخمی در دوران پیش از انقلاب ۱۳۵۷ نقشی اساسی در تضمین حقوق قانونی، سیاسی و اجتماعی زنان در ایران ایفا کرد. او در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ میلادی، نخستین وزیر امورِ زنان در تاریخ ایران بود. مقامی که در آن زمان تنها دو خانم در سراسر جهان عهده‌دارش بودند.

افخمی در گفتگویی با کریستین امانپور، روزنامه نگار سرشناس و برنده جایزه «هیلاری رادهام کلینتون ۲۰۲۴»، به دوران ظهور آیت‌الله خمینی پس از انقلاب ۱۹۷۹ و سقوط دودمان پهلوی اشاره کرد و گفت: «نخستین اقدام آیت‌الله، لغو قوانینی بود که ما در حمایت از بانوان تصویب کرده بودیم.» امان‌پور افخمی را به اسم «شیرزن» خطاب کرد.

آذر نفیسی، نویسنده نام‌آور کتاب «لولیتا خوانی در تهران»، در سخنان خود تأکید کرد که افخمی، با نداشتن سلاح، برای حکومت ایران شخصیتی خطرناک به شمار می‌رفت و افزود: «زنان، تنها با زن بودن خود خطرناک اند.» نفیسی افزود: «هرچه زنان بیشتر دیده شوند، رژیم بیشتر ناپیدا می‌شود.»

مری رابینسون، رئیس جمهور پیشین ایرلند، در کنار مهناز افخمی و الکسیا هادسِن-وارد، رئیس کتابخانه دانشگاه جرج تاون

بانوان ایران، از گذشته تا امروز، در صف مقدم تغییر ایستاده‌اند. آنان برای آزادی، برابری و آینده‌ای روشن‌تر می‌جنگند. آن هم با پذیرش خطرهایی جدی در زندگی شخصی خود. جنبش آنان نه مقطعی، بلکه تلاشی تاریخی، پیوسته و الهام بخش برای جهان است.»

تالار کاپلی در دانشگاه جرج تاون با همکاری کتابخانه‌های دانشگاه جرج تاون و «موسسه جرج تاون برای زنان، صلح و امنیت» عصر سه‌شنبه چهارم نوامبر (۱۳ آبان) برای مهناز افخمی فعالان اجتماعی، کنشگر برجسته حقوق زنان و نویسنده مراسم بزرگداشت برگزار کرد.افخمی در دوران پیش از انقلاب ۱۳۵۷ نقشی اساسی در تضمین حقوق قانونی، سیاسی و اجتماعی زنان در ایران ایفا کرد. او در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ میلادی، نخستین وزیر امورِ زنان در تاریخ ایران بود. مقامی که در آن زمان تنها دو خانم در سراسر جهان عهده‌دارش بودند.

افخمی به‌عنوان وزیر امورِ بانوان، هدایت تصویب «قانون خانواده ۱۹۷۵» را برعهده داشت. قانونی که حقوق زنان را در زمینه‌های ازدواج، فرزندپروری و طلاق بطور چشمگیری گسترش می‌داد. با استقرار جمهوری اسلامی، این دستاوردهای دشوار، به سرعت لغو شد و افخمی ناچار به ترک ایران گردید. با این همه، اثرگذاری او در سطح جهانی ادامه یافت و با تأسیس چند نهاد بین‌المللی، الهام بخش شکل‌گیری جنبشی فراملی برای حقوق زنان شد.

«شیرزن» به روایت کریستین امانپور

افخمی در گفتگویی با کریستین امانپور، روزنامه نگار سرشناس و برنده جایزه «هیلاری رادهام کلینتون ۲۰۲۴»، به دوران ظهور آیت‌الله خمینی پس از انقلاب ۱۹۷۹ و سقوط دودمان پهلوی اشاره کرد و گفت: «نخستین اقدام آیت‌الله، لغو قوانینی بود که ما در حمایت از بانوان تصویب کرده بودیم.»

او افزود: «اولین گروهی که در برابر خامنه‌ای دست به اعتراض زدند، خانم‌ها بودند.»

مهناز افخمی پس از تبعید به ایالات متحده، نه تنها مبارزه خود را متوقف نکرد بلکه در ادامه راه، به پشتیبانی از جنبش‌های فمینیستی فراملی پرداخت. او ریاست «موسسه همبستگی جهانی بانوان را برعهده گرفت و سپس «شبکه مشارکت آموزشی زنان برای حقوق، توسعه و صلح را بنیان نهاد. نهادی که الهام بخش نسل‌های تازه‌ای از کنشگران حقوق زنان در سراسر جهان شد.

کریستین امانپور، با لحنی صمیمانه و تحسین‌آمیز، او را «شیرزن»، واژه‌ای فارسی به معنای زنِ شیرصفت خطاب کرد. لقبی که به گفته او سزاوار استقامتی چنین پایدار است.

پاسداشت تاریخ

پس از انقلاب ۱۳۵۷، بسیاری از اسناد تاریخی مهم، از جمله مدارک مربوط به جنبش حقوق زنان در ایران، یا از میان رفت یا نابود شد. اما افخمی با دقت و پیگیری، اسناد و روایت‌های مربوط به تلاش‌ها و دستاوردهای زنان در ایران و جهان را گردآوری و حفظ کرد. گنجینه‌ای گرانقدر که اکنون ارزشی تاریخی و پژوهشی بی نظیر دارد.

او به تازگی همه اسناد شخصی خود، شامل دست نوشته‌ها، تاریخ شفاهی، کتاب‌ها، نشریات و آثار هنری را به کتابخانه دانشگاه جرج تاون اهدا کرده است. اقدامی با هدف حفظ تاریخ ایرانِ پیش از انقلاب و ثبتِ نقش زنان در جنبش‌های جهانی برابرخواهی.الکسیا هادسِن-وارد، رئیس کتابخانه دانشگاه جرج تاون، در مراسم دریافت این آرشیو گرانقدر گفت: «این مجموعه صرفاً یک مخزن تاریخی نیست. در حقیقت مشعلی است که دهه‌ها شجاعت، راهبرد، همبستگی بین‌المللی و رهبری دوراندیش را در راه کرامت و برابری زنان در سراسر جهان روشن می‌کند.»

برای پاسداشت کارنامه پیشگامانه مهناز افخمی و قدردانی از اهدای آرشیو گرانبهای شخصی او، کتابخانه دانشگاه جرج تاون و «موسسه جرج تاون برای زنان، صلح و امنیت» همایشی تخصصی برگزار کردند که شامل دو پنل با محتوایی گسترده درباره تقویت و پیشبرد حقوق بشر بود.

همبستگی جهانی و خواهرانه

نخستین پنل همایش به نقش خانم افخمی در شکل دادن به جنبشی فراملی برای حقوق زنان و نیز چگونگی ایستادگی او در برابر بنیادگرایی در ایران، حتی در دوران تبعید، اختصاص داشت.آذر نفیسی، نویسنده نام‌آور کتاب «لولیتا خوانی در تهران»، در سخنان خود تأکید کرد که افخمی، با نداشتن سلاح، برای حکومت ایران شخصیتی خطرناک به شمار می‌رفت و افزود:« زنان، تنها با زن بودن خود خطرناک اند.»

نفیسی افزود:«هرچه زنان بیشتر دیده شوند، رژیم بیشتر ناپیدا می‌شود.»

نفیسی، که نام او با روایت زندگی و مقاومت زنان در ایرانِ پس از انقلاب گره خورده است، افزود که «صرف حضور زنان، و نیز روایتگری در برابر دستگاه تمامیت‌خواه، خود شکلی از اعتراض است».

او ادامه داد: «نخستین کاری که حکومت‌های تمامیت‌خواه و دیکتاتور انجام می‌دهند این است که به شما القا کنند جهان به شما اهمیتی نمی‌دهد و فراموش شده‌اید. در چنین وضعی، وجود یک روایت متقابل ضرورت می‌یابد.»

حَفصَت ابیولا، رئیس و مدیرعامل «ابتکار زنان در آفریقا»، بنیانگذار و رئیس «ابتکار دموکراسی کودیرات» و از اعضای بنیانگذار شبکه «مشارکت آموزشی زنان» که به ابتکار افخمی شکل گرفته، در سخنان خود به نقش مهناز افخمی در ایجاد جنبشی جهانی برای حقوق زنان پرداخت.او تأکید کرد:« افخمی توانست تجربه‌های محلی و ملی را به زنجیره‌ای از همبستگی بین‌المللی بدل کند و جنبش زنان را از مرز جغرافیا فراتر برده و به سطحی جهانی ارتقا داده است.»

وی ادامه داد:«آنچه مهناز انجام داد، این بود که

ما را از ستارگانی پراکنده که هر یک جداگانه در کنفرانس‌های جهانی در رفت و آمد بودیم، به شبکه‌ای جهانی از زنان رهبر که همگی با هدفی مشترک پیش می‌روند، تبدیل کرد.» کهکشانی از زنان رهبر که همگی راهی هدفی مشترک هستند، تبدیل کرد.»

پنل در پایان با دعوتی صریح به اقدام جمعی برای مقابله با اقتدارگرایی، در ایران و دیگر نقاط جهان خاتمه یافت.

مهناز افخمی / عکس از Alexandra Gopin

کریما بن‌ون، استاد حقوق در دانشگاه میشیگان و گزارشگر ویژه پیشین سازمان ملل در حوزه حقوق فرهنگی، در جمع بندی پنل گفت: «صرف نظر از ویرانی گسترده، باید همچنان سامان‌دهی کرد و شبکه‌ای ساخت و صدای دیگران از جمله نسل‌های آینده را به گوش جهانیان رساند.»

او تأکید کرد که مقاومت در برابر اقتدارگرایی تنها با تداوم کنش جمعی، پیوندهای فراملی و انتقال تجربه میان نسل‌ها امکان‌پذیر است.صنم نراقی اندرلینی، نویسنده، بنیانگذار و مدیرعامل «شبکه بین‌المللی کنش جامعه مدنی» و مشاور سازمان ملل در امور صلح، در سخنان خود افزود:« بدبینی، امتیازِ برخورداران است.»

او تأکید کرد: «کسانیکه از امکان عمل، صدا و شبکه برخوردارند، حق ندارند مأیوس باشند. زیرا امید، ابزاری استراتژیک برای تغییر است.»

رهبری زنان در ایران و افغانستان

پنل دوم به بررسی جایگاه رهبری و قدرت سیاسی زنان در ایران و افغانستان اختصاص داشت و این پرسش را پیش کشیده که چگونه می‌توان میراث رهبرانی را حفظ کرد که از عرصه عمومی بیرون رانده شده‌اند.

این بخش بر تداوم نقش زنان در جوامعی تمرکز داشت که نظام‌های سیاسی کوشیده‌اند حضور آنان را مدیریت، محدود یا حذف کنند. اما با وجود این فشارها، صدای بانوان همچنان در فعالیت‌های مدنی، فرهنگی، آموزشی و شبکه سازی بین‌المللی تداوم دارد و در فضا می پیچد.

دکتر حبیبه سرابی، معاون پیشین شورای عالی صلح افغانستان و فرماندار پیشین بامیان، در سخنان خود گفت که توصیه‌های مهناز افخمی به رهبران زن در جهان اسلام، الهام بخش مسیر او بوده است. از جمله راهبرد میانه روی، ائتلاف سازی و همکاری هوشمندانه با متحدان مرد.

سرابی تأکید کرد که حفظ میراث رهبری زنان در افغانستان اهمیتی دوچندان یافته است. بویژه پس از آن که طالبان در سال ۲۰۲۱ کوشیدند حضور زنان را از عرصه عمومی حذف کنند. او گفت: «وقتی زنان روستاها، بخصوص در بامیان، دیدند که یک زن می‌تواند در مقام فرماندار ایفای نقش کند، نوعی اعتماد و جسارت در آنان شکل گرفت. این همان میراثی است که باید برای نسل‌های آینده نگاه داشت. میراثی نیک و مثبت، الهام بخش و الگوساز، وگرنه درها به روی نسل بعد بسته خواهد شد.»

مهناز افخمی مجموعه کامل اسناد و آثار خود را به کتابخانه دانشگاه جرج تاون اهدا کرده است

پنل دوم به مدیریت ملان وِرویر، مدیر اجرایی موسسه جرج تاون برای زنان، صلح و امنیت به بررسی رهبری و قدرت سیاسی بانوان در ایران و افغانستان اختصاص داشت

دکتر شهلا حائری، استاد انسان شناسی و مدیر پیشین برنامهٔ مطالعات زنان در دانشگاه بوستون، در این پنل از مستندی سخن گفت که خود ساخته است. فیلمی که روند نامزدی شش زن ایرانی را برای مقام ریاست جمهوری دنبال می‌کند. بانوانی که با علم به رد صلاحیت شان، آگاهانه وارد میدان شدند تا حق تاریخی خود را مطالبه کنند.

او سپس به پیشینه تاریخی حضور زنان در قدرت در خاورمیانه اشاره کرد و گفت این سابقه، نه پدیده‌ای تازه، بلکه ریشه‌دار و کهن است. وی یادآور شد:« از ملکه سبا که نامش در قرآن نیز آمده است تا زنان نامدار دیگری که در طول تاریخ نقش سیاسی داشته‌اند، می‌توان نشانی روشن از مشروعیت و سابقه رهبری زنان در فرهنگ‌های منطقه یافت.» او تأکید کرد:«زنان همواره صاحب قدرت بوده‌اند.»

حائری توضیح داد که نامزدهای زن ریاست جمهوری در ایران، مشروعیت خود را نه از ساختارهای تبعیض آمیز امروز، بلکه از پیشینیان تاریخی و سنت‌های اسلامی و زنانی چون خدیجه و عایشه، دو چهره بانفوذ و اثرگذار در صدر اسلام می‌گیرند.

نادره شاملو: از سال ۱۹۷۹ دستگاه دیپلماسی از حضور زنان خالی شد

نادره شاملو، عضو هیئت مدیره «شبکه مشارکت آموزشی زنان» در سخنان خود گفت: «زمانی با رویای خدمت در عرصه دیپلماسی برای ایران، وارد دانشکده روابط خارجی دانشگاه جرج تاون شده بود، اما درست در بدترین سال ممکن فارغ‌التحصیل شد: ۱۹۷۹، سالی که زنان ناچار به خروج از ساختار اداری کشور شدند و دستگاه دیپلماسی عملا از حضور آنان خالی گردید.»

او در سخنانش بر اهمیت «منابع دست اول» برای پاسداری از میراث بانوان تأکید کرد و گفت: «وقتی به منابع اصلی نگاه می کنم، معنای تاریخ برایم کاملا متفاوت می‌شود. داده‌های اولیه می توانند در پنج سال بعد، معنایی کاملاً تازه پیدا کنند.»

شاملو با اشاره به آرشیوی که مهناز افخمی به کتابخانه دانشگاه اهدا کرده است، افزود: «جرج تاون اکنون بر روی یک معدن طلا نشسته است.» منبعی که به باور او می‌تواند فصل‌های حذف شده ای از تاریخ جنبش زنان ایران و جهان را دوباره زنده کند.

کنش جمعی، آینده حقوق بشر

این همایش با ضیافتی رسمی، نمایش بخشی از آرشیو اهدایی افخمی و سخنانی از مری رابینسون، رئیس جمهور پیشین ایرلند، به پایان رسید. سخنانی که یادآور شد« آینده حقوق بشر نه بر فردگرایی، بلکه بر مراقبت و اقدام جمعی استوار است.»

مری رابینسون در سخنان خود به ماده ۲۹ «اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر» اشاره کرد، جایی که تصریح می‌کند:«هر انسان در برابر جامعه‌ای که یگانه بستر شکوفایی آزاد و کامل شخصیت اوست، وظایفی برعهده دارد.»

او با تأکید بر نقش همبستگی میان نهادهای زن محور گفت: «سازمان‌های زنان پیش‌تر هر یک در خلا و به صورت جزیره‌ای عمل می کردند. اما از زمانی که کنار هم ایستادیم، یکدیگر را دیدیم، تأیید کردیم، پذیرفتیم و صدای هم را تقویت کردیم، همگی نیرومندتر شدیم.»

رابینسون افزود:« آینده عدالت جنسیتی و حقوق بشر در گرو پیوند میان جنبش‌ها و کنشگران، و باور به قدرت مشترک است. نه انزوا، نه پراکندگی، و نه رقابت.

ملان وِرویر، سفیر پیشین آمریکا و مدیر اجرایی «مؤسسه جرج تاون برای زنان، صلح و امنیت» در سخنان پایانی خود خطاب به حاضران گفت:« بانوان ایران، از گذشته تا امروز، در صف مقدم تغییر ایستاده‌اند. آنان برای آزادی، برابری و آینده‌ای روشن‌تر می‌جنگند. آن هم با پذیرش خطرهایی جدی در زندگی شخصی خود.»

او تأکید کرد که جنبش زنان ایران نه جنبشی مقطعی، بلکه تلاشی تاریخی، پیوسته و الهام بخش برای جهان است.

سازمان ملل: قتل‌های ناموسی در ایران «با مصونیت کامل» انجام می‌شود

هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد اعلام کرد که «قتل‌های ناموسی» و دیگر انواع خشونت مبتنی بر جنسیت در ایران با «مصونیت کامل» صورت می‌گیرد.

سارا حسین، رئیس هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل: بی‌توجهی به بی‌عدالتی، رنج قربانیان را تداوم می‌بخشد و تعهدات دولت را طبق حقوق بین‌الملل در زمینه تضمین پاسخگویی، حقیقت، عدالت و جبران خسارت، تضعیف می‌کند.

هیئت مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد که مأمور رسیدگی به موارد نقض جدی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران است، در نخستین گزارش خود به مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کرد که عاملان موسوم به «قتل‌های ناموسی» در این کشور عملاً از پیگیری قضایی و مجازات معاف می‌مانند.

قتل ناموسی زمانی رخ می‌دهد که زن یا دختری به اتهام لکه دار کردن «ناموس» یا «آبروی خانواده» به دست یکی از اعضای همان خانواده به قتل می‌رسد. زنانی به دلیل نپذیرفتن ازدواج اجباری، متهم شدن به رابطه خارج از ازدواج، یا ازدواج با فردی که مورد پسند بستگان نبوده، قربانی چنین قتل‌هایی شده‌اند. شناسایی این نوع قتل‌ها بسیار دشوار است و در اغلب موارد ثبت نمی‌شود یا عمداً پنهان می‌ماند.

هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد اعلام کرد که «قتل‌های ناموسی» و دیگر انواع خشونت مبتنی بر جنسیت در ایران با «مصونیت کامل» صورت می‌گیرد.

این هیئت در بیانیه‌ای که در ۳۱ اکتبر منتشر شد، افزوده: «بر اساس اطلاعات موثق، دست کم ۶۰ مورد قتل ناموسی میان ماه‌های مارس تا سپتامبر ۲۰۲۵ در ایران رخ داده است.»

سارا حسین، رئیس هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل روز ۳۱ اکتبر اعلام کرد: «اقدام به سلب عدالت، امری بیطرفانه یا خنثی نیست» و افزود: «بی‌توجهی به بی‌عدالتی، رنج قربانیان را تداوم می‌بخشد و تعهدات دولت را طبق حقوق بین‌الملل در زمینه تضمین پاسخگویی، حقیقت، عدالت و جبران خسارت، تضعیف می‌کند.»

یک اعلامیه سیاسی که در ژوئن ۲۰۲۵ از سوی دولت بریتانیا منتشر شد، اعلام می‌کند که «سالانه حداقل ۴۵۰ مورد قتل ناموسی در ایران رخ می‌دهد و برآورد می‌شود که حدود ۲۰ درصد از کل قتل‌های ثبت شده در کشور می‌تواند در زمره قتل‌های ناموسی قرار گیرد.

در این گزارش همچنین تأکید شده که رقم واقعی احتمالاً بسیار بالاتر است، زیرا بسیاری از خانواده‌ها این قتل‌ها را به مراجع رسمی گزارش نمی‌کنند و برای پنهان سازی ماجرا، مرگ قربانیان را «خودکشی» یا «حادثه» جلوه می‌دهند.

این اعلامیه افزوده: «خطر قربانی شدن در قتل‌های ناموسی برای دختران و زنان جوان در مناطق سنتی، فقیر و روستایی ایران، به ویژه در مناطق کُردنشین بیشتر است. با این حال، قتل‌های ناموسی در شهرها نیز رخ می‌دهد و بیشترین موارد گزارش شده مربوط به استان تهران است.»

در این گزارش یادآوری شده: «مطابق فقه اسلامی، اولیای مقتول می‌توانند در صورت وقوع قتل، تقاضای قصاص (اعدام) کنند.» اما قانون مجازات اسلامی ایران «قتل ناموسی» را به عنوان جرمی مستقل تعریف و جرم نگاری نکرده است.

در این سند آمده است که شوهران در اکثر موارد عامل اصلی قتل بوده‌اند و پس از آنها پدران، سپس برادران و دیگر خویشاوندان مرد قرار دارند. همچنین اشاره شده که در برخی موارد، زنان تحت فشار خانواده وادار به خودکشی می‌شوند.

وکلا و مدافعان حقوق زن در ایران که پرونده‌های مربوط به خشونت خانگی و قتل‌های ناموسی را پیگیری کرده‌اند، گزارش داده‌اند که دسترسی به عدالت برای قربانیان بسیار دشوار است و ساختار حقوقی و قضایی موجود عملاً در بسیاری از موارد به نفع مرتکبین جنایت ها عمل می‌کند.

فروغ شیخ الاسلامی وطنی، وکیل ایرانی مقیم خارج از کشور به «کیهان لایف» گفته: «قوانین جمهوری اسلامی از زنانی که قربانی خشونت می‌شوند حمایت نمی‌کند. من در ایران پرونده‌های کیفری داشتم که شوهران به همسران خود حمله کرده بودند و ما شکایت را به دادگاه بردیم، اما قاضی جانب شوهران را گرفت.» او افزود: «گاهی موفق می‌شدیم، اما این موارد بسیار نادر بود. دلیلش این است که قوانین مدنی و کیفری حکومت ایران عمیقاً پر از اِشکال و در گذشته متوقف مانده است.»

زنان ایرانی در خیابانی در تهران، همزمان با اجرای قانون جدید نظارت بر حجاب، در حال عبور هستند - عکس از رویترز

در مقابل، زنان و دخترانی که به قتل شریک خشونت‌گر خود متهم می‌شوند، در بسیاری از موارد در دادگاه‌های ایران به اعدام محکوم می‌گردند و علاوه بر آن، موظف به پرداخت مبالغ سنگینی تحت عنوان «دیه» به خانواده شوهر مقتول هستند. مبالغی که در اغلب موارد توان پرداخت آن را ندارند.

گُلی کوه کن، کودک همسری که پس از سال‌ها خشونت جسمی به قتل شوهرش متهم شد، در ماه مه ۲۰۱۸ به اعدام محکوم شد. بنا بر گزارشی که «سازمان حقوق بشر ایران» در ۶ اکتبر منتشر کرده است، گُلی زمانی که تنها ۱۲ سال داشت، به اجبار به عقد پسرعموی خود درآمد و یک سال بعد بدون هیچگونه رسیدگی پزشکی، پسری به دنیا آورد. او در دوران بارداری مجبور به انجام کارهای سخت مزرعه برای همسرش بود و بطور مداوم مورد ضرب و جرح قرار می‌گرفت. همسر او همچنین مانع از برقراری هرگونه ارتباط او با خانواده‌اش می شد.

یک منبع آگاه به سازمان حقوق بشر در ایران گفته: «تمام تلاش‌های گُلی برای فرار به دلیل نداشتن مدارک هویتی و هم به خاطر فشارهای اجتماعی بی نتیجه مانده بود. یک بار که به خانه پدر و مادرش گریخته بود، پدرش به او گفته بود: «دخترم را با لباس سفید به خانه بخت فرستاده ام، با کفن برمی‌گردی.»

او ادامه داده: روز حادثه، همسر گُلی در حال کتک زدن او و پسر خردسالشان بوده که گُلی از سر ناچاری با پسرعموی شوهرش تماس گرفت تا کمک شان کند. وقتی او رسید، درگیری بالا گرفت و شوهر گُلی به شکل غیرعمد کشته شد. گُلی خودش اورژانس را خبر کرد و تمام ماجرا را به ماموران گفت. هر دو آنها بازداشت شدند.»

وطنی که پیش از این در ایران به عنوان وکیل مدافع حقوق بشر فعالیت می‌کرد، پس از دفاع از جنبش برابری خواهانه «زن، زندگی، آزادی» در شبکه‌های اجتماعی، به ۱۰ سال زندان محکوم شد که ناچار به ترک کشور شد. او اکنون در فرانسه زندگی می‌کند و همکاری خود را با نهادهای بین‌المللی حقوق بشری ادامه می‌دهد. از جمله با سازمان «توقف قتل‌های ناموسی» مستقر در آلمان که به پژوهش و مستندسازی خشونت علیه زنان و دختران در ایران می‌پردازد.

گزارشی که در ژانویه ۲۰۲۵ از سوی نهاد «توقف قتل‌های ناموسی» منتشر شده بود، برآورد کرده که در سال ۲۰۲۴ دست کم ۵۱ مورد قتل ناموسی در ایران رخ داده و میانگین سنی قربانیان حدود ۳۲ سال بوده است.

در این گزارش آمده: «عوامل محرک این نوع قتل‌ها می‌تواند شامل رد ازدواج اجباری، برقراری رابطه عاطفی مورد مخالفت خانواده، درخواست طلاق، انتخاب مسیر شغلی مستقل، سفر بدون اجازه، یا حتی قربانی شدن در تعرض جنسی باشد. بسیاری از این قتل‌ها صرفاً بر اساس سوءظن انجام می‌شود، بدون اینکه هیچ سند و مدرکی برای اثبات اتهام وجود داشته باشد.»

این گزارش تأکید کرده است که وجه مشترک تمام موارد، «توجیه خشونت به نام دفاع از ناموس» و نبود حمایت قانونی مؤثر از قربانیان، به ویژه بانوان جوان و دختران است.

***منبع: کیهان لایف**
***گزارشگر: ناتاشا فیلیپس**
***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

سلسله مرگ‌های مشکوک جوانان؛ مردم باور دارند حکومت «قاتل» است

امید سرلک، آرش دالائیان، رضا آدینوند

در کمتر از یک هفته، خبر مرگ سه جوان ایرانی در سه شهر مختلف کشور منتشر شده است؛ سه مرگ پیاپی و مشکوک که هر سه با الگوی مشابهی همراه‌اند: فقدان شفافیت، فشار بر خانواده‌ها، و تلاش برای تحمیل روایت رسمی.

امید سرلک، آرش دالائیان و رضا آدینوند جوانانی بودند که به گفته مردم و منابع غیررسمی توسط عوامل حکومت به قتل رسیده‌اند.

در کنار این سه مرگ پیاپی، موضوعی دیگر نیز در شبکه‌های اجتماعی موجی از انتقاد را برانگیخته است: سکوت بخش‌هایی از نیروهای اپوزیسیون که خود را مخالف جبهه پادشاهی‌خواهان و ملی‌گرایان می‌دانند.

این سکوت در برابر کشته‌شدن یا مرگ‌های مشکوک جوانانی که گرایش پادشاهی‌خواهانه داشته‌اند، برای بسیاری از کاربران قابل‌پذیرش نیست. آن‌ها صریحاً می‌پرسند: «اگر قربانی پادشاهی‌خواه باشد، حقوق بشر شما خاموش می‌شود؟ آیا حقوق بشر شما گزینشی است؟»

اختر قاسمی- در کمتر از یک هفته، خبر مرگ سه جوان ایرانی در سه شهر مختلف کشور منتشر شده است؛ سه مرگ پیاپی و مشکوک که هر سه با الگوی مشابهی همراه‌اند: فقدان شفافیت، فشار بر خانواده‌ها، و تلاش برای تحمیل روایت رسمی.

در نبود رسانه‌های آزاد، آنچه امروز از این حوادث می‌دانیم، حاصل روایت مردم، شاهدان و شبکه‌های اجتماعی است روایت‌هایی که با وجود سرکوب و سانسور، همچنان در برابر روایت حکومتی مقاومت می‌کنند.

۱. امید سرلک، الیگودرز

پس از مرگ مشکوک امید سرلک خلبان جوانی که تنها چند ساعت پیش از قتل او ، با شجاعت تمام عکس علی خامنه‌ای را آتش زد و ویدئوی آن را در صفحه‌اش منتشر کرد که موجی عظیم از خشم، همدلی و اعتراض سراسر ایران را فرا گرفت.

انتشار این ویدئو، امید را به یکی از آیکون‌های موج تازهٔ مقاومت نسل جوان پس از مهسا امینی بدل کرد؛ نماد نسلی که بی‌پرواتر از همیشه در برابر حاکمیت ایستاده است.

تنها چند ساعت بعد از انتشار ویدئو، جسد امید پیدا شد. روایت رسمی، بدون ارائه‌ی هیچ سند، مدرک یا گزارش پزشکی قانونی، مرگ او را «خودکشی» اعلام کرد، روایتی که تقریباً هیچ‌کس در افکار عمومی آن را باور نکرد.

در مراسم خاکسپاری، پدر امید را تحت فشار مقابل دوربین قرار دادند تا روایت حکومتی را تکرار کند؛ رفتاری که در بسیاری از پرونده‌های مشابه، به الگویی تکراری تبدیل شده است.

تا امروز، هیچ توضیح رسمی قابل‌قبولی درباره علت مرگ او منتشر نشده و مطالبه‌گری درباره پرونده او همچنان در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد. وزارت خارجه آمریکا گفته بود رژیم در قتل امید سرلک دخالت دارد.

۲. آرش دالائیان، تهران

دو روز پس از مرگ امید، خبر پیدا شدن جسد آرش دالائیان در تهران منتشر شد. دوستان و بستگان آرش، روایت‌هایی منتشر کرده‌اند که تصویری نگران‌کننده از روزهای آخر زندگی او ارائه می‌دهد:

آرش پس از بازگشت از ارمنستان، تحت نظر نیروهای امنیتی بوده؛ مأموران امنیتی به خانهٔ خانواده‌اش مراجعه کرده‌اند؛ برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مدعی شده‌اند که یک روز پس از خاکسپاری آرش، استوری‌هایی با لحن حکومتی از حساب او منتشر شده است. این ادعا هنوز با هیچ منبع مستقلی تأیید نشده و دوستان نزدیک آرش نیز گفته‌اند که این نوشته‌ها شباهتی به سبک خود او نداشته است.

این موارد باعث شده بسیاری از کاربران بپرسند که آیا پس از مرگ آرش، حساب او برای روایت‌سازی و تحمیل سناریو مورد سوءاستفاده قرار گرفته است.

عکس او که پیش‌تر با پرچم شیر و خورشید منتشر کرده بود نیز در شبکه‌ها منتشر شده و برخی کاربران نوشته‌اند که آرش مانند امید سرلک، گرایش پادشاهی‌خواهانه داشته است.

۳. رضا آدینوند، کوهدشت لرستان

سومین مورد، مرگ رضا آدینوند، جوان ۲۷ ساله کوهدشتی است. به‌گزارش توانا، او روز شنبه ۱۰ آبان‌ماه، هنگام طبیعت‌گردی هدف تیراندازی بی‌ضابطهٔ نیروهای انتظامی قرار گرفته و پس از انتقال به بیمارستان، بر اثر شدت جراحات جان باخته است.

از نکات مهم در این پرونده این است که هیچ توضیح رسمی درباره علت تیراندازی منتشر نشده؛ پیکر رضا دو روز به خانواده تحویل داده نشده؛ تحویل پیکر مشروط به سکوت خانواده، امضای رضایت‌نامه، برگزاری مراسم زیرنظر نیروهای امنیتی و بدون طرح سؤال بوده است.

این روند، مصداق روشنِ نقض حقوق خانواده قربانی و تلاشی آشکار برای کنترل کامل روایت است. هیچ مرجع قضایی یا انتظامی تا امروز دربارهٔ این تیراندازی توضیح نداده است. هر سه مورد، با وجود تفاوت در جزئیات، چند نقطهٔ مشترک دارند: اعلام روایت رسمی بدون سند و بی‌اعتنا به افکار عمومی تلاش برای بستن پرونده با برچسب «خودکشی» یا «حادثه»، فشار بر خانواده‌ها و کنترل مراسم‌های خاکسپاری، روایت‌سازی پس از مرگ، مانند استوری‌های حساب آرش دالائیان و در نهایت، انتشار حقیقت تنها از سوی مردم، نه حکومت.

این روند یادآور ده‌ها پرونده مشابه در سال‌های گذشته است؛ پرونده‌هایی که در بسیاری از آن‌ها، روایت رسمی دیر یا زود فرو ریخته و روایت مردم به حقیقت نزدیک‌تر بوده است.

پرسشی که فضای مجازی مطرح شده است: حقوق بشر شما گزینشی است؟

در کنار این سه مرگ پیاپی، موضوعی دیگر نیز در شبکه‌های اجتماعی موجی از انتقاد را برانگیخته است: سکوت بخش‌هایی از نیروهای اپوزیسیون که خود را مخالف جبهه پادشاهی‌خواهان و ملی‌گرایان می‌دانند.

این سکوت در برابر کشته‌شدن یا مرگ‌های مشکوک جوانانی که گرایش پادشاهی‌خواهانه داشته‌اند، برای بسیاری از کاربران قابل‌پذیرش نیست. آن‌ها صریحاً می‌پرسند: «اگر قربانی پادشاهی‌خواه باشد، حقوق بشر شما خاموش می‌شود؟ آیا حقوق بشر شما گزینشی است؟»

این پرسش، انتقادی جدی به گزینشی‌بودن حساسیت‌های حقوق بشری برخی جریان‌های سیاسی است؛ انتقادی که نشان می‌دهد شکاف‌های عمیق در میان نیروهای اپوزیسیون، چگونه می‌تواند خود به مانعی برای پیگیری عدالت، حقیقت و حمایت از خانواده‌های قربانیان تبدیل شود.

بازداشت یک شهروند ایرانی- آمریکایی کلیمی در ایران

کامران حکمتی، جواهرفروش ۷۰ ساله ساکن نیویورک که در ماه مه برای دیداری کوتاه به ایران سفر کرده بود، از ماه ژوئیه تاکنون در زندان اوین تهران محبوس شده است.

به گفته اعضای خانواده، دادگاه انقلاب اسلامی ایران در اواخر ماه اوت، کامران حکمتی را بر اساس قانونی که سفر شهروندان ایرانی به اسرائیل را ممنوع می‌کند، به چهار سال زندان محکوم کرده است.

رهبران جمهوری اسلامی، از جمله رئیس جمهور مسعود پزشکیان، همواره ایرانیان مقیم خارج، را تشویق کرده‌اند که «بی‌هراس» به کشور سفر کنند. پزشکیان همین پیام را در سخنرانی خود در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر نیز تکرار کرد.

کنیسه‌ای در تهران؛ عکاس: حسین بریس، عکس‌های خاورمیانه، به نقل از خبرگزاری فرانسه، عکس‌های گتی

خانواده کامران حکمتی به «نیویورک تایمز» گفته‌اند که جمهوری اسلامی او را به دلیل سفر ۱۳ سال پیش به اسرائیل، برای شرکت در مراسم بار می‌تسوای(تکلیف دینی) پسرش، به زندان محکوم کرده است.

کامران حکمتی، جواهرفروش ۷۰ ساله ساکن نیویورک که در ماه مه برای دیداری کوتاه به ایران سفر کرده بود، از ماه ژوئیه تاکنون در زندان اوین تهران محبوس شده است. اعضای خانواده او در گفتگو با رسانه‌ها گفته‌اند که به دلیل نگرانی از انتقام‌جویی احتمالی حکومت ایران، نمی‌خواهند نامشان فاش شود.

به گفته اعضای خانواده، دادگاه انقلاب اسلامی ایران در اواخر ماه اوت، کامران حکمتی را بر اساس قانونی که سفر شهروندان ایرانی به اسرائیل را ممنوع می‌کند، به چهار سال زندان محکوم کرده است.

او که دارای تابعیت دوگانه است، در ایران متولد شده اما در سن ۱۳ سالگی به ایالات متحده مهاجرت کرده است.

وی مطابق مقررات جمهوری اسلامی، با گذرنامه ایرانی خود برای دیدار خانواده به ایران سفر کرده بود، زیرا ایران اتباع خود را موظف می‌داند با گذرنامه ایرانی وارد کشور شوند و در عین حال، تابعیت دوگانه را به رسمیت نمی‌شناسد.

به گفته اعضای خانواده، قوه قضاییه جمهوری اسلامی در ماه سپتامبر مجازات مربوط به سفر به اسرائیل را به دو سال زندان کاهش داده و سپس حکم کامران حکمتی را نیز به نصف رسانده است. نام او و جزئیات حکم صادره تاکنون بطور علنی منتشر نشده بود.

اعضای خانواده گفته‌اند «وکیل آنان درخواست تجدیدنظر را ثبت کرده است، اما هنوز تاریخی برای برگزاری جلسه دادگاه تعیین نشده است. خانواده ابرازامیدواری کرده‌اند که ایران با در نظر گرفتن ملاحظات انسانی، او را آزاد کند. چرا که حکمتی هیچ فعالیت سیاسی نداشته، سفرش به اسرائیل کاملاً شخصی بوده و در حال حاضر نیز با بیماری شدید سرطان مثانه دست و پنجه نرم می‌کند.

هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد اعلام کرده است که درباره پرونده کامران حکمتی اظهارنظر نخواهد کرد.

بر اساس گزارش نهادهای حقوق بشری، اظهارات بستگان و همچنین وکیل یکی از بازداشت‌شدگان، کامران حکمتی، رضا ولی‌زاده، روزنامه‌نگار و دو زن که هویتشان اعلام نشده در میان افرادی هستند که در ماه‌های اخیر بازداشت شده‌اند.

وزارت خارجه آمریکا با استناد به ملاحظات امنیتی و حریم خصوصی اعلام کرد که نمی‌تواند درباره پرونده‌های تک تک شهروندان آمریکایی بازداشت شده در ایران یا تعداد دقیق آنان اظهار نظر کند.

این وزارتخانه در بیانیه‌ای افزود که واشنگتن همچنان در حال رایزنی با متحدان و شرکای خود درباره «این موضوع و بطورکلی موارد بازداشتهای ناعادلانه در ایران» است.

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرده «رژیم ایران سابقه‌ای طولانی در بازداشت ناعادلانه و غیرقانونی شهروندان دیگر کشورها دارد. ایران باید این افراد را فوراً آزاد کند.»

جمهوری اسلامی سابقه‌ای طولانی در بازداشت اتباع خارجی و دوتابعیتی و استفاده از آنان به‌عنوان اهرم سیاسی برای تبادل زندانیان یا آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده دارد. با این حال، کامران حکمتی نخستین مورد شناخته شده در سال‌های اخیر است که در آن، جمهوری اسلامی یک شهروند کلیمی دوتابعیتی را صرفاً به دلیل سفر شخصی به اسرائیل هدف قرار داده و گروگان گرفته است.

سیامک نمازی، شهروند ایرانی-آمریکایی و زندانی پیشین رژیم جمهوری اسلامی که پس از هشت سال حبس، در سال ۲۰۲۳ در چارچوب توافقی با دولت بایدن آزاد شد، گفته است: «تهران با بازداشت ناعادلانه آقای حکمتی و افرادی مانند او، بار دیگر بی‌دلیل به تشدید تنش با ایالات متحده و اسرائیل دامن می‌زند.»

کامران حکمتی صاحب جواهرسازی در منطقه الماس منهتن می‌باشد و در گِریت نِک، لانگ آیلند که محل زندگی شمار چشمگیری از یهودیان ایرانی-آمریکایی است، اقامت دارد.

به گفته خانواده او، حکمتی از بودن در کنار چهار فرزند و نخستین نوه‌اش لذت می‌برد. از اعضای فعال کنیسه محل زندگی خود است و دلبستگی عمیقی به فرهنگ ایرانی دارد.

شهره نوفر، از بستگان نزدیک او که در کالیفرنیا زندگی می‌کند، در گفتگویی تلفنی گفته «کامران ستون پیوند خانوادگی ماست. او همیشه برای همسرش، فرزندانش، تمام بستگانش و حتی هر کسی که در ایران می‌شناخت حضور داشت و دوست و پشتیبان آن‌ها است.»

او افزوده «چقدر تلخ است که همان کشوری که کامران عاشقش بود و همیشه سعی می‌کرد به آن کمک کند، حالا او را به زندان انداخته است.»

خانواده می‌گویند کامران حکمتی در سال‌های گذشته بارها به تنهایی یا همراه همسر و فرزندانش به ایران سفر کرده بود و هرگز با مشکلی روبرو نشد، تا اینکه در ماه مه امسال درست در زمانی که تنش‌ها میان ایران و اسرائیل پیش از حملات نظامی به اوج رسیده بود، ناگهان بازداشت گردید.

به گفته اعضای خانواده، نیروهای امنیتی هنگام خروج کامران حکمتی از ایران، او را در فرودگاه بین‌المللی تهران متوقف کردند، گذرنامه‌اش را ضبط نمودند و خواستار دسترسی کامل به تلفن همراه و حساب‌های شبکه‌های اجتماعی او شدند.

به گفته اعضای خانواده، از ماه مه تا اوایل ژوئیه، ماموران اطلاعاتی چندین بار حکمتی را احضار و بازجویی کردند، در حالی که او به اجبار در خانه یکی از بستگانش در تهران، تحت قانون ممنوع الخروجی اقامت داشت. در اوایل ژوئیه، اندکی پس از برقراری آتش بس میان ایران و اسرائیل که با میانجیگری آمریکا میسر شد، نیروهای امنیتی به خانه یورش بردند و او را بازداشت کردند.

خانواده حکمتی همچنین تأکید کرده‌اند که اواخر ماه اوت، بدون آنکه اجازه برخورداری از وکیل داشته باشد، رسما او را متهم و سپس محکوم کردند. آنان افزودند که تنها پس از صدور حکم توانسته‌اند برای او وکیلی استخدام کنند.

رهبران جمهوری اسلامی، از جمله رئیس جمهور مسعود پزشکیان، همواره ایرانیان مقیم خارج، را تشویق کرده‌اند که «بی‌هراس» به کشور سفر کنند. پزشکیان همین پیام را در سخنرانی خود در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر نیز تکرار کرد.

در عین حال، پرونده کامران حکمتی نشان می‌دهد که این پیام‌ها با واقعیت‌های میدانی در تضاد است. چرا که بازداشت و محکومیت او صرفاً به دلیل سفر خانوادگی ۱۳ سال پیش وی به اسرائیل، این نگرانی را تقویت کرده است که وعده «امنیت برای ایرانیان دو تابعیتی» جنبه‌ای تبلیغاتی دارد و در عمل، نظام قضایی و امنیتی رژیم جمهوری اسلامی می‌تواند هر زمان به دلایل سیاسی، امنیتی یا حتی به عنوان اهرم چانه زنی بین‌المللی، اتباع دوتابعیتی را هدف قرار داده و به گروگان بگیرد.

***منبع: نیویورک تایمز**

***ترجمه: کیهان لندن**

افشای عملیات نفوذی دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی در فرانسه

حضور نیروهای سپاه پاسداران در راهپیمایی حکومتی «روز قدس»

در گزارشی که به وزارت کشور و پارلمان فرانسه ارائه شده، سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران به سوء استفاده از شبکه‌های فرهنگی، دانشجویی و حتی گروه‌های تبهکاری در خاک فرانسه متهم شده‌اند.

جمهوری اسلامی برای بخشی از فعالیت‌های خرابکارانه خود به ویژه بر شبکه‌های قاچاق مواد مخدر در شمال آفریقا متکی است و همچنین به آسانی اوباش و عناصر بزهکار اهل کشورهای اروپای شرقی مقیم غرب را برای انجام ماموریت های خود به خدمت می‌گیرد.

دکتر امیر حمیدی، کارشناس تروریسم بین‌الملل و دیپلمات پیشین آمریکا، در این گزارش می‌نویسد: «حضور نیروی قدس سپاه پاسداران در فرانسه، حضوری فعال، پیچیده و مستمر است. خنثی‌سازی طرح‌های ترور یا خرابکاریِ موردی، کافی نیست. چالش عمیق‌تر، مقاومت در برابر تلاش‌های بلندمدت تهران برای تضعیف تاب‌آوری دموکراتیک از طریق وحشت افکنی و اجبار پنهان است.

او تأکید کرده است: «فرانسه باید عملیات اطلاعاتی، اجرای قانون، فشار دیپلماتیک و تعامل با جوامع را در قالب یک کارزار پایدار ترکیب کند»، و به این نتیجه رسیده که «جنگ سایه‌ها اینجاست و بهای سهل‌انگاری در حفظ جان‌ها، آزادی‌ها و حاکمیت سنجیده خواهد شد.»

در گزارشی که به وزارت کشور و پارلمان فرانسه ارائه شده، سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران به سوء استفاده از شبکه‌های فرهنگی، دانشجویی و حتی گروه‌های تبهکاری در خاک فرانسه متهم شده‌اند.

گزارشی با عنوان «نفوذ جمهوری اسلامی ایران در فرانسه، جاسوسان، عوامل نفوذ، اوباش: سازوکارهای ایجاد آشوب» به تازگی در فرانسه منتشر شده و به رؤسای هر دو مجلس، همچنین وزیر کشور، ارائه شده است.

هدف از انتشار این گزارش، ترغیب نمایندگان پارلمان فرانسه به تشکیل یک کمیسیون تحقیق درباره گسترده نفوذ و فعالیت‌های نفوذی و دخالت های جمهوری اسلامی در خاک فرانسه عنوان شده است.

این گزارش به سفارش اندیشکده «فرانسه ۲۰۵۰» تهیه شده و مجموعه‌ای از کارشناسان ایران، متخصصان در امور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تحلیلگران عملیات نفوذی نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی در خاک فرانسه را گرد هم آورده است.

محرک اصلی تدوین این گزارش، ژیل پلاتره، سیاستمدار فرانسوی (معاون حزب جمهوری‌خواهان از ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳) و بنیانگذار اندیشکده «فرانسه ۲۰۵۰» بوده است. نهادی که او آن را «جنبشی آزاد برای تولید اندیشه، ویژه تمام کسانی که به فرانسه عشق می ورزند و شجاعت دفاع از آن را در برابر تهدیدها دارند» توصیف می کند.

ژیل پلاتره که از سال ۲۰۱۴ سِمت شهردار شالون- سو-سون در منطقه بورگوین را برعهده دارد، طی ۱۰ سال گذشته بارها با چالش‌های ناشی از نفوذ جریان‌های اسلامگرا، به ویژه از سوی اخوان المسلمین و جمهوری اسلامی ایران در سطح محلی روبرو بوده است.

او در سال ۲۰۱۵ با بازگرداندن اصل لائیسیته به سلف سرویس مدارس شهر، مانع از تحمیل خواسته‌های مذهبی بر منوی غذایی دانش‌آموزان شد و به طورعلنی در برابر شهردارانی که بیش از حد به مبلغان اسلام‌گرای افراطی نزدیک بودند ایستاد و همچنین برافراشتن پرچم فلسطین را در شهر خود ممنوع کرد.

در پی این رویداد، ژیل پلاتره در دسامبر ۲۰۲۴ یک هیئت حقیقت‌یاب مستقل برای بررسی میزان نفوذ جمهوری اسلامی ایران در جامعه فرانسه تشکیل داد. او برای این ماموریت گروهی از کارشناسان امنیت داخلی، ایران شناسان و متخصصان حوزه نفوذ اطلاعاتی را گرد هم آورد که یافته‌های این تیم اکنون در قالب همین گزارش منتشر شده است.

پلاتره در مقدمه این گزارش می‌نویسد: «نفوذ جمهوری اسلامی در فرانسه، از میان تمام آسیب‌ها که کشور ما را رنج می‌دهد، یکی از کم اهمیت‌ترین اما بدون شک از نامحسوس‌ترین‌ها و پنهان‌ترین‌ها نیست.»

او ادامه داد: «ما بر این باوریم که عملیات نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در فرانسه، امروز از هر زمان دیگری قوی‌تر است. ما می‌دانیم که سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه که از کارآمدترین نهادهای امنیتی جهان به شمار می‌روند، سال‌هاست نسبت به این پدیده هشدار می‌دهند.»

بر اساس این گزارش، از زمان حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، نهادها، رسانه‌ها، احزاب چپ افراطی، دانشگاه‌ها و محافل روشنفکری در فرانسه به اهداف اصلی مداخله و نفوذ جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند.

به نوشته این گزارش، تهران برای پیشبرد این عملیات از سه بازوی اصلی بهره می‌گیرد: سفارت خود در پاریس، شبکه لابیگران فعال در اتحادیه اروپا، و عوامل نفوذی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی که در سطح عمیق و سازمان یافته در این کشور فعالیت می کنند.

این گزارش در ادامه تأکید می‌کند که «هدف مداخلات جمهوری اسلامی دو لایه و کاملا حساب شده است: نخست، اِعمال فشار بر دولت فرانسه در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران و ترغیب پاریس به افزایش فشار دیپلماتیک

بر اسرائیل و دوم، ایجاد «هرج و مرج بدون جنگ» در قلب دموکراسی‌های غربی، در چارچوب راهبردی که جمهوری اسلامی آن را «جهاد جهانی» می‌نامد و در قانون اساسی خود نیز به آن مشروعیت داده است.

فرانسه، تنها دموکراسی مورد هدف اقدامات رژیم حاکم بر ایران نیست. در ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۵، چهارده کشور غربی، از جمله فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده، آلمان، هلند و چند کشور دیگر با صدور بیانیه‌ای مشترک، حکومت اسلامی را که «سیاست ترور و آدم‌ربایی در خارج از مرزها را دنبال می‌کند» متهم کرده اند.

در این بیانیه آمده است که دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم ایران به طور فزاینده‌ای با شبکه‌های بین‌المللی جنایتکار همکاری می‌کنند تا روزنامه نگاران، مخالفان سیاسی، شهروندان یهودی و همچنین مقامات دولتی فعلی و سابق در اروپا و آمریکای شمالی را هدف قرار دهند.

جمهوری اسلامی برای بخشی از فعالیت‌های خرابکارانه خود به ویژه بر شبکه‌های قاچاق مواد مخدر در شمال آفریقا متکی است و همچنین به آسانی اوباش و عناصر بزهکار اهل کشورهای اروپای شرقی مقیم غرب را برای انجام ماموریت های خود به خدمت می‌گیرد.

دکتر امیر حمیدی، کارشناس تروریسم بین‌الملل و دیپلمات پیشین آمریکا، در این گزارش می‌نویسد: «حضور نیروی قدس سپاه پاسداران در فرانسه، حضوری فعال، پیچیده و مستمر است. خنثی‌سازی طرح‌های ترور یا خرابکاریِ موردی، کافی نیست. چالش عمیق‌تر، مقاومت در برابر تلاش‌های بلندمدت تهران برای تضعیف تاب‌آوری دموکراتیک از طریق وحشت افکنی و اجبار پنهان است.

او تأکید کرده است: «فرانسه باید عملیات اطلاعاتی، اجرای قانون، فشار دیپلماتیک و تعامل با جوامع را در قالب یک کارزار پایدار ترکیب کند»، و به این نتیجه رسیده که «جنگ سایه‌ها اینجاست و بهای سهل‌انگاری در حفظ جان‌ها، آزادی‌ها و حاکمیت سنجیده خواهد شد.»

هماهنگی و هدایت تحریری این گزارش را امانوئل رضوی، روزنامه نگار، نویسنده و کارشناس خاورمیانه و ژان ماری مونتالی، روزنامه نگار، نویسنده و کارگردان، برعهده داشته‌اند. آنان همراه با گروهی از تحلیلگران و متخصصان که اسامی آنان را در زیر می بینید در تدوین این گزارش مشارکت کرده‌اند:

ـ فِردریک انسل، تحلیلگر ژئوپولیتیک و کارشناس خاورمیانه
ـ ایو بوماتی، پژوهشگر تاریخ ادیان و متخصص تاریخ ایران
ـ مهرداد (هیرود) دهقانی‌آذر، حقوقدان بین‌المللی و رئیس انجمن نوروز
ـ هیلدا دهقانی- اشمیت، فعال حقوق بشر
ـ آرمان شهبازی، روزنامه نگار تحقیقی و پژوهشگر تاریخ سیاسی ایران
ـ ادرین کالامل، تاریخ شناس خاورمیانه و متخصص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
ـ مَتیو قدیری، مامور پیشین ضد جاسوسی فرانسه که در دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران نفوذ کرده بود
ـ امیر حمیدی، کارشناس تروریسم جهانی و دیپلمات سابق ایالات متحده
ـ اولوویه گیتا، تحلیلگر ژئوپولیتیک و تروریسم با تمرکز بر اروپا، خاورمیانه و آفریقا
ـ نورا بوسینی، روزنامه نگار پژوهشی و نویسنده

معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا: جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۵ یک میلیارد دلار برای حزب‌الله پول ارسال کرده است

جان هرلی معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، می‌گوید جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۵ با وجود تحریم‌ها، حدود یک میلیارد دلار برای حزب‌الله ارسال کرده است.

هرلی روز یکشنبه ۹ نوامبر (۱۸ آبان‌ماه) در مصاحبه‌ای با خبرگزاری رویترز در استانبول افزود: «آمریکا در تلاش است از فرصت کنونی در لبنان برای قطع منابع مالی حزب‌الله و خلع سلاح این گروه استفاده کند.»

معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی گفت که کلید خلع سلاح حزب‌الله قطع پول‌های ارسالی ایران است و اگر بتوانیم حزب‌الله را خلع سلاح کنیم، مردم لبنان می‌توانند کشور خود را پس بگیرند.

جان هرلی معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، می‌گوید جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۵ با وجود تحریم‌ها، حدود یک میلیارد دلار برای حزب‌الله ارسال کرده است.

هرلی روز یکشنبه ۹ نوامبر (۱۸ آبان‌ماه) در مصاحبه‌ای با خبرگزاری رویترز در استانبول افزود: «آمریکا در تلاش است از فرصت کنونی در لبنان برای قطع منابع مالی حزب‌الله و خلع سلاح این گروه استفاده کند.»

معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی گفت که کلید خلع سلاح حزب‌الله قطع پول‌های ارسالی ایران است و اگر بتوانیم حزب‌الله را خلع سلاح کنیم، مردم لبنان می‌توانند کشور خود را پس بگیرند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا ۱۵ آبان در اقدامی برای حمایت از خلع سلاح حزب‌الله، چند عضو فعال این گروه در حوزه مالی را تحریم کرد. آنها در سال ۲۰۲۵ میلادی ده‌ها میلیون دلار از ایران به حزب‌الله منتقل کرده‌اند.

بر اساس اعلام این وزارتخانه، از روش‌های این افراد فروش نفت و کالاهای ایرانی و انتقال آن به لبنان از راه صرافی‌های مجاز و غیرمجاز بود.

هرلی در اولین سفر خود به خاورمیانه از زمان روی کار آمدن در دولت دونالد ترامپ، رییس جمهوری آمریکا، در دیدار با مقامات دولتی، بانکداران و مدیران بخش خصوصی، پرونده ایران را پیش کشیده است.او گفت: «با وجود همه چیزهایی که ایران از سر گذرانده، حتی با این که اقتصادش در وضعیت خوبی قرار ندارد، آنها هنوز هم پول زیادی را به نیروهای نیابتی تروریست خود پمپاژ می‌کنند.»

در بخشی از گزارش رویترز آمده، جمهوری اسلامی ایران پس از فروپاشی مذاکرات درباره محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای و برنامه موشکی خود، که منجر به بازگشت تحریم‌های سازمان ملل شد، تلاش کرده است روابط خود را با چین، روسیه و کشورهای منطقه از جمله امارات تقویت کند.

قدرت‌های غربی، ایران را متهم می‌کنند که به‌طور پنهانی در حال توسعه قابلیت ساخت سلاح هسته‌ای است. تهران، که اقتصادش اکنون با خطر ابرتورم و رکود شدید مواجه است، می‌گوید برنامه هسته‌ای‌اش صرفاً برای تولید انرژی غیرنظامی است.اسرائیل، متحد آمریکا، می‌گوید حزب‌الله در تلاش برای بازسازی توان نظامی خود است و روز پنجشنبه با وجود توافق آتش‌بسِ سال گذشته، حملات هوایی سنگینی را در جنوب لبنان انجام داده است.

اسرائیل می‌گوید حزب‌الله در تلاش برای بازسازی توانایی‌های خود است و با وجود توافق آتش‌بس، پنجشنبه حملات هوایی سنگینی را در جنوب لبنان انجام داد.

دولت لبنان متعهد به خلع سلاح همه گروه‌های غیردولتی، از جمله حزب‌الله شده که در سال ۱۹۸۲ به دست سپاه پاسداران تاسیس شد.

در حالی حزب‌الله مانعی برای مصادره انبارهایش از سوی نیروهای دولت در جنوب لبنان ایجاد نکرده، خلع سلاح کامل را رد کرده است.

حامیان حزب‌الله / عکس: رویترز

چرا اسرائیل هدفش از «سرنگونی رژیم ایران» را لو داد؟

یک مقام ارشد اسرائیلی که نامش فاش نشده گفته: «هدف کشورش، سرنگونی رژیم ایران تا پیش از پایان دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ است». - این مقام اسرائیلی افزوده اسرائیل هدف‌گذاری کرده است یا قصد دارد تا پیش از پایان یافتن دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رژیم جمهوری اسلامی ایران را «وادار به واکنش یا فروپاشی» کند.

کوروش زمانی – یک مقام ارشد اسرائیلی که نامش فاش نشده گفته: «هدف کشورش، سرنگونی رژیم ایران تا پیش از پایان دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ است». به گفته او اسرائیل هدف‌گذاری کرده است یا قصد دارد تا پیش از پایان یافتن دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رژیم جمهوری اسلامی ایران را «وادار به واکنش یا فروپاشی» کند.

این گزارش جدید نشان‌دهنده ورود اسرائیل به مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده در سیاست خود نسبت به جمهوری اسلامی است. اینکه یک مقام ارشد اسرائیلی به صراحت اعلام کند هدف کشورش «سرنگونی رژیم ایران تا پایان دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ» است، قطعا یک گزاره تبلیغاتی یا شعار رسانه‌ای نیست بلکه نقشه‌ای راهبردی را افشا می‌کند که در آن، اسرائیل از فاز مهار و محدودسازی گذشته، وارد فاز «تغییر رژیم» شده است.

کانال ژانر سیاست و امنیت در اسرائیل (کان)، به نقل از این مقام گفته: «تل‌آویو باید رژیم ایران را وادار به واکنش یا فروپاشی کند و به طور مشخص هشدار داده که بازسازی ذخایر موشکی رژیم ایران که در پی جنگ دوازده‌روزه به طور محسوسی کاهش یافته بود، به دقت و از نزدیک زیر نظر قرار دارد به طوری که دو طرف خود را برای یک رویارویی دیگر آماده می‌کنند.»

برای فهم عمیقِ پیام و پیامد این اظهارات، باید به چند نکته‌ی کلیدی توجه کرد: نخست، تجربه‌ی جنگ دوازده‌روزه نشان داد ضرباتی که به تأسیسات هسته‌ای و شبکه‌ی پدافندی و موشکی رژیم ایران وارد شد قابل توجه بود، اما به هیچ وجه به معنی «نابودسازی کامل» نبوده است؛ همان‌طور که گزارش‌های اطلاعاتی و تحلیل‌های بین‌المللی بعد از آن نشان دادند تهران توان و دانش فنی لازم را برای بازسازی و افزایش ظرفیت تولید موشک را دارد و در حال شتاب دادن به خطوط تولید است، موضوعی که روزنامه‌ی نیویورک‌تایمز و بازتاب‌های رسانه‌ای آن نیز به صراحت مطرح کردند و تحلیلگران را به این نتیجه رساند که در مورد وقوع تقابلی دیگر، تنها ابهام «فقط مسئله‌ی زمان» است.

دلیل اینکه اسرائیل در جنگ دوازده روزه یا عملیات‌هایی که در آن چارچوب انجام شد، رأس حاکمیت مرکزی رژیم از جمله شخص خامنه‌ای و دیگر مقامات عالی‌رتبه و زیرساخت‌های حیاتی اقتصادی را هدف مستقیم قرار نداد، ترکیبی از ملاحظات عملی، حقوقی و راهبردی بود. به لحاظ عملی، حمله گسترده به مراکز سیاسی سطح بالا و زیرساخت‌های اقتصادی کلان، می‌توانست ریسک‌های بالایی داشته باشد: اول، احتمال تلفات غیرنظامی و فروپاشی سریعِ نظم اجتماعی بود که می‌توانست خروجی‌های غیرقابل‌کنترلی به همراه داشته باشد؛ دوم، پیامدهای بین‌المللی و حقوقی که حتی با حمایت سیاسی داخلی و خارجی هم هزینه‌های دیپلماتیک و اقتصادی عظیمی به دنبال داشت و سوم، محدودیت‌های فنی و اطلاعاتی در شناسایی و شناخت دقیق مکان و زمان تصمیم‌گیری‌های کلیدی رژیم به‌اندازه‌ای که حمله‌ای با هدف حذف رهبران را با شانس موفقیت بالا ممکن سازد.

علاوه بر این، در آن مرحله‌ی اولیه اسرائیل با پشتیبانی کامل ایالات متحده تحت حکومت ترامپ، احتمالا به دنبال «خنثاسازی» و آسیب‌زدن به ظرفیت‌های نظامی و هسته‌ای ایران بود تا فضای منطقه را مدیریت کند، نه خلق خلاءیی که به بی‌ثباتی‌های غیرقابل‌پیش‌بینی منجر شود. این ملاحظات تا حدودی توضیح می‌دهند که چرا تمرکز روی مراکز تولید، انبارها و توانمندی نظامی بود و حملات مستقیم علیه شخص خامنه‌ای و مراکز اقتصادیِ حیاتی به کار گرفته نشد.

اما وقتی یک مقام ارشد اسرائیلی آشکارا می‌گوید «هدف سرنگونی رژیم است»، معنایش تغییر در اهداف عملیات و در نتیجه در نوع اهداف کلی می‌تواند باشد. سرنگونی رژیم یا «وادار کردن به فروپاشی» لزوما با همان قواعد درگیری محدود، عملیات نقطه‌ای یا نابودسازی تأسیسات فنی حاصل نخواهد شد؛ چنین هدفی نیازمند حمله‌ای جامع‌تر است که نهادهای تصمیم‌گیری، شبکه‌ی فرماندهی و کنترل، مراکز اقتصادی حیاتی و زیرساخت‌های مهم که امکان بازیابی سریع قدرت را فراهم می‌کنند را نشانه بگیرد.

به عبارت دیگر، اگر مرحله‌ی بعدی واقعا «فاز تکمیلی» یا «حمله‌ی نهایی» باشد، فهرست اهداف اسرائیل احتمالا فراتر از پایگاه‌ها و تأسیسات موشکی و هسته‌ای خواهد رفت و شامل: دفاتر قدرت مرکزی، مراکز بانکی و مالی کلان، شبکه‌های ارتباطی و فرماندهی، تأسیسات تأمین انرژی (نفت، گاز، برق) و مراکز لجستیکی می‌شود. دقیقاً بخش‌هایی که نظم و توان تصمیم‌گیری رژیم را حفظ می‌کنند. حمله به چنین مجموعه‌ای از اهداف اگر با دقت و هماهنگی بالا طراحی و اجرا شود، می‌تواند توانِ بازسازی فوری ساختارهای قدرت را به شدت تضعیف کند یا عملا از بین ببرد.

باید توجه داشت که تغییر هدف از «مهار» به «سرنگونی»، نوع دیگری از پرسش در محاسبه‌ی هزینه-فایده را پیش می‌کشد. در مرحله‌ی مهار، اسرائیل و متحدانش می‌کوشند با کمترین هزینه و کمترین پیامدهای بین‌المللی، قابلیت‌های تهدیدزا را از کار بیندازند یا مختل کنند. اما در مرحله‌ی تغییر رژیم، هزینه‌ی تلاش‌ها و ریسکِ رفتارهای بازدارنده کاملا متفاوت می‌شود چرا که رسیدن به هدف «فروپاشی» یا «وادار کردن به واکنش»، مستلزم حمله یا مجموعه‌ای از حملات است که می‌تواند واکنش‌های تلافی‌جویانه‌ی شدید، مداخله‌ی بازیگران منطقه‌ای (هر چند که بعد از جنگ دوازده‌روزه بسیاری از نیروهای نیابتی رژیم ضعیف یا نابود شده‌اند) و فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی را برانگیزد.

با این وجود، همان مقام تأکید کرده که اسرائیل خودش را برای جنگی «بسیار طولانی‌تر از دوازده روز» آماده می‌کند؛ جمله‌ای که حاوی دو پیام است: نخست عزم برای ادامه‌ی فشار فراتر از عملیات‌های محدود و دوم برداشتن گام‌هایی که هدفِ تغییر ساختار قدرت را دنبال می‌کنند.

پرسش کلیدی بعدی این است: «چه زمانی ممکن است فاز دوم یا حمله‌ی نهایی انجام شود؟» پاسخ قطعی البته وجود ندارد، اما می‌توان چند شاخص و بازه‌ی زمانیِ منطقی را فهرست کرد. مقام اسرائیلی صراحتا بازه‌ی زمانی سیاسی را به دوره‌ی ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ گره زده است؛ این بدان معناست که تل‌آویو احتمالا می‌کوشد از پنجره‌ی هم‌راستایی کامل با واشینگتن استفاده کند، آن هم دقیقا در زمانی که هماهنگی نظامی و اطلاعاتی با پشتیبانی سیاسی آمریکا در اوج است.

در نتیجه هر بازه‌ای که نشان‌دهنده افزایش همگرایی سیاست خارجی آمریکا و اسرائیل یا کاهش هزینه‌های سیاسی و نظامیِ واشینگتن برای مداخله باشد، می‌تواند نقطه‌ی آغاز حمله باشد. این پنجره تا پایان دوره‌ی ترامپ باز است و اسرائیل عملا تا آن زمان برای اِعمال فشار حداکثری برنامه‌ریزی می‌کند.

از منظر نظامی و فنی، وقوع حمله‌ی نهایی زمانی محتمل‌تر است که چند متغیر مهم هم‌راستا شوند: اول، ارزیابی اطلاعاتی اسرائیل از میزان و سرعت بازسازی توان موشکی و هسته‌ای رژیم ایران به سطحی برسد

که تهدیدی بالقوه برای امنیت ملی اسرائیل تلقی شود؛ دوم، زیرساخت‌های پدافندی داخلی اسرائیل یا توان پشتیبانی متحدان به سطحی برسد که ریسک ضربه‌های بزرگِ تلافی‌جویانه قابل‌پذیرش شود و سوم، همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی به نحوی باشد که تل‌آویو بتواند هزینه‌های دیپلماتیک را مدیریت کند یا از واکنش‌های سخت بین‌المللی بهره‌برداری کند. زمانی که این سه شرط یا ترکیبی از آنها فراهم شوند، احتمال آغاز فاز تهاجمی و وسیع‌تر بالا می‌رود. البته این شرایط قابل تغییر و حساس به اطلاعات روز است؛ یعنی هر خبر جدید درباره‌ی انبارهای موشکی، کشف سایت‌های هسته‌ای، یا تغییر در سیاست‌های تهران یا واشینگتن، می‌تواند زمان‌بندی را جلو یا عقب ببرد.

نکته‌ی دیگری که باید روشن بماند، ماهیتِ «سرنگونی یا وادار کردن به واکنش» است. اسرائیل می‌تواند برای کشاندن رژیم به نقطه‌ی «واکنش غیرقابل‌کنترل» از ابزارهای متنوعی استفاده کند که شامل عملیات‌های خرابکارانه، حملات سایبری هدف‌دار، حذف افراد کلیدی در صفوف فرماندهی و نخبگان فنی، ضربه به شبکه‌های مالی و بانکی، و فشار اقتصادی ترکیب‌شده با جنگ روانی است. این ابزارها اگر با حملات هوایی و موشکی گسترده همراه شود، توانایی رژیم را در تصمیم‌گیری متمرکز و واکنش جمعی تضعیف خواهد کرد و شانس فروپاشی ساختار قدرت را افزایش می‌دهد؛ سناریویی که برای اسرائیل مطلوب است چون به جای ورود به جنگ شهری تمام‌عیار، می‌تواند با هدفگیری لایه‌های حیاتیِ نظامِ تصمیم‌گیری، کار را تمام کند اما این از طرفی راهبرد رژیم ایران با شتاب در بازسازی ظرفیت موشکی، تلاش برای توزیع و جانمایی مجدد توانمندی‌ها و تقویت شبکه‌های دفاعی و نیابتی می‌تواند تا حدی موفقیت فازِ تغییر رژیم را با چالش روبرو کند اما همان‌طور که گزارش‌ها نشان می‌دهند، خسارت‌های جنگ دوازده‌روزه و فشار اقتصادی و سیاسیِ داخلی، توانایی تهران را برای مقابله در یک جنگ طولانی کاهش داده است؛ بنابراین رژیم ایران در یک حالت «فشار بازسازی و هم‌زمان مدیریت بحران داخلی» قرار دارد.

در این وضعیت، دو گزینه‌ی برای تهران محتمل است: تلاش برای بازدارندگی از طریق تسریع در تولید موشک و ایجاد توازن تهدید و یا کوشش بر حفظ بقا و جلوگیری از تشدید بحران از طریق تخفیف تنش‌ها با میانجی‌ها و بازیگران بین‌المللی که هر کدام از این مسیرها پیامدهای خاص خود را دارد و اسرائیل این متغیرها را به دقت رصد می‌کند.

اما لازم به یادآوری است که ورود به فاز «تغییر رژیم در ایران» یک خط قرمز منطقه‌ای و بین‌المللی است و نه فقط یک عملیات نظامی محدود. اگر اسرائیل واقعا تصمیم به چنین هدفی گرفته باشد، منطقه‌ی خاورمیانه عملا وارد مرحله‌ی جدیدی از بی‌ثباتی خواهد شد که پیامدهای آن فراتر از مرزهای ایران و اسرائیل خواهد بود که شامل اختلال در بازارهای انرژی و احتمالا واکنش‌های نامتقارن از طرف بازیگران منطقه‌ای است. اما در سمت دیگر، پنجره‌ی زمانیِ هم‌راستایی کامل واشینگتن و تل‌آویو تا پایان دوره‌ی ترامپ می‌تواند انگیزه‌ی انجام حمله‌ی وسیع‌تر را تقویت کند، به ویژه اگر اطلاعات میدانی نشان دهند که بازسازی موشکی و هسته‌ای رژیم ایران به نقطه‌ای رسیده که دیگر نمی‌توان آن را با اقدامات محدود مهار کرد.

با توجه به این توضیحات، به نظر می‌رسد سخنان این مقام ارشد اسرائیلی یک اعلام نیت راهبردی است؛ اعلام اینکه اسرائیل پنجره‌ی سیاسی-امنیتی فعلی را یک فرصت می‌داند و هدفش دیگر فقط مهار نیست بلکه تغییر ساختار قدرت در ایران است. پیامدهای این تغییرِ هدف، بسیار گسترده‌اند و زمان‌بندی اجرای آن به مجموعه‌ای از شاخص‌های اطلاعاتی، نظامی و سیاسی بستگی دارد اما تهدیدِ وقوع فاز دوم و تکمیلی، تا وقتی پنجره‌ی حضور ترامپ در قدرت باز است و تا وقتی مانع تکنیکی یا سیاسی آشکاری ایجاد نشده، باید جدی گرفته شود. آیا این مسیر اجتناب‌ناپذیر است؟ نه لزوما، اما شانس اینکه تنش‌ها به مرحله‌ای فراتر از درگیری‌های محدود برسند، اکنون به وضوح بیشتر از گذشته شده است.

این نوع «درز خبری» هیچ وقت تصادفی نیست. در ساختار امنیتی اسرائیل، به ویژه وقتی منبع خبر «یک مقام ارشد ناشناس» معرفی می‌شود، تقریبا همیشه هدفی دقیق و چندلایه پشت انتشار آن وجود دارد. درواقع می‌شود گفت خودِ درز خبر، بخشی از عملیات روانی و راهبردی است، نه اشتباهی در انتقال اطلاعات و دلایل چنین اقدامی را می‌شود در چند محور اصلی بررسی کرد.

نخست، هدف بازدارندگی است. وقتی اسرائیل از زبان یک مقام ارشد امنیتی می‌گوید که هدفش سرنگونی جمهوری اسلامی تا پایان دوره ترامپ است، درواقع پیامی مستقیم به تهران می‌فرستد تا از هرگونه تحرک نظامی، بازسازی سریع تسلیحاتی یا حملات نیابتی خودداری کند.

این پیام به زبان ساده یعنی «ما نه فقط حاضریم دوباره بجنگیم، بلکه این بار تا آخر می‌رویم.» چنین تهدیدی می‌تواند در فضای درونی جمهوری اسلامی ترس ایجاد کند، به خصوص در بین حلقه‌های تصمیم‌گیری نظامی که می‌دانند در جنگ قبلی زیرساخت‌ها چقدر سریع از بین رفت.

دوم، این افشاگری می‌تواند نقش آزمایش و سنجش واکنش‌ها را داشته باشد. اسرائیل با درز چنین خبری، رفتار تهران را در روزها و هفته‌های آینده رصد می‌کند تا دریابد آیا تحرکات نظامی رژیم افزایش می‌یابد؟ آیا تهران سطح هشدار پدافندی را بالا می‌برد؟ آیا لحنش در گفتمان رسمی‌اش تغییر می‌کند؟ هر کدام از این واکنش‌ها برای دستگاه اطلاعاتی اسرائیل یک سیگنال است.

سوم، تقویت اجماع داخلی و بین‌المللی است. با درز کنترل‌شده این خبر، دولت اسرائیل در واقع جامعه خود را آماده می‌کند تا اگر در ماه‌های آینده عملیات بزرگی آغاز شد، افکار عمومی شوکه نشود. در سطح بین‌المللی هم پیام غیرمستقیم به متحدان و قدرت‌های غربی است: «ما برنامه داریم، تصمیم گرفته‌ایم، پس یا با ما هماهنگ شوید یا کنار بروید». این رویکرد از تجربه‌های موفق اسرائیل در دهه‌های قبل می‌آید؛ تل‌آویو همواره بخشی از عملیات روانی‌اش را در قالب مصاحبه‌های کنترل‌شده و «درزهای خبری راهبردی» پیش از حملات نظامی انجام داده تا زمین سیاسی را برای اقدام بعدی هموار کند.

و چهارم، احتمال دارد این درز، پیامی به داخل ساختار قدرت آمریکا باشد. از آنجایی که ترامپ رئیس‌جمهوری است که به‌شدت به نمایش قدرت و قاطعیت اهمیت می‌دهد، وقتی اسرائیل از طریق رسانه‌ها هدف مشترک را «سرنگونی رژیم ایران تا پایان دوره ترامپ» اعلام می‌کند، در واقع ترامپ را در برابر انتظاری قرار می‌دهد که به‌نوعی او را شریک و حتی رهبر این پروژه نشان می‌دهد. این یعنی اعمال فشار نرم برای تضمین تداوم حمایت واشینگتن و جلوگیری از هر گونه تردید در لحظه تصمیم.

در نهایت، شاید مهم‌ترین بُعد این افشاگری همان پیام غیرمستقیم به بدنه حاکمیت و جامعه ایران است. اسرائیل می‌خواهد بگوید که فاز بعدی جنگ اگر شروع شود، با حملات محدود به تأسیسات نظامی تمام نخواهد شد بلکه تصمیم دارد مراکز تصمیم‌گیری، مقامات عالی و شریان‌های اقتصادی را هدف بگیرد تا رژیم در همان داخل کشور فلج شود. این پیام برای تحریک ترس و بی‌اعتمادی در میان بدنه قدرت است، به‌ویژه میان سپاه، نیروهای امنیتی و مدیران ارشد اقتصادی که ممکن است از ترس جان یا آینده خود در زمان بحران عقب‌نشینی کنند یا حتی فرار را بر قرار ترجیح دهند.

بنابراین درز این خبر به‌احتمال قوی یک حرکت حساب‌شده است که سه هدف هم‌زمان را دنبال می‌کند: «بازدارندگی فوری در برابر بازسازی تسلیحاتی ایران، آماده‌سازی افکار عمومی برای یک درگیری بزرگ‌تر و انتقال پیام استراتژیک به واشینگتن و متحدان مبنی بر اینکه اسرائیل تصمیم خود را گرفته و عقب‌نشینی نخواهد کرد».

به بیان ساده‌تر، اسرائیل با درز عمدی این خبر، نه فقط تهدید کرد، بلکه افکار عمومی را برای مشروع‌سازی ضربه نهایی که احتمالا به زودی شاهد آن خواهیم بود آماده کرده است.

شبه نظامیان حوثی: حمله به اسرائیل و کشتی‌ها در دریای سرخ متوقف شده است

در شرایطی که آتش‌بس شکننده در نوار غزه میان اسرائیل و تروریست‌های حماس همچنان برقرار است، شبه‌نظامیان حوثی یمن مورد حمایت جمهوری اسلامی، اعلام کرده‌اند که حملات خود علیه اسرائیل و کشتی‌ها در دریای سرخ را متوقف کرده‌اند.

آسوشیتدپرس روز سه‌شنبه ۲۰ آبان‌ماه گزارش داد در نامه‌ای بدون تاریخ به گردان‌های قسام حماس (شاخه نظامی) که به‌صورت آنلاین توسط این گروه منتشر شد، حوثی‌ها آشکار اعلام کرده‌اند که حملات به منافع اسرائیل و کشتی‌ها را متوقف کرده‌اند.

در این نامه که سرلشکر یوسف حسن المدنی، رئیس ستاد ارتش حوثی آن را امضاء کرده است آمده: «ما تحولات را به دقت دنبال می‌کنیم و اعلام می‌کنیم که اگر دشمن بار دیگر به غزه حمله کند، عملیات نظامی در عمق خاک اسرائیل را متوقف و ممنوعیت عبور کشتی‌های اسرائیلی در دریای سرخ و دریای عرب را لغو می‌کنیم.»

حوثی‌ها در ساحل یمن نزدیک کشتی «گالکسی لیدر» که دسامبر ۲۰۲۳ به گروگان گرفته شد / عکس: رویترز

در شرایطی که آتش‌بس شکننده در نوار غزه میان اسرائیل و تروریست‌های حماس همچنان برقرار است، شبه‌نظامیان حوثی یمن مورد حمایت جمهوری اسلامی، اعلام کرده‌اند که حملات خود علیه اسرائیل و کشتی‌ها در دریای سرخ را متوقف کرده‌اند.

آسوشیتدپرس روز سه‌شنبه ۲۰ آبان‌ماه گزارش داد در نامه‌ای بدون تاریخ به گردان‌های قسام حماس (شاخه نظامی) که به‌صورت آنلاین توسط این گروه منتشر شد، حوثی‌ها آشکار اعلام کرده‌اند که حملات به منافع اسرائیل و کشتی‌ها را متوقف کرده‌اند.

در این نامه که سرلشکر یوسف حسن المدنی، رئیس ستاد ارتش حوثی آن را امضاء کرده است آمده: «ما تحولات را به دقت دنبال می‌کنیم و اعلام می‌کنیم که اگر دشمن بار دیگر به غزه حمله کند، عملیات نظامی در عمق خاک اسرائیل را متوقف و ممنوعیت عبور کشتی‌های اسرائیلی در دریای سرخ و دریای عرب را لغو می‌کنیم.»

حوثی‌ها هنوز هیچ موضع رسمی درباره توقف کارزار نظامی علیه اسرائیل ارائه نکرده‌اند. ارتش اسرائیل نیز از اظهار نظر درباره این خبر خودداری کرد.

یسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل تهدید کرده بود که در صورت حمله حوثی‌ها به اسرائیل، پاسخ «هفت برابر» خواهد داد؛ این تهدید پس از حمله پهپادی به ایلات که ۲۲ نفر را مجروح کرد، مطرح شد.

حوثی‌ها در جریان جنگ اسرائیل و حماس با حملات خود به کشتی‌ها و اسرائیل امنیت کشتیرانی در دریای سرخ و باب‌المندب را مختل کردند. آنها گفته بودند هدفشان مجبور کردن اسرائیل به توقف جنگ است. از زمان آغاز آتش‌بس در ۱۰ اکتبر، هیچ حمله‌ای از سوی این گروه شبه‌نظامی گزارش نشده است.

با اینکه حوثی‌ها تأکید داشتند که کشتی‌های مرتبط با اسرائیل را هدف قرار داده است، اما در واقعیت کشتی‌های مورد حمله ارتباط زیادی با جنگ اسرائیل و حماس نداشتند.

طی این مدت دست‌کم ۹ ملوان کشته و حداقل چهار کشتی غرق شدند. حملات حوثی‌ها تجارت دریایی در دریای سرخ را مختل کرد، مسیری که پیش از جنگ حدود یک تریلیون دلار کالا از آن عبور می‌کرد. آخرین حمله این گروه در ۲۹ سپتامبر به کشتی باری هلندی پرچم‌دار «مینروگراخت» انجام شد که یک عضو خدمه کشته و یک نفر دیگر زخمی شد.

این حملات عبور و مرور از کانال سوئز مصر را که دریای سرخ را به مدیترانه متصل می‌کند، به شدت مختل کرد. کانال سوئز یکی از منابع اصلی ارز سخت برای مصر است و در سال ۲۰۲۳، حدود ۱۰ میلیارد دلار درآمد برای این کشور داشت، در حالی که اقتصاد گسترده‌تر آن در حال دست و پنجه نرم کردن بود. صندوق بین‌المللی پول در ماه جولای اعلام کرد که حملات حوثی‌ها «ورود ارز خارجی از کانال سوئز را در سال ۲۰۲۴ به میزان ۶ میلیارد دلار کاهش داده است.»

اگرچه ترافیک دریایی اخیراً در این دوره کم‌حملات کمی افزایش یافته است، ام بسیاری از کشتی‌ها همچنان برای اجتناب از دریای سرخ و خلیج عدن، مسیر آفریقا از «دماغه امیدنیک» را انتخاب می‌کنند.

ایالات متحده اوایل امسال کمپین شدید بمباران علیه حوثی‌ها آغاز کرد که دونالد ترامپ، درست قبل از سفرش به خاورمیانه متوقف کرد. دولت بایدن نیز حملاتی علیه حوثی‌ها انجام داده است، از جمله استفاده از بمب‌افکن‌های B-2 آمریکا برای هدف قرار دادن آنچه که به گفته این کشور، پناهگاه‌های زیرزمینی حوثی‌ها بوده است.

در همین حال، حوثی‌ها تهدیدهای خود علیه عربستان سعودی را افزایش داده و ده‌ها کارمند سازمان‌های وابسته به سازمان ملل و گروه‌های امدادی دیگر را به گروگان گرفته‌اند و بدون ارائه شواهد ادعا کرده‌اند که این افراد جاسوس هستند، ادعایی که سازمان ملل و دیگران به شدت آن را رد کرده‌اند.

رافائل گروسی در مصاحبه با «فرانس ۲۴»: جمهوری اسلامی همچنان اورانیوم و ظرفیت کافی برای ساخت سلاح اتمی را در اختیار دارد

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به «فرانس ۲۴» هشدار داده است با وجود بمباران سایت‌های اتمی در ایران، اما جمهوری اسلامی همچنان اورانیوم غنی‌شده کافی و ظرفیت لازم برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای را در اختیار دارد.

رافائل گروسی گفت که برنامه هسته‌ای ایران در اثر حملات اسرائیل و آمریکا به سایت‌های اصلی غنی‌سازی (نطنز، اصفهان و فردو) «به شدت آسیب دیده است»، اما هشدار داد که تهران هنوز اورانیوم غنی‌شده کافی و دانش فنی لازم برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای را دارد و ممکن است در آینده نزدیک به این توانایی برسد.

او گفت: «برای بازسازی زیرساخت‌های صنعتی و فناوری، ایران به زمان نیاز دارد که کارشناسان برآورد کرده‌اند یک سال یا بیشتر خواهد داشت.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افزود، حملات آمریکا و اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه نشانه تغییر چشمگیر «از دیپلماسی به استفاده از زور» بود در نتیجه مذاکراتی را که سال‌ها طول کشیده بود معکوس کرد. او بر ضرورت آغاز مذاکرات تأکید کرد و گفت دیپلماسی «تنها مسیر برای رسیدن به یک راه‌حل پایدار» است.

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به «فرانس ۲۴» هشدار داده است با وجود بمباران سایت‌های اتمی در ایران، اما جمهوری اسلامی همچنان اورانیوم غنی‌شده کافی و ظرفیت لازم برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای را در اختیار دارد.

رافائل گروسی در مصاحبه‌ای که ششم نوامبر (۱۵ آبان‌ماه) پخش شد گفت که برنامه هسته‌ای ایران در اثر حملات اسرائیل و آمریکا به سایت‌های اصلی غنی‌سازی (نطنز، اصفهان و فردو) «به شدت آسیب دیده است»، اما هشدار داد که تهران هنوز اورانیوم غنی‌شده کافی و دانش فنی لازم برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای را دارد و ممکن است در آینده نزدیک به این توانایی برسد.

گروسی گفت: «برای بازسازی زیرساخت‌های صنعتی و فناوری، ایران به زمان نیاز دارد که کارشناسان برآورد کرده‌اند یک سال یا بیشتر خواهد داشت.»

او افزود که اورانیوم‌های غنی‌شده جمهوری

اسلامی، که عمدتاً در سایت‌ها زیر آوار باقی مانده‌اند، اما همین مقدار «به آن‌ها امکان می‌دهد چند سلاح هسته‌ای بسازند».

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افزود، حملات آمریکا و اسرائیل به ایران نشانه تغییر چشمگیر «از دیپلماسی به استفاده از زور» بود در نتیجه مذاکراتی را که سال‌ها

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

طول کشیده بود معکوس کرد. او بر ضرورت آغاز مذاکرات تأکید کرد و گفت دیپلماسی «تنها مسیر برای رسیدن به یک راه‌حل پایدار» است.

او افزود که «از زمان جنگ ۱۲ روزه بازرسان نتوانستند از تأسیسات اتمی اصلی بازدید کنند...ایران قانونی داخلی تصویب کرده که بر اساس آن همکاری خود با ما را محدود کند.» با این حال، آژانس همچنان با تهران در حال مذاکره است.

مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند گزارش گروسی به شورای حکام در مورد عدم همکاری با آژانس عامل حمله به تأسیسات اتمی شد، اما گروسی ادعاهای مطرح‌شده را رد کرد و گفت که این گزارش «چیز جدیدی نداشت» و به شکل ناعادلانه‌ای «سیاسی‌سازی شده بود». او همچنین پیشنهادهایی مبنی بر تأثیر هوش مصنوعی (AI) بر یافته‌های آژانس را رد کرد و تأکید کرد: «نتایج ما توسط بازرسان انسانی گرفته می‌شود، نه ماشین‌ها».

اگرچه گفت آژانس از هوش مصنوعی برای پردازش برخی داده‌ها استفاده می‌کند، اما از چنین سیستم‌هایی برای صدور قضاوت درباره پایبندی به توافقات استفاده نمی‌کند و حدس و گمان‌ها درباره برنامه‌های پیش‌بینی مانند Mosaic شرکت Palantir را رد کرد.

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اواخر خرداد ماه تأیید کرد جمهوری اسلامی با آژانس همکاری نمی‌کند. مدیرکل آژانس انرژی اتمی بارها از مقامات تهران خواسته است به بازرسان مجوز بازدید از تأسیسات تخریب شده را بدهد. او هشدار داده است که اگر ایران می‌خواهد از تکرار جنگ خودداری کند باید با آژانس همکاری کند.

پس از جنگ ۱۲ روزه وضعیت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی مبهم است و حکومت ایران نسبت به روشن شدن آن پاسخگو نیست.

بلومبرگ: تحقیقات وزارت دادگستری آمریکا درباره نقض تحریم‌ها توسط حسین شمخانی

بلومبرگ پنجم نوامبر (۱۴ آبان‌ماه) گزارش داد وزارت دادگستری ایالات متحده در حال تحقیق درباره این موضوع است که آیا حسین شمخانی از شبکه تجارت جهانی از جمله بانک‌های بین‌المللی برای دور زدن تحریم‌ها سوء استفاده کرده است یا خیر. هدف اصلی این تحقیق شخص شمخانی است، نه بانک‌ها.

مؤسسه خدمات مالی «جی‌پی مورگان چیس»، بانک «ای‌بی‌ان امرو»، شرکت خدمات مالی «گروه مارکس»، بانک «استاندارد چارترد»، بانک «امارات ان‌بی‌دی» و بانک ملی «فجیره» از جمله مؤسساتی هستند که از آنها تحقیق می‌شود.

در این گزارش تأکید شد دامنه تحقیق وزارت دادگستری بسیار گسترده‌تر است و هدف آن ترسیم شبکه مالی جهانی این تاجر نفتی و پیگیری اتهامات احتمالی یا بازداشت همکاران اوست. انتظار می‌رود مقامات امارات متحده عربی، که یکی از مراکز اصلی فعالیت اوست، در این روند همکاری کنند.

مقام‌های آمریکایی گفتند شمخانی از نفوذ سیاسی پدرش برای ایجاد ناوگانی از نفتکش‌ها و کشتی‌های باری استفاده کرده که از طریق شرکت‌های صوری، نفت ایران و روسیه را در سراسر جهان حمل می‌کردند. وزارت خزانه‌داری اعلام کرد او برای پنهان کردن فعالیت‌هایش از نام‌های مستعار «H»، «هکتور» و «هوگو هایک» استفاده کرده است.

حسین شمخانی پسر علی شمخانی مشهور به «هکتور» دلال نفت ایران

وزارت دادگستری آمریکا درباره احتمال نقض تحریم‌ها توسط حسین شمخانی پسر علی شمخانی دبیرسابق شورای‌عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی تحقیق می‌کند.

بلومبرگ پنجم نوامبر (۱۴ آبان‌ماه) گزارش داد وزارت دادگستری ایالات متحده در حال تحقیق درباره این موضوع است که آیا حسین شمخانی از شبکه تجارت جهانی از جمله بانک‌های بین‌المللی برای دور زدن تحریم‌ها سوء استفاده کرده است یا خیر. هدف اصلی این تحقیق شخص شمخانی است، نه بانک‌ها.

مؤسسه خدمات مالی «جی‌پی مورگان چیس»، بانک «ای‌بی‌ان امرو»، شرکت خدمات مالی «گروه مارکس»، بانک «استاندارد چارترد»، بانک «امارات ان‌بی‌دی» و بانک ملی «فجیره» از جمله مؤسساتی هستند که از آنها تحقیق می‌شود.

سخنگویان وزارت دادگستری آمریکا، جی‌پی مورگان، ای‌بی‌ان آمرو، مارکس و استاندارد چارترد از اظهار نظر خودداری کردند. بانک ملی فجیره اعلام کرد که «تحت تحقیق وزارت دادگستری آمریکا نیست» و بانک امارات NBD نیز گفت هیچ ارتباطی از سوی مقامات آمریکایی دریافت نکرده است.

بلومبرگ نوشت که شمخانی نیز به درخواست این خبرگزاری برای اظهار نظر، پاسخی نداده است.

بلومبرگ سال گذشته نیز گزارش داده بود که وزارت خزانه‌داری آمریکا در حال بررسی روابط جی‌پی مورگان با یک صندوق پوشش ریسک (hedge fund) مرتبط با شمخانی بوده است.

در این گزارش تأکید شد دامنه تحقیق وزارت دادگستری بسیار گسترده‌تر است و هدف آن ترسیم شبکه مالی جهانی این تاجر نفتی و پیگیری اتهامات احتمالی یا بازداشت همکاران اوست. انتظار می‌رود مقامات امارات متحده عربی، که یکی از مراکز اصلی فعالیت اوست، در این روند همکاری کنند.

شمخانی که عمدتاً در دبی فعالیت می‌کند، در ماه ژوئیه همراه با ده‌ها فرد، شرکت و کشتی مرتبط با شبکه‌اش، از سوی ایالات متحده تحریم شد اقدامی که وزارت خزانه‌داری آن را بزرگ‌ترین اقدام مرتبط با ایران در هفت سال گذشته توصیف کرد. بریتانیا و اتحادیه اروپا نیز در ماه‌های اخیر تحریم‌هایی علیه او اعمال کرده‌اند.

مقام‌های آمریکایی گفتند شمخانی از نفوذ سیاسی پدرش برای ایجاد ناوگانی از نفتکش‌ها و کشتی‌های باری استفاده کرده که از طریق شرکت‌های صوری، نفت ایران و روسیه را در سراسر جهان حمل می‌کردند. وزارت خزانه‌داری اعلام کرد او برای پنهان کردن فعالیت‌هایش از نام‌های مستعار «H»، «هکتور» و «هوگو هایک» استفاده کرده است.

پس از اعمال تحریم‌ها، کشور دومینیکا گذرنامه شمخانی را که با نام مستعار «هایک» صادر شده بود، لغو کرد و پاناما نیز چند کشتی وابسته به شرکت‌های او را از ثبت خود خارج کرد.

بلومبرگ افزود که برخی از شرکت‌های شمخانی از آن زمان فعالیت خود را به عمان منتقل کرده‌اند.

در یک تحقیق دیگر بلومبرگ در سال گذشته نیز آمده بود که شبکه شمخانی به یکی از مسیرهای کلیدی صادرات نفت ایران و روسیه تبدیل شده و یک صندوق پوشش ریسک با دفاتری در لندن، دبی و ژنو تأسیس کرده تا درآمد حاصل از این تجارت را مدیریت کند.

از خوب به عالی؛ رهبران چگونه ماندگار می‌شوند؟

حنیف حیدرنژاد – نوشته حاضر گردآوری مطالب مختلف در مورد کتاب «از خوب به عالی» (Good to Great)، اثر جیم کالینز (Jim Collins) می‌باشد. چرا برخی رهبران یا سازمان‌ها در بحران دوام می‌آورند و برخی دیگر از هم می‌پاشند؟ جیم کالینز در کتاب «از خوب به عالی» به این پرسش پاسخ می‌دهد. اگرچه این کتاب به بررسی ویژگی‌های رهبران موفق در حوزه اقتصاد می‌پردازد، اما داده‌ها و نتایج آن را می‌توان با احتیاط در حوزه فعالیت و مبارزه سیاسی-اجتماعی نیز استفاده کرد. تجارب و آموزه‌های این کتاب برای ما ایرانیان که درگیر یک مبارزه سخت و خونین و طولانی هستیم نیز می‌تواند مفید باشد.

با در نظر گرفتن برخی ویژگی‌ها که در این کتاب آمده بهتر می‌توان توانمندی واقعی برخی رهبران سیاسی مخالف جمهوری اسلامی که ادعای آلترناتیو بودن را دارند، ارزیابی و راز موفقیت یا شکست آن‌ها را دریافت.

جیم کالینز یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان و پژوهشگران حوزه‌ی مدیریت، رهبری و عملکرد سازمان‌ها در سه دهه‌ی اخیر است. او متولد سال ۱۹۵۸ است. تحصیلات خود را در رشته کارشناسی ریاضی و کارشناسی‌ارشد مدیریت بازرگانی از دانشگاه استنفورد به پایان رسانده و در مدرسه‌ی عالی کسب‌وکار استنفورد، در همکاری با شرکت مشاوره مدیریتی مک‌کینزی (McKinsey & Company) و مؤسسه‌های پژوهشی مدیریت، کار کرده است. حوزه‌ی تخصصی او بررسی علمیِ عوامل موفقیت بلندمدت رهبران در شرکت‌های بزرگ است. او بعدها مرکزی پژوهشی مستقل در بولدرِ کلرادو تأسیس کرد. تا تحقیقات بلندمدت خود درباره‌ی «علت دوام و تعالی شرکت‌های بزرگ» را دنبال کند. در همین زمینه، کتاب‌های متعددی نوشته است. کتاب «از خوب به عالی، (Good to Great ۲۰۰۱)» مهم‌ترین و پرفروش‌ترین اثر کالینز است و حاصل پنج سال پژوهش می‌دانی بر روی ۱۴۳۵ شرکت آمریکایی است. از میان آن‌ها، تیم پژوهشی او تنها ۱۱ شرکت را یافت که توانستند از وضعیت «خوب» به «عالی» برسند، یعنی عملکرد مالی و سازمانی‌شان در طول ۱۵ سال متوالی بسیار فراتر از میانگین صنعت خود شد.

او در کتاب «از خوب به عالی» به بررسی تفاوت‌های مدیریتی و رهبری در شرایط غیرقابل کنترل و غیرقطعی می‌پردازد. کالینز در پژوهش دیگری، شرکت‌های ۱۰X را بررسی می‌کند، سازمان‌هایی که در بحران‌ها، عملکردی ده برابر بهتر از میانگین صنعت خود داشته و در شرایط بحرانی تسلیم مرگ نشده و همچنان به رشد خود ادامه می‌دهند.

رهبران سطح پنجم

جیم کالینز نشان می‌دهد که مهم‌ترین تفاوت بین شرکت‌های خوب و شرکت‌های عالی، نوع رهبری آن‌هاست. او دریافت که موفق‌ترین رهبران شرکت‌های عالی، ویژگی‌هایی بسیار متفاوت و در عین حال کم‌یاب دارند که با رهبران معمولی قابل مقایسه نیستند. او این دسته از رهبران را «رهبران سطح ۵» مینامد. پنج سطح رهبری مورد نظر او عبارتند از:

سطح -۱ فرد توانمند: دارای مهارت، دانش و استعداد فنی؛ کار خود را خوب انجام می‌دهد.

سطح -۲ عضو مؤثر تیم: با دیگران همکاری دارد و به اهداف گروهی متعهد است.

سطح -۳ مدیر کارآمد: افراد و منابع را سازمان‌دهی می‌کند تا اهداف مشخص حاصل شود.

سطح -۴ رهبر با نفوذ: دیدگاه روشن دارد، الهام‌بخش است و سازمان را به موفقیت هدایت می‌کند.

سطح -۵ رهبر سطح پنجم: افزون بر توانمندی‌های پیشین، از ترکیب نادر فروتنی شخصی و اراده‌ی حرفه‌ای نیرومند برخوردار بوده و بر هدفی بزرگتر از خود تمرکز دارد.

او در جایی می‌گوید (ترجمه آزاد): شرایط همیشه سخت‌اند؛ اما کسی که منتظر نماند و خودش فرصت بسازد، قربانی نمی‌شود. قدرت واقعی، در ساختن است، نه در شکایت.

آری، رهبر موفق سطح پنج در مواقع سخت و بحرانی شکوه و شکایت نمی‌کند، تقصیر را به گردن دیگران نمی‌اندازد، منتظر نمی‌ماند، بلکه با برآورد درست از شرایط و با ارزیابی واقعی از امکاناتش، با ابتکار، وضعیت را تغییر داده و فرصت‌ها را می‌سازد.

ویژگی‌های رهبران سطح پنجم

جیم کالینز ویژگی‌های رهبر سطح پنجم را اینگونه معرفی می‌کند:

۱. فروتنی عمیق (Personal Humility): رهبر سطح پنجم معمولاً در رسانه‌ها یا جلسات، آرام، کم‌حرف و متواضع است. اما این تواضع نشانه‌ی ضعف نیست؛ بلکه نشانه‌ی تمرکز بر هدف و دوری از خودنمایی است. او می‌داند که موفقیت نتیجه‌ی تلاش جمعی است، نه خودِ او. این دسته از رهبران نمی‌خواهند «قهرمان» جلوه کنند؛ می‌خواهند شرکت (حزب، سازمان، پروژه) عالی باشد، نه خودشان.

۲. اراده‌ی راسخ و بی‌امان (Professional Will): در عین تواضع، رهبران سطح پنجم اراده‌ی پولادین دارند. اگر تصمیمی درست باشد، حتی در برابر فشار، مقاومت می‌کنند و از هدف کوتاه نمی‌آیند. این ترکیب فروتنی و اراده است که آنان را متمایز می‌کند. آن‌ها به‌شدت هدف‌محورند، گویی دچار وسواس در دستیابی به نتایج‌اند.

۳. نسبت دادن موفقیت به دیگران، و تقصیر به خود: وقتی سازمان موفق شود، می‌گویند: «این کارِ تیم ما بود.» اما وقتی شکست می‌خورد، می‌گویند: «من مسئولم.»

کالینز این رفتار را «آیینه و پنجره» می‌نامد: در موفقیت، از پنجره به بیرون نگاه می‌کنند (دیگران را می‌بینند) در شکست، در آیینه به خودشان نگاه می‌کنند.

۴. پرهیز از خودنمایی و قهرمان‌سازی: رهبران سطح پنجم معمولاً رسانه‌گریزند؛ در برابر کاریزما و غرور مدیریتی محتاط‌اند. کالینز می‌گوید در دوران مطالعه، برخی از این رهبران حتی پس از بازنشستگی ناشناس باقی ماندند، ولی میراث سازمان‌شان پایدار ماند. رهبران سطح چهارم- که رایج‌ترند- می‌توانند شرکت را به موفقیت برسانند، اما موفقیت به شخص آن‌ها وابسته است. وقتی می‌روند، بازدهی و موفقیت سازمان اُفت می‌کند.

۵. اخلاق رهبری: رهبران سطح پنجم، نهاد سازی می‌کنند. آنها سازمان و تشکیلاتی می‌سازند که بدون خودشان هم دوام دارد. در نگاه کالینز مفهوم «رهبران سطح پنج » فقط مربوط به مدیریت نیست. این همان «موفقیت شخصی» و «عظمت پایدار» است که آنها را از بقیه متمایز می‌کند. کالینز در تشریح این مفهوم، نوعی فلسفه‌ی اخلاقّ رهبری را توصیف می‌کند: رهبری واقعی یعنی خدمت به هدفی بزرگ‌تر از خود.

مفهوم «رهبری سطح پنجم» در نگاه جیم کالینز، فقط درباره‌ی مدیران شرکت‌ها نیست، بلکه درباره‌ی شیوه‌ی بودن و عمل کردن انسان در جایگاه قدرت است. بسیاری از استادان مدیریت و حتی فعالان اجتماعی، «رهبران سطح پنجم» را معادل «رهبران اخلاق‌محور» دانسته‌اند.

اگرچه پژوهش‌های جیم کالینز عمدتاً بر شرکت‌ها و سازمان‌ها متمرکز است، اما مفهوم «عظمت یا تعالی» (Greatness) در اندیشه‌ی او بسی گسترده‌تر از سود یا رشد اقتصادی است. او در آثارش این واژه را از مرز اقتصاد فراتر می‌برد و به بُعد انسانی و اخلاقی نیز می‌رساند. بخش بزرگی از نظریه‌ی کالینز درباره‌ی انتخاب آگاهانه، انضباط در رفتار، و پایداری در مسیر هدف است، که مستقیماً به رشد فردی و اخلاقی انسان مربوط می‌شود.

او با نگاه علمی نشان می‌دهد که عالی بودن، نه زاده‌ی شانس، بلکه محصول انتخاب‌های درست و رفتارهای منظم است، چه در سطح فردی و چه سازمانی. از همین رو بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان مدیریت، جامعه‌شناسی و فلسفه از آثار جیم کالینز الهام گرفته تا به این پرسش پاسخ دهند که آیا آنچه او درباره‌ی شرکت ها و سازمان‌های بزرگ می‌گوید، در باره‌ی انسان و جامعه هم صادق است؟

هفت اصل کلیدی موفقیت پایدار

کالینز باور دارد که «عالی بودن، حاصل شانس یا نبوغ نیست؛ نتیجه‌ی انتخاب‌های آگاهانه، پشتکار و انضباط در عمل است.» او در کتاب «از خوب به عالی»، در پاسخ به این پرسش که چرا بعضی شرکت‌ها جهش می‌کنند و بعضی نه، هفت اصل کلیدی را توضیح می دهد:

۱. رهبری سطح پنجم (Level 5 Leadership): رهبران بزرگ، فروتن و در عین حال سرسخت‌اند. آنها نه کاریزماتیک‌اند و نه خودنما. قدرتشان از فروتنی شخصی و اراده‌ی حرفه‌ای سرچشمه می‌گیرد. هدفشان بزرگ‌کردن خودشان نیست، بلکه با نهاد سازی به دنبال رشد دادن سازمان هستند. برای نمونه می‌توان داروین اسمیت، مدیرعامل Kimberly-Clark، را نام برد که شرکت را از ورشکستگی به موفقیت جهانی رساند، بی‌آنکه نامش بر سر زبان‌ها بیفتد.

۲. اول چه کسی، بعد چه چیز (First Who, Then What): پیش از تصمیم‌گیری درباره‌ی «کجا برویم»، باید بدانیم «چه کسانی همراه ما هستند». رهبران عالی ابتدا افراد درست را وارد سازمان می‌کنند (و افراد نادرست را خارج). وقتی تیم درست شکل گرفت، مسیر به‌طور طبیعی روشن می‌شود. تمرکز بر انتخاب افراد متعهد و یادگیرنده است، نه صرفاً متخصص یا باهوش.

رهبران سطح پنجم می‌دانند که افراد درست، موتور موفقیت سازمان هستند، و بدون آن‌ها، هیچ استراتژی و فناوری نمی‌تواند جهش ایجاد کند. پیش از آن‌که دنبال راه‌حل باشیم، باید مطمئن شویم کسانی که قرار است آن را اجرا کنند، خودشان درست انتخاب شده‌اند. ویژگی‌های «افراد درست» در تیم مشاورین رهبر و در دیگر مسئولیت‌ها عبارت است از:

- متعهد و انگیزه‌مند هستند.
- انعطاف‌پذیر و یادگیرنده هستند و توانایی تغییر دارند.
- ارزش‌های سازمانی را درک و اجرا می‌کنند.
- با فرهنگ انضباط و تمرکز سازگارند.

افراد نادرست، حتی اگر باهوش یا مشهور باشند، می‌توانند در حرکت به سوی هدف کُندی، شکست یا فساد ایجاد کنند. بسیاری از سازمان‌ها شکست می‌خورند چون واقعیت‌ها را نادیده می‌گیرند یا «خبرهای بد» را سانسور می‌کنند. شرکت‌های عالی، واقعیت‌ها را همان‌طور که هستند می‌بینند و با آن‌ها تصمیم می‌گیرند. این به معنای تبدیل مشکلات به فرصت یادگیری و پیشرفت است.

۳. واقعیت‌های تلخ را بپذیر، اما امید خود را حفظ کن (Confront the Brutal Facts): با واقعیت روبه‌رو شو، حتی اگر دردناک باشد. شرکت‌های موفقِ عالی واقعیت‌ها را پنهان نمی‌کنند. رهبر باید محیطی بسازد که در آن حقیقت بدون ترس گفته شود. با پذیرش واقعیت، می‌توان تصمیم‌های درست گرفت. «تو نمی‌توانی مشکلات را حل کنی اگر چشم‌هایت را بسته‌ای.» کالینز نشان می‌دهد شرکت‌هایی که در بحران‌ها دوام آوردند، حقیقت را پنهان نکردند. آن‌ها مشکلات را صادقانه دیدند و در عین حال ایمان خود به هدف نهایی را حفظ کردند.

برای رسیدن به موفقیت بلندمدت، باید واقعیت‌های تلخ و دشوار را بدون پوشش دادن یا پنهان کردن، پذیرفت. در روش روبه‌رو شدن با واقعیت می توان سه مورد را یادآوری کرد؛

- فرهنگ شفافیت و حقیقت‌گویی ایجاد کنید: همه اعضای تیم باید بتوانند مشکلات و هشدارها را بدون ترس بیان کنند.
- اطلاعات واقعی را جمع‌آوری کنید: داده‌ها و شواهد واقعی، نه حدس و گمان، مبنای تصمیم‌گیری باشد.
- رهبر سطح پنجم با فروتنی و صداقت، واقعیت‌ها را گوشزد می‌کند، اما امید و ایمان به موفقیت بلندمدت را حفظ می‌کند.

باید آموخت که با واقعیت‌های سخت و تلخ بطور واقعبینانه مواجه شویم (شکست، بحران، کمبود منابع)، در عین حال امید خود به موفقیت نهایی و بلندمدت را از دست ندهیم. این دوگانگی باعث می‌شود که سازمان و افراد در بحران‌ها نه تسلیم شوند و نه دچار خوش‌بینی بی‌پایه.

در پژوهش کالینز، شرکت‌های موفقِ عالی همواره مشکلات جدی و بحران‌های داخلی و بیرونی را پنهان نکردند. آن‌ها به‌طور منظم با واقعیت‌ها مواجه شدند، تیم‌ها را در جریان قرار دادند و با داده‌های واقعی تصمیم گرفتند. پیام چنین رویکرد و دیدگاهی این است که موفقیت پایدار بدون مواجهه با واقعیت‌های تلخ ممکن نیست. امید کاذب و پنهان‌کاری، موفقیت را کوتاه‌مدت می‌کند. ایمانِ بلندمدت همراه با دیدن حقیقت، قدرت واقعی ایجاد می‌کند.

در زندگی فردی و اجتماعی نیز کاربرد چنین دیگاهی این است که مشکلات و محدودیت‌های شخصی را نادیده نگیریم، اما ایمان خود به رشد و پیشرفت را از دست ندهیم. همچنین با دیدی واقعبینانه در دوره فعالیت سازمان‌ها و جنبش‌ها، بحران‌ها و ناکامی‌ها را صادقانه بپذیریم، همه را شفاف در جریان بگذاریم، هدف بلندمدت را حفظ کنیم و با بازاندیشی و یافتن راه‌حل‌های تازه، مسیر را ادامه دهیم.

۴. راز تمرکز خارپشتی ها (The Hedgehog Concept): یک خارپشت ساده فقط یک چیز بلد است: دفاع مؤثر از خود. سازمان‌های موفقِ عالی هم بر روی چیزی که «خیلی خوب» بلدند متمرکز می‌شوند. تمرکز استراتژیک، کلید تحول از خوب به عالی است. تمرکز روی چیزی که واقعاً می‌توان در آن بهترین شد، شور و اشتیاق ایجاد می کند و موتور حرکت و پیشرفت سازمان است.

این مفهوم برگرفته از حکایت خارپشت و روباه است: روباه پیچیده است، هزار ترفند دارد، اما سردرگم و ناکارآمد است. خارپشت ساده است، اما یک مهارت اصلی را به‌طور عالی اجرا می‌کند و در نهایت موفق می‌شود.

بر این اساس هر سازمان موفق باید سه حوزه را به‌طور همزمان شناسایی و با هم ترکیب کند:

- چیزی که می‌توان در آن در جهان بهترین شد: «در چه چیزی واقعاً می‌توانیم بی‌رقیب و بی‌همتا شویم؟» تمرکز بر نقاط قوت واقعی، نه چیزی که صرفاً جالب یا محبوب است.
- چیزی که نسبت به آن شور و اشتیاق واقعی داریم. سوال اصلی: «چه چیزی به ما انگیزه داده و الهام می‌بخشد و انرژی می‌دهد؟» چه چیزی باعث شور و اشتیاق و انگیزه بلندمدت می‌شود.
- چه چیزی باعث رشد و پایداری سازمان می‌شود؟ تمرکز موضوعی به سازمان امکان می‌دهد که منابع و انرژی خود را به شکل بهینه هدایت کند.

مفهوم خارپشتی عبارت است از هم‌پوشانی سه حوزه فوق باشد. شرکت‌ها، سازمان‌ها به طور معمولی در بسیاری چیزها خوب‌اند، اما هیچ‌کدام را عالی دنبال نمی‌کنند. سازمان‌های عالی روی «یک محور مرکزی» متمرکز می‌شوند و از هر چیزی که آن‌ها را از این محور دور کند، پرهیز می‌کنند.

ویژگی‌های خارپشتی در رهبران و سازمان‌های موفق

- **ساده و شفاف:** تصمیم‌ها واضح و بدون پیچیدگی اضافی هستند.
- **متمرکز:** منابع و انرژی صرف فعالیت اصلی می‌شود.
- **ثابت و پایدار:** نوسانات کوتاه‌مدت باعث تغییر محور نمی‌شوند.
- **تحول‌آفرین:** تمرکز بر «یک چیز اصلی» باعث ایجاد تفاوت‌های پایدار می شود. موفقیت‌های کمّیِ پیاپی، سرانجام به یک تحول کیفی می‌انجامد.

موفقیت واقعی، تمرکز بر قدرت اصلی و نادیده گرفتن حاشیه‌ها است. سازمان‌های موفق می‌دانند که نمی‌توان همه چیز را همزمان داشت. سادگی و تمرکز بر هدف اصلی، راز برتری پایدار است. در زندگی فردی نیز می توان با تمرکز بر استعداد یا علاقه‌ای که می‌توان در آن برترین شد، از پراکنده‌کاری جلوگیری کرد.

۵. فرهنگ انضباط (Culture of Discipline): جیم کالینز در این مورد توضیح می‌دهد که سازمان‌های عالی، بدون ایجاد ساختارهای پیچیده و کنترل شدید، دارای نظم و انضباط ذاتی هستند. این سازمان‌ها به جای

استفاده از قوانین سخت و مدیریتی، فرهنگی ایجاد می‌کنند که افراد خودبه‌خود مسئولیت‌پذیر و منضبط باشند. انضباط، ستون موفقیت پایدار است. سازمان‌های موفق دارای فرهنگی هستند که افراد در آن انضباط شخصی دارند. نیازی به کنترل شدید نیست، چون همه خودکنترل و متعهدند. نظم یعنی تمرکز بر هدف و پرهیز از حواس‌پرتی‌ها و حاشیه سازی ها. «افراد منظم + فکر منظم + عمل منظم = موفقیت پایدار.» پیروزی های کوچک و مرحله ای در چارچوب نظم ایجاد می‌شود. همین گام‌های کوچک، موفقیت نهایی و پایدار را تضمین می‌کنند.

معنای فرهنگ انضباط

- **انضباط فردی:** افراد خود را موظف می‌دانند که وظایفشان را به‌خوبی انجام دهند.
- **انضباط تیمی:** اعضا برای موفقیت سازمان، با هم همکاری و هماهنگی دارند.
- **انضباط سازمانی:** تمرکز بر اهداف اصلی و حذف فعالیت‌های غیرضروری.
- **آزادی در چارچوب نظم، راز موفقیت شرکت‌های عالی موفق است.**

چگونه فرهنگ انضباط ایجاد می‌شود

- استخدام افراد خودمنضبط و متعهد به جای افرادی که نیاز به کنترل دائم دارند.
- حذف موانع و پیچیدگی‌های زائد از فرآیندهای کاری.
- تشویق به پایداری در تمرکز روی هدف اصلی.

انضباط، استقلال و خلاقیت را محدود نمی‌کند؛ بلکه انرژی و توانمندی را به مسیر درست هدایت می‌کند. رهبران سطح پنجم با نمونه‌سازی و الگوسازی، فرهنگ انضباط را تقویت می‌کنند.

موفقیت بلندمدت، نه به لطف دستور و کنترل بیرونی، بلکه به علت نظم داخلی و مسئولیت‌پذیری افراد است. انضباط سازمانی، بدون فشار و سختگیری، فرهنگی ایجاد می‌کند که از تلاش مستمر و تمرکز روی اهداف حمایت می‌کند.

در زندگی فردی و اجتماعی نیز انضباط شخصی، کلید رسیدن به اهداف بزرگ و پایدار است.

در سازمان‌های اجتماعی و جنبش‌ها نیز موفقیتِ مستمر نتیجه‌ی پایداری، مسئولیت‌پذیری و تمرکز جمعی است، نه فقط شور و هیجان. آزادی و موفقیت واقعی در چارچوب نظم ایجاد می‌شود. بدون نظم، حتی بهترین استعدادها هم به هدر می‌روند.

۶. فناوری شتاب‌دهنده است، نه آغازگر (Technology as an Accelerator): فناوری فقط ابزاری است برای پیشرفت، نه عاملی نجات‌دهنده. شرکت‌های موفقِ عالی از فناوری برای سرعت‌بخشیدن به مسیر درست استفاده می‌کنند، نه برای جبران نداشتن مسیر روشن. بسیاری از شرکت‌ها شکست می‌خورند چون فناوری را جایگزین اندیشه می‌کنند.

جیم کالینز در این مورد تأکید می‌کند که فناوری به خودی خود عامل موفقیت نیست، بلکه ابزار تسریع مسیر درست است. بسیاری از شرکت‌ها فکر می‌کنند با فناوری پیشرفته می‌توانند به موفقیت فوری برسند، اما واقعیت متفاوت است. فناوری به‌روزشده شتاب‌دهنده‌ی فرآیندهای موفق است، نه جایگزین استراتژی و تمرکز.

استفاده هوشمند از فناوری یعنی آن را در خدمت تمرکز استراتژیک (خارپشتی) قرار دهیم. انتخاب فناوری بدون هم‌راستایی با استراتژی، هدر دادن منابع و اتلاف انرژی است. درس کلیدی در این مورد این است که: فناوری شتاب می‌دهد، ولی مسیر را تعیین نمی‌کند. تمرکز بر اصول استراتژیک، قبل از انتخاب فناوری، ضروری است. شرکت‌ها یا سازمان های موفق فناوری را با نظم و انضباط ترکیب می‌کنند تا اثر آن ماندگار شود.

در زندگی فردی و اجتماعی لازم است ابزارها و فناوری‌های جدید در خدمت اهداف اصلی خود به کار گرفته شوند، نه صرفاً برای سرگرمی یا مد روز. در سازمان‌ها و نشکیلات اجتماعی، فناوری می‌تواند پیام‌رسان، شبکه‌ساز یا مدیریت توانمندی ها و منابع را شتاب دهد.

۷. چرخ طیار (The Flywheel Effect): چرخ‌طیار در ماشین‌آلات، چرخ سنگینی است که وقتی به حرکت درمی‌آید، انرژی جنبشی را ذخیره می‌کند و با وجود مقاومت‌ها، حرکت را روان و پایدار نگه می‌دارد. موفقیت، امری ناگهانی نیست؛ حاصل تلاش پیوسته و گام‌به‌گام است. پیشرفت واقعی، حاصل «شتاب تدریجی» است، نه «انقلاب یا یک حرکت بزرگ». هر گام کوچک، چرخ را سریع‌تر می‌چرخاند تا زمانی که ناگهان حرکت روان و پایدار شود. سازمان ها و شرکت‌های شکست‌خورده معمولاً دنبال «راه میان‌بُر» می‌گردند.

جیم کالینز از «اثر چرخ‌طیار» به عنوان استعاره‌ای برای فرایند رشد تدریجی و پیوسته سازمان‌ها استفاده می‌کند. او می‌گوید موفقیت واقعی ناگهانی نیست؛ بلکه حاصل تلاش‌های مداوم و کوچک است که به‌تدریج انرژی و شتاب ایجاد می‌کند. درست مثل چرخ‌طیاری که با هر فشار، کمی سریع‌تر می‌چرخد تا سرانجام با نیروی خودش حرکت کند.

ویژگی‌های چرخ طیار

- هر اقدام کوچک، انرژی و شتاب جمع می‌کند.
- ثبات در مسیر: شرکت‌های عالی تغییر مسیر ناگهانی نمی‌دهند؛ حتی اگر نتایج کوتاه‌مدت کند باشد.
- پایداری: شتاب مداوم باعث حرکت پایدار و نتیجه بزرگ می‌شود.

شرکت‌های شکست‌خورده دنبال راه حل‌های جادویی یا جهش سریع هستند. شرکت‌های عالی می‌دانند موفقیت واقعی سلسله‌ای و تدریجی است.

پیام کلیدی «چرخ طیار» نشان می‌دهد که موفقیت، نتیجه استمرار، انضباط، و حرکت کوچک اما مداوم است. هیچ تغییر فوری و معجزه‌آسا وجود ندارد؛ همه چیز از تلاش‌های جمعی و گام‌به‌گام شکل می‌گیرد.

در زندگی فردی و اجتماعی موفقیت شخصی نیازمند استمرار در عادت‌های مثبت، تمرین و رشد تدریجی است. در سازمان‌ها و جنبش‌ها نیز موفقیت و پیروزی نتیجه تلاش تیمی و مداوم، پایدار و ماندگار خواهد بود.

رهبر اخلاق مدار

شاید بتوان پیام فلسفی کتاب «از خوب به عالی» را این دانست که قدرت واقعی یک رهبر موفق در فروتنی و انضباط است، نه در خودنمایی. رهبران سطح پنجم نمونه‌ی عملی اخلاق در رهبری‌اند: تصمیماتشان مبتنی بر ارزش و هدف بزرگ‌تر از خودشان است. سازمان و تیم، برتر از فرد عمل می‌کنند. در جامعه و جنبش‌ها نیز رهبران مؤثر کسانی‌اند که هدف جمعی را بر نام و اعتبار شخصی ترجیح می‌دهند.

کتاب «از خوب به عالی»، فراتر از اقتصاد و تجارت، پیامی انسانی دارد: رشد اخلاقی، فروتنی و پشتکار را در برابر دشواری‌های زندگی تمرین کنیم.

۷۴ پیکر در سد کرج؛ چرا روایت محو شد؟

- **ماجرای پدیدار شدن «۷۴ پیکر در سد کرج» در چشم‌به‌هم‌زدنی از تیتر نخست شبکه‌های اجتماعی به سکوت رسانه‌های رسمی فرو رفت. روایتی که نه بطور رسمی تأیید شد و نه شفافی توضیح داده شد، اما اثر روانی و اجتماعی آن هنوز در ذهن جامعه باقی مانده است.**
- **در ظاهر، پرونده بسته شد. اما مردم همچنان پرسش داشتند: چرا هیچ تصویر یا گزارش رسمی از محل سد منتشر نشد؟ چرا هیچ خبرنگار مستقلی اجازه بازدید نیافت؟ و ده‌ها چرا و پرسش دیگر مثل همیشه در ذهن مردم جا گذاشت.**
- **وقتی دولت‌ها دروغ می‌گویند، جامعه روایت‌های خود را می‌سازد. هر چه کانال اطلاع‌رسانی رسمی بسته‌تر شود، ذهن مردم بازتر می‌شود تا به دنبال حقیقت در جای دیگری بگردند. تکذیب‌های بدون سند، فقط به انکار نمی‌انجامد، بلکه خود به شایعه‌ای تازه تبدیل می‌شود؛ نوعی «شایعه‌ی دولتی» که مردم آن را نیز باور نمی‌کنند.**
- **روایت پدیدار شدن «۷۴ پیکر در سد کرج» شاید هرگز اثبات نشود، اما بازتاب یک واقعیت روشن است: جامعه‌ی ایران دیگر به حاکمیت اعتماد ندارد. مردمی که بارها دروغ شنیده‌اند، طبیعی است که به تکذیب‌ها هم ایمان نیاورند**

س. روزبه – ماجرای پدیدار شدن «۷۴ پیکر در سد کرج» شاید بزرگ‌ترین نمونه‌ی یک خبر تکان‌دهنده باشد که در چشم‌به‌هم‌زدنی از تیتر نخست شبکه‌های اجتماعی به سکوت رسانه‌های رسمی فرو رفت. روایتی که نه بطور رسمی تأیید شد و نه شفافی توضیح داده شد، اما اثر روانی و اجتماعی آن هنوز در ذهن جامعه باقی مانده است. این ماجرا بیش از آن‌که توطئه یا جنگ روانی باشد، بازتاب مستقیم بی‌اعتمادی عمیق مردم به حکومت است؛ بی‌اعتمادی‌ای که ریشه در تجربه‌های خونین سال‌های اخیر دارد.

روایت آغازین

نخستین خبر در اواخر مهرماه ۱۴۰۴ منتشر شد. گفته شد در بستر خشک‌شده‌ی سد امیرکبیر (کرج) ۷۴ جسد ناشناس پیدا شده‌اند؛ برخی در موکت یا فرش پیچیده شده بودند با دست‌وپا بسته. تصویری از صفحه‌ی نخست روزنامه‌ی محلی «پیام سپیدار» دست به دست شد که این تیتر را داشت. «پیام سپیدار» به‌عنوان یک نشریه‌ی محلی، رسانه‌ای دور از خطوط شدید امنیتی پایتخت نبود و همین امر بر شائبه‌های عمومی افزود. سپس وبسایت «رویداد۲۴» آن را بازنشر کرد و ساعاتی بعد حذف نمود. همین بازه‌ی کوتاه کافی بود تا تیتر در تمام شبکه‌های اجتماعی بپیچد و

افکار عمومی را تکان دهد.

واکنش رسمی

کمتر از بیست‌وچهار ساعت بعد، مقامات حکومتی به‌طور هماهنگ واکنش نشان دادند. استانداری البرز و شرکت آب منطقه‌ای اعلام کردند «چنین خبری از اساس کذب است» و حتی دادستانی کرج از «تشکیل پرونده علیه منتشرکنندگان» سخن گفت. مدیر مسئول روزنامه «پیام سپیدار» نیز انتساب خبر را جعلی دانست و گفت تصویری که از صفحه‌ی روزنامه منتشر شده، دستکاری شده است. همزمان خبرگزاری‌های «ایرنا»، «تسنیم» و «مهر» با تیتر مشترکی گزارش دادند: «در روزهایی که شبکه‌های اجتماعی به میدان تاخت‌وتاز شایعات بدل شده‌اند، خبر جعلی «کشف ۷۴ جسد در سد کرج» مثل جرقه‌ای کوچک، شعله‌ای از اضطراب و بی‌اعتمادی در میان مردم افروخت.» اما همین لحن پدرسالارانه و تهدیدآمیز، به جای اطمینان، احساس پنهان‌کاری و بی‌صداقتی را در جامعه تشدید کرد.

فکت‌ها و داده‌های روشن

در ظاهر، پرونده بسته شد. اما مردم همچنان پرسش داشتند: چرا هیچ تصویر یا گزارش رسمی از محل سد منتشر نشد؟ چرا هیچ خبرنگار مستقلی اجازه بازدید نیافت؟ و ده‌ها چرا و پرسش دیگر مثل همیشه در ذهن مردم جا گذاشت.

بر اساس داده‌های موجود، در سال گذشته بیش از ۲۵۰۶ پیکر ناشناس در کشور ثبت شده و تنها ۱۱۰۰ مورد شناسایی شدند. نرخ قتل عمد در ایران حدود ۲ تا ۳ نفر در هر صد هزار نفر جمعیت است، اما آمار مرگ در بازداشت یا اعدام‌ها ده‌ها برابر این عدد است؛ در سال ۲۰۲۴ ایران با ۹۷۵ مورد اعدام، رکورد یک دهه را شکست (Amnesty International). و تعداد اعدام‌ها در ۱۰ ماهه اول سال ۲۰۲۵ (تا پایان اکتبر) دست‌کم ۱۲۷۱ نفر گزارش شده است. مردم کهریزک نماد شکنجه، ضرب و شتم، و تجاوز در بازداشتگاه‌های غیرقانونی بود را فراموش نکردند کشته‌شدگان در کهریزک: حداقل ۴ نفر به طور مستقیم بر اثر شکنجه و شرایط غیرانسانی بازداشتگاه جان باختند. حتی نسبت دادن کشته‌ها به اینکه آنها بسیجی بودند و تغییر روایت آنها و یا اعلام مرگ را مننژیت اعلام کردند. مردم صدها و هزاران روایت را در حافظه جمعی خود دارند. قتل‌های زهرا کاظمی و ستار بهشتی و ...

این ارقام در کنار تجربه‌های خونین جنبش مهسا، باعث می‌شود مردم هر روایت مرموزی را محتمل بدانند؛ حتی اگر بعداً تکذیب شود.

تجربه‌ی زخم و فراموشی

حکومتی که مردم زخم‌های شلیک را دیده‌اند، باطوم را دیده‌اند، جنازه را دیده‌اند، و در مراسم خاکسپاری عزیزانشان با تهدید و سرکوب روبرو شده‌اند، دیگر نمی‌تواند از آن‌ها انتظار اعتماد داشته باشد. در خیزش ۱۴۰۱، صدها تن با گلوله‌ی مستقیم کشته شدند و خانواده‌ها از حق ساده‌ی برگزاری مراسم سوگواری محروم ماندند. بسیاری از مرگ‌ها «خودکشی»، «سقوط از ارتفاع» یا «بیماری زمینه‌ای» اعلام شد؛ عباراتی که حالا در حافظه‌ی جمعی معادل دروغ و تحریف‌اند. در چنین فضایی، وقتی خبری مانند «۷۴ پیکر» منتشر می‌شود، مردم آن را نه به‌عنوان شایعه، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از همان واقعیت تلخ می‌پذیرند: مرگ بی‌نام، بی‌پاسخ و بی‌عدالت.

علت اصلی: بحران مشروعیت

بنابراین، مسئله نه توطئه است و نه جنگ روانی. علت اصلی، بحران ساختاری مشروعیت و بی‌اعتمادی عمیق جامعه به حکومت است. مردم دروغ‌های فراوان شنیده‌اند: از ماجرای بنزین و سقوط هواپیمای اوکراینی گرفته تا سرکوب آبان و خیزش ژینا. در نظامی که مرگ معترضان به «ایست قلبی» تعبیر می‌شود و مأمور ضارب هرگز محاکمه نمی‌شود، روایت رسمی دیگر خریدار ندارد. به همین دلیل است که جامعه، هرگاه خبری از کشف پیکرهای ناشناس یا مرگ‌های مشکوک می‌شنود، ناخودآگاه آن را به خشونت حکومتی پیوند می‌زند.

فراتر از ماجرای سد

این واقعه، صرف‌نظر از واقعی یا جعلی بودن، که در آینده نزدیک آن را روشن خواهد ساخت یک شاخص اجتماعی است. یعنی حتی در صورت جعلی بودن تصویر، واقعیتی بزرگ‌تر را آشکار کرده: بحران اعتماد!

وقتی دولت‌ها دروغ می‌گویند، جامعه روایت‌های خود را می‌سازد. هر چه کانال اطلاع‌رسانی رسمی بسته‌تر شود، ذهن مردم بازتر می‌شود تا به دنبال حقیقت در جای دیگری بگردند. تکذیب‌های بدون سند، فقط به انکار نمی‌انجامد، بلکه خود به شایعه‌ای تازه تبدیل می‌شود؛ نوعی «شایعه‌ی دولتی» که مردم آن را نیز باور نمی‌کنند.

از پینوشه تا جمهوری اسلامی

در دوران دیکتاتوری پینوشه در شیلی، هزاران مخالف ناپدید شدند و حکومت مرگ آنان را به «حادثه» یا «خودکشی» نسبت داد. امروز در ایران نیز همان سازوکار در سطح نرم‌تری تکرار می‌شود: مرگ‌های ناگهانی، پرونده‌های بی‌سرانجام و گزارش‌های بی‌طرف!

تفاوت فقط در شکل است، نه در ماهیت. ناپدیدسازی فیزیکی جای خود را به حذف اطلاعاتی داده است. حقیقت، همان‌گونه که در سد کرج ناپدید شد، در جریان رسمی خبر هم غرق می‌شود و جای خود را به ابهام و گمانه‌زنی می‌دهد.

نتیجه‌گیری

روایت پدیدار شدن « ۷۴ پیکر در سد کرج» شاید هرگز اثبات نشود، اما بازتاب یک واقعیت روشن است: جامعه‌ی ایران دیگر به حاکمیت اعتماد ندارد. مردمی که بارها دروغ شنیده‌اند، طبیعی است که به تکذیب‌ها هم ایمان نیاورند؛ و شاید این امر نیز مثل هواپیمای اوکراینی و یا یک خبرنگار با وجدان اثبات گردد و زمان و آینده همه چیز را روشن خواهد کرد.

برای بازسازی این اعتماد، حکومت به جای تهدید و انکار باید شفافیت را جایگزین کند: گزارش‌های دوره‌ای درباره‌ی مرگ‌های بازداشتی، اجساد ناشناس و میزان خشونت پلیسی. بی‌اعتمادی محصول یک خبر جعلی نیست؛ نتیجه‌ی ده‌ها پنهان‌کاری است.

سد کرج شاید جسم را در خود مدفون نکرده باشد، اما حقیقت را دفن کرده است. تا زمانی که شفافیت جایگزین پنهان‌کاری نشود، هر شایعه‌ای، حتی اگر جعلی باشد، به عنوان حقیقت ناگفته در جامعه طنین‌انداز خواهد شد.

اسرائیل، دوست بی‌نیاز از توصیف ایران

تظاهرات همبستگی ایرانیان و اسرائیلی‌ها در اروپا

«منافع واقعی خاورمیانه با منافع ایران و اسرائیل گره خورده است. منطق تاریخی و جغرافیایی خاورمیانه، دوستی و همکاری و اتحاد راهبردی دو کشور ایران و اسرائیل را می‌طلبد».

«تنها از این راه است که می‌توان به نابودی جمهوری نکبت اسلامی و احیای عقلانیت، ثبات و توسعه در خاورمیانه رسید. اینجاست که نقش اسرائیل در چگونگی تقابل با این حکومت شرور برجسته می‌گردد».

بهروز فتحعلی- منطقه خاورمیانه به سوی نظم نوینی در حرکت است. در این مسیر، نقش اسرائیل، دوست تاریخی ایران در مقابله با جمهوری اسلامی می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

در تاریخ معاصر خاورمیانه، رابطه ایران دوران پهلوی و اسرائیل از معدود نمونه‌هایی بود که از آغاز نه بر اساس تصمیمات کوتاه مدت سیاسی بلکه بر پایه واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و منافع مشترک دو کشور شکل گرفت. این رابطه نه محصول یک تصادف، بلکه نتیجه موقعیت طبیعی و منطق ژئوپلیتیکی دو کشوری بود که در منطقه‌ای ناپایدار و پرتنش، در میان قدرت‌های متخاصم و در معرض تهدیدهای مشترک قرار داشتند.

با آغاز تشکیل دولت اسرائیل و حساسیت‌های موجود در ایجاد روابط با آن کشور، در حالیکه ایران از سویی، شوروی را در همسایگی خود داشت و از سوی دیگر، با احزاب بعثی و موج پان عربیسم افسار گسیخته در جهان عرب روبرو بود، شاه با نگاهی واقع‌گرایانه و آینده‌نگر به سیاست خارجی، دوستی و همکاری با اسرائیل را به عنوان بخشی از راهبرد منطقه‌ای خود برای ثبات، توسعه و امنیت کشور در پیش گرفت.

بدین ترتیب و با توجه به جایگاه ممتاز ایران و اسرائیل در معادلات منطقه‌ای همکاری و تعامل هوشمندانه‌ای میان این دو کشور برقرار گردید. همکاری‌های گسترده‌ای که در حوزه‌های اقتصاد، کشاورزی، امنیت و فناوری شکل گرفت، بازتاب درک متقابل ایران و اسرائیل از ضرورت‌های تاریخی و منافع مشترکی بود که آن دو را به هم پیوند می‌داد.

شوربختانه این همکاری‌ها که با تکیه بر دوستی تاریخی و پیشینه غنی تمدنی و فرهنگی دو ملت ایران و یهود پایه‌ریزی شده بود با شورش ویرانگر ۵۷ از هم پاشید و با روی کار آمدن جمهوری شرور اسلامی سیاست دشمنی و ترور علیه اسرائیل جایگزین روابط متوازن دو کشور در دوران پهلوی شد.

اما امروز همان‌گونه که خورشید برای همیشه در پس ابر نمی‌ماند، این واقعیت نیز آشکار گردیده است که پیوند چند هزار ساله دو ملت ایران و اسرائیل، پیوندی گسست ناپذیر است؛ پیوندی که از فرمان کوروش بزرگ برای بازگشت یهودیان به اورشلیم آغاز شده و تا همزیستی مسالمت‌آمیز جامعه یهودی در ایران در طول قرون ادامه یافته است. این دوستی دیرینه واقعیتی است که فراتر از سیاست و قدرت، در عمق حافظه تاریخی دو ملت ریشه دوانده است.

نیروهای میهن‌دوست و واقع‌گرای ایران، اهمیت همکاری با کشوری همچون اسرائیل را که دارای ظرفیت بالای فنی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد درک می‌کنند و بر همین اساس برقراری دوباره روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی دو کشور را که تنها با از میان برداشتن جمهوری ترور اسلامی ممکن خواهد بود گامی مهم در جهت پیشرفت ایران و بازسازی جایگاه تاریخی آن در جهان می‌دانند.

مکانیسم ویرانگر جمهوری اسلامی در تقویت نیروهای تروریستی منطقه که از واقعیت وجودی آن برمی‌خیزد نشان داده است که بود و نبود صلح و ثبات و آرامش در خاورمیانه با بود و نبود این نظام مخوف رابطه مستقیم دارد. هم از این روست که منافع واقعی خاورمیانه با منافع ایران و اسرائیل گره خورده است. منطق تاریخی و جغرافیایی خاورمیانه، دوستی و همکاری و اتحاد راهبردی دو کشور ایران و اسرائیل را می‌طلبد. تنها از این راه است که می‌توان به نابودی جمهوری نکبت اسلامی و احیای عقلانیت، ثبات و توسعه در خاورمیانه رسید. اینجاست که نقش اسرائیل در چگونگی تقابل با این حکومت شرور برجسته می‌گردد.

هفته‌نامه اکونومیست: احتمالاً در جنگ بعدی اسرائیل برای سرنگونی جمهوری اسلامی اقدام می‌کند

هفته‌نامه «اکونومیست» در مقاله‌ای با اشاره به جنگ ۱۲ روزه نوشت که در جنگ بعدی، اسرائیل احتمالا برای تغییر حکومت در ایران اقدام می‌کند.

در مقدمه این نوشتار که ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان) منتشر شد، آمده حملات به جمهوری اسلامی در جنگ با اسرائیل نشانه فروپاشی «امپراتوری روحانیون» در منطقه است.

اکونومیست درباره احتمال درگیری دوباره جمهوری اسلامی و اسرائیل نوشت: «اگر جنگ دوم رخ دهد، اسرائیل احتمالا برای سرنگونی حکومت اقدام خواهد کرد، اما اگر ایران باور کند اسرائیل قصد تغییر رژیم دارد، ممکن است به همسایگانش در خلیج فارس حمله کند و ترامپ را ناگزیر کند میان مهار اسرائیل و خطر بی‌ثباتی در کشورهای عرب متحد آمریکا یکی را برگزیند.»

این هفته‌نامه با اشاره به این که «علی خامنه‌ای دهه‌ها تلاش کرده تا در مرز جنگ و صلح با اسرائیل و در آستانه ساخت بمب هسته‌ای بماند» نوشت: «این توازن شکست خورده است، اما خامنه‌ای که اکنون ۸۶ سال دارد، به نظر نمی‌رسد مسیر خود را تغییر دهد. این وظیفه بر عهده جانشین او خواهد بود.»

هفته‌نامه «اکونومیست» در مقاله‌ای با اشاره به جنگ ۱۲ روزه نوشت که در جنگ بعدی، اسرائیل احتمالا برای تغییر حکومت در ایران اقدام می‌کند.

در مقدمه این مقاله آمده اگر دو آتش‌بس سال ۲۰۲۵ که دونالد ترامپ میان اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران و میان اسرائیل و حماس برقرار کرد، تا آغاز سال جدید [۲۰۲۶] همچنان برقرار بمانند، ممکن است در سال ۲۰۲۶ اسرائیل سرانجام فرصتی پیدا کند تا به امور داخلی خود بپردازد، اما این موضوع به هیچ وجه قطعی نیست.

در مقدمه این نوشتار که ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان) منتشر شد، آمده حملات به جمهوری اسلامی در جنگ با اسرائیل نشانه فروپاشی «امپراتوری روحانیون» در منطقه است.

اکونومیست درباره احتمال درگیری دوباره جمهوری اسلامی و اسرائیل نوشت: «اگر جنگ دوم رخ دهد، اسرائیل احتمالا برای سرنگونی حکومت اقدام خواهد کرد، اما اگر ایران باور کند اسرائیل قصد تغییر رژیم دارد، ممکن است به همسایگانش در خلیج فارس حمله کند و ترامپ را ناگزیر کند میان مهار اسرائیل و خطر بی‌ثباتی در کشورهای عرب متحد آمریکا یکی را برگزینند.»

این نشریه درباره نقش جمهوری اسلامی و آمریکا در منطقه هم نوشت: «اگر ترامپ بلندترین صدای تغییر باشد، [حکومت] ایران نیروی اصلی تداوم [وضع موجود] است.»

در هفته‌های اخیر اظهارنظرهای مختلفی درباره ←

احتمال وقوع دوباره جنگ بین ایران و اسرائیل منتشر شده است. یک مقام امنیتی اسرائیل ۱۹ آبان‌ماه اعلام کرد ارتش این کشور خود را برای سناریویی از جنگ آماده می‌کند که ممکن است بیش از ۱۲ روز ادامه پیدا کند. یک مقام ارشد اسرائیلی نیز گفت این کشور باید هدف سرنگونی جمهوری اسلامی تا پایان دوره ترامپ را در دستور کار قرار

تهران در جنگ ۱۲ روزه

دهد.

اکونومیست با اشاره به این که «علی خامنه‌ای دهه‌ها تلاش کرده تا در مرز جنگ و صلح با اسرائیل و در آستانه ساخت بمب هسته‌ای بماند» نوشت: «این توازن شکست خورده است، اما خامنه‌ای که اکنون ۸۶ سال دارد، به نظر نمی‌رسد مسیر خود را تغییر دهد. این وظیفه بر عهده جانشین او خواهد بود.»

به نوشته اکونومیست، حکومت بشار اسد در سوریه سقوط کرده و اسرائیل نیز با حمایت آمریکا، تابوی حمله مستقیم به ایران را شکسته هرچند «امپراتوری ایران به‌طور کامل از میان نرفته است».

جمهوری اسلامی می‌تواند با دستیابی به توافقی با آمریکا از بروز درگیری تازه جلوگیری کند اما علی خامنه‌ای تمایلی به دادن امتیازهای مورد نظر دونالد ترامپ ندارد.

این در شرایطی است که برنامه هسته‌ای ایران پس از جنگ ۱۲ روزه به‌شدت آسیب دیده، اما تهران قصد ندارد آن را به‌طور کامل کنار بگذارد.

بر طبق این تحلیل، در صورتیکه تهران باور کند هدف اسرائیل تغییر رژیم است ممکن است به همسایگان خود در خلیج فارس حمله کند و در چنین شرایطی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا ناچار خواهد شد میان مهار اسرائیل و به خطر انداختن ثبات متحدان عرب واشنگتن یکی را انتخاب کند.

این نشریه در پایان می‌نویسد: «اگر ترامپ بلندترین صدای خواهان تغییر باشد، ایران بزرگ‌ترین نیروی حفظ وضع موجود است. آیت‌الله خامنه‌ای دهه‌ها کوشیده است در وضعیت نه جنگ و نه صلح با اسرائیل باقی بماند و در آستانه دستیابی به بمب هسته‌ای بایستد اما اکنون این توازن از میان رفته است. با این حال رهبر ۸۶ ساله ایران ظاهرا توان تغییر مسیر را ندارد و انجام این کار باید به جانشین او واگذار شود.»

خبرگزاری فارس: دیدار مشکوک نماینده جمهوری اسلامی با مقام اسرائیلی در اجلاس جهانی ایزو

حضور نماینده جمهوری اسلامی و اسرائیل در اجلاس جهانی ایزو

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران، چهارشنبه ۲۱ آبان‌ماه ۱۴۰۴ گزارش داد در جریان اجلاس جهانی ایزو که در روآندا برگزار شده بود معاون سازمان ملی استاندارد جمهوری اسلامی ایران در کنار مدیر اجرایی مؤسسه استاندارد اسرائیل نشسته است.

فرحناز قلاسی معاون تدوین و ترویج سازمان ملی استاندارد جمهوری اسلامی ایران، در یک پنل تخصصی با گیلاد گلوب مدیر اجرایی مؤسسه استاندارد اسرائیل (SII) سر یک میز بودند. تصاویر این پنل ابتدا در سایت جهانی ایزو منتشر شد اما ساعاتی بعد حذف شد.

خبرگزاری سپاه می‌نویسد بر اساس «ماده ۷» قانون «مقابله با اقدامات خصمانه اسرائیل» هرگونه همکاری، تعامل، توافق سیاسی یا تبادل اطلاعات با نهادها و افراد رسمی و غیررسمی وابسته به اسرائیل ممنوع است و مرتکب، به مجازات حبس تعزیری درجه چهار و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران، چهارشنبه ۲۱ آبان‌ماه ۱۴۰۴ گزارش داد در جریان اجلاس جهانی ایزو که در روآندا برگزار شده بود معاون سازمان ملی استاندارد جمهوری اسلامی ایران در کنار مدیر اجرایی مؤسسه استاندارد اسرائیل نشسته است.

فرحناز قلاسی معاون تدوین و ترویج سازمان ملی استاندارد جمهوری اسلامی ایران، در یک پنل تخصصی با گیلاد گلوب مدیر اجرایی مؤسسه استاندارد اسرائیل (SII) سر یک میز بودند. تصاویر این پنل ابتدا در سایت جهانی ایزو منتشر شد اما ساعاتی بعد حذف شد.

در این گزارش ادعا شد که پیش از این، در هیچ سطحی میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل ارتباطی وجود نداشته و حتی ورزشکاران ایرانی نیز از رویارویی با ورزشکاران این رژیم خودداری می‌کردند.

خبرگزاری فارس این رویداد را «اقدام مشکوک» و «مغایر با سیاست‌های اصولی جمهوری اسلامی ایران» دانست و نوشت: «این دیدار در شرایطی صورت گرفته که پس از جنگ ۱۲ روزه و فجایع غزه، مخالفت با این رژیم نه‌تنها در ایران بلکه در سطح جهانی به امری فراگیر تبدیل شده است.»

در بخش دیگری از این گزارش نیز تأکید شده پوشش قلاسی «نامناسب» بود آنهم در شرایطی که او «قبلاً نیز به واسطه چنین پوششی مورد توبیخ قرار گرفته بود.»

خبرگزاری سپاه می‌نویسد بر اساس «ماده ۷» قانون «مقابله با اقدامات خصمانه اسرائیل» هرگونه همکاری، تعامل، توافق سیاسی یا تبادل اطلاعات با نهادها و افراد رسمی و غیررسمی وابسته به اسرائیل ممنوع است و مرتکب، به مجازات حبس تعزیری درجه چهار و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

اجلاس سالانه سازمان بین‌المللی استانداردسازی (ایزو) امسال از تاریخ ۶ تا ۹ اکتبر (۱۴ تا ۱۷ مهر) در کیگالی، پایتخت کشور روآندا، با حضور نمایندگان کشورهای عضو این سازمان و با محوریت بررسی چالش‌های نوظهور در حوزه استانداردهای بین‌المللی برگزار شد.

از سوی جمهوری اسلامی ایران، هیأتی به ریاست فرزانه انصاری رئیس سازمان ملی استاندارد، و با همراهی فرحناز قلاسی، معاون تدوین و ترویج استاندارد و سرپرست دفتر تخصصی امور بین‌الملل، در این اجلاس شرکت کرد.

سازمان بین‌المللی استانداردسازی (ISO) یک نهاد غیردولتی بین‌المللی متشکل از نمایندگان مؤسسات استانداردسازی ملی کشورهاست که وظیفه تدوین و هماهنگ‌سازی استانداردهای جهانی را بر عهده دارد. این سازمان سالانه میزبان اجلاس‌هایی برای بررسی مسائل کلان و چالش‌های پیش‌روی استانداردهای بین‌المللی است.

کیهان

هشدار ۵۱ نماینده مجلس شورای اسلامی به سران قوا؛
حذف ارز ترجیحی تورم‌زا و تشدیدکننده بحران‌های اقتصادی است

این نامه از سوی ۵۱ نماینده مجلس شورای اسلامی خطاب به مسعود پزشکیان رئیس دولت، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه و محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نوشته شده است.

شماری از نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به سران سه قوه نسبت به حذف نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و جایگزینی آن با ارز توافقی هشدار دادند. نمایندگان این تصمیم را تهدیدی برای افزایش تورم، آسیب به معیشت مردم و تشدید بحران اقتصادی ارزیابی کردند.

در این نامه که از سوی ۵۱ نماینده مجلس شورای اسلامی خطاب به مسعود پزشکیان رئیس دولت، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه و محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نوشته شده آمده که حذف ارز ترجیحی نه تنها قادر به جبران آثار تورمی ناشی از حذف ارز ترجیحی نخواهد بود، بلکه می‌تواند تبعات منفی گسترده‌ای بر معیشت مردم، به‌ویژه قشر کم‌درآمد، داشته باشد.

در این نامه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی دو مسیر اقتصادی پیش‌روی دولت را مورد بررسی قرار داده و از جمله تأکید کرده‌اند که ادامه سیاست‌های ارزی کنونی، که در گذشته منجر به بحران‌های اقتصادی و تورم‌های شدید شده است، موجب تشدید شکاف ارزی و رکود تورمی در کشور خواهد شد.

با اشاره به تجربیات تاریخی از جمله حذف نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی در سال ۱۴۰۱ و پیامدهای منفی آن، هشدار دادند که تکرار چنین تصمیمات اشتباهی می‌تواند تورم را به سطوح بی‌سابقه‌ای برساند و بستر نارضایتی عمومی را فراهم آورد. همچنین، نمایندگان تأکید کردند که سیاست‌های اقتصادی باید به جای «بازی با نرخ ارز»، بر اصلاحات ساختاری و مقابله با قاچاق، پولشویی و سوداگری متمرکز شود.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی همچنین تأکید کرده‌اند «راه‌حلِ رفع این شکاف، افزایش گاه‌به‌گاه نرخ رسمی نیست، بلکه اقتصاد کشور نیازمند اصلاحات ساختاری جدی، کنترل بازار غیررسمی، سامان‌بخشی به نظام مالیاتی و مقابله جدی با قاچاق، پولشویی و سوداگری است.»

در بخش دیگری از نامه، پیشنهادات «راهبردی» برای اصلاح سیاست‌های ارزی و بهبود شرایط اقتصادی کشور مطرح شده است. این پیشنهادات شامل اجرای پیمان‌سپاری ۱۰۰ درصدی ارز صادراتی، ساماندهی بازار ارز، تقویت مبارزه با قاچاق کالا و ارز و اعمال نرخ واحد ارز رسمی به عنوان پایه منطقی برای بخش‌های اقتصادی کشور می‌باشد.

آنها همچنین به سیاست اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی اشاره کردند که ارز ۴۲۰۰ تومانی را تنها چند ماه پس از آغاز بکار دولت به طور ناگهانی حذف و تورم شدیدی را به اقتصاد کشور وارد کرد: «در خرداد ماه سال ۱۴۰۱، تورم ماهانه رکورد تاریخیِ ۱۲ درصدی را ثبت کرد که دلیل اصلی و تنهای این پدیده هشداردهنده، حذف نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی در آن برهه حساس بود.»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی همچنین در نامه خود نوشتند که «در شرایط کنونی، دو مسیر اقتصادیِ متمایز پیش‌روی دولت قرار دارد که مسیر نخست آن، ادامه وضعیت موجود و تکرارِ سیاست‌های اقتصادی نادرست و تکراری است که از سال ۱۳۶۹ در چارچوب طرح «تعدیل اقتصادی» آغاز شد.»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این نامه از مسعود پزشکیان خواستند که با توجه به تجربیات گذشته، از تکرار اشتباهات اقتصادی خودداری کرده و سیاست‌های ارزی را به سمت اصلاحات بنیادین هدایت کند.

امضاکنندگان نامه خطاب به مسعود پزشکیان نوشتند «اگر خاطر مبارک باشد، در ایام انتخابات، نموداری را بالای سر بردید که تورم فزاینده بالای ۴۰ درصد در چند سال اخیر را به‌وضوح نشان می‌داد و در آن فرصت، به درستی نسبت به سوءمدیریت اقتصادی دولت‌های پیشین انتقادات جدی مطرح فرمودید. اما اکنون، با استحضار این واقعیت که از آغاز دولت چهاردهم، سیر صعودی تورم دوباره شدت گرفته و نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در آستانه عبور از مرز ۵۰ درصد قرار دارد، می‌طلبد تأملی عمیق در مسیر طی‌شده صورت پذیرد.»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی بارها در اظهاراتی نسبت به سیاست تیم اقتصادی دولت پزشکیان برای حذف ارز ترجیحی یا همان دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی هشدار داده بودند.

برای نمونه جبار کوچکی‌نژاد، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس پیشتر هشدار داده بود «با حذف ارز ترجیحی، گوشت به قیمت سرسام‌آوری خواهد رسید که دیگر هیچ‌گاه مردم کم‌درآمد نمی‌توانند از آن استفاده کنند.»

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی گفته بود «حذف گوشت از سبد کالاهای اساسی و حمایتی کار درستی نیست چون پروتئین جزو نیازهای ضروری مردم است.»

اکنون همزمان با انتشار نامه ۵۱ نماینده مجلس شورای اسلامی به سران قوا، حسین صمصامی از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی و امضاکنندگان این نامه در کانال تلگرام خود نوشته «آنچه ظاهراً در جلسهٔ سران به تصویب رسیده حاکی از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومان و یکسان‌سازی نرخ ارز حوالی ۱۰۰ هزار تومان است.»

حسین صمصامی افزوده «در این راستا، جمعی از نمایندگان، نامه‌ای به سران قوا نوشته و در آن دولت را از تکرار فاجعهٔ اقتصادی سال ۱۴۰۱ منع کرده و هشدارهای لازم و همچنین راهکار برون رفت از شرایط موجود را ارائه کردیم. امید که از اجرای این تصمیم اشتباه و معیشت‌سوز پرهیز کنند.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی افزوده «علاوه بر حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی، بنزین سه نرخی (۱۵۰۰، ۳۰۰۰ و ۵۰۰۰ تومانی) نیز مصوب شده است. خوب است دولت محترم بفرمایند اگر چند نرخی، عامل رانت و فساد است، چرا مدام نرخ اضافه می‌کنند؟! قیمت گذاری بنزین نیز مانند ارز، موضوعی چند وجهی است و راهکار باید در بستهٔ سیاستی واحد دیده شود.»

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی با تشدید تحریم‌ها و فعال شدن مکانیسم ماشه با کمبود شدید منابع درآمدی روبروست. دولت پزشکیان با کسری بودجه روبروست؛ وزیر اقتصاد رقم این کسری را تا پایان سال جاری حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان عنوان کرده اما تحلیلگران معتقدند رقم کسری بودجه تا پایان سال ۱۴۰۴ بیش از ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

تیم اقتصادی دولت پزشکیان به جای تلاش برای حذف بودجه نهادهای بی‌خاصیت تبلیغاتی و ایدئولوژیک حکومت در شرایط بحرانی کسری بودجه، با قطع یارانه‌ها به دنبال جبران بخشی از کسری بودجه هستند؛ اقدامی که بار اصلی را بر دوش شهروندان، به ویژه اقشار کم‌درآمد، خواهد انداخت.

حذف ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی که برای واردات کالاها و مواد اولیه صورت می‌گرفت، اگر چه از سوی تیم اقتصادی دولت اقدامی برای تک‌نرخی کردن ارز اعلام شده، اما در عمل برای جبران بخشی از کسری منابع ریالی دولت خواهد بود.

افزایش قیمت بنزین، و قطع یارانه نقدی حدود ۲۷ میلیون نفر نیز از دیگر اقدامات با هدف جبران کسری بودجه است که در دستور کار دولت پزشکیان قرار دارد.

در چنین شرایطی به نظر نمی‌رسد هشدارها و نامه‌نگاری نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره آثار اقدامات تیم اقتصادی دولت پزشکیان کارسازی باشد و تصمیم دولت را تغییر دهد.

یک خودسوزی اعتراضی دیگر؛
اینبار آتش‌نشان جوان ساکن سنندج

شاهو صفری از نیروهای سازمان آتش‌نشانی سنندج روز چهارشنبه ۲۱ آبان‌ماه ۱۴۰۴ در اعتراض به پرداخت‌نشدن حقوق و معوقات مزدی، در محل کار خود اقدام به خودسوزی کرد.

شاهو صفری ۳۴ ساله و پدر دو کودک است. او در پی خودسوزی اعتراضی دچار دست‌کم ۳۰ درصد سوختگی شده و حال عمومی‌اش وخیم است.

خودسوزی اعتراضی شاهو صفری یک روز پس از جان باختن احمد بالدی، دانشجوی ۲۰ ساله در اهواز که او هم اقدام به خودسوزی اعتراضی کرده بود رخ داده است.

شاهو صفری، آتش‌نشان جوان ساکن سنندج

منابع حقوق بشری از خودسوزی اعتراضی یک آتش‌نشان جوان در شهر سنندج خبر و به علت پرداخت نشدن ماه‌ها حقوق و مزایای شغلی خبر دادند.

شاهو صفری از نیروهای سازمان آتش‌نشانی سنندج روز چهارشنبه ۲۱ آبان‌ماه ۱۴۰۴ در اعتراض به پرداخت‌نشدن حقوق و معوقات مزدی، در محل کار خود اقدام به خودسوزی کرد.

شاهو صفری ۳۴ ساله و پدر دو کودک است. پس از اقدام به خودسوزی این آتش‌نشان جوان همکارانش او را به بیمارستان منتقل کردند. بر اساس گزارش‌ها او دچار دست‌کم ۳۰ درصد سوختگی شده و حال عمومی‌اش وخیم است.

بختیار شافعی، رئیس سازمان آتش‌نشانی سنندج، در واکنش به این حادثه گفته که «روز چهارشنبه یکی از نیروها در داخل سازمان آتش‌نشانی، اقدام به خودسوزی کرد و با توجه به اینکه کارکنان در مکان حضور داشتند، به سرعت وارد عمل شدند و آسیب این فرد جزئی بوده و اکنون در بیمارستان است.»

خودسوزی اعتراضی شاهو صفری یک روز پس از جان باختن احمد بالدی، دانشجوی ۲۰ ساله در اهواز که او هم اقدام به خودسوزی اعتراضی کرده بود رخ داده است.

احمد بالدی پس از آنکه ۱۱ آبان‌ماه نیروهای شهرداری منطقه سه اهواز به همراه ماموران انتظامی دکه اغذیه‌فروشی پدر او، مجاهد بالدی، را تخریب کردند، مقابل ساختمان شهرداری اهواز اقدام به خودسوزی کرد. او بامداد روز سه‌شنبه ۲۰ آبان‌ماه ۱۴۰۴ در بیمارستان جان باخت.

هنگام حمله مأموران به دکه اغذیه فروشی، احمد به همراه مادرش در دکه حضور داشتند. آنها در دکه تحصن کردند تا مانع از تخریب آن شوند اما مأموران با خشونت به تخریب ادامه دادند.

احمد بالدی در پی خودسوزی دچار ۷۰ درصد سوختگی شده بود. امیر خلفیان، دادستان عمومی و انقلاب اهواز، روز گذشته مدعی بازداشت موقت و آزادی با قرار وثیقه شهردار و مسئول اجراییات شهرداری اهواز در پی خودسوزی احمد بالدی شده و گفته بود دستور جلب برای سه نفر دیگر در ارتباط با این پرونده صادر شده است.

تأیید احکام سنگین زندان و شلاق علیه دو فعال سیاسی پادشاهی‌خواه

مسعود وظیفه بجاربته به تحمل دو سال حبس تعزیری، شلاق تعزیری و پرداخت ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده است.

سهراب حسن‌خانی به دو سال حبس تعزیری، شلاق تعزیری و پرداخت ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده است.

«فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «اخلال در نظم و آسایش عمومی» و «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» از جمله اتهامات این دو فعال سیاسی پادشاهی‌خواه بوده است.

از راست، مسعود وظیفه بیجاربنه و سهراب حسن خانی

علی شریفی‌زاده اردکانی، وکیل پایه یک دادگستری، گزارش داده دادگاه تجدیدنظر استان تهران احکام صادره علیه مسعود وظیفه بجاربته و سهراب حسن‌خانی، دو فعال سیاسی پادشاهی‌خواه، را عیناً تأیید کرده است.

به گزارش منابع حقوق بشری بر اساس رأی صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران، مسعود وظیفه بیجاربنه و سهراب حسن خانی به اتهاماتی از جمله «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «اخلال در نظم و آسایش عمومی» و «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» به چندین سال حبس، شلاق تعزیری و جزای نقدی سنگین محکوم شده‌اند.

مسعود وظیفه بجاربته به تحمل دو سال حبس تعزیری، شلاق تعزیری و پرداخت ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی در حق صندوق دولت، و سهراب حسن‌خانی نیز به دو سال حبس تعزیری، شلاق تعزیری و پرداخت ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده‌اند.

دادگاه تجدیدنظر با بررسی لوایح دفاعیه، گزارش‌های سازمان اطلاعات استان تهران و مستندات پرونده، اعتراض‌های وکلای مدافع را «فاقد دلایل موجه قانونی» تشخیص داده و با استناد به بند (الف) ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، تجدیدنظرخواهی را مردود و رأی بدوی را تأیید کرده است.این رأی قطعی اعلام شده و قابل اعتراض در هیچ مرجع قضایی دیگر نیست.

وکیل پرونده، علی شریفی‌زاده اردکانی، با انتشار این خبر در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) از تأیید نهایی احکام موکلانش خبر داده و اعلام کرده است که این احکام در ادامه روند فشار بر فعالان مدنی و بیان‌گران دیدگاه‌های انتقادی در فضای مجازی صادر شده است.

در بحران گرانی و سقوط قدرت خرید در ایران، کارگران برای زنده ماندن هم با مشکل روبرو هستند

سمیه گلپور رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران هشدار داده که در سایه تورم مهارنشده و بی‌توجهی دولت به وضعیت معیشتی، دستمزد کارگران اکنون حتی به یک‌سوم خط فقر هم نمی‌رسد و «کارگر برای زنده ماندن هم با مشکل روبه‌روست».

سمیه گلپور گفته «دولت حتی از تنظیم قیمت‌هایی مثل تخم‌مرغ، گوشت، برنج و روغن هم ناتوان است. کاهش وعده‌های غذایی مردم از سه وعده به دو وعده، و حتی یک وعده، نتیجه همین سیاست‌های ناکارآمد است.»

حمید حاج اسماعیلی کارشناس بازار کار گفته در حال حاضر رقم خط فقر ۵۵ میلیون تومان است اما حقوق کارگران یا بازنشستگان تأمین اجتماعی حدود ۱۷ میلیون تومان است.

در حالیکه پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال جاری رقم تورم به ۵۰ درصد برسد، فعالان کارگری خواستار تعیین عادلانه دستمزد برای سال آینده هستند.

در آنسو کارفرمایان نیز که با مشکلاتی چون رکود تورمی، کاهش دامنه سود و کمبود منابع روبرو هستند می‌گویند توان پرداخت دستمزدهای بالا را ندارند.

در شرایطی که تورم به مرز ۵۰ درصد رسیده و فاصله میان دستمزد کارگران و هزینه زندگی عمیق‌تر شده است، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران گفته «کارگر برای زنده ماندن هم با مشکل روبرو است».

سمیه گلپور رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران هشدار داده که در سایه تورم مهارنشده و بی‌توجهی دولت به وضعیت معیشتی، دستمزد کارگران اکنون حتی به یک‌سوم خط فقر هم نمی‌رسد و «کارگر برای زنده ماندن هم با مشکل روبه‌روست».

سمیه گلپور با تأکید بر اینکه هزینه واقعی یک سبد معیشت برای خانواده‌های دو تا سه نفره بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان در ماه است، تأکید کرده که حقوق فعلی کارگران با مزایا نیز توان تأمین حداقل نیازهای زندگی را ندارد و «این ارقام نشان می‌دهد بسیاری از کارگران حتی توان تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی را ندارند.»

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران همچنین به آخرین آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران درباره تورم مهرماه امسال اشاره کرده و گفته تورم نقطه‌ای ۶۴ درصدی خوراکی‌ها و تورم عمومی نزدیک به ۵۰ درصدی است.

او با بیان اینکه در چنین شرایطی عملکرد دولت در کنترل قیمت کالاهای اساسی «کاملا شکست‌خورده است» گفته «دولت حتی از تنظیم قیمت‌هایی مثل تخم‌مرغ، گوشت، برنج و روغن هم ناتوان است. کاهش وعده‌های غذایی مردم از سه وعده به دو وعده، و حتی یک وعده، نتیجه همین سیاست‌های ناکارآمد است.»

این فعال کارگری با انتقاد از ساختار تعیین دستمزد گفته این شیوه تعیین دستمزد به گونه‌ای است که «کارگر فقط زنده بماند» و امکان رشد، رفاه یا زندگی آبرومندانه در عمل از بین رفته است.

همانطور که سمیه گلپور نیز اشاره کرده سالهاست که رقم حداقل دستمزد که مبنای پرداخت دستمزد کارگران است بدون تناسب با میزان تورم تعیین شده و در نتیجه قدرت خرید اقشار کارگر و دیگر حداقل‌بگیران هر سال با کاهشی بیشتر از سال قبل روبرو می‌شود.

اکنون در حالیکه پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال جاری رقم تورم به ۵۰ درصد برسد، فعالان کارگری خواستار تعیین عادلانه دستمزد برای سال آینده هستند.

در همین رابطه حمید حاج اسماعیلی کارشناس بازار کار گفته در حال حاضر رقم خط فقر ۵۵ میلیون تومان است اما حقوق کارگران یا بازنشستگان تأمین اجتماعی حدود ۱۷ میلیون تومان است.

او گفته «با توجه به بررسی‌های میدانی و جمع‌بندی‌ها و محاسبات علمی و ریاضی که در خصوص قیمت کالاها و نرخ تورم وجود دارد، برآوردها این است که در کشور خط فقر نسبی بالای ۵۵ میلیون تومان است. ممکن است در روزهای منتهی به پایان سال، این رقم حتی افزایش پیدا کند، زیرا نرخ تورم به سرعت دارد افزایش پیدا می‌کند.»

این کارشناس بازار کار با بیان اینکه آنچه در رابطه با رقم دستمزد در ایران برای گروه‌های کارگری، کارمندان و بازنشستگان مطرح است، حقوق به طور متوسط ۱۷ میلیون تومان است، گفته «این رقم تا خط فقر نسبی ۵۵ میلیون تومان، آن هم با توجه به تورم نزدیک به ۵۰ درصد، یک شکاف بسیار بزرگی دارد و فکر می‌کنم باید در خصوص این موضوع تدبیر ویژه داشته باشد؛ چراکه تعریف خط فقر و تورم، مسئولیت آن با دولت است که هم جبران کند، هم حمایت کند و هم پاسخ‌گو باشد.»

اگر چه فعالان کارگری معتقدند باید دستمزدها متناسب با رقم خط فقر یعنی حدود ۵۰ میلیون تومان تعیین شود اما در آنسو کارفرمایان نیز که با مشکلاتی چون رکود تورمی، کاهش دامنه سود و کمبود منابع روبرو هستند می‌گویند توان پرداخت دستمزدهای بالا را ندارند.

حمید حاج اسماعیلی در اینباره گفته «اگر دستمزد بالا تعیین شود، آیا کارفرمایان می‌توانند این رقم را پرداخت کنند، واقعا این نگرانی وجود دارد. چون همین الان هم با شرایط سختی که بر بازار کار مسلط شده، بازار کار رسمی کوچک و بازار دلالی، واسطه‌گری و بازار سیاه و اقتصاد غیررسمی بر بخش رسمی کشور فزونی پیدا کرده و شاید بیش از ۵۵ درصد کسب‌وکارها، غیررسمی شده‌اند.»

او افزوده «ما باید دستمزدی را تعیین کنیم که بخش خصوصی قادر به پرداخت آن باشد و بخش‌های عمومی مثل صندوق‌های بیمه‌ای به خصوص صندوق تامین‌اجتماعی توان پرداخت را داشته باشند.»

بازداشت شماری از شهروندان در اهواز به دلیل انتشار مطالبی درباره خودسوزی احمد بالدی

منابع حقوق بشری از جمله سایت «هرانا» از بازداشت حسن سلامات، جواد ساعدی و صادق آلبوشوکه، به دلیل انتشار مطالبی درباره خودسوزی احمد بالدی، دکه‌دار و دانشجوی ۲۰ ساله، در شبکه‌های اجتماعی خبر داد.

بر اساس این گزارش فضای امنیتی شدیدی در اطراف بیمارستان «طالقانی» اهواز وجود دارد و ماموران از تماس خانواده بالدی با خبرنگاران جلوگیری می‌کنند. گفته می‌شود ممکن است تعداد بازداشتی‌ها بیش از سه نفر باشد.

منابع حقوق بشری از جمله سایت «هرانا» از بازداشت حسن سلامات، جواد ساعدی و صادق آلبوشوکه، به دلیل انتشار مطالبی درباره خودسوزی احمد بالدی، دکه‌دار و دانشجوی ۲۰ ساله، در شبکه‌های اجتماعی خبر داد.

بر اساس این گزارش فضای امنیتی شدیدی در اطراف بیمارستان «طالقانی» اهواز وجود دارد و ماموران از تماس خانواده بالدی با خبرنگاران جلوگیری می‌کنند. گفته می‌شود ممکن است تعداد بازداشتی‌ها بیش از سه نفر باشد.

احمد بالدی دانشجوی جوان اهوازی، در اعتراض به تخریب دکه کاسبی پدرش از سوی ماموران شهرداری اهواز اقدام به خودسوزی کرد و در بیمارستان طالقانی اهواز بستری است، طبق گزارش‌ها حال او وخیم است.

دادسرای عمومی و انقلاب مرکز استان خوزستان در بیانیه‌ای هشدار داد با هر فرد یا جریانی که بخواهد از این حادثه در راستای اهداف «دشمنان»، ایجاد شکاف قومی یا برهم‌زدن آرامش عمومی سوءاستفاده کند، برخورد خواهد شد.

در پی اقدام به خودسوزی بالدی در اعتراض به تخریب دکه اغذیه‌فروشی پدرش در «پارک زیتون»، دادسرای عمومی و انقلاب خوزستان در بیانیه‌ای با تاکید بر «رسیدگی قضایی دقیق و همه‌جانبه»، تهدید کرد که «با جدیت با کسانی که از این حادثه، برای ایجاد تفرقه و تحریک احساسات قومیتی بهره‌برداری کنند، با جدیت برخورد می‌کند.»

مجاهد بالدی، پدر احمد به «خبرگزاری فارس» گفته بود، «پسرم وقتی دید نیروهای اجرائیات در حال تخریب محل هستند، التماس کرد که صبر کنند، اما کسی گوش نکرد و یکی از ماموران در پاسخ به تهدید به خودسوزی گفت: «بسوزان ببینم چطوری می‌سوزی» بعد از آن شیشه‌های محل را شکستند و درگیری بالا گرفت.»

بالدی گفت که زمین دکه متعلق به شهرداری است، اما ساخت بنا متعلق به او است. پدر خانواده همچنین گفته: «قراردادی بیست‌ساله با شهرداری داریم که هر سه سال یک‌بار تعدیل اجاره صورت می‌گیرد. قرارداد سه‌ماهه‌مان تمام شده بود اما طبق حکم دادستان، فرصت دو ساله‌ای برای ادامه فعالیت داده شده بود.»

ادعای نماینده مجلس شورای اسلامی: «اجرا نشدن قانون حجاب و عفاف باعث کم‌آبی شده است!»

غضنفری در گفتگویی با خبرگزاری ایلنا، مسعود پزشکیان را خطاب قرار داده و سوال کرده: «چرا بارندگی‌ها کم شده است؟ چرا نزولات جوی کم شده است؟ چرا برکات خداوند در این مورد کم شده است؟» -او سپس پاسخ پرسش خود را چنین داده: «آقای پزشکیان! شما با مخالفت‌هایی که با قانون عفاف و حجاب کردید، مسبب گسترش فساد و فحشا در سراسر کشور شدید. آقای رئیس‌جمهور! فکر نمی‌کنید خداوند عالم به واسطه گسترش فساد، برکات خودش را کم می‌کند؟ لذا آقای پزشکیان! ریشه بارش‌های کم را در گناهان خودتان ببینید!»

کامران غضنفری، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی ادعا کرده است، علت کاهش بارندگی و کم‌آبی را باید در گناهان رئیس جمهوری اسلامی دید که با قانون عفاف و حجاب مخالفت می کند. این نخستین بار نیست که مقامات متعصب در ایران، بی حجابی را دلیل اصلی «کم شدن برکت خدا» قلمداد می‌کنند.

کامران غضنفری در گفتگویی با خبرگزاری ایلنا، مسعود پزشکیان را خطاب قرار داده و سوال کرده: «چرا بارندگی‌ها کم شده است؟ چرا نزولات جوی کم شده است؟ چرا برکات خداوند در این مورد کم شده است؟»

او سپس پاسخ پرسش خود را چنین داده: «آقای پزشکیان! شما با مخالفت‌هایی که با قانون عفاف و حجاب کردید، مسبب گسترش فساد و فحشا در سراسر کشور شدید. آقای رئیس‌جمهور! فکر نمی‌کنید خداوند عالم به واسطه گسترش فساد، برکات خودش را کم می‌کند؟ لذا آقای پزشکیان! ریشه بارش‌های کم را در گناهان خودتان ببینید!»

غضنفری بسیاری از مشکلات کشور را ناشی از عملکرد دولت و اطرافیان رئیس‌جمهور دانست. او با اشاره به اظهارات اخیر پزشکیان درباره جیره بندی آب در تهران و احتمال تخلیه این شهر گفت: «ما به آقای پزشکیان توصیه می‌کنیم ابتدا هیئت دولت را از تهران خارج و به یکی از شهرستان‌ها ببرد، سپس نهاد ریاست جمهوری را کلا تعطیل کند. اگر آقای پزشکیان این کار را انجام دهد، بسیاری از مشکلات کشور حل خواهند شد.»

نماینده تهران در پاسخ به پرسشی در باره امکان بارورسازی ابرها از قرآن نقل کرد که «اگر مردم تقوا پیشه کنند و امر خداوند را اطاعت کنند، ما برکات را از آسمان و زمین بر آنها نازل می‌کنیم!»

وی سپس افزوده: «وقتی ما به دستورات خداوند عمل نمی‌کنیم و جناب رئیس جمهور بطورعلنی با عفاف و حجاب مخالفت می‌کند و باعث گسترش فساد و فحشا در جامعه می‌شود، نزول برکات کاهش پیدا می‌کند. این قاعده طبیعی است.»

رابطه برهنگی و خشکسالی

در تابستان گذشته نیز محمدصادق کوشکی که معمولا با عنوان «استاد دانشگاه و فعال فرهنگی» معرفی می شود، کم و بیش همین ادعاها را مطرح کرده و نوشته بود: «این روزها کشور دچار بحران آب است، اما کمتر کسی متوجه شده که میان خشکسالی و بی‌عفتی و برهنگی رابطه مستقیمی برقرار است.»

به اعتقاد کوشکی «هرچه منکرات و بی حجابی رواج بیشتری پیدا می‌کند و مسئولان، مقابله قانونی با بی‌عفتی و برهنگی را کنار می‌گذارند و عملا در حمایت از زنان برهنه و بی‌عفت موضع‌گیری می‌کنند، آسمان هم بر این سامان بخیل شده و قهر و غضب خدا همه، حتی مؤمنان را در بر خواهد گرفت و دعاها بی‌اثر خواهد شد.»

نزدیک به دو سال قبل، هنگامی که هنوز چند ماه بیشتر از ریاست جمهوری پزشکیان نگذشته بود، علم‌الهدی، امام جمعه مشهد گفته بود که دولت می‌خواهد بی حجابی را آزاد بگذارد تا مردم در برابر «ناترازی‌ها» سکوت کنند.

علم‌الهدی با لحنی تند پزشکیان را مواخذه کرد که «شما می‌خواهید در برابر مشکلات معیشتی مردم بی‌حجابی را آزاد کنید؟»

او گفته بود: «دولت می‌خواهد مردم در حرام و فسق و فجور آزاد باشند تا ناترازی آب و برق را تحمل کنند.»

کیهان

برگزاری نشست علنی بررسی عملکرد دولت در اجرای سال نخست برنامه هفتم توسعه

مالک شریعتی نیاسر، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «فوری‌ترین مسئله کشور رفع ناترازی انرژی و سریعترین راه آن مدیریت مصرف انرژی است» تأکید کرد موضوع ایجاد زیرساخت‌های رفع ناترازی انرژی در برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده اما از سوی دولت اجرا نشده است.

عبدالجلال ایری، سخنگوی کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، نیز به موضوع بحران کم‌آبی پرداخت و گفت «ارزیابی عملکرد یک ساله وزارت نیرو در این حوزه نشان می‌دهد که میان اهداف تعیین‌شده در برنامه هفتم و دستاوردهای واقعی فاصله قابل توجهی وجود دارد.»

حسینعلی حاجی‌دلیگانی، عضو کمیسیون برنامه و و بودجه مجلس شورای اسلامی به هدفگذاری کاهش تورم در برنامه هفتم توسعه اشاره کرد و گفت: «چرا نظارت لازم به موقع اعمال نشده است؟ چرا باید در یک ماه، دو بار قیمت‌ها افزایش پیدا کند؟ چرا فقط دلالان از این وضعیت سود می‌برند و پول بیت‌المال به جیب آنان می‌رود؟»

معاون نظارت مجلس شورای اسلامی نیز با ارائه آماری قابل توجه اعلام کرد ۷۷ درصد از احکام سال نخست برنامه هفتم توسعه در وزارت راه و شهرسازی، ۴۱ درصد از احکام سازمان برنامه و بودجه، ۶۰ درصد از احکام وزارت اقتصاد، ۵۶ درصد از احکام وزارت نیرو و ۶۲ درصد از احکام وزارت صمت محقق نشده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴ میزبان شماری از اعضای هیئت دولت بودند تا عملکرد دولت چهاردهم در اجرای برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه را بررسی کنند.

در نوبت صبح جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴ محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهور، حمید پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، محسن پاک‌نژاد وزیر نفت، فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی، عباس علی‌آبادی وزیر نیرو، ستار هاشمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به ارائه گزارش در مورد اجرای برنامه هفتم توسعه پرداختند.

در نوبت عصر نیز اسکندر مؤمنی وزیر کشور، اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات، امین حسین رحیمی وزیر دادگستری، عباس عراقچی وزیر امور خارجه و عزیز نصیرزاده وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در صحن علنی مجلس شورای اسلامی، جهت ارائه گزارش برنامه هفتم توسعه حضور داشتند.

در این جلسه نمایندگان انتقادهایی را به عملکرد دولت پزشکیان به ویژه در حوزه اقتصاد همچنین اجرای مصوبات برنامه هفتم توسعه مطرح کردند. خبرگزاری «تابناک» گزارش داده نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ارزیابی خود، عملکرد اقتصادی دولت را تنها ۳۷ از ۱۰۰ اعلام کردند.

مالک شریعتی نیاسر، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی طی سخنانی با بیان اینکه «فوری‌ترین مسئله کشور رفع ناترازی انرژی و سریعترین راه آن مدیریت مصرف انرژی است» تأکید کرد موضوع ایجاد زیرساخت‌های رفع ناترازی انرژی در برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده اما از سوی دولت اجرا نشده است.

مالک شریعتی نیاسر گفته اجرای مصوبات برنامه هفتم توسعه در حوزه انرژی با یک سال تأخیر روبروست و افزود «علت این تأخیر این بود که سازمان برنامه برخلاف مصوبه قانون برنامه اراده‌اش این بود که این سازمان هم مثل سازمان هدفمندی زیر نظر خودش مدیریت شود.»

ابراهیم نجفی عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی نیز به موضوع اختلال در تولید محصولات کشاورزی اشاره کرد و گفت: «هدف کمی تولید محصولات اساسی نظیر گندم، جو، برنج، گوشت قرمز و سفید باید به ۹۰ درصد خودکفایی برسد، اما در حال حاضر با وجود تخصیص یک و نیم میلیارد دلار ارز ترجیحی برای نهاده‌های دامی، دامداران برای دریافت نهاده از سامانه بازارگاه با مشکل مواجه‌اند، در حالی که بازار آزاد مملو از نهاده‌های دامی است. این وضعیت نشان‌دهنده ضعف نظارت در زنجیره توزیع است و وزیر جهاد کشاورزی باید شخصاً در این زمینه ورود کرده و نظارت مستمر و میدانی را برقرار کند.»

عبدالجلال ایری، سخنگوی کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، نیز به موضوع بحران کم‌آبی پرداخت و گفت «نخست افزایش تولید آب شرب از طریق شیرین‌سازی و بازچرخانی آب، دوم اصلاح شبکه و بهبود توزیع آب شرب، و سوم مدیریت مصرف با بهره‌گیری از کنتورهای هوشمند موارد مورد تأکید در برنامه هفتم توسعه بوده است. ارزیابی عملکرد یک‌ساله وزارت نیرو در این سه حوزه نشان می‌دهد که میان اهداف تعیین‌شده در برنامه هفتم و دستاوردهای واقعی فاصله قابل توجهی وجود دارد.»

همچنین حسینعلی حاجی‌دلیگانی، عضو کمیسیون برنامه و و بودجه مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «لازم است در پایان این جلسه، نتیجه و نقشه‌ای ملموس برای مردم حاصل شود تا احساس نکنند این نشست‌ها صرفاً تشریفاتی است» خطاب به اعضای هیئت دولت که در صحن علنی مجلس حضور داشتند گفت که ماده ۷ قانون، مهم‌ترین بخش برنامه هفتم توسعه است و به موضوع نرخ تورم و گرانی مربوط است. او پرسید «چرا نظارت لازم به موقع اعمال نشده است؟ چرا باید در یک ماه، دو بار قیمت‌ها افزایش پیدا کند؟ چرا فقط دلالان از این وضعیت سود می‌برند و پول بیت‌المال به جیب آنان می‌رود؟»

در ادامه بیت‌الله عبداللهی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه قیمت‌ها نه‌تنها ثابت نمانده بلکه روزبه‌روز افزایش یافته است، گفت: «مردم بیش از هر گزارش عددی یا آماری، به دنبال مشاهده ثبات قیمت‌ها در زندگی خود هستند. در خصوص نقدینگی نیز قرار بود برنامه بتواند این شاخص را کنترل کند، اما متأسفانه شاهد رشد نقدینگی و تورم در کشور هستیم. نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه افزایش یافته و به بالای ۳۶.۸ درصد رسیده است.»

بیت‌الله عبدالهی در ادامه با انتقاد از افزایش نرخ ارز، افزوده «در موضوع نرخ ارز نیز علی‌رغم تأکیدات فراوان در برنامه، شاهد افزایش مداوم قیمت ارز هستیم. قیمت ارز تأثیر مستقیم بر زندگی و معیشت مردم دارد و افزایش آن بر رفاه خانواده‌ها اثرگذار است.»

غلامرضا تاجگردون رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی نیز به عملکرد نامناسب وزارت کار در اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان پرداخت و گفت «در سال اول برنامه شاهد افزایش ناترازی صندوق‌های بازنشستگی بودیم و «انجام متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان مفاد ماده ۲۸ این قانون است باتوجه‌به ادامه ناترازی صندوق‌ها و کسری بوده دولت با تأخیر روبه‌رو بود.»

پژمان پشمچی‌زاده معاون نظارت مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز دوشنبه نیز با ارائه آماری قابل توجه اعلام کرد ۷۷ درصد از احکام سال نخست برنامه هفتم توسعه در وزارت راه و شهرسازی محقق نشده است.

معاون نظارت مجلس شورای اسلامی افزوده اجرای ۴۱ درصد از احکام سازمان برنامه و بودجه، ۶۰ درصد از احکام وزارت اقتصاد، ۵۶ درصد از احکام وزارت نیرو و ۶۲ درصد از احکام وزارت صمت در سال اول اجرای قانون محقق نشده است.

اعضای هیئت دولت اما به توجیه عملکرد منفی خود در اجرا نشدن مصوبات سال نخست برنامه هفتم توسعه پرداختند.

محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان طی سخنانی گفت «آنچه که باید در نظر گرفت شرایط اجرای برنامه است ما در برق در سال گذشته در یک بخشی از صنعت ۳۰۰ همت عدم نفی داشتیم که این بر رشد اثر می‌گذارد.»

محمدرضا عارف اما توضیح نداد چرا دولت نتوانست آنطور که وزیر نیرو زمستان گذشته وعده داده بود کمبود برق را مدیریت کند؟

معاون اول مسعود پزشکیان همچنین بخشی از مشکل را گردن دولت پیشین انداخت و گفت «بدهی که از دولت گذشته داشتیم باعث شد ابتدا آنها را پرداخت کنیم تا محموله‌های جدید دامی وارد کشور شود، تامین کنندگان نهاده‌های دامی حدود پنج میلیارد دلار طلب داشتند.»

اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات دولت پزشکیان نیز «دشمن» را عامل بروز مشکلات معرفی کرد و گفت: «تمام تلاش دشمن در جهت این بود که بتواند در درون کشور شبکه‌سازی‌هایی را انجام بدهد و فعال کند تا این شبکه‌سازی‌ها به سوی نافرمانی رفته و جهت‌دهی شوند که به لطف خدا با تعامل و هماهنگی و همکاری که الان وجود دارد شاهد امنیت و آرامش در کشور هستیم.»

عباس عراقچی وزیر امور خارجه نیز در سخنانی مدعی شد «دفاع از مواضع کشورمان و مقابله با هجمه‌های بین‌المللی از جمله در موضوعات حقوق بشری؛ تبیین دستاوردهای حقوق بشری جمهوری اسلامی و وضعیت حقوق بشر در کشورهای مدعی» از دستاوردهای این وزارتخانه طی یک سال اخیر بوده است.

او در ادامه توضیح کارنامه وزارت خارجه طی یک سال گذشته موارد دیگری را ادعا کرد: «حفاظت و پاسداری نسبت به اقدامات و ادعاهای نقض حاکمیت و تمامیت سرزمینی ایران با استفاده از امکانات حقوقی و بین‌المللی؛ ایفای نقش فعالانه در چهارچوب سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی چه در چهارچوب سازمان ملل و چه در نهادهایی همچون سازمان همکاری اسلامی، سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس؛ طراحی و پیگیری اقدامات در سطوح دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی برای مقابله با اقدامات قهری و تحریم‌های یک‌جانبه» و «از همه مهمتر دیپلماسی فعال در جهت مقابله با تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا به کشورمان و اجماع‌سازی در سطح بین‌المللی علیه این تجاوز، که منجر به محکومیت آن از سوی بیش از ۱۲۰ کشور جهان شد.»

او همچنین «پیشبرد همه‌جانبه سیاست حسن همسایگی» و از جمله «روابط مستحکم با روسیه و چین؛ رایزنی‌های مستمر با کشورهای همسو به‌ویژه در میان همسایگان و قدرت‌های نوظهور؛ حمایت از مردم فلسطین و لبنان و جنبش‌های مقاومت در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی» را از دیگر دستاوردهای عملکرد این وزارتخانه طی یک سال اخیر معرفی کرد.

عباس عراقچی افزود «گسترش میدان دیپلماسی و استفاده از ظرفیت‌های دیگر مناطق و دیپلماسی فعال در سازمان ملل در موضوع موسوم به سازوکار ماشه که منجر به ایجاد شکاف در شورای امنیت با اعلام مواضع قاطع چین و روسیه و حمایت ۱۲۱ کشور عضو جنبش عدم تعهد از مواضع ایران، روسیه و چین علیه سازوکار ماشه، و عدم پذیرش اعاده قطعنامه‌های گذشته شورای امنیت شد» نیز از دیگر نکات قوت کارنامه وزارت امور خارجه دولت پزشکیان بوده است!

عباس عراقچی: در حال حاضر هیچ امکانی برای از سر گیری مذاکرات با آمریکا وجود ندارد

عباس عراقچی

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۱۸ آبان‌ماه در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، در پاسخ به پرسشی درباره امکان ازسرگیری مذاکرات با آمریکا گفت: «واقعیت این است که در حال حاضر هیچ امکانی وجود ندارد، چون ما هیچ رویکرد مثبت یا سازنده‌ای از طرف آمریکا نمی‌بینیم».

● «هیچ رویکرد مثبت یا سازنده‌ای از طرف آمریکا نمی‌بینیم» و «هر زمان که آنها برای مذاکره‌ای برابر برای یک توافق سودمند آماده باشند، مذاکره می‌تواند ممکن باشد».

وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۱۸ آبان‌ماه در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، در پاسخ به پرسشی درباره امکان ازسرگیری مذاکرات با آمریکا گفت: «واقعیت این است که در حال حاضر هیچ امکانی وجود ندارد، چون ما هیچ رویکرد مثبت یا سازنده‌ای از طرف آمریکا نمی‌بینیم.»

عباس عراقچی توضیح داد: «هر زمان که آن‌ها [آمریکا] برای مذاکره‌ای بر پایه‌ای برابر و با هدف دستیابی به توافقی سودمند برای هر دو طرف آماده باشند، مذاکره می‌تواند ممکن باشد و ایران می‌تواند آن را مورد بررسی قرار دهد. اما رویکردی که ما از آمریکایی‌ها می‌بینیم چنین چیزی را نشان نمی‌دهد.»

آنچه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، به عنوان شرط مذاکره با جمهوری اسلامی تعیین کرده است، «برچیدن تمام ظرفیت‌های غنی‌سازی اورانیوم» در ایران است. همچنین کشورهای غربی تأکید کرده‌اند که حکومت باید تولید موشک‌های بالستیک دوربرد و حمایت از گروه‌های نیابتی را متوقف کند. ترامپ در یکی از مصاحبه‌های خود تقریباً به‌طور مستقیم به مقام‌های تهران گفت که باید «موجودیت اسرائیل» را به رسمیت بشناسند؛ اما هیچ‌یک از این موارد از سوی جمهوری اسلامی پذیرفته نشده است.

همزمان، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طی چند مصاحبه به جمهوری اسلامی هشدار داده است که باید مذاکره با غرب را آغاز کند. رافائل گروسی به‌طور آشکار اخطار داده است که آنچه از وقوع یک جنگ دیگر جلوگیری می‌کند، اجازه دادن به بازرسان آژانس برای بازدید از تأسیسات اتمی است که در بمباران آمریکا تخریب شده‌اند.

بر اساس گزارش آژانس، سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی پس از بمباران سایت‌های فردو، نطنز و اصفهان مبهم است و جمهوری اسلامی برای روشن شدن وضعیت آن‌ها با بازرسان همکاری نمی‌کند، هرچند عراقچی مدعی است این اورانیوم‌ها زیر آوار مدفون مانده‌اند.

عراقچی بارها در صحبت‌های خود چه در زمانی که معاون محمدجواد ظریف بود و چه اکنون که وزیر خارجه است، عنوان کرد مجری همان نسخه‌هایی است که نهادهای بالادستی برای وزارت خارجه می‌پیچند، اما همواره از سوی جریان ولایتمدار و مخالفان مذاکره با آمریکا با انتقاد روبروست. اما مدتی است حتا اصلاح‌طلبان حامی دولت مسعود پزشکیان نیز از او انتقاد می‌کنند.

سایت «فرارو» ۱۸ آبان در این ارتباط نوشت: «عباس عراقچی که با سابقه‌ای طولانی در مذاکرات هسته‌ای به میدان آمد، انتظار می‌رفت با اتکا به تجربه خود بتواند ساختار وزارت خارجه را احیا کند و مسیر سیاست خارجی را از بن‌بست خارج سازد. با این حال، کارنامه یک‌سال‌و دوماه‌و ۱۷روزه‌اش نشان می‌دهد که نه در سطح تصمیم‌سازی، نه در سطح اجرا و نه در عرصه دیپلماسی عمومی، تحرک مؤثری از دستگاه سیاست خارجی مشاهده نمی‌شود.»

لارنس نورمن خبرنگار روزنامه «وال استریت ژورنال» ۲۸ مهرماه در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: اگر همکاری‌ای از سوی ایران صورت نگیرد، به من گفته شده که سه کشور اروپایی (E3) ممکن است پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل بفرستند- احتمالاً تا ماه نوامبر.

او گفته بود، «ایران می‌تواند وانمود کند که موضوع حل‌وفصل شده، اما چنین نیست. یادمان باشد که سه کشور اروپایی تا دوازده ماه فرصت دارند تا قطعنامه مربوط به عدم پایبندی ایران در ماه ژوئن را به شورای امنیت ارجاع دهند.»

کیهان

دور جدید اعتصاب و اعتراض پرستاران در مشهد وارد سومین روز شد

در سومین روز از اعتراضات پرستاران، صدها پرستار شاغل در چند بیمارستان مشهد روز چهارشنبه ۲۱ آبان‌ماه ۱۴۰۴ در مقابل ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی این شهر اعتصاب، و تجمع اعتراضی برگزار کردند.

پرستاران معترض شعارهایی چون «پرستار نباشه سیستم از هم می‌پاشه»، «مسئول بی‌کفایت استعفا استعفا»، «پرستار له میشه، جیب ستاد پر میشه» و «تعرفه حق ماست، پولش توی جیب شماست» سر دادند.

دور جدید اعتراض پرستاران مشهد در حالی وارد سومین روز پیاپی شده که پیشتر نیز پرستاران در شهرهای کرمانشاه، یاسوج، مشهد، تبریز، اهواز و سنندج، پرستاران تجمعاتی در اعتراض به وضعیت شغلی خود برگزار کرده بودند.

محمد شریفی‌مقدم دبیر کل خانه پرستار: برآوردهای شخصی و گزارش‌های کاریابی‌ها نشان می‌دهد که سالانه حدود ۳ هزار پرستار کشور را ترک می‌کنند.

اجرای ناقص قوانین پرستاری، تعرفه‌های پایین و تعویق در پرداخت‌ها، بی‌توجهی به فوق‌العاده‌های خاص، اختلاف زیاد میان کارانه پزشکان و پرستاران و نیز سختی کار از دلائل بروز اعتراضات پرستاران بوده است.

پرستاران روز سه‌شنبه بیستم آبان و در دومین روز اعتراضات، مقابل بیمارستان «رضا» تجمع کردند

در سومین روز از اعتراضات پرستاران، صدها پرستار شاغل در چند بیمارستان مشهد روز چهارشنبه ۲۱ آبان‌ماه ۱۴۰۴ در مقابل ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی این شهر اعتصاب، و تجمع اعتراضی برگزار کردند.

پرستاران در مشهد، مانند همکاران‌شان در دیگر شهرها، خواستار بهبود وضع معیشت، اجرای دقیق قوانین شغلی و اصلاح نظام پرداخت تعرفه‌های پرستاری، کارانه‌ها و مزایا هستند.

پرستاران معترض شعارهایی چون «پرستار نباشه سیستم از هم می‌پاشه»، «مسئول بی‌کفایت استعفا استعفا»، «پرستار له میشه، جیب ستاد پر میشه» و «تعرفه حق ماست، پولش توی جیب شماست» سر دادند.

پرستاران در مشهد طی روزهای دوشنبه و سه‌شنبه، ۱۹ و ۲۰ آبان‌ماه، نیز تجمعات اعتراضی برگزار کرده بودند. پرستاران معترض روز دوشنبه در مقابل بیمارستان «قائم» تجمع کردند و روز سه‌شنبه نیز در محوطه بیمارستان «رضا» جمع شدند.

در روز چهارشنبه پرستاران بیمارستان «اکبر» نیز به همکاران شاغل خود در بیمارستان‌های «قائم» و «رضا» پیوستند.

بر اساس گزارش‌ها علاءالدین رفیع‌زاده رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور و معاون مسعود پزشکیان، به همراه حسن حسینی فرماندار مشهد با حضور در جمع پرستاران معترض تلاش کرد آنها را قانع به پایان اعتراض و اعتصاب کنند.

بر اساس ویدئوهای منتشر شده پرستاران پس از آنکه معاون مسعود پزشکیان گفت «منابع لازم برای پرداخت فوق‌العاده خاص نیست»، فریاد کشیده و به او اعتراض کردند.

خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به اعتراض پرستاران مشهد طی سه روز گذشته، نوشته پیشتر نیز پرستاران در شهرهای کرمانشاه، یاسوج، مشهد، تبریز، اهواز و سنندج، پرستاران تجمعاتی در اعتراض به وضعیتِ خود برگزار کرده بودند.

به گزارش «ایلنا» این پرستاران در بیانیه‌ای مطالبات خود را سراسری دانستند و به آن اشاره کردند. از جمله این مطالبات عبارتند از: شفاف‌سازی تعرفه‌ها و نحوه‌ی تخصیص کارانه‌ها، عدالت در پرداخت تعرفه میان پزشکان و سایر کادر درمان، عدالت در پرداخت تعرفه میان پزشکان و سایر کادر درمان، پرداخت به‌موقع معوقات و مطالبات مالی، استخدام نیروهای جدید و کاهش بار کاری کادر درمان و درج فوق‌العاده خاص با ضریب ۳ در فیش حقوقی.

در این بیانیه آمده است: «با توجه به نقش حیاتی و حساس کادر درمان در حفظ سلامت جامعه، درخواست داریم فوق‌العاده خاص با ضریب ۳ به‌صورت رسمی در فیش حقوقی نیروهای درمانی لحاظ گردد. اجرای این بند می‌تواند بخشی از تبعیض‌های مزدی موجود را جبران کرده و موجب افزایش انگیزه و پایداری نیروهای متخصص در حوزه سلامت شود.»

پرستاران همچنین به کمبود نیروی انسانی اشاره کردند و نوشتند: «کمبود نیروی انسانی در بسیاری از واحدهای درمانی، منجر به افزایش حجم کار، خستگی و اضافه‌کاری‌های اجباری شده است که در نهایت می‌تواند بر کیفیت خدمات به بیماران اثر منفی بگذارد.»

این بیانیه افزوده «خدمات درمانی نتیجه‌ی همکاری و تلاش همه اعضای تیم درمان است. از این‌رو، خواستار بازنگری در نظام تعرفه‌گذاری و پرداخت‌ها هستیم تا عدالت واقعی میان پزشکان و دیگر اعضای کادر درمان برقرار گردد. تحقق این امر موجب افزایش انگیزه، همبستگی و رضایت شغلی در محیط‌های درمانی خواهد شد.»

این پرستاران همچنین با اشاره به تأخیر در پرداخت نوشتند «تأخیر در پرداخت معوقات، فشار اقتصادی و روحی قابل توجهی بر نیروهای درمانی وارد کرده است. خواهشمندیم سازوکار مشخص و زمان‌بندی شفافی برای پرداخت‌ها تعیین گردد تا آرامش و ثبات کاری در محیط‌های درمانی حفظ شود.»

سلام ستوده عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز در گفتگو با وبسایت «رویداد۲۴» با اشاره به مهاجرت گسترده در میان پرستاران و دیگر بخش‌های کادر درمان گفته «۱۵ هزار کادر درمان در پنج سال گذشته از ایران رفته‌اند.»

سلام ستوده با انتقاد از بی‌تفاوتی دولت به وضعیت پرستاران گفته «در بخش فوتبال شاهد هزینه‌های نجومی برای بازیکنان و مربیان خارجی هستیم، در حالی که بسیاری از پرستاران برای دریافت اضافه‌کار ناچیزشان ماه‌ها دوندگی می‌کنند. وضعیت کشور آن‌قدر هم بحرانی نیست که همه چیز را به تحریم نسبت دهیم. مشکل اصلی، ضعف در مدیریت منابع و بی‌عدالتی در توزیع ثروت است.»

بر اساس گزارش‌ها اجرای ناقص قوانین پرستاری از جمله ثبت اقدامات و کارهای پرستاران به نام پزشکان، تعرفه‌های پایین و تعویق در پرداخت‌ها، بی‌توجهی به فوق‌العاده‌های خاص، اختلاف زیاد میان کارانه پزشکان و پرستاران و نیز سختی کار از جمله شیفت‌های طولانی و فشار کار بالا به دلیل کمبود پرستار نسبت به بیمار، از دلائل بروز اعتراضات پرستاران بوده است.

برای نمونه قانون «تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری» که پس از سال‌ها پیگیری تصویب و در دولت سیزدهم اجرایی شد، قرار بود بخشی از تبعیض میان پزشکان و پرستاران را از میان بردارد؛ اما بنا به گفته فعالان صنفی، اجرای آن ناقص و ناهماهنگ بوده است.به گفته‌ی یکی از پرستاران معترض: «تعرفه‌گذاری فقط روی کاغذ اجرا شده، در عمل یا پرداختی نداریم یا آن‌قدر ناچیز است که حتی اضافه‌کاری هم جبران نمی‌شود.»

همچنین پرستاران می‌گویند با کمبود نیرو، مجبورند شیفت‌های ۱۲ تا ۱۸ ساعته کار کنند و در شرایط تورمی کنونی، بسیاری از همکارانشان یا شغل دوم گرفته‌اند یا در حال مهاجرت هستند.یک پرستار بیمارستان لبافی‌نژاد گفته است: «ما در دوران کرونا جنگیدیم، حالا بعد از سه سال هنوز برای حق‌الزحمه همان دوران هم پاسخی نگرفتیم.»

طی یک سال گذشته وزارت بهداشت در چند نوبت وعده داده که پرداخت معوقات در دستور کار است و اصلاح نظام پرداخت در حال بررسی است؛ اما هنوز برنامه عملی مشخصی ارائه نشده است.

همایون ارشادی، بازیگر سینما، درگذشت

همایون ارشادی بازیگر سینما بامداد روز سه‌شنبه ۲۰ آبان‌ماه ۱۴۰۴ در سن ۷۸ سالگی به علت ابتلا به بیماری سرطان در تهران درگذشت.

همایون ارشادی در سال ۱۳۷۶ با بازی در فیلم «طعم گیلاس» ساخته عباس کیارستمی به شهرت رسید. این فیلم برنده جایزه نخل طلای جشنواره کن شد.

«درخت گلابی»، «واکنش پنجم»، «پارتی»، «پرونده هاوانا»، «زندگی با چشمان بسته»، «آل»، «نارنجی‌پوش» و «اشباح» از دیگر آثاری هستند که همایون ارشادی در آنها ایفای نقش کرده بود.

همایون ارشادی بازیگر سینما بامداد روز سه‌شنبه ۲۰ آبان‌ماه ۱۴۰۴ در سن ۷۸ سالگی به علت ابتلا به بیماری سرطان در تهران درگذشت.

همایون ارشادی در سال ۱۳۷۶ با بازی در فیلم «طعم گیلاس» ساخته عباس کیارستمی به شهرت رسید. این فیلم برنده جایزه نخل طلای جشنواره کن شد.

او متولد سال ۱۳۲۶ در اصفهان و دانش‌آموخته رشته معماری از ایتالیا بود. او پس از ۱۱ سال زندگی در ایتالیا به ایران بازگشت و فعالیت سینمایی خود را آغاز کرد.

همایون ارشادی برنده جایزه بنیاد بلونلیج در جشنواره فیلم ونیز و نامزد چندین جایزه دیگر در ایران و آمریکا بود.

«درخت گلابی»، «واکنش پنجم»، «پارتی»، «پرونده هاوانا»، «زندگی با چشمان بسته»، «آل»، «نارنجی‌پوش» و «اشباح» از دیگر آثاری هستند که همایون ارشادی در آنها ایفای نقش کرده بود.

همایون ارشادی

مراسم خاکسپاری همایون ارشادی روز چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۴ در «بهشت سکینه» شهر کرج برگزار خواهد شد.

عامل اصلی جان باختن احمد بالدی

احمد بالدی جوان دانشجو ۲۰ ساله اهوازی که چند روز پیش در اعتراض به تخریب دکه اغذیه‌فروشی خانوادگی‌شان توسط مأموران شهرداری خودسوزی کرده بود؛ درگذشت.

© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

در ایران نسبت پرستار به جمعیت فقط ۱/۸ به ازای هر هزار نفر است و استاندارد تعیین‌شده توسط وزارت بهداشت برای ارائه خدمات حداقلی به مردم، بالاتر از این مقدار است. تعداد شاغلان پرستاری حدود ۱۳۰ هزار نفر است و مجموع کادر پرستاری کشور (دولتی، خصوصی، تامین اجتماعی و نیروهای مسلح) حدود ۲۵۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. استاندارد جهانی نسبت پرستار به جمعیت به ازای هر هزار نفر، حدود ۶ تا ۹ نفر است

در این میان حدود ۳۰ هزار پرستار در ایران شغل پرستاری را رها کرده و به دیگر مشاغل از جمله راننده تاکسی اینترنتی روی آورده و یا خانه‌نشین شده‌اند. شمار زیادی از پرستاران نیز به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند.

محمد شریفی‌مقدم دبیر کل خانه پرستار در یادداشتی که در روزنامه «اعتماد» منتشر شده با اشاره به موج گسترده مهاجرت پرستاران از ایران نوشته «برآوردهای شخصی و گزارش‌های کاریابی‌ها نشان می‌دهد که سالانه حدود ۳ هزار پرستار کشور را ترک می‌کنند. این مهاجرت عمدتا از طریق شرکت‌های کاریابی یا به‌صورت مستقیم اتفاق می‌افتد و آمار رسمی دقیقی از آن در دست نیست.»

محمد شریفی مقدم افزوده «افزایش هزینه صدور برگ صلاحیت حرفه‌ای ۷-۸ میلیون تومان، توسط سازمان نظام پرستاری به منظور کنترل مهاجرت انجام شده، اما واقعیت نشان می‌دهد که تمایل پرستاران به خروج از کشور کاهش نیافته است.»

شریفی مقدم افزوده «پرستاران تازه‌فارغ‌التحصیل نیز ملزم به گذراندن دوره طرح دو ساله هستند که در آن مهارت‌های بالینی را تجربه می‌کنند، زیرا آموزش‌های دانشگاهی بیشتر جنبه تئوری دارد؛ علاوه بر این، بخشی از کادر پرستاری را نیروهای کمک‌پرستار و شرکتی تشکیل می‌دهند که ماندگاری آنها در حرفه کوتاه است.»

زنگ خطر آلودگی هوا در ایران؛ مرگ ده‌ها هزار نفر در سال و خسارت اقتصادی روزانه ۴۷ میلیون دلار!

شهرهای مختلف استان خوزستان درگیر آلودگی شدید هوا هستند و استانداری خوزستان در اقدامی بی‌سابقه از تعطیلی کلیه مدارس در شهرهای آلوده استان تا پایان آبان‌ماه خبر داده است.

هوای خوزستان دیگر فقط غبارآلود نیست؛ سمی است. استاندار خوزستان اعلام کرده یکی از گاز مشعل‌های فعال در کمپ نفتی «کریت‌کمپ» در بخش مرکزی اهواز گاز ترش آلوده به هیدروژن سولفید تولید می‌کند که اسیدی و بسیار سمی است و باید خاموش شود.

استان‌های تهران، البرز و اصفهان نیز از دیگر استان‌هایی هستند که کیفیت هوا در برخی از شهرهای آنها به وضعیت ناسالم و بسیار ناسالم رسیده است.

در استان تهران کارگروه اضطرار آلودگی هوا از روز گذشته بسیاری از فعالیت‌ها در این استان، از جمله فروش طرح ترافیک در پایتخت را به مدت ۴۸ ساعت ممنوع اعلام کرد.

معاون وزیر بهداشت برآورد خسارات اقتصادی ناشی از مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا در سال ۱۴۰۳ را حدود ۱۷/۲ میلیارد دلار اعلام کرد که معادل ۴۷ میلیون دلار در روز است.

هشت سال از تصویب و ابلاغ «قانون هوای پاک» می‌گذرد و همچنان این قانون اجرایی نشده است!

تهران، ۱۸ آبان ۱۴۰۴، عکاس: مجید قهرودی

آلودگی هوا در ایران طی روزهای گذشته خبرساز شده است. شهرهای مختلف استان خوزستان درگیر آلودگی شدید هوا هستند و استانداری خوزستان در اقدامی بی‌سابقه از تعطیلی کلیه مدارس در شهرهای آلوده استان تا پایان آبان‌ماه خبر داده است. استان‌های تهران، البرز و اصفهان نیز از دیگر استان‌هایی هستند که کیفیت هوا در برخی از شهرهای آنها به وضعیت ناسالم و بسیار ناسالم رسیده است.

سازمان هواشناسی ایران بامداد روز سه‌شنبه ۲۰ آبان‌ماه ۱۴۰۴ با صدور اطلاعیه‌ای برای پنج روز آینده، افزایش غلظت آلاینده‌های جوی و کاهش کیفیت هوا در شهرهای صنعتی و پرجمعیت پیش‌بینی کرد. همچنین امروز در برخی مناطق شرق و جنوب شرق کشور افزایش سرعت وزش باد، در برخی مناطق خیزش گردوخاک و کاهش کیفیت هوا رخ می‌دهد.

در روزهای گذشته هوای شهرهای بزرگ و صنعتی آلوده بوده اما دو استان تهران و خوزستان با وضعیتی بحرانی در رابطه با آلودگی هوا روبرو بودند.

استانداری خوزستان در تاریخ ۱۸ آبان‌ماه جاری، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که تمام مدارس دوره ابتدایی و متوسطه اول در شهرهای آلوده استان تا پایان آبان به صورت غیرحضوری فعالیت خواهند کرد؛ تصمیمی که با هدف حفظ سلامت دانش‌آموزان و جلوگیری از تشدید مشکلات تنفسی گرفته شده است.

در استان تهران نیز کارگروه اضطرار آلودگی هوا از روز گذشته بسیاری از فعالیت‌ها در این استان، از جمله فروش طرح ترافیک در پایتخت را به مدت ۴۸ ساعت ممنوع اعلام کرد.

بر اساس اعلامیه استانداری تهران، کارمندانی بیماری زمینه‌ای، تنفسی و قلبی دارند و مادرانی که فرزندان خردسال دارند نیز، می‌توانند با ارائه مستندات و هماهنگی مدیر مربوطه از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ به مدت ۴۸ ساعت در اسلامشهر، ری، بهارستان، رباط کریم، پاکدشت، شهریار ،قرچک، پیشوا، دماوند، ورامین دورکاری کنند. در این اطلاعیه آمده با توجه به آلودگی هوا استفاده از ماسک ضرورت دارد.

همزمان روز گذشته علیرضا رئیسی، معاون بهداشت وزارت بهداشت اعلام کرد در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۹ هزار نفر در ایران بر اثر آلودگی هوا جان خود را از دست داده‌اند؛ یعنی به‌طور میانگین روزی ۱۶۱ نفر یا ساعتی ۷ نفر.

معاون وزیر بهداشت برآورد خسارات اقتصادی ناشی از مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا در سال ۱۴۰۳ را حدود ۱۷/۲ میلیارد دلار اعلام کرد که معادل ۴۷ میلیون دلار در روز یا حدود یک هزار و ۳۹۴ هزار میلیارد تومان با احتساب نرخ ارز نیمایی از مرکز مبادله ارز و طلا است.

در روزهای گذشته و در شرایطی که هوای اکثر شهرهای استان خوزستان ناسالم اعلام شده‌اند، ارائه گزارشی از سوی استاندار خوزستان نشان داده هوای خوزستان دیگر فقط غبارآلود نیست؛ سمی است.

محمدرضا موالی‌زاده، استاندار خوزستان اعلام کرده یکی از گاز مشعل‌های (فلرهای نفتی) فعال در کمپ نفتی «کریت‌کمپ» در منطقه‌ای صنعتی واقع در بخش مرکزی اهواز گاز ترش آلوده به هیدروژن سولفید تولید می‌کند که اسیدی و بسیار سمی است و باید خاموش شود.

مدیر حفاظت از محیط‌زیست خوزستان نیز اعلام کرده در هفته گذشته اهواز تحت‌تأثیر دود هورالعظیم نبوده؛ درکنار عوامل ثابت ازجمله فلرهای نفتی، سوزاندن مزارع در آلودگی هوای اهواز نقشی بسیار برجسته داشته است. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که طی ماه‌های گذشته، مسئولان مربوطه مهم‌ترین عامل آلودگی هوای خوزستان را به دود ناشی از آتش‌سوزی هورالعظیم نسبت می‌دادند!

آمارهای رسمی که توسط مقامات بهداشتی استان اعلام شده، تصویری از یک فاجعه انسانی تمام‌عیار را به نمایش می‌گذارد. تنها طی یک سال گذشته، رسماً ۱۶۲۴ مورد مرگ ناشی از آلودگی هوا در استان خوزستان ثبت شده است.

این بحران، خسارتی معادل ۴۲۷ میلیون دلار نیز بر بخش سلامت استان تحمیل کرده است. در همین حال، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی اهواز، با اشاره به ثبت ۲۵۱ هزار مراجعه مرتبط با آلودگی هوا در سال ۱۴۰۳، اعلام کرد که ۷۰ درصد از این مراجعات مربوط به کودکان زیر ۱۴ سال بوده است.

خبرگزاری «رکنا» نیز گزارش داده حمیدرضا خدابخشی، رئیس انجمن صنفی مهندسان صنعت آب خوزستان، در گفتگو با این خبرگزاری از هم‌زمانی چند منبع آلاینده خطرناک در استان خبر می‌دهد؛ از فلرهای نفتی و زباله‌سوزی صفیره تا سوزاندن مزارع نیشکر و آتش‌سوزی‌های مکرر تالاب هورالعظیم. به گفته او، خوزستان امروز با «بسته‌ای کامل از آلودگی‌های سمی و تنفسی» روبه‌روست که نه‌فقط اهواز، بلکه شهرهای اطراف را نیز درگیر کرده و نرخ ابتلا به سرطان‌های خون و ریه را در استان به سطحی نگران‌کننده رسانده است.

از سوی دیگر به گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO)و داده‌های مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس، در روزهای آلوده، تهران شاهد غیبت‌های شغلی و تحصیلی گسترده است. طبق آمارهای جدید، در هر روز آلوده، ۲ میلیون نفر در تهران از کار خود غیبت می‌کنند و این امر هزینه‌ای بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار به اقتصاد کشور وارد می‌آورد.

طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، هزینه‌های درمانی ناشی از بیماری‌های تنفسی و قلبی در تهران به ۳ تا ۴ میلیارد دلار در سال می‌رسد. این رقم شامل درمان

بیماری‌هایی چون آسم، برونشیت، سرطان ریه و بیماری‌های قلبی است.

همچنین آلودگی هوا فقط به مشکلات بهداشتی و اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه بر بازار مسکن و اقتصاد شهری تهران نیز تأثیر گذاشته است. مطالعات نشان می‌دهند که افزایش آلاینده‌ها به میزان ۳۰ قسمت در میلیارد (ppb) از آلاینده‌های ۳ ،NO_2 تا ۶ درصد از قیمت مسکن در تهران می‌کاهد. این کاهش قیمت در مناطق آلوده‌تری مانند جنوب و جنوب غربی تهران بیشتر مشاهده می‌شود.

این کاهش قیمت مسکن در برخی از مناطق تهران می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و همچنین کاهش کیفیت زندگی در این مناطق منجر شود. این مسئله برای شهروندانی که در این مناطق زندگی می‌کنند، ضررهای مالی زیادی به همراه خواهد داشت.

گزارش دیگری تأکید دارد آلودگی هوا در تهران باعث افزایش شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی شده است. گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان و اقشار کم‌درآمد بیشترین آسیب را از آلودگی هوا می‌بینند. طبق گزارش سازمان محیط زیست ایران، ۴۰ درصد از جمعیت طبقه ضعیف تهران در مناطقی زندگی می‌کنند که کیفیت هوای آن‌ها از استانداردهای جهانی بسیار پایین‌تر است. این نابرابری‌ها باعث می‌شود که اقشار کم‌درآمد در معرض بیماری‌های بیشتری قرار گیرند و هزینه‌های درمانی بیشتری بر دوش آن‌ها گذاشته شود.اینهمه در حالیست که هشت سال از تصویب و ابلاغ «قانون هوای پاک» می‌گذرد و همچنان این قانون اجرایی نشده است!

قانون هوای پاک از سال ۹۶ جایگزین قانون «نحوه جلوگیری از آلودگی هوا» شد. در این قانون حدود ۱۷۶ «تکلیف‌دستگاه» احصا شده است. تکلیف‌دستگاه یعنی موضوعی مانند نوسازی حمل و نقل عمومی متوجه چندین دستگاه است که این موارد احصا شده است. این قانون بر اساس ۳۴ ماده خود ۲۱ دستگاه اجرایی ازجمله وزارت کشور، وزارت نفت، وزارت نیرو، نیروی انتظامی، شهرداری، صداوسیمای حکومت و.. را مکلف کرده است که هر یک به تناسب وظایف خود، اقداماتی را برای کنترل آلودگی هوا در کشور اجرایی کنند.

محمدرضا رضایی‌کوچی، نماینده جهرم در مجلس شورای اسلامی در اینباره گفته «ما در موضوع اجرای قانون هوای پاک، حتماً از برنامه عقب هستیم. برنامه هفتم توسعه کشور احکام متنوعی دارد که برای اجرا، به دستگاه‌های مربوطه سپرده شده است. اجرای قانون هوای پاک و کاهش درصد آلایندگی سوخت مازوت هم، در قوانین دیده شده است. متاسفانه دستگاه‌های مربوط وقتی به میدان پاسخگویی می‌آیند می‌گویند مگر به ما بودجه دادید که از ما خروجی می‌خواهید؟ واقعیت امر این است که بخش قابل ملاحظه‌ای از چالش مازوت‌سوزی و آلودگی که در پی دارد، با مدیریت بادانش، قابل حل بوده و هست.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده «دستگاه‌ها دائماً منتظر تزریق بودجه هستند و یادشان رفته که کلی ظرفیت قانونی برایشان تعریف شده که می‌توانند به واسطه آن، درآمدزایی کنند. به شخصه عملکرد وزارت نفت را در اجرای قانون هوای پاک، قابل قبول نمی‌دانم.»

او همچنین از احتمال آغاز مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها با سرد شدن هوا و با توجه به کمبود سوخت در کشور خبر داده و گفته «به نظر می‌رسد در سال جاری که کم‌کم به دوران هوای سرد هم نزدیک می‌شویم، دوباره شاهد مازوت‌سوزی به مانند سال قبل باشیم و حقیقتاً درصد آلایندگی این سوخت هم بالاست و امسال هم باید این شرایط را تحمل کرد.»

محمدرضا رضایی‌کوچی افزوده «در وزارت نفت تلاش‌هایی برای کاهش درصد آلایندگی سوخت مازوت انجام شده است، ولی باید بگویم شاهد عملکرد قابل قبولی که منتج به بهبود هوا مخصوصاً در کلانشهرهایی مثل تهران شود، نیستیم.»

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفته «با افزایش واحدهای تولیدی و مصرف سوختی که داریم، درصد ناچیز کاهش آلایندگی سوخت مازوت خیلی ملموس نخواهد شد و به احتمال فراوان، امسال هم مثل سال قبل، مازوت‌سوزی خواهیم داشت آن هم با درصد آلایندگی بالا!»

نیکولا سارکوزی با رأی دادگاه تجدید نظر از زندان آزاد شد

سارکوزی و همسرش کارلا برونیُ قاضی‌ها بر این باور بودند که با آزادی ساراکوزی هیچ خطر فوری فرار یا ریسک وقوع جرایم جدید وجود ندارد

با رأی دادگاه تجدید نظر، نیکولا سارکوزی رئیس جمهوری پیشین فرانسه پس از سه هفته از زندان «لا سانته» آزاد شد.

سارکوزی، بر اساس پرونده مرتبط به دریافت پول از دولت لیبی در جریان کارزار انتخاباتی اش در سال ۲۰۰۷، ماه پیش به زندان افتاد.

بر اساس تصمیم دادگاه، رئیس جمهوری پیشین، تحت نظارت قضایی سختگیرانه قرار خواهد گرفت. او حق خروج از خاک فرانسه و تماس با دیگر متهمان و افراد مرتبط با پرونده لیبی را ندارد.

سارکوزی همچنین تا زمان برگزاری دادگاه تجدید نظر، اجازه انجام فعالیت‌هایی چون سخنرانی و کنفرانس نخواهد داشت.

با رأی دادگاه تجدید نظر، نیکولا سارکوزی رئیس جمهوری پیشین فرانسه پس از سه هفته از زندان «لا سانته» آزاد شد.

سارکوزی، بر اساس پرونده مرتبط به دریافت پول از دولت لیبی در جریان کارزار انتخاباتی اش در سال ۲۰۰۷، ماه پیش به زندان افتاد.

بر اساس تصمیم دادگاه، رئیس جمهوری پیشین، تحت نظر قضایی سختگیرانه قرار خواهد گرفت. او حق خروج از خاک فرانسه و تماس با دیگر متهمان و افراد مرتبط با پرونده لیبی را ندارد.

سارکوزی همچنین تا زمان برگزاری دادگاه تجدید نظر، اجازه انجام فعالیت‌هایی چون سخنرانی و کنفرانس نخواهد داشت.

چند ساعت پیش از صدور حکم، دادستانی نیز خواستار آزادی نیکولا سارکوزی شده بود.

او در جلسه دادگاه که از طریق ویدیو کنفرانس برگزار شد، بار دیگر ادعای بیگناهی کرد و بازداشتش را «کابوسی واقعی» توصیف و از «انسانیت بی‌نظیر» کارکنان زندان سپاسگزاری نمود.

نیکولا سارکوزی، رئیس جمهور راستگرای فرانسه بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲، روزهای حبس خود را در زندان «لا سانته» که در سال ۱۸۶۷ افتتاح شده و در قرن نوزدهم تاکنون میزبان برخی از شناخته ترین زندانیان بوده است، تحمل کرد.

دادگاه بدوی در تاریخ ۲۵ سپتامبر او را به پنج سال زندان قطعی با اجرای فوری حکم به اتهام تشکیل باند تبهکاری در ارتباط با پرونده مالی از دولت لیبی محکوم کرده بود، اما سارکوزی بلافاصله به این حکم اعتراض کرد. به همین دلیل دوران حبس کنونی او، بازداشت موقت محسوب می شود نه اجرای حکم قطعی.

بر اساس ماده ۱۳۴ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، ادامه بازداشت موقت تنها زمانی مجاز است که تنها راه حفظ شواهد، جلوگیری از فشار بر شاهدان، منع فرار یا پیشگیری از تکرار جرم باشد.

در همین پرونده، واهب ناصر، بانکدار ۸۱ ساله پیش از این با قرار نظارت قضایی آزاد شده است. اما الکساندر جوری، واسطه فرانسوی-الجزایری ، همچنان در بازداشت بسر می‌برد.

کیهان

انتقاد عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی از نظارت «نمایشی» بر توزیع دارو؛ جلسات با وزیر بهداشت در حد «ان‌شاءالله و ماشاءالله» است!

○ اجرای طرح «دارویار» و حذف ارز ترجیحی باعث شده هزینه دارو، تجهیزات پزشکی و خدمات درمانی به طور میانگین ۷۰ درصد افزایش پیدا کند.

○ وزارت بهداشت ارز دولتی مورد نیاز داروسازان برای واردات مواد اولیه را تخصیص نمی‌دهد. این موضوع از یکسو سبب واردات مواد اولیه با ارز آزاد و در نتیجه افزایش هزینه تولید دارو شده و از سوی دیگر موجب کاهش واردات مواد اولیه و در نهایت کاهش تولید دارو در کشور شده است.

○ بر اساس گزارش‌ها داروهایی که در داروخانه‌های رسمی نایاب است، در بازار آزاد با چند برابر قیمت پیدا می‌شود. تحلیلگران می‌گویند این موضوع یعنی این اقلام دارویی در کشور هستند اما به راحتی به دست بیمار نمی‌رسد و مافیاها بر بازار داروی کشور تسلط دارند.

○ سلام ستوده عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی: بیشتر نشست‌ها و جلسات ما با وزیر بهداشت در قالب «ان‌شاءالله، ماشاءالله» است و نباید به این صورت باشد. تصمیمات و صورت‌جلسات باید عملیاتی شود تا مردم نتیجه آن را مشاهده کنند.

بحران گرانی و کمبود دارو در ایران به اوج رسیده و بسیاری از مبتلایان به بیماری‌های خاص و نادر برای تأمین داروهای حیاتی با بحران روبرو هستند. یک عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی با انتقاد از عملکرد وزارت بهداشت در تأمین و نظارت بر توزیع دارو گفته بیشتر جلسات با وزیر بهداشت در حد «ان‌شاءالله و ماشاءالله» باقی مانده است.

تأمین دارو برای بسیاری از بیماران در ایران به بحرانی جدی تبدیل شده و در مواردی جان بیماران را تهدید می‌کند. از یکسو بسیاری از اقلام دارویی با افزایش قیمت و کمبود روبرو هستند و از سوی دیگر سهم شرکت‌های بیمه از قیمت دارو کاهش یافته و مصرف‌کنندگان حتی برای داروهای مشمول بیمه نیز باید حدود ۷۰ درصد از قیمت دارو را بپردازند.

یکی از مهمترین دلائل افزایش قیمت دارو، افزایش نرخ ارز است. وزارت بهداشت ارز دولتی مورد نیاز داروسازان برای واردات مواد اولیه را تخصیص نداده است. این موضوع از یکسو سبب واردات مواد اولیه با ارز آزاد و در نتیجه افزایش هزینه تولید دارو شده و از سوی دیگر موجب کاهش واردات مواد اولیه و در نتیجه کاهش تولید دارو در کشور شده است.

قیمت ریالی داروهای وارداتی نیز به علت افزایش قیمت ارز، افزایش یافته است. داروسازان همچنین می‌گویند قیمت‌گذاری‌های دستوری و عدم پرداخت به‌موقع مطالبات بیمه‌ها، زنجیره تأمین را به مرز بحران رسانده است.

در کنار این مسائل، نظام توزیع دارو نیز با مشکلات جدی روبرو است. بر اساس گزارش‌ها داروهایی که در داروخانه‌های رسمی نایاب است، در بازار آزاد با چند برابر قیمت پیدا می‌شود. تحلیلگران می‌گویند این موضوع یعنی دارو هست، اما به راحتی به دست بیمار نمی‌رسد و مافیاها بر بازار داروی کشور تسلط دارند.

محمد عبده‌زاده، رئیس سندیکای داروهای منابع انسانی کشور، سه عامل «کمبود نقدینگی»، «ضعف تخصیص ارز» و «نبود مدیریت کارآمد» را از دلایل اصلی کمبود دارو دانسته و گفته «صنایع دارویی برای ادامه فعالیت به تزریق فوری نقدینگی و اصلاح سیستم ارزی نیاز دارند. سرمایه‌گذاری در بازسازی خطوط تولید به حدی کاهش یافته که تنها ۲۰ درصد از استهلاک واقعی جبران می‌شود.»

عباس رنجبر، مدیر عامل یکی از شرکت‌های داروسازی، نیز کمبود نقدینگی و افزایش بی‌تناسب هزینه‌ها را مهم‌ترین چالش صنعت دارو دانسته و گفته «وقتی هزینه تولید سالانه بیش از ۳۵ درصد رشد می‌کند اما قیمت دارو فقط ۱۲ درصد افزایش می‌یابد، تولید دیگر صرفه اقتصادی ندارد.»

این فعال صنعت داروسازی تأکید کرده که سیاست‌های ارزی و تغییر ناگهانی نرخ ارز دارویی از ۴۲۰۰ به ۲۸ هزار تومان ضربه سنگینی به صنعت وارد کرده و باعث خروج برخی شرکت‌ها از چرخه تولید شده است.

وبسایت «رویداد۲۴» در گزارشی به وضعیت دارویی کشور پرداخته و نوشته اجرای طرح «دارویار» و حذف ارز ترجیحی باعث شده هزینه دارو، تجهیزات پزشکی و خدمات درمانی به طور میانگین ۷۰ درصد افزایش پیدا کند. این روند برخلاف اهداف قانون بودجه، فشار مستقیم بر بیماران و بیمه‌ها وارد کرده و کارشناسان از آن به عنوان بحرانی جدی در حوزه سلامت یاد می‌کنند.

این گزارش به نقل از کارشناسان نوشته فشار موجود نتیجه همزمان سه عامل است: ناکارآمدی طرح دارویار، ناترازی سازمان‌های بیمه و تامین اجتماعی، و فعالیت شبکه‌های سودجو و مافیای دارو که با احتکار و فروش آزاد، قیمت‌ها را بالاتر نگه می‌دارند. این وضعیت علاوه بر فشار مستقیم بر بیماران، سرمایه‌گذاری در توسعه مراکز درمانی را کاهش داده و خطر نارضایتی عمومی و بحران در نظام سلامت را افزایش داده است.

روزنامه «خراسان» نیز در مطلبی با اشاره به آشفته‌بازار دارو نوشته «بی شک نخستین چالش را باید در

مسئله حذف ترجیحی و فراموشی احتمالی طرح دارویار قلمداد کرد.... به نظر می‌رسد، چالش‌های ناترازی در تأمین اجتماعی نیز سهم پرداختی بیمه شدگان این سازمان را با افزایش مواجه کرده است.... شرکت‌های خاص با انحصار در واردات و توزیع دارو، قیمت‌ها را به‌صورت مصنوعی بالا نگه می‌دارند. کارشناسان از این وضعیت به‌عنوان «مافیای دارو» یاد می‌کنند؛ شبکه‌ای که از شکاف میان دولت، بیمه و تولیدکننده بیشترین سود را می‌برد. در چنین بازاری، احتکار دارو، قاچاق معکوس و فروش آزاد پدیده‌ای رایج است.»

وزارت بهداشت تا کنون وضعیت بحرانی دارو در کشور را تأیید نکرده است اما شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی روزهای گذشته نسبت به کمبود و گرانی دارو هشدار داده‌اند و معتقدند گرانی و کمبود دارو، استیصال و درماندگی بیماران را دوچندان کرده است.

بر اساس این هشدارها خطر نارضایتی عمومی و بحران در نظام سلامت جدی به نظر می‌رسد، چرا که افزایش شدید هزینه‌های درمانی همزمان با ناکارآمدی ساختار بیمه‌ای و نقش پررنگ شبکه‌های سودجو، بیماران کم‌درآمد را در معرض فشار شدید قرار داده است.

در همین رابطه سلام ستوده، عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی با تأکید بر این که در حال حاضر، نگرانی بیماران فقط بیماری نیست، بلکه پول دارو است، به «دیده‌بان ایران» گفته «ما در کمیسیون جلساتی برگزار می‌کنیم، وزیر بهداشت را دعوت می‌کنیم، مشکلات را مطرح می‌کنیم و در پایان فقط می‌گوییم «ان‌شاءالله حل می‌شود.»

او افزوده «بیشتر نشست‌ها و جلسات ما با وزیر بهداشت در قالب «ان‌شاءالله، ماشاءالله» است و نباید به این صورت باشد. تصمیمات و صورت‌جلسات باید عملیاتی شود تا مردم نتیجه آن را مشاهده کنند. الان مشکل کمبود و گرانی دارو، مربوط به کل کشور است، به ویژه مناطق محروم که واقعاً داروی مورد نیازشان کم است و قیمت‌ها بسیار بالاست. در این میان، متضرر اصلی مردم به خصوص بیمارانی هستند که نیازمند دریافت خدمات درمانی‌اند.»

عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی همچنین نسبت به ورود داروهای تقلبی به بازار هشدار داده و گفته «داروهای تقلبی وارد بازار شده و در برخی جاها به دست مردم می‌رسد که بعضاً اثرات منفی و جبران‌ناپذیری داشته است. این مسأله نیاز به نظارت دقیق دارد. ما باید یک راهکار اساسی برای اختصاص ارز ترجیحی به خرید و تأمین دارو داشته باشیم تا دارو به وفور در مراکز بهداشتی، درمانی و داروخانه‌ها در دسترس مردم باشد. در حال حاضر نگرانی و شکایت مردم، ناشی از همین موضوع است؛ دارویی که نیاز دارند یا در دسترس نیست، یا اگر هست، قیمت آن بسیار بالاست. دولت باید راهکاری اساسی بیابد، نه این که وعده‌هایش در قالب شعار باقی بماند.»

سلمان اسحاقی سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز با حضور در یک برنامه تلویزیونی نسبت به افزایش قیمت دارو انتقاد کرده و گفته هزینه تزریق یک نوبت داروی شیمی درمانی برای بیماران مبتلا به سرطان به یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان رسیده است.

سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی افزوده «اگر این تزریق دارو مستمر ادامه یابد، یک کارمند یا یک کارگر یا یک فرد دارای شغل آزاد مگر چقدر درآمد دارد که برای این مقوله در نظر بگیرد. درخواست ما این است که همانطور که امنیت مهم است، سلامت هم اهمیت دارد.»

شهرهای بزرگ در تنگنای آبی؛ آبفای کشور:

جیره‌بندی آب یعنی تأمین نوبتی آب طبق اعلام قبلی!

پس از قطع مکرر برق در تابستان، اکنون کاهش فشار و قطع شبانه آب در نبود اطلاع‌رسانی، بار دیگر ضعف در برنامه‌ریزی و ناتوانی وزارت نیرو در پیش‌بینی بحران‌ها را آشکار کرده است.

مدتی است به اسم کاهش فشار آب در شب، آب در تهران جیره‌بندی و در برخی مناطق قطع می‌شود. گزارش‌ها و اطلاعات شهروندان نشان می‌دهد که آب مدتی است در برخی نقاط تهران در ساعات ۱۲ تا ۷ صبح قطع می‌شود.

آمارهای رسمی نشان می‌دهد امسال خشک‌ترین سال شش دهه اخیر تهران و یکی از شدیدترین دوره‌های خشکسالی ۵۰ سال گذشته در کشور است.

تنش آبی در کلانشهرها شدت یافته و پیامدهای کمبود منابع آبی تجربه شده است. اکنون حتی منابع آب زیرزمینی نیز که روزگاری ذخایر استراتژیک سرزمین محسوب می‌شدند، تحت فشار برداشت‌های بی رویه در معرض تهدید قرار گرفته‌اند.

پنج سد «لار»، «لتیان» و «ماملو» در شرق تهران و «امیرکبیر» و «طالقان» در غرب تهران تأمین آب این کلانشهر را بر عهده دارند که همگی در پایین‌ترین سطح از ذخیره آب هستند.

بحران تأمین منابع آب در کلان‌شهرهای بزرگ تهران، تبریز، مشهد، اراک و کرج را تحت تأثیر قرار داده است. پس از قطع مکرر برق در تابستان، اکنون کاهش فشار و قطع شبانه آب در نبود اطلاع‌رسانی، بار دیگر ضعف در برنامه‌ریزی و ناتوانی وزارت نیرو در پیش‌بینی این بحران را آشکار کرده است.

این همه در حالیست که مدتی است به اسم کاهش فشار آب در شب، آب در تهران جیره‌بندی و در برخی مناطق قطع می‌شود. گزارش‌ها و اطلاعات شهروندان نشان می‌دهد که آب مدتی است در برخی نقاط تهران در ساعات ۱۲ تا ۷ صبح قطع می‌شود.

از آنجا که زمان قطع و وصل آب مشخص است و آب در لوله‌ها ناگهان قطع و سپس با فشار بازمی‌گردد، روشن است که این کار با برنامه‌ریزی قبلی انجام می‌شود، اما در حالیکه مسئولان دولتی روز ۱۸ آبان اعلام کردند که قرار است آب در تهران جیره‌بندی شود، چند ساعت بعد خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران با انتشار خبری ادعا کرد که جیره‌بندی آب به معنای تأمین نوبتی آب طبق اعلام قبلی است.

این خبرگزاری در ادامه نوشت: «طبق اطلاعات رسیده از آبفای کشور، تاکنون جیره‌بندی آب در تهران و یا هیچ یک از شهرهای کشور انجام نشده است و جیره به معنای تأمین نوبتی آب طبق اعلام قبلی است. بر اساس این گزارش، کاهش فشار و قطع آب در شب‌ها گزارش شده که شرکت آب فاضلاب کشور نیز آن را تأیید کرده است.

با این همه عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو، با اعلام این‌که «قطع شبانه آب» و صفر شدن فشار در برخی شب‌ها محتمل است، از مردم خواسته است برای مدیریت بحران، در خانه‌هایشان مخزن یا «ذخیره‌ساز خانگی» نصب کنند، سخنگوی صنعت آب نیز گفته است: «از حدود ساعت ۱۲ شب تا نزدیکی صبح که مردم در خواب هستند، فشار آب را کم می‌کنیم تا فرصتی برای آبگیری مخازن شهری ایجاد شود.»

در حال حاضر کشور با «خشکسالی شدید»، «تنش آبی» و «بحران تأمین منابع آب» روبرو است.

به گفته رئیس مرکز مدیریت بحران خشکسالی، ایران در خشک‌ترین دوره ۵۰ سال اخیر خود به سر می‌برد. این خشکسالی فعلی یکی از شدیدترین دوره‌های خشک ثبت‌شده است. بسیاری از نقاط کشور با کم‌بارشی و کاهش شدید منابع آبی روبه‌رو شدند و منابع آب سطحی کشور نیز حالا به پایین‌ترین سطح خود در سال‌های اخیر رسیده است.

به گفته رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی در کوتاه‌مدت، چشم‌انداز روشنی برای بارش مؤثر وجود دارد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تا ۱۰ روز آینده سامانه بارشی مؤثری از ایران عبور نمی‌کند.

آمارهای رسمی نشان می‌دهد امسال خشک‌ترین سال شش دهه اخیر تهران و یکی از شدیدترین دوره‌های خشکسالی ۵۰ سال گذشته در کشور است. تنش آبی در کلانشهرها شدت یافته و پیامدهای کمبود منابع آبی تجربه شده است. اکنون حتی منابع آب زیرزمینی نیز که روزگاری ذخایر استراتژیک سرزمین محسوب می‌شدند، تحت فشار برداشت‌های بی رویه در معرض تهدید قرار گرفته‌اند.

احد وظیفه روز ۱۸ آبان با تأکید بر اینکه امروز بسیاری از سدها در استان‌هایی مانند تهران، آذربایجان غربی،آذربایجان شرقی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و خراسان رضوی و مرکزی در وضعیت نگران‌کننده قرار دارند، به خبرگزاری «ایسنا» گفت: «آمارها نشان می‌دهد ذخایر برخی سدها تک‌رقمی شده است و منابع آب سطحی پاسخ‌گوی نیاز جمعی نیستند. در این شرایط فشار مصرف آب به منابع آب زیرزمینی منتقل می‌شود این حالیست که منابع آب زیرزمینی برای استفاده بلندمدت پایدار نیستند.با این وجود، درحالیکه تهران این روزها شرایط مناسب آبی ندارد.»

احد وظیفه افزوده بود که «به جای ارائه یک راه حل مناسب برای حل بحران آب در تهران و برون رفت از این شرایط وخیم، مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور از جیره‌بندی آب در آذر ماه و حتی احتمال تخلیه این شهر خبر می‌دهد.»

با این همه در حالیکه آبفای کشور جیره‌بندی آب در تهران و یک از شهرهای کشور را رد می کند برخی از کارشناسان انجام جیره‌بندی آب را امری قطعی می‌دانند.

محمد ابراهیم رئیسی روز ۱۸ آبان در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا درباره اظهارات اخیر پزشکیان مبنی بر جیره‌بندی و یا تخلیه تهران به دلیل بحران کنونی آب توضیح داده است:

«وقتی کمبود آب داریم یا باید مدیریت عرضه و یا مدیریت تقاضا داشته باشیم، در مدیریت عرضه برای تهران همه کارهایی که امکان داشت را انجام داده‌ایم، یعنی در واقع سدها که از تابستان آب نداشتند و مدت زیادی است که در حال برداشت از آب زیرزمینی هستیم و افت آبخوان داریم، به عبارت دیگر علاوه بر سدها منابع آب زیرزمینی را نیز از دست داده‌ایم.»

وی با اشاره به اوضاع وخیم منابع آب سطحی تأکید کرده است: «اکنون بیشترین حجم آب در طالقان و در حد تنها ۳۴ درصد و میزان موجودی آب در ۴ سد دیگر تهران در حد بسیار کم و حتی تک رقمی است، بنابراین آب سطحی شارژ نشده و با این وضعیت طبیعتا عرضه آب نداریم زیرا هر کاری که می‌توانستیم؛ انجام داده‌ایم.»

به گفته این کارشناس حوزه آب، اگر از گذشته در حوزه مدیریت تقاضا کار می‌کردیم و ابزارهای مدیریت تقاضا را بکار گرفته و یا روی قیمت‌گذاری کار می‌کردیم امروز می‌توانستیم کاری کنیم، اما هیچ اقدامی نکردیم هر آنچه در کوتاه‌مدت انجام دهیم؛ تأثیری ندارد، توصیه به مردم هم تأثیری نداشته و چون مردم به دولت‌ها باور ندارند، ما حتی نتوانسته‌ایم انجی‌اوها را به سمت مردم جذب کنیم، در فضای مجازی را در حوزه موضوع آب تحت تأثیر قرار نداده‌ایم.

وی با تأکید بر قطعی بودن جیره‌بندی آب قطعی اضافه کرده: «دولت از تابستان فشار آب را کم کرده و تعبیه مخزن را در منازل اجباری کرده، اما اکنون آب وجود ندارد و این منابع محدود باید بین همه مردم پخش شود و جیره‌بندی یکی از روش‌ها است، امروز به جایی رسیدیم که لاجرم از جیره‌بندی آب هستیم و باید بدانیم که ۲۴ ساعته آب نداریم.»

رئیسی ادامه داده «اکنون اگر قرار است چاره‌ای داشته باشیم تنها راهکار مدیریت مصرف است که یک طرف مردم هستند که به نظر می‌رسد؛ همکاری لازم را به دلیل بی‌اعتمادی ندارند و یک طرح فعالیت فنی وزارت نیرو بوده که همان اجرای پروژه‌های تأمین از جمله انتقال آب است. با تمام این اوصاف آخرین اقدام جیره‌بندی و این اکنون تنها راه‌حل باقی مانده است.»

وی با تأکید بر اینکه تهران با دستور تخلیه نمی‌شود گفته «اما شرایط است که ما را به این مرحله و به سمت تخلیه می‌کشاند، اگر به خوبی نگاه کنیم اکنون هم تهران تقریبا تخلیه شده به طوری که شاهدیم آخر هفته همه به دنبال این هستند که به خاطر اوضاع هوا، انرژی و اکنون آب از شهر خارج شوند. در هر حال، عوامل متعددی برای تخلیه تهران وجود دارد. اگر شرایط آب اگر بدتر شود و مردم برای تأمین آب شرب و بهداشت خود با قطعی مواجه شوند خود به خود این اتفاق می‌افتد، اینکه تهران تخلیه شود حرف رادیکالی است اما دور از ذهن نیست.»

رئیسی با بیان اینکه نقش مدیریت نادرست آب را نباید نادیده بگیریم، تأکید کرد: «در این مقطع چاره فوری و اساسی مدیریت مصرف است، البته همه اقدامات صورت گرفته و تنها راه باقی مانده جیره‌بندی است که باید اجرا شود، اما این را نیز در نظر داشته باشیم که اگر به اوضاعی برسیم که مثلا ۲ ساعت در روز آب وصل باشد تهران هم تخلیه خواهد شد.»

به گفته وی، اگرچه به احتمال خیلی زمستان پر آب خواهیم داشت اما چنانچه چند سال پشت سرهم ترسالی نداشته باشیم، برداشت آب زیرزمینی جبران نمی‌شود و اوضاع به همین شکل خواهد بود.

اکنون پس از ماه‌ها تجربه خاموشی‌های پراکنده برق و تهدید به قطع شبانه آب، ادامه کم بارشی‌ها تأمین آب را با مشکلات جدی‌تری روبرو خواهد کرد. پنج سد «لار»، «لتیان» و «ماملو» در شرق تهران و «امیرکبیر» و «طالقان» در غرب تهران تأمین آب این کلانشهر را بر عهده دارند که همگی در پایین‌ترین سطح از ذخیره آب هستند.

این همه در حالیست که تداوم خشکسالی و افزایش بیش از حد از منابع زیرزمینی احتمال فرونشست در تهران را تشدید خواهد کرد. وزارت نیرو نیز با سکوت خبری و تکرار وعده‌های کلی، بیش از پیش اعتماد مردم را سلب کرده است.

هشدار یک اقتصاددان: حذف ارز ترجیحی تورم را به صورت انفجاری افزایش می‌دهد

- **بر اساس گزارش‌ها دولت تصمیم دارد در سال آینده ارز ترجیحی را حذف و نرخ واردات کالاهای اساسی را با نرخ ارز در بازار ارز تجاری محاسبه کند.**
- **مرتضی افقه اقتصاددان: گروه‌های کم درآمد جامعه، سایر مخارجشان را تقلیل داده و اگر کل حقوقشان را صرف مواد غذایی کنند تا زنده بمانند، باز هم کم می‌آورند. حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت‌ها، تبعات اجتماعی و سیاسی را به دنبال دارد. عده زیادی فقیرتر می‌شوند و از طبقه متوسط به طبقه پایین سقوط می‌کنند.**
- **علیرضا حیدری نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری گفته با حذف ارز ترجیحی «شکاف درآمد و هزینه بیشتر خواهد شد و به دنبال آن الگوی مصرف تغییر پیدا می‌کند. از این رو باید انتظار داشته باشید که طبقات فقیر جامعه بیشتر شوند.»**
- **هفته گذشته همچنین ۵۱ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به سران سه قوه نسبت به حذف نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و جایگزینی آن با ارز توافقی هشدار دادند.**
- **تیم اقتصادی دولت پزشکیان به جای تلاش برای حذف بودجه نهادهای بی‌خاصیت تبلیغاتی و ایدئولوژیک حکومت در شرایط بحرانی کسری بودجه، با قطع یارانه‌ها به دنبال جبران بخشی از کسری بودجه هستند؛ اقدامی که بار اصلی را بر دوش شهروندان، به ویژه اقشار کم‌درآمد، خواهد انداخت.**

در حالیکه دولت مسعود پزشکیان به دنبال حذف ارز ترجیحی در لایحه بودجه سال آینده است، اقتصاددانان نسب به پیامدهای تورمی این اقدام، در شرایط کنونی اقتصاد کشور، هشدار می‌دهند.

برخی گزارش‌ها از تصمیم هیئت وزیران دولت مسعود پزشکیان برای حذف ارز ترجیحی خبر می‌دهند. ارز ترجیحی، همان دلار به قیمت دولتی است که در حال حاضر با قیمت ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان قیمت‌گذاری شده است. این ارز برای واردات کالاهای اساسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس گزارش‌ها دولت تصمیم دارد در سال آینده این ارز را حذف و نرخ واردات کالاهای اساسی را با نرخ ارز در بازار ارز تجاری محاسبه کند. نرخ دلار در این بازار در حال حاضر در کانال ۷۰ هزار تومان قرار دارد.

در سالهای گذشته و طی چند نوبت قیمت ارز ترجیحی تغییر کرد. برای نمونه دولت حسن روحانی نرخ ارز ترجیحی را از محدوده ۴۲۰۰ تومان به ۷۵۰۰ تومان افزایش داد و در دولت ابراهیم رئیسی این نرخ به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یافت. افزایش نرخ ارز ترجیحی به معنای موج جدیدی از تورم در قیمت کالاهای اساسی مانند نان، روغن،

مرغ، دارو و حتی نهاده‌های دامی و دارو است.

کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که حذف ناگهانی این سیاست بدون تمهیدات جبرانی می‌تواند فشار تورمی شدیدی بر معیشت خانوارها وارد کند و شکاف طبقاتی را عمیق‌تر سازد.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز توضیح داده «دولت به دلیل کمبود پول و کسری بودجه به دنبال حذف ارز ترجیحی است و بهانه‌اش این است که از این طریق عده‌ای رانت می‌گیرند. یک عده اقتصادخوانده بی‌اعتنا یا ناآگاه به شرایط اقتصادی مردم هم به دولت فشار می‌آورند که ارز ترجیحی حذف شود. از نظر من نه تنها نباید حذف شود بلکه باید ادامه پیدا کند. اگر گروهی از رانتی که ضروری است، سوء استفاده می‌کنند، باید آنها را مجازات کنند.»

مرتضی افقه درباره تبعات حذف ارز ترجیحی گروه‌هایی همچون نهاده‌های دامی، گفته «گروه‌های خوراکی بیشترین مصرف را دارند. گروه‌های کم درآمد جامعه، سایر مخارجشان را تقلیل داده و اگر کل حقوقشان را صرف مواد غذایی کنند تا زنده بمانند، باز هم کم می‌آورند. حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت‌ها، تبعات اجتماعی و سیاسی را به دنبال دارد. عده زیادی فقیرتر می‌شوند و از طبقه متوسط به طبقه پایین سقوط می‌کنند.»

این اقتصاددان همچنین گفته «این تبعات اجتماعی را دولت هم می‌داند ولی متأسفانه به دلیل تداوم تحریم‌ها و فعال شدن اسنپ‌بک، بی‌پول شده و به دنبال منابع درآمدی جدید است؛ یکی از آنها هم دست گذاشتن روی قیمت بنزین است، اما راه حل اصلی این است که دولت وقتی با تحریم مواجه شد باید سراغ حذف ردیف‌های هزینه‌ای انبوهی می‌رفت که بی‌خاصیت هستند و به دلیل فشارها به جیب مردم تحمیل شده است. آن موقع وفور نفت بود و کسی احساس نمی‌کرد، اما الان تحریم شده‌ایم. دولت به جای اینکه به دنبال منابع درآمدی از جیب مردم باشد، این ردیف‌ها را حذف کند.»

علیرضا حیدری نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری نیز درباره حذف ارز ترجیحی به عنوان یکی از برنامه‌های دولت پزشکیان در لایحه بودجه سال آینده هشدار داده با این اقدام «شکاف درآمد و هزینه بیشتر خواهد شد و به دنبال آن الگوی مصرف تغییر پیدا می‌کند. از این رو باید انتظار داشته باشید که طبقات فقیر جامعه بیشتر شوند. وقتی به گذشته نگاه کنید، متوجه می‌شوید که بارها و بارها این تغییرات و شوک‌های قیمتی به جامعه وارد شده و اثرش همین وضعیت فعلی است. هرکجا شدت شوک‌های قیمتی بیشتر بوده، شتاب ایجاد فقر هم بیشتر شده است.»

علیرضا حیدری با اشاره به حذف ارز ترجیحی بر افزایش قیمت همه کالاها و خدمات گفته «به فرض اگر بخواهند ارز ترجیحی تجهیزات، درمان و دارو را حذف کنند، هزینه خدمات سلامت اعم از ویزیت پزشکان، حق العمل جراحان و هزینه بیمارستان هم به دنبال آن تغییر پیدا می‌کند. همین است که فشار سنگینی بر جامعه وارد می‌کند. به محض تغییر قیمت، شما با این قضیه مواجه می‌شوید که قیمت خدماتی که در دسترس است مانند کرایه تاکسی هم افزایش پیدا می‌کند. به عنوان مثال قیمت اجاره مسکن ارتباطی با ارز ترجیحی ندارد ولی به محض حذف آن، کسی که کالا را با نرخ جدید می‌خرد، بر اساس آن قیمت چیزی که در اختیار خود است را تغییر می‌دهد؛ بنابراین یک فشار شدید قیمتی متوجه مصرف‌کنندگان خواهد شد.»

حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هفته گذشته در نشست علنی مجلس اعلام کرد «یک فاجعه اقتصادی دیگر در شرف وقوع است؛ همان‌طور که در سال ۱۴۰۱ با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، موج تورمی شدیدی در جامعه ایجاد شد و قشر زیادی از مردم زیر خط فقر رفتند، اکنون نیز قصد دارند همین کار را با حذف ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی انجام دهند.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی افزود «تصویب‌نامه‌ای به هیئت وزیران ارائه شده درباره اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی که در ماده ۳ آن آمده است که به منظور تثبیت قیمت کالاهای اساسی برای مصرف‌کنندگان، مابه‌تفاوت نرخ ارز ترجیحی با نرخ ارز توافقی محاسبه و در انتهای زنجیره تأمین پرداخت شود؛ این یعنی حذف ارز ۲۸۵۰۰ و یک فاجعه بزرگ اقتصادی.»

هفته گذشته همچنین ۵۱ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به سران سه قوه نسبت به حذف نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و جایگزینی آن با ارز توافقی هشدار دادند. نمایندگان این تصمیم را تهدیدی برای افزایش تورم، آسیب به معیشت مردم و تشدید بحران اقتصادی ارزیابی کرده و تأکید کردند حذف ارز ترجیحی نه تنها قادر به جبران آثار تورمی ناشی از حذف ارز ترجیحی نخواهد بود، بلکه می‌تواند تبعات منفی گسترده‌ای بر معیشت مردم، به‌ویژه قشر کم‌درآمد، داشته باشد.

در این نامه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی دو مسیر اقتصادی پیش‌روی دولت را مورد بررسی قرار داده و از جمله تأکید کرده‌اند که ادامه سیاست‌های ارزی کنونی، که در گذشته منجر به بحران‌های اقتصادی و تورم‌های شدید شده است، موجب تشدید شکاف ارزی و رکود تورمی در کشور خواهد شد.

امضاکنندگان با اشاره به تجربیات تاریخی از جمله حذف نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی در سال ۱۴۰۱ و پیامدهای منفی آن، هشدار دادند که تکرار چنین تصمیمات اشتباهی می‌تواند تورم را به سطوح بی‌سابقه‌ای برساند و بستر نارضایتی عمومی را فراهم آورد. همچنین، نمایندگان تأکید کردند که سیاست‌های اقتصادی باید به جای «بازی با نرخ ارز»، بر اصلاحات ساختاری و مقابله با قاچاق، پولشویی و سوداگری متمرکز شود.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی همچنین تأکید کردند «راه‌حلِ رفع این شکاف، افزایش گاه‌به‌گاه نرخ رسمی نیست، بلکه اقتصاد کشور نیازمند اصلاحات ساختاری جدی، کنترل بازار غیررسمی، سامان‌بخشی به نظام مالیاتی و مقابله جدی با قاچاق، پولشویی و سوداگری است.»

با وجود این هشدارها اما همانطور که مرتضی افقه تأکید کرده تیم اقتصادی دولت پزشکیان به جای تلاش برای حذف بودجه نهادهای بی‌خاصیت تبلیغاتی و ایدئولوژیک حکومت در شرایط بحرانی کسری بودجه، با قطع یارانه‌ها به دنبال جبران بخشی از کسری بودجه هستند؛ اقدامی که بار اصلی را بر دوش شهروندان، به ویژه اقشار کم‌درآمد، خواهد انداخت.

با افزایش انتقادها و هشدارها درباره حذف ارز ترجیحی، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت هرگونه تصمیم‌گیری برای حذف ارز ترجیحی دارو و کالاهای اساسی را تکذیب کرده و مدعی شده «اگر زمانی دولت به هرگونه اصلاح اقتصادی اقدام کند حتماً سیاست‌های جایگزین برای کمک به معیشت مردم را فراموش نمی‌کند و با این ملاحظه عمل خواهد کرد.»

اصناف دانشجویی دانشگاه‌های تهران و «شریف»: اینترنت طبقاتی که «مصداق تشدید نابرابری و تبعیض ساختاری» است را نمی‌پذیریم!

شورای صنفی دانشگاه صنعتی «شریف»، در نامه‌ای به وزیر علوم نوشته «دانشگاه محل کسب علم و اندیشه است، نه سکوی ویژه‌خواری و امتیازطلبی. صریح و بی‌پرده اعلام می‌کنیم که به هیچ عنوان سیاست ناعادلانه «اینترنت طبقاتی» را نخواهیم پذیرفت.»

شورای صنفی دانشگاه صنعتی «شریف» نوشته «فراموش نکرده‌ایم که یکی از شعارهای اصلی دولت، «رفع فیلترینگ و باز شدن فضای ارتباطی» بود. اما امروز، نه تنها وعده‌ها معکوس شده، بلکه همان ارتباط نیم‌بند موجود نیز در حال تبدیل شدن به امتیازی خاص است.»

در حالیکه دولت مسعود پزشکیان اجرای «اینترنت طبقاتی» را از دانشگاه‌های کشور آغاز کرده است، فعالان دانشجویی در دو دانشگاه تهران و «شریف» به این روند اعتراض و اعلام کرده‌اند سیاست ناعادلانه «اینترنت طبقاتی» را نمی‌پذیرند.

دانشگاه تهران هفته گذشته از اجرای طرح «اینترنت طبقاتی» برای دانشجویان این دانشگاه و با رفع فیلتر یوتیوب در اینترنت دانشگاه خبر داده بود. اجرای طرح اینترنت طبقاتی با واکنش فعالان دانشجویی در دانشگاه‌های تهران و «شریف» روبرو شده است.

شورای صنفی دانشگاه صنعتی «آریامهر» (شریف)، در نامه‌ای به حسین سیمایی صراف وزیر علوم، نسبت به ارائه اینترنت طبقاتی در دانشگاه‌ها اعتراض کرده و نوشته «دانشگاه محل کسب علم و اندیشه است، نه سکوی ویژه‌خواری و امتیازطلبی. صریح و بی‌پرده اعلام می‌کنیم که به هیچ عنوان سیاست ناعادلانه «اینترنت طبقاتی» را نخواهیم پذیرفت.»

در بخشی از این نامه آمده «اینکه وزارت علوم، به جای پیگیری حل ریشه‌ای مسئله فیلترینگ و محدودیت‌های گسترده‌ای که سال‌هاست آموزش و پژوهش دانشجویان را زمین‌گیر کرده، آغازگر بساط تقسیم ناعادلانه اینترنت باشد، مایه تأسف است. اگر هدف واقعاً «تسهیل آموزش» است، چرا تمام جامعه از این حق بی‌بهره بماند؟ مگر سواد، پیشرفت و آگاهی مختص جماعت دانشگاهی است و بقیه مردم نیازی به آموزش ندارند؟ اگر دغدغه شما علم و دانایی است، راه درست آن دسترسی آزاد برای همگان است، نه مرتفع‌سازی دیوار تبعیض.»

در بخش دیگری از نامه تأکید شده «جناب وزیر، اجازه دهید بی‌پرده بگوییم؛ اساس چنین گزاره‌ای از ریشه باطل است. اینکه یوتیوب را «عمدتاً آموزشی» بدانیم، یعنی ما هنوز ماهیت جهان دیجیتال را نفهمیده‌ایم. یوتیوب نه «ابزار آموزشی» صرف، بلکه رسانه‌ای فراگیر از زندگی، فرهنگ، علم، هنر، نقد، طنز، سیاست، جامعه و مهم‌تر از همه، حق این مردم است. هیچ رسانه زنده‌ای را نمی‌توان به یک کاربرد تقلیل داد. این نگاه خشک، همان نگاه گزینشی و قیم‌مآبانه است که سال‌هاست فضای فرهنگی کشور را فلج کرده است.»

شورای صنفی دانشگاه صنعتی «شریف» همچنین نوشته «فراموش نکرده‌ایم که یکی از شعارهای اصلی دولت، «رفع فیلترینگ و باز شدن فضای ارتباطی» بود. اما امروز، نه تنها وعده‌ها معکوس شده، بلکه همان ارتباط نیم‌بند موجود نیز در حال تبدیل شدن به امتیازی خاص است. دولتی که وعده رفع فیلترینگ اینستاگرام را هم نتوانسته عملی کند، چگونه به خود حق می‌دهد دسترسی عموم مردم به اینترنت را طبقه‌بندی کند؟ اگر هدفتان خیر و نیت‌تان گسترش علم و دانش است، این راهش نیست.»

شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیز در بیانیه‌ای اعلام کرده است که رفع فیلتر یوتیوب تنها برای دانشگاه‌های خاص، «مصداق تشدید نابرابری و تبعیض ساختاری» است.

در این بیانیه آمده «دسترسی محدود اقشاری معیّن، مانند پرسنل دانشگاه‌ها و دانشجویان برخی دانشگاه‌های خاص، مشخصا در جهت طبقاتی‌کردنِ دسترسی به بدیهی‌ترین حقوق شهروندی است. این طرح، شکاف طبقاتی موجود در مناسبات اجتماعی را تعمیق می‌بخشد و اگر برای تمامی اقشار جامعه امکان‌ساز نباشد، مصداق سیاستی نابرابر و سلطه‌آمیز خواهد بود.»

شورای صنفی این دانشکده تأکید کرده است که جامعه دانشگاهی باید «در برابر هرگونه سیاستِ فرودست‌سازی و سلب امکانات از طبقات محروم بایستد» و خواستار لغو سیاست‌های تبعیض‌آمیز در دسترسی به فضای دیجیتال شده است.

دانشگاه تهران هفته گذشته در اطلاعیه‌ای رسمی که در کانال رسمی این دانشگاه منتشر شده اعلام کرده از این پس دسترسی به پلتفرم یوتیوب از طریق اینترنت داخلی دانشگاه، بدون نیاز به فیلترشکن، امکان‌پذیر است.

در این اطلاعیه آمده است که این تصمیم با هدف تسهیل استفاده آموزشی و پژوهشی از محتوای ویدئویی یوتیوب اتخاذ شده است.

اطلاعیه دانشگاه تهران افزوده در جلسه اخیر شورای صنفی خوابگاه‌های دانشگاه تهران با معاونت فناوری دیجیتال و معاونت دانشجویی، یکی از محورهای بحث، فراهم‌سازی دسترسی آزاد به این پلتفرم از طریق شبکه داخلی دانشگاه بوده که اکنون اجرایی شده است.

اینترنت طبقاتی به عنوان اقدامی تبعیض‌آمیز و در جهت سرکوب شهروندان با ابزار محدودیت اینترنت مدتهاست در جمهوری اسلامی مطرح شده اما تا کنون به صورت رسمی اجرایی نشده بود. اکنون در دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان و با وجود وعده پزشکیان درباره رفع فیلتر اینترنت و تأکید او بر حق آزادی اینترنت، اجرای اینترنت طبقاتی آغاز شده است.

تیرماه امسال شورای عالی فضای مجازی با تصویب آیین‌نامه جدید مجوز رسمی راه‌اندازی اینترنت طبقاتی در ایران را صادر کرد.

یک هفته پیش از مصوبه شورای عالی فضای مجازی، انجمن صنفی کسب وکارهای اینترنتی در نامه‌ای به وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت هشدار داده بود که ادامه قطع و اختلال در اینترنت «مرگ اکوسیستم استارت‌آپی» را که پیش‌تر نسبت به آن هشدار داده شده بود، به یک واقعیت قریب الوقوع تبدیل خواهد کرد.

این نامه تأکید کرده بود که اختلال‌های اخیر که همزمان با شروع جنگ دوازده روزه اسرائیل و ایران اتفاق افتاده و با وجود آتش بس همچنان ادامه دارد، ضربات سنگینی به کسب وکارهای اینترنتی زده است: «دستکاری هدفمند DNS ها، مسدودسازی IP ها، کاهش کیفیت خدمات و محدودسازی ارتباط با اینترنت جهانی به روش‌های متعدد، ضربات جبران ناپذیری بر پیکره اقتصاد دیجیتال وارد کرده است.»

اینهمه در حالیست که تیم انتخاباتی مسعود پزشکیان وعده رفع فیلترینگ را به ویژه برای کسب رأی نسل جوان برجسته کردند با اینهمه اکنون نه تنها رفع فیلترینگ صورت نگرفته بلکه وضعیت اینترنت بدتر از گذشته شده و اینترنت طبقاتی نیز در حال پیاده‌سازی است.

مسعود پزشکیان می‌توانست به راحتی در شورای عالی فضای مجازی دستور پایان فیلترینگ و بهبود وضعیت اینترنت را صادر کند اما همچنان در اینباره مقاومت دارد. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت هم تأکید کرده بود که رئیس دولت می‌تواند با یک دستور فیلترینگ را پایان دهد اما به دنبال ایجاد «وفاق» در بین سران حکومتی در اینباره است.

ادامه بحران تأمین خوراک در دامپروری‌ها و مرغداری‌ها؛ بازار در انتظار تخم‌مرغ شانه‌ای ۵۰۰ هزار تومان و گوشت کیلویی دو میلیون تومان!

قیمت گوشت گوساله به بیش از یک و نیم میلیون تومان در هر کیلو رسیده است. قیمت هر عدد تخم‌مرغ نیز به رقم بی‌سابقه ۱۰ هزار تومان رسیده است.

اللهیار ولی‌زاده، رئیس اتحادیه صنعت دامپروvی روز گذشته اعلام کرده هر کیلو گوشت قرمز در شمال شهر تهران تا ۲ میلیون تومان هم به فروش می‌رسد.

پیش‌بینی می‌شود با توجه به عدم تأمین نهاده‌ها، همچنان بحران تهیه خوراک در دامپروری‌ها و مرغداری‌ها پابرجا باشد و افزایش قیمت محصولات پروتئینی ادامه یابد.

حمیدرضا کاشانی رئیس هیئت مدیره «اتحادیه مرغداران میهن» گفته با استمرار شرایط فعلی در تأمین نهاده‌های دامی، قیمت هر شانه تخم مرغ به زودی به ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد.

تولیدکنندگان پروتئین‌های حیوانی از تداوم بحران کمبود و گرانی نهاده‌های دامی خبر داده و اعلام کرده‌اند در صورت ادامه شرایط کنونی به زودی قیمت هر شانه تخم‌مرغ به ۵۰۰ هزار تومان و قیمت هر کیلو گوشت قرمز به بیش از دو میلیون تومان خواهد رسید. قیمت تخم‌مرغ طی روزهای گذشته از ۲۰۰ هزار تومان به ۳۰۰ هزار تومان در هر شانه افزایش یافته است.

قیمت انواع پروتئین حیوانی در ایران همچنان در حال افزایش است. قیمت گوشت گوساله به بیش از یک و نیم میلیون تومان در هر کیلو رسیده است. قیمت هر عدد تخم‌مرغ نیز به رقم بی‌سابقه ۱۰ هزار تومان رسیده است.

بحران در تولید گوشت، مرغ، تخم‌مرغ و شیرخام به علت کمبود و گرانی نهاده‌های دامی ماه‌هاست هشدار دامداران و مرغداران را در پی داشته است. اکنون اثرات کم‌کاری وزارت جهاد کشاورزی دولت پزشکیان در تأمین ارز مورد نیاز نهاده‌های دامی و عدم نظارت این وزارتخانه بر توزیع نهاده‌های دامی در بازار محصولات پروتئینی نمایان شده است.

اللهیار ولی‌زاده، رئیس اتحادیه صنعت دامپروی روز گذشته اعلام کرده که با وجود اینکه گوشت در کشتارگاه‌ها ۶۵۰ تا ۷۰۰ تومان خریداری می‌شود، قیمت آن در بازار دو برابر و گاهی در شمال تهران تا ۲ میلیون تومان هم به فروش می‌رسد.برخی فعالان صنعت دامپروری معتقدند وزارت جهاد کشاورزی نه تنها حمایتی از تولید با تأمین و توزیع به موقع نهاده‌های دامی انجام نمی‌دهد بلکه بازار محصولات پروتئینی نیز مانند بسیاری از دیگر بازارها در کشور تحت سلطه دلالان مافیایی و وابسته به جریانات حکومتی است.این در حالیست که پیش‌بینی می‌شود با توجه به عدم تأمین نهاده‌ها، همچنان بحران دامپروران و مرغداران پابرجا باشد و افزایش قیمت‌ها ادامه یابد.

در همین رابطه حمیدرضا کاشانی رئیس هیئت مدیره «اتحادیه مرغداران میهن» با بیان اینکه تغییری در وضعیت تامین نهاده های دامی ایجاد نشده است، گفت: «با توجه به قیمت بالای نهاده‌های دامی، قیمت تمام شده دوبرابر نرخ فعلی است به طوریکه استمرار این روند فعلی نیست.»

در شرایطی که قیمت هر شانه ۳۰ عددی تخم‌مرغ به ۳۰۰ هزار تومان رسیده است، حمیدرضا کاشانی هشدار داده «با استمرار روند فعلی تامین نهاده، قیمت هر شانه تخم مرغ به زودی به ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد.»

رئیس هیئت مدیره «اتحادیه مرغداران میهن» همچنین گفته با توجه به شرایط تامین نهاده بعید است که تولید تخم مرغ آبان به ۱۰۵ تا ۱۱۰ هزار تُن برسد. آنطور که این فعال صنفی اشاره کرده کاهش تولید تخم‌مرغ نیز سبب تشدید افزایش قیمت این کالا در بازار خواهد شد.

افزایش قیمت پروتئین‌های حیوانی، مصرف آن را کاهش داده است. اگر چه تخم‌مرغ معروف به غذای فقرا از معدود مواد غذایی مفید و ضروری بود که خانوارهای تنگدست به آن دسترسی داشتند اما همین کالا هم با افزایش قیمت اخیر از سبد مصرف بسیاری از خانوارها حذف، و بر جمعیت گرسنگان در کشور افزوده خواهد شد.

حسین راغفر، اقتصاددان، روز گذشته در گفتگو با «خبرآنلاین» با بیان اینکه در حال حاضر حدود ۱۰ درصد از جمعیت ایران دچار سوءتغذیه و گرسنگی هستند، گفت که با ادامه روند کنونی «جمعیت فقرا» به حدود ۴۰ درصد از کل جمعیت خواهد رسید.

این اقتصاددان اصلاح‌طلب با اشاره بر سوءتغذیه هفت میلیون نفر از جمعیت کشور گفته «این افراد اگر تمام درآمدشان را هم صرف تهیه غذا کنند، باز هم به کالری کافی دست پیدا نمی‌کنند.»

حسین راغفر این وضعیت را حاصل «نظام تبعیض‌آمیز تخصیص منابع و فرصت‌ها» دانست و افزود: «امروز می‌بینیم که هرکس به ساختار قدرت نزدیک‌تر است، منابع یا فرصت‌های بزرگ‌تری را از آن خود کرده است.»

او توضیح داده که «از یک طرف فقر رشد می‌کند و از سوی دیگر یک طبقه کوچک اما بسیار ثروتمند شکل گرفته که در داخل سیستم هم نفوذ دارند و سیاستگذاری‌ها را به نفع خودشان منحرف می‌کنند.»

حسین راغفر معتقد است که قحطی دوران اشغال ایران در جریان جنگ جهانی اول مسئله ناشی از اقدام‌های هدفمند انگلیسی‌ها بود اما گرسنگی موجود به دلیل بلاهت و طمعکاری همراه با خیانت به وجود آمده است.

این اقتصاددان تصور «انتظار کشیدن ابدی» مردم را «تصوری پوچ و خام» خواند و به مقامات حکومت هشدار داده «اینکه فکر کنیم مردم صرفا به تماشای گرسنه‌تر شدن خودشان می‌نشینند خطاست. ادامه این وضعیت در نهایت به بروز واکنش‌های شدید اجتماعی می‌انجامد.»

بسیاری از نهادهای رسمی حکومت نیز سوءتغذیه و گرسنگی بخش قابل توجهی از جمعیت کشور را تأیید می‌کنند. وزارت بهداشت نیز به تازگی با ارائه آماری اعلام کرده ۳۵ درصد از مرگ‌های ثبت شده در ایران ناشی از سوءتغذیه است.بر پایه برآوردهای وزارت بهداشت، هر سال دست‌کم ۱۰ هزار نفر در اثر کمبود اسیدهای چرب امگا۳، حدود ۱۰ هزار نفر به‌دلیل مصرف ناکافی میوه و سبزی و حدود ۲۵ هزار نفر دیگر در پی کمبود غلات و نان کامل در رژیم غذایی جان خود را از دست می‌دهند.

این گزارش همچنین نشان می‌دهد ۵۰ تا ۷۰ درصد از جمعیت ایران نیز با کمبود ویتامین دی روبرو هستند؛ بحرانی که پیامد مستقیم آن ضعف سیستم ایمنی و افزایش بیماری‌های استخوانی است.

نتایج یک نظرسنجی حکومتی:
سطح نارضایتی عمومی در ایران به ۹۲ درصد رسیده است

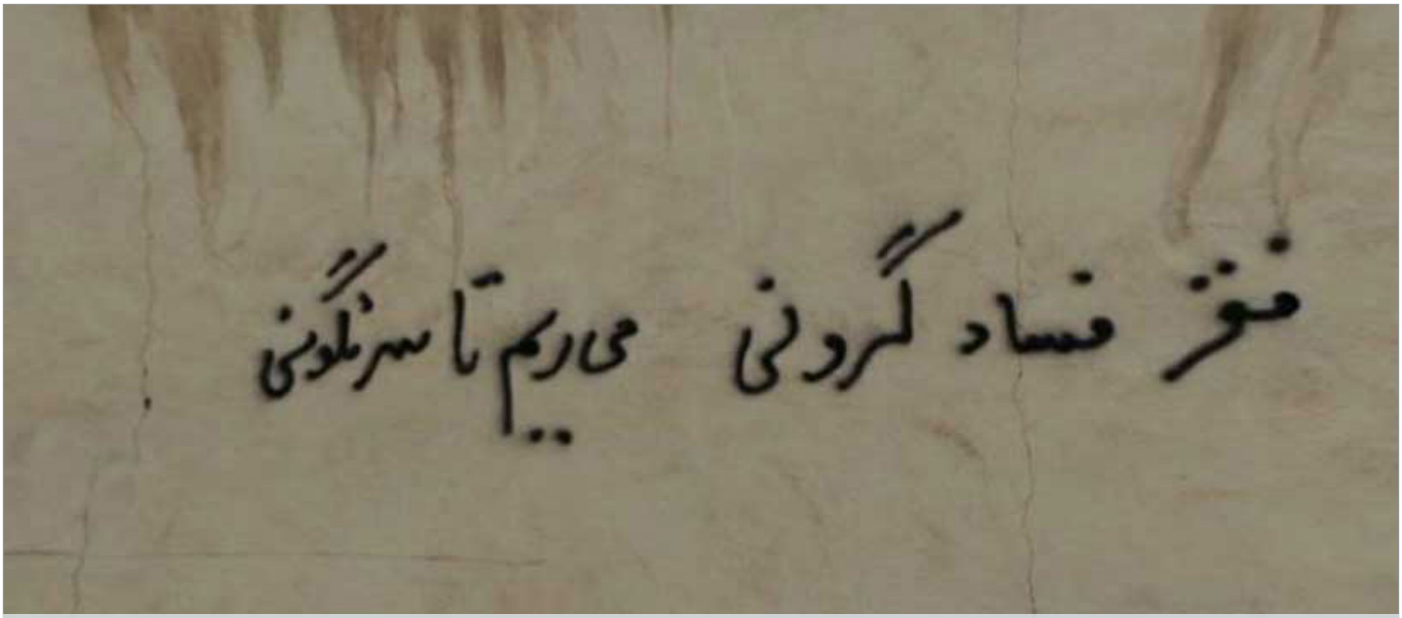

دیوارنویسی مردم در جریان اعتراضات جنبش ملّی ۱۴۰۱

نتایج یک پژوهش که از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) انجام شده نشان می‌دهد سطح نارضایتی از وضعیت کشور به حدود ۹۲ درصد رسیده است.

همچنین میزان رضایت از عملکرد دولت محمود احمدی‌نژاد در بالاترین رتبه و دولت حسن روحانی و مسعود پزشکیان در پایین‌ترین جایگاه آرای مردمی قرار گرفته است.

این نظرسنجی داده‌هایی درباره ارزیابی مردم از «موفقیت دولت‌ها» جمع‌آوری کرده اما نتایج آن به طور کامل منتشر نشده است.

- بر اساس توضیح رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهور این نظرسنجی سال گذشته و در آستانه سفرهای استانی مسعود پزشکیان در ۱۶ استان کشور انجام شده است.

نتایج یک پژوهش که از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) انجام شده نشان می‌دهد سطح نارضایتی از وضعیت کشور به حدود ۹۲ درصد رسیده است.

طی دو روز گذشته برخی رسانه‌های داخلی نتایج یک نظرسنجی را منتشر کرده‌اند که از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) انجام شده است. این نظرسنجی داده‌هایی درباره ارزیابی مردم از «موفقیت دولت‌ها» جمع‌آوری کرده اما نتایج آن به طور کامل منتشر نشده است.

همچنین بر اساس توضیح رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهور این نظرسنجی سال گذشته و در آستانه سفرهای استانی مسعود پزشکیان در ۱۶ استان کشور انجام شده تا میزان رضایت مردم از مسئولان محلی و نحوه پیگیری مطالبات‌شان سنجیده شود.

وبسایت «رویداد ۲۴» با انتشار بخشی از نتایج این نظرسنجی نوشته سطح نارضایتی از وضعیت کشور به حدود ۹۲ درصد رسیده است.

پیشتر نیز در گزارش‌هایی آمار ۹۲ درصدی نارضایتی مردم منتشر شده اما به جزییات آن اشاره‌ای نشده بود. بر اساس آنچه وبسایت «رویداد ۲۴» منتشر کرده میزان رضایت از عملکرد دولت محمود احمدی‌نژاد در بالاترین رتبه و دولت حسن روحانی و مسعود پزشکیان در پایین‌ترین جایگاه آرای مردمی قرار گرفته است.

به گفته منابع آگاه، داده‌های تهران و سایر نقاط کشور با هم متفاوت است و محبوبیت دولت احمدی‌نژاد در تهران پایین‌تر است. با این حال به طور کلی و در سطح ملی، دولت احمدی نژاد در صدر و به ترتیب دولت‌های ابراهیم رئیسی، محمد خاتمی، اکبر هاشمی رفسنجانی، میرحسین موسوی و روحانی در ادامه این فهرست قرار گرفته‌اند. میزان رضایت مردم از دوره زمانی یکساله دولت پزشکیان، در قعر این فهرست قرار گرفته است.

«رویداد۲۴» در گفتگو با منابع آگاه به جزییات این نظرسنجی، وجود این آمارها و نتایج معتبر نهایی آن را تأیید کرده است. با این حال انتشار عمومی این گزارش در اختیار همان موسسه است و «به نظر می‌رسد فعلاً تصمیمی برای رسانه‌ای شدن آن وجود ندارد».

«امتداد ۲۴» همچنین نوشته این نظرسنجی «اساساً برای انتشار عمومی تهیه نشده و مخاطبان آن، مجموعه‌ای از نهادها و چهره‌های داخل حاکمیت هستند». این گزارش افزوده «آنچه بیرون درز کرده فقط رتبه‌بندی محبوبیت عمومی دولت‌هاست، اما در گزارش اصلی، موسسه نظرسنجی تفسیر تحلیلی خود را نیز ارائه می‌کند و همین تفسیر، اهمیت بیشتری نسبت به رتبه‌بندی خام دارد.»

محمدجواد جوادی یگانه، مشاور اجتماعی و رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست‌جمهوری دولت پزشکیان در یک پست اینستاگرام نوشته «پایین بودن رتبه دولت فعلی در مقایسه با دولت‌های پیشین الزاماً به‌معنای عملکرد ضعیف‌تر نیست، بلکه بازتابی از شرایط اقتصادی و اجتماعی امروز کشور است.»

او همچنین افزوده نظرسنجی‌هایی که به سفارش مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست‌جمهوری انجام شده، بیش از آنکه ابزار ارزیابی دولت باشند، آینه‌ای از احساس عمومی جامعه نسبت به حاکمیت هستند.

محمدجواد جوادی‌یگانه بخش دیگری از جزییات این نظرسنجی را نیز ارائه داده است. او نوشته این پیمایش‌ها در آستانه سفرهای استانی رئیس‌جمهور در ۱۶ استان کشور انجام شده تا میزان رضایت مردم از مسئولان محلی و نحوه‌ی پیگیری مطالبات‌شان سنجیده شود. نمونه‌ای از این داده‌ها در نموداری که او منتشر کرده، نشان می‌دهد که مردم عملکرد مسئولان استانی را عمدتاً در سطح «ضعیف تا متوسط» ارزیابی کرده‌اند؛ حتی حدود ۵۹ درصد پاسخ‌دهندگان عملکرد نمایندگان مجلس را ضعیف دانسته‌اند.

رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهوری همچنین مدعی شده «تمایز پزشکیان در این است که باور دارد وقتی مردم ناراضی هستند، پس مشکل از عملکرد ماست. او به دنبال تفسیر نتایج، تغییر گویه‌ها یا مراکز نظرسنجی نیست و حتی جامعه را با تغییر شیوه نمونه‌گیری عوض نمی‌کند. ادراک از نارضایتی مردم، مقدمه حل مسئله است، و نظرسنجی بعدی، معیار حل آن.»

این در حالیست که نظرسنجی‌های دیگر نیز که پیشتر انجام شده با نتایج نظرسنجی ایسپا همخوانی دارند. سال ۱۴۰۱ در یک نظرسنجی که توسط «مؤسسه استاتیس» راجع به محبوبیت نیروهای سیاسی منتشر شده بود، شش چهره سیاسی ایران مورد بررسی قرار گرفتند. در آن نظرسنجی نیز محمود احمدی‌نژاد بیشترین محبوبیت و حسن روحانی کمترین محبوبیت را داشت.

به جیب زدن ۴۰ هزار میلیارد تومان از منابع «بانک آینده» در آخرین دقایق پیش از انحلال

میثم ظهوریان رئیس کمیته ارزی و پولی مجلس شورای اسلامی از «ابهاماتی» در فرآیند انحلال «بانک آینده» خبر داد و گفت بخشی از منابع مالی این بانک پیش از اجرای مصوبه انحلال از آن خارج شده است.

رئیس کمیته ارزی و پولی مجلس شورای اسلامی از «ابهاماتی» در فرآیند انحلال «بانک آینده» خبر داد و گفت بخشی از منابع مالی این بانک پیش از اجرای مصوبه انحلال از آن خارج شده است. به نظر می‌رسد علی انصاری مالک بانک آینده در آخرین دقایق پیش از اعلام رسمی انحلال «بانک آینده» ۴۰ هزار میلیارد تومان از حساب‌های این بانک خارج کرده است.

میثم ظهوریان، رئیس کمیته ارزی و پولی مجلس شورای اسلامی روز شنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۴ اعلام کرده «بخشی از منابع مالی بانک آینده پیش از اجرای مصوبه انحلال از آن خارج شده است.»

رئیس کمیته ارزی و پولی مجلس شورای اسلامی افزوده «در فاصله بین تصمیم‌گیری شورای عالی سران قوا تا اجرایی شدن مصوبه انحلال، ۴۰ هزار میلیارد تومان از بانک آینده خارج شده است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «افرادی که در این بانک مرتکب تخلف یا جرم شده‌اند، از جمله کسانی که معاملات صوری انجام داده یا در طبقه‌بندی‌ها و گزارش‌ها دست‌کاری کرده‌اند، باید با برخورد قضائی و کیفری روبرو شوند.»

او همچنین تأکید کرده روند انحلال بانک آینده نه به معنای ورشکستگی کامل و نه ادغام متعارف است، بلکه سناریویی میانی برای حفظ حقوق سپرده‌گذاران خرد و جلوگیری از گسترش تبعات اقتصادی یک بانک ناسالم است.

میثم ظهوریان هشدار داده که اگر در اجرای این تصمیم، با مدیران و سهامداران متخلف برخورد قضائی و مالی قاطع صورت نگیرد، این اقدام نه تنها بازدارنده نخواهد بود بلکه سایر بانک‌های خصوصی را نیز به تکرار رفتارهای مشابه تشویق می‌کند.

بر اساس توضیحات میثم ظهوریان بانک آینده با آنکه تنها حدود یک و نیم درصد از حجم نظام بانکی کشور را در اختیار داشته، اما به تنهایی حدود ۴۲ درصد از کل اضافه‌برداشت‌های نظام بانکی را تولید کرده است.

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی بانک آینده حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اضافه‌برداشت داشته که این رقم به معنای تزریق مستقیم پول پرقدرت و تأثیر مستقیم بر پایه پولی کشور است. او افزوده با توجه به اینکه رشد نقدینگی عامل اصلی تورم است، باید پذیرفت که بانک‌هایی مانند بانک آینده بخش مهمی از تورم کشور را تولید کرده‌اند.

امحسین محسنی اژه‌ای ۳۰ مهرماه ۱۴۰۴، در حساب کاربری خود در «ایکس» خطاب به رئیس کل بانک مرکزی تهدید کرد: «آقای فرزین، برای هر تصمیمی در مورد «بانک آینده» اختیار قانونی کافی دارید. به وظیفه‌تان عمل کنید در غیر اینصورت ورود می‌کنیم و هزینه را برایتان بالا می‌بریم.»

ساعتی پس از انتشار این متن بانک مرکز خبر رسمی انحلال «بانک آینده» را منتشر کرد. یک روز بعد نیز علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی اعلام کرد قوه قضاییه برای علی انصاری سهامدار اصلی «بانک آینده» پرونده تشکیل داده است.علی انصاری معروف به حاج علی انصاری، یکی از رانتخواران و فاسدان اقتصادی است که سال‌هاست گزارش‌ها درباره چگونگی رانتخواری و به جیب زدن منابع عمومی توسط او مطرح است اما روابط وی که تا «بیت» علی خامنه‌ای کشیده شده مانع از برخورد با او شده است.

«بانک آینده» در سال ۱۳۹۱ از ادغام مؤسسات اعتباری «صالحین» و «آتی» و بانک «تات» تشکیل شد. بارها گزارش‌هایی درباره تخلف این بانک در اعطای تسهیلات کلان بدون وثیقه‌های کافی و سرمایه‌گذاری‌های پرریسک از جمله در پروژه‌های املاک و مستغلات منتشر شده است.

آمارهای رسمی رقم زیان انباشته این بانک را حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان و آن را یک بانک «ورشکسته» نشان می‌دهند.

آمار دیگری که در سال ۱۴۰۱ منتشر شد رقم نسبت کفایت سرمایه بانک بود که به صورت منفی حدود ۱۴۰ درصد اعلام شد. این رقم نشان‌دهنده ناترازی و کمبود شدید منابع مالی این بانک بود. همچنین اعلام شده ۲۵ درصد از رشد پایه پولی اقتصاد ایران در سال گذشته ناشی از اضافه‌برداشت این بانک از منابع بانک‌مرکزی بوده است!

بخشی از ناترازی و کمبود مالی و زیان‌دهی «بانک آینده» ناشی از تزریق ۷۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات به پروژه «ایران مال» است. به بیان دیگر علی انصاری منابع «بانک آینده» را که متعلق به مردم بوده از یک جیب در جیب دیگر گذاشته است!

همچنین در سال ۹۸ خبری درباره اختلاس ۱۴۰ هزار میلیارد تومانی از منابع این بانک، تبدیل آن به ارز توسط علی انتصاری و خارج کردن این رقم به خارج از کشور منتشر شد. این خبر همان زمان از سوی برخی خبرگزاری‌ها تکذیب شد.با اینکه سال‌هاست تخلفات علی انصاری علنی و اثر اقدامات او در «بانک آینده» بر خلق پول در اقتصاد ایران نمایان شده اما همچنان او در حاشیه امنِ حمایت شخصیت‌های برجسته حکومتی از جمله پسران علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی قرار داشت.

پلتفرم تحقیقاتی OCCRP که در زمینه بررسی جرم و فساد در بریتانیا فعالیت می‌کند نیز هفته گذشته گزارش داد که علی انصاری بنیانگذار «بانک آینده» و مالک «ایران‌مال» مالک یک عمارت لاکچری در لندن به ارزش ۳۳/۷ میلیون پوند (حدود ۵۳ میلیون دلار) است.دولت بریتانیا، علی انصاری را به اتهام فساد مالی و حمایت مالی از فعالیت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحریم کرده است.

سهم هر خانوار ایرانی از گوشت در ۳۰ سال گذشته ۶۳ کیلوگرم آب رفت!

هر خانوار ایرانی در سال ۱۳۷۱ بطور متوسط سالانه ۹۵ کیلوگرم گوشت مصرف می‌کرد اما این رقم در سال ۱۴۰۲ به ۳۲ کیلوگرم رسید.

آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تورم مواد غذایی مدتهاست بیشتر از تورم عمومی اقتصاد است. در مهرماه امسال تورم عمومی اقتصاد ۴۸/۶ درصد بود اما تورم مواد غذایی بیش از ۶۴ درصد اعلام شده بود.

آمارها نشان می‌دهد مصرف مواد غذایی مفید و ضروری به علت تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها در ایران با کاهش چشمگیری روبرو شده و بخش قابل توجهی از جمعیت کشور با «سوءتغذیه» و «فقر غذایی» روبرو هستند.

آمارها از سقوط مصرف گوشت در میان خانوارهای ایرانی به علت افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید حکایت دارد.

وبسایت «سرانه» در گزارشی تکاندهنده نوشته در سال ۱۳۷۱، یک خانوار متوسط ایرانی سالانه ۹۵ کیلوگرم گوشت قرمز مصرف می‌کرد. اما طی ۲۲ سال، تا رسیدن به سال ۱۳۹۳، این عدد با سقوطی ۵۷ درصدی به ۴۱ کیلوگرم رسید. در این دوره، گوشت قرمز به تدریج از یک کالای روزمره به یک کالای هفتگی یا ماهانه تبدیل شد.

از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲، مصرف گوشت باز هم ۲۲ درصد دیگر کاهش یافت و از ۴۱ کیلوگرم به ۳۲ کیلوگرم رسید. این دوره، مصادف با جهش‌های ارزی و تورم‌های سنگین بود که تیر خلاص را به باقی‌مانده قدرت خرید خانوار برای تأمین پروتئین زد و راه را برای قیمت‌های میلیونی امروز هموار کرد.جدیدترین آمارها البته نشان می‌دهد طی دو سال گذشته و از سال ۱۴۰۲ تا سال ۱۴۰۴ نیز سرانه مصرف گوشت با کاهش بیشتری روبرو شده است. بر اساس آخرین آمارها سرانه مصرف سالانه گوشت در ایران بین حدود ۵ تا ۶ کیلوگرم برای گوشت قرمز و حدود ۳۲ کیلوگرم برای گوشت مرغ است.

وبسایت «سرانه» نوشته گوشت قرمز که زمانی شاخص رفاه طبقه متوسط بود، اکنون به نمادی از شکاف اقتصادی و کالایی تبدیل شده که خرید آن برای بخش بزرگی از جامعه نیازمند برنامه‌ریزی و حذف هزینه‌های دیگر است.

جهش قیمت از سطوح چند ده هزار تومانی در دهه‌های گذشته به بیش از یک میلیون تومان در حال حاضر، به طور مستقیم توضیح‌دهنده سقوط ۶۷ درصدی مصرف است. این یک رابطه علت و معلولی شفاف و غیرقابل انکار است.

این آمارها فراتر از یک تحلیل اقتصادی، یک هشدار جدی در حوزه امنیت غذایی و سلامت عمومی است. جایگزینی پروتئین حیوانی با منابع ارزان‌تر و کم‌کیفیت‌تر، می‌تواند در بلندمدت بر سلامت نسل آینده تأثیرگذار باشد.

وبسایت «سرانه» با انتشار این آمارها نوشته «این اعداد، نه سیاه‌نمایی هستند و نه نیازمند تفسیر پیچیده. آن‌ها تنها روایتگر واقعیتی هستند که هر روز در سبدهای خرید و پای صندوق‌های فروشگاه‌ها دیده می‌شود: سفره‌هایی که سبک‌تر و فاصله‌هایی که عمیق‌تر شده‌اند.»

وبسایت «اقتصاد۲۴» نیز در گزارشی میدانی نوشته یخچال یک فروشگاه زنجیره‌ای که در مرکز شهر قرار دارد، با ردیفی از بسته‌های گوشت و مرغ تازه، به‌روز و منظم چیده شده است، اما جنب‌وجوشی در اطراف آن دیده نمی‌شود. خانمی میانسال، با سبدی در دست، مقابل یخچال ایستاده است. درون سبدش یک بسته مرغ و یک بسته گوشت قرار دارد.

او درباره میزان خرید گوشت و مرغ بعد از افزایش قیمت‌ها، می‌گوید: «قطعا تأثیر گذاشته است. تا همین هفت، هشت ماه پیش ماهی دو بار گوشت و مرغ می‌خریدیم، اما حالا شده ماهی یک‌بار. تازه ما فقط دو نفر هستیم، وای به حال خانواده‌های چهار نفره!»

او درباره اینکه آیا این افزایش قیمت باعث تغییر در الگوی مصرفشان نشده است؟ بیان می‌کند: «هیچ چیز دیگری که نمی‌تواند جای گوشت را بگیرد. مثلا اگر چند تکه مرغ بخواهم بخرم، اندازه یک وعده کفاف می‌دهد.»

او افزوده «فعلا تا حدودی با مدیریت و به سختی از عهده تامین مواد غذایی مورد نیازمان برمی‌آییم، اما با این وضعیت گرانی، بعید نیست مرغ و گوشت از سفره مایی که از نظر مالی قشر متوسط جامعه محسوب می‌شویم هم حذف شود.»

یکی از کارکنان فروشگاه نیز با اشاره به کاهش فروش در پی افزایش قیمت‌ها گفته پدیده دزدی هم افزایش یافته است: «به خصوص از قفسه گوشت و مرغ و قسمت انتهایی فروشگاه، یعنی غرفه لبنیات که خارج از دید ماست. ما هم چند نفر بیشتر نیستیم؛ نمی‌توانیم هم پاسخگوی مشتری باشیم، هم کل فروشگاه را زیر نظر داشته باشیم.»

آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تورم مواد غذایی مدتهاست بیشتر از تورم عمومی اقتصاد است. در مهرماه امسال تورم عمومی اقتصاد ۴۸/۶ درصد بود اما تورم مواد غذایی بیش از ۶۴ درصد اعلام شده بود.

روزنامه «دنیای اقتصاد» گزارش داده که افزایش بالای قیمت خوراکی‌ها در ماه‌های گذشته در کنار ثابت ماندن دستمزد حقوق‌بگیران باعث شده خانوارها به ویژه در آغاز نیمه دوم سال بخش زیادی از درآمد خود را صرف تأمین مواد غذایی کنند و با توجه به بالابودن قیمت مواد غذایی پرکالری، احتمالا تا پایان سال خوراکی‌های کم‌کالری را جایگزین خواهند کرد.

این گزارش به نقل از کارشناسان تأکید کرده که افزایش فزاینده قیمت کالاهای اساسی همچون برنج، نان و حبوبات برای خانواده‌های کم‌درآمد فاجعه‌بار خواهد بود و فقر غذایی در میان مردم را گسترش خواهد داد.

این گزارش با اشاره به اینکه «فقر کالری یکی از چالش‌های مهمی است که به دلیل پیامدهای بلندمدت و آثار گسترده‌ای که بر سلامت و بهره‌وری افراد جامعه دارد، همواره مورد توجه کارشناسان بوده است» نوشته افزایش نقدینگی، نوسانات ارزی، و رشد هزینه‌های تولید از عوامل اصلی تورم خوراکی‌ها عنوان می‌شود. کاهش بارندگی و خشکسالی نیز باعث کمبود عرضه و گرانی بیشتر محصولات کشاورزی شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز پیشتر در گزارشی تأکید کرده بود که میانگین کالری مصرفی ایرانیان اکنون کمتر از حداقل نیاز روزانه ۲۱۰۰ کالری است. همچنین وزارت بهداشت جمهوری اسلامی نیز به تازگی در آماری اعلام کرده که حدود یک سوم موارد مرگ در ایران به مسائل تغذیه‌ای از جمله سوءتغذیه، عدم دریافت کافی مواد مفیدی چون کلسیم، آهن و اُمگا-سه مربوط است.

حسین راغفر، اقتصاددان پیشتر درباره پیامدهای افزایش تورم موادخوراکی گفته بود «این امر همواره یکی از معضلات اساسی کشور بوده است. علاوه بر مسئله نیروی کار، بر رشد جوان‌ها در کشور تاثیر تعیین‌کننده‌ای داشته است. رشد نایافتگی بدن افراد در جامعه به خصوص دانش‌آموزان مسئله مهمی است. ما با کجی اندام استخوان‌ها و کوتاهی قد، به خصوص در مناطق محروم کشور، در دوره‌هایی مواجه بودیم.»

وی در ادامه مطرح کرده بود: «این تورم لجام گسیخته پیامد هولناکی برای آینده سلامت جامعه دارد که متاسفانه کسی به این مسائل توجهی ندارد. علاوه بر این، تاثیر مهمی روی سلامت جسمانی و روحی شهروندان و مردم دارد. به همین دلیل هم کسانی که با افزایش قیمت موافق هستند، باید به این پیامدها توجه داشته باشند. منتهی از آنجایی که نفوذ نهادهای قدرت و ثروت در این مسئله زیاد است، طبیعتا منافع آنهاست که لحاظ می‌شود نه منافع مردم.»

رقم سبد معیشت ۵۸ میلیون تومان شد؛ موج ویرانگر فقر در میان خانوارهای ایران

در حالیکه سخنگوی دولت در ادعایی بی‌مبنا رقم خط فقر برای هر شهروند را حدود شش میلیون تومان در ماه اعلام کرده، محاسبات اقتصادی نشان می‌دهند این رقم به حدود ۲۰ میلیون تومان رسیده است.

فرامرز توفیقی فعال کارگری اعلام کرده رقم سبد معیشت که بیانگر میزان هزینه‌های ضروری یک خانوار سه نفره است به ۵۸ میلیون رسیده است. او تأکید کرده درآمد اقشار کارگری و دیگر حداقل‌بگیران از جمله بازنشستگان تأمین اجتماعی فقط برای شش تا هفت روز در ماه کافی است.

با توجه به افزایش قابل توجه تورم مواد غذایی و آموزش در مهرماه، که به عنوان دو فاکتور مهم در سبد معیشت خانوارهای کم‌درآمد به شمار می‌روند، موضوع افزایش رقم سبد معیشت یا همان هزینه‌های ضروری زندگی مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است. در حالیکه سخنگوی دولت در ادعایی بی‌مبنا رقم خط فقر برای هر شهروند را حدود شش میلیون تومان در ماه اعلام کرده، محاسبات اقتصادی نشان می‌دهند این رقم به حدود ۲۰ میلیون تومان رسیده است.

سبد معیشت خانوارهای کارگری- همان سبد رسمی شورایعالی کار- که در اسفند سال قبل حدود ۲۴ میلیون نرخ‌گذاری شده بود، با این تورم کمرشکن ماه‌های اخیر، در مهرماه بیش از دو برابر افزایش یافته است.

در همین رابطه فرامرز توفیقی، فعال کارگری و پژوهشگر اقتصادی در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته نرخ سبد معیشت با احتساب معیارهای محاسباتی رسمی، امروز به حدود ۵۸ میلیون تومان رسیده است. این عدد را ببینید و کنار حداقل دستمزد ۱۵ میلیون تومانی بگذارید؛ سطح پوشش حداقل دستمزد به زیر ۳۰ درصد رسیده؛ در واقع حداقل حقوق فقط ۲۸ درصد سبد معیشت خانوار را پوشش می‌دهد.

این فعال کارگری تأکید کرده «دستمزد یک کارگر فقط برای شش‌ونیم روز ماه کافی‌ست؛ باقی هزینه‌ها با ارزان‌خری، حاشیه‌نشینی و زندگی در حلبی‌آبادها، خود-درمانی یا زدن از هزینه‌های تحصیل و آموزش فرزندان جبران می‌شود؛ در نهایت بازهم حفره‌های خالی‌ای باقی می‌ماند که با هیچ ترفند محیرالعقولی پُر نمی‌شود!»

او معتقد است تورم نقطه به نقطه واقعی سبد خوراکی‌ها در مهرماه، بیش از ۹۰ درصد است اما دولت با عددسازی، این شاخص را ۶۴ درصد اعلام می‌کند.این فعال کارگری با اشاره به قیمت نان که به تازگی ۱۰۰ درصد گران شده بود اما دوباره در مشهد گران شده است گفته برخی اطلاعات از گرانی ۴۰ درصدی نان در مشهد حکایت دارد.

فرامرز توفیقی تأکید کرده «دولت کنترلی بر قیمت‌ها ندارد و مافیاها خودسرانه جولان می‌دهند و مسئول این گرانی‌ها هستند؛ حتی شیر و نهاده‌های دامی هم مافیا دارد و به همین دلیل، بی‌وقفه گران می‌شود. نهادها و شرکت‌هایی که از دامداران شیر خام می‌خرند و تبدیل به لبنیات مصرفی مردم می‌کنند، همگی دولتی، نیمه دولتی یا خصولتی هستند؛ از ابتدای سال تا امروز چند بار لبنیات گران شده است.»

او با تأکید بر وجود مافیا در تولید و توزیع موادغذایی و طرح این پرسش که «چه کسانی پشت این گرانی‌ها هستند؟» گفته «هر روز صبح متوجه می‌شویم چند قلم کالا گران شده است. در این شرایط جز عجز و ناتوانی دولت چیزی نمی‌بینیم؛ گوشت و دام زنده هم به شدت گران شده است؛ ما پشت پرده‌ی ماجرای تب برفکی و گرانی دام را نمی‌دانیم!»

افزایش رقم سبد معیشت به ۵۸ میلیون تومان در حالیست که به تازگی فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت رقم خط فقر برای هر فرد را ۶ میلیون تومان اعلام کرده است. اعلام چنین رقمی که هیچ تناسبی با هزینه‌های زندگی در ایران ندارد با موجی از واکنش‌ها روبرو شد.

به عقیده بسیاری از تحلیلگران دولت مسعود پزشکیان در شرایطی با فرافکنی ارقام خط فقر و سبد معیشت و حتی آمار تورم را دستکاری می‌کند که شهروندان به علت تجربه روزمره‌ای که از افزایش هزینه‌ها دارند، با ادعاهای مقامات دولت بیش از پیش خشمگین و ناراضی می‌شوند.

علی قنبری اقتصاددان و استاد دانشگاه با انتقاد از «پنهان» کردن رقم خط فقر از سوی مقامات دولت گفته «سال‌ها پیش شاید رقم‌هایی مانند چند میلیون تومان برای تعیین خط فقر منطقی به نظر می‌رسند، اما امروز وقتی قیمت کالاهای اساسی، مسکن و هزینه‌های درمانی به شکلی محسوس افزایش یافته، صحبت از خط فقر کمتر از ده‌ها میلیون تومان، نوعی چشم پوشی از واقعیت است.»

علی قنبری افزوده «بر اساس آنچه در بازار و زندگی روزمره مشاهده می‌شود، بسیاری از خانواده‌ها معتقدند خط فقر برای خانواده چهارنفره در ایران امروز به بیش از ۵۰ میلیون تومان در ماه می‌رسد. عددی که برای اکثریت جامعه، به‌ویژه کارگران و بازنشستگان، رؤیایی و دور از دسترس است. اما موضوع فقط رقم نیست. مهمتر از عدد، محاسبه و اعلام رسمی آن است. در همه کشورها، دولت‌ها موظف‌اند و شاخص‌هایی مانند فقر را به‌طور شفاف و علمی اعلام می‌کنند تا هم مردم و هم برنامه‌ریزان بدانند در چه وضعیتی قرار دارند.»این اقتصاددان معتقد است در جمهوری اسلامی شاخص فقر به «موضوعی سیاسی» تبدیل شده است. «دولت‌ها معمولاً از اعلام طفره می‌روند، چرا که اعتراف به میزان ضعیف، یعنی پذیرش ناتوانی در کنترل تورم و حفظ قدرت خرید مردم. در چنین فضایی، وزارت کار و رفاه اجتماعی نیز به‌خوبی از واقعیت آگاه است، با بیان آن به صورت شفاف خودداری می‌کند.»

علی قنبری تأکید کرده «اگر دولت رقمی غیرواقعی اعلام کند، نتیجه نه‌تنها بی‌اعتمادی عمومی است، بلکه باعث افزایش احساس بی عدالتی و ناامیدی اجتماعی می‌شود.»

دولت پزشکیان همچنین طی ماه‌های گذشته و با وجود تورم فزاینده در بخش موادغذایی و درمان و آموزش، هیچ اقدام کارآمدی برای حمایت از خانوارهای کم‌درآمد انجام نداده است. به گفته بسیاری از کارشناسان توزیع چند نوبت کالابرگ الکترونیک نتوانسته فاصله عمیق میان درآمدهای ناچیز با هزینه‌های سرسام‌آور زندگی را جبران کند.

از سوی دیگر چشم‌انداز اقتصادی کشور نیز منفی است و به گفته بسیاری از کارشناسان تورم به زودی به بیش از ۵۰ درصد خواهد رسید.

در همین رابطه امیرحسین خالقی، اقتصاددان معتقد است «اگر بخواهیم بر مبنای ادامه روند فعلی صحبت کنیم و خیلی هم بدبینانه نگاه نکنیم، به نظر می‌رسد حتی در همین وضعیت هم تورم می‌تواند از کانال ۴۰ درصد فراتر برود. تورم نقطه‌به‌نقطه در مهرماه به حدود ۵۰ درصد رسیده بود. حدس من این است که به‌تدریج از این کانال ۴۰ درصد عبور خواهیم کرد و در بهترین حالت، باید خودمان را برای تورم ۵۰ درصدی یا حتی بالاتر آماده کنیم. به‌نوعی می‌توان گفت که ما به این سطح از تورم عادت خواهیم کرد؛ روندی که از امسال خود را نشان داده و پس از سه چهار سال تورم ۴۰ درصدی، اکنون در حال ورود به کانال بالاتری است.»

امیرحسین خالقی مطلق گفته شاید بتوانیم وضعیت کنونی صادرات نفت را حفظ کنیم و تا حدی کالاهای اساسی را تأمین کنیم. اما واقعیت این است که اقتصاد ما از نظر ساختاری در حال تثبیت همان ایرادات و کاستی‌های قدیمی خود است و به سمت بروز بحران‌های عمیق‌تر پیش می‌رود؛ بحران‌هایی که در گذر زمان، آثار خود را نشان خواهند داد.»

او افزوده «ناترازی بودجه نیز در آینده پابرجا خواهد ماند و بعید است در کوتاه‌مدت تغییری در آن ایجاد شود. بحران انرژی که پیش‌تر اشاره کردم نیز همین‌طور است. در واقع، در هر بخشی از اقتصاد که دست بگذاریم، می‌توانیم برچسب «ناترازی»، «ایراد» یا «بحران» را روی آن بگذاریم.»

مقام ارشد اسرائیلی: هدف‌گذاری اسرائیل برای سرنگونی جمهوری اسلامی تا پایان دوره ترامپ

ترامپ در جلسه با رهبران کشورهای آسیای میانه:
«ایران از آمریکا پرسیده آیا ممکن است تحریم‌ها لغو شود؟»

آزادی شش دانشجوی بازداشتی دانشگاه بوعلی همدان با قرار وثیقه

نقاب «ملی‌گرایی» بر چهره نابودگران ایران
طرح از محمد رنجبر

سلسله مرگ‌های مشکوک جوانان؛
مردم باور دارند حکومت «قاتل» است

رقم سبد معیشت ۵۸ میلیون تومان شد؛
موج ویرانگر فقر در میان خانوارهای ایران

شاخص بورس حدود ۳۷ هزار واحد سقوط کرد

شهرهای بزرگ در تنگنای آبی؛
آبفای کشور: جیره‌بندی آب یعنی تأمین نوبتی آب طبق اعلام قبلی!

آکسیوس: طرح سپاه پاسداران برای ترور سفیر اسرائیل در مکزیک؛
سفارت جمهوری اسلامی تکذیب کرد

پیداشدن ۷۴ پیکر مجهول‌الهویه در بستر خشک سد کرج

وضعیت هوای اصفهان، اهواز و سه شهر دیگر استان خوزستان «بنفش» شد

روزنامه «اورشلیم‌پست»: آیا اسرائیل و آمریکا پیش از پایان ریاست‌جمهوری ترامپ موفق به «تغییر رژیم» در ایران خواهند شد؟

شبه نظامیان حوثی:
حمله به اسرائیل و کشتی‌ها در دریای سرخ متوقف شده است

نیکولا سارکوزی با رأی دادگاه تجدید نظر از زندان آزاد شد

نیویورک‌تایمز: جنگ مجدد اسرائیل با جمهوری اسلامی اجتناب‌ناپذیر است

وزیر نفت تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین را تکذیب نکرد؛
معاون دفتر پزشکیان افزایش قیمت بنزین را «دروغ» خواند!

بیانیه ۱۲۰ تهیه‌کننده و کارگردان سینما در حمایت از درخواست حذف پروانه ساخت فیلم و ممیزی فیلمنامه

روزنامه «تایمز»:
امپراتوری پنهان علی انصاری، از سپرده‌های بانکی تا عمارت‌های چند میلیون پوندی در لندن

استاندار خوزستان:
یکی از فلرهای نفتی نزدیک اهواز گاز سمی هیدروژن سولفید تولید می‌کند

افشای عملیات نفوذی دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی در فرانسه

احمد بالدی چند روز پس از خودسوزی اعتراضی در اهواز جان باخت

اسرائیل، دوست بی‌نیاز از توصیف ایران

زنگ خطر آلودگی هوا در ایران؛
مرگ ده‌ها هزار نفر در سال و خسارت اقتصادی روزانه ۴۷ میلیون دلار!

در بحران گرانی و سقوط قدرت خرید در ایران، کارگران برای زنده ماندن هم با مشکل روبرو هستند

اعتراض مدرس حوزه علمیه به وضعیت «اورژانسی» بی‌حجابی!

هشدار یک اقتصاددان:
حذف ارز ترجیحی تورم را به صورت انفجاری افزایش می‌دهد

گفتگو با دکتر روزبه یاسینی‌فرد، مخترع و کارآفرین ایرانی مشهور به «پدر مودم کابلی»

بازداشت یک شهروند ایرانی- آمریکایی کلیمی در ایران

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی:
احتمالاً در جلسه آتی شورای حکام علیه ما اقدام شود

به جیب زدن ۴۰ هزار میلیارد تومان از منابع «بانک آینده» در آخرین دقایق پیش از انحلال

مرگ ۵۹ هزار نفر در سال ۱۴۰۳ بر اثر آلودگی هوا

سرنوشت میهم ۴۰۷ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی؛
افزایش احتمال حمله نظامی مجدد به ایران

شیوع ویروس‌های «رینوویروس» و «کرونا» در ایران

با تأیید شورای نگهبان، فرآیند حذف ۴ صفر از پول ملی آغاز شد

ترکیه حکم بازداشت نتانیاهو و چند مقام اسرائیلی را صادر کرد؛
قدردانی تروریست‌های حماس از اردوغان

رئیس سازمان پدافند غیرعامل:
پیش از جنگ فقط مسئولین از پناهگاه‌ها اطلاع داشتند

در شش سال گذشته ایران چه تغییراتی کرده است؟

بودجه ارزی دولت برای واردات بنزین تمام شد؛
احتمال افزایش قیمت بنزین آزاد

اصناف دانشجویی دانشگاه‌های تهران و «شریف»:
اینترنت طبقاتی که «مصداق تشدید نابرابری و تبعیض ساختاری» را نمی‌پذیریم!

سهم هر خانوار ایرانی از گوشت در ۳۰ سال گذشته ۶۳ کیلوگرم آب رفت!

ادامه موج بازداشت سریالی نویسندگان و مترجمان؛
کیوان مهتدی بازداشت شد

معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا:
جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۵ یک میلیارد دلار برای حزب‌الله پول ارسال کرده است

عباس عراقچی: در حال حاضر هیچ امکانی برای از سر گیری مذاکرات با آمریکا وجود ندارد

نامه اعتراضی جمهوری اسلامی به سازمان ملل درباره «فرماندهی ترامپ» در جنگ ۱۲ روزه

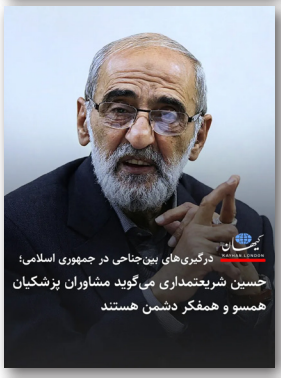

درگیری‌های بین‌جناحی در جمهوری اسلامی:
حسین شریعتمداری می‌گوید مشاوران پزشکیان همسو و همفکر دشمن هستند

بزرگداشت مهناز افخمی در دانشگاه «جرج تاون»:
«هرچه زنان بیشتر دیده شوند، رژیم بیشتر ناپیدا می‌شود»

ادعای نماینده مجلس شورای اسلامی:
«اجرا نشدن قانون حجاب و عفاف باعث کم‌آبی شده است!»

عضو مجمع خبرگان رهبری:
علت خشکسالی «تجاهر به فسق» و «بی‌حجابی» است

امام جمعه قم:
با خشکسالی سنگین مواجه هستیم، باید توبه کنیم

مستمری معلولان ماهانه فقط سه میلیون تومان!

KAYHANLIFE
KAYHAN LONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

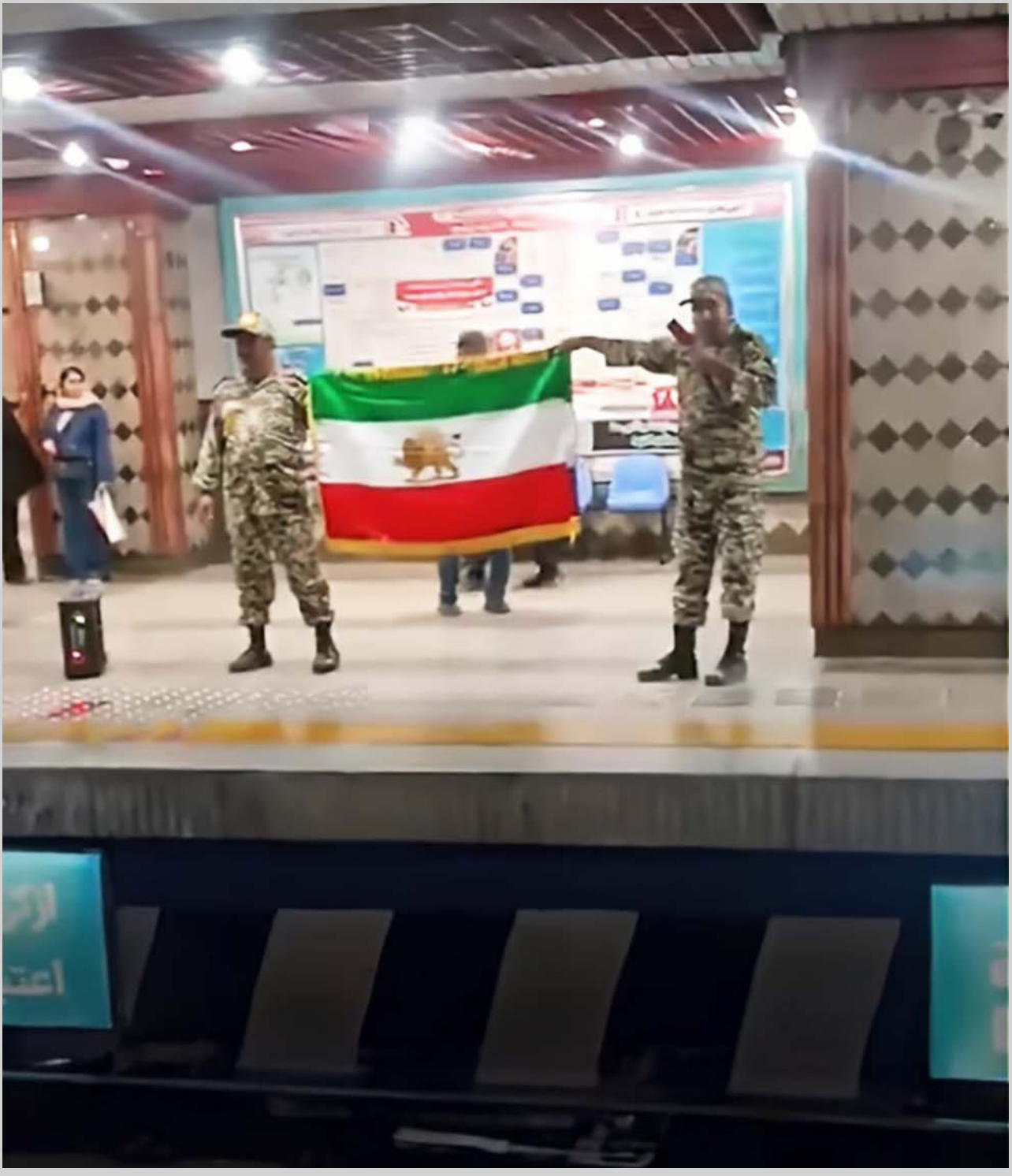

عکس هفته | ایران برمی‌خیزد

برافراشتن پرچم شیروخورشید توسط دو نیروی ارتش در ایستگاه مترو، تهران، آبان‌ماه ۱۴۰۴